



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

امامی

در آیتها و آیات شریفه و اصل مسأله

تألیف

مجتهدان عظام و آیت الله العظمی

تألیف

مجتهدان عظام و آیت الله العظمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام مهدي در آينه روايات شيعه و اهل سنت

نويسنده:

محمد امير ناصري

ناشر چاپي:

مجمع جهاني تقريبات مذاهب اسلامي

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	امام مهدی در آیینه روایات شیعه و اهل سنت
۱۲	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۷	فهرست
۲۹	مقدمه مرکز تحقیقات
۳۳	مقدمه مترجم
۳۷	باب اول: ضرورت پیروی از «امام»
۴۱	باب دوم: دوازده امام، از قریش
۴۵	باب سوم: بشارت رسول خدا صلی الله علیه و آله به آمدن مهدی
۴۹	باب چهارم: نام و کنیه مهدی
۵۱	باب پنجم: نسب مهدی
۵۱	اشاره
۵۱	فصل اول: مهدی از اهل بیت علیهم السلام است
۵۷	فصل دوم: مهدی علیه السلام از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله است
۵۸	فصل سوم: مهدی علیه السلام از عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله است
۶۰	فصل چهارم: مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام است
۶۳	فصل پنجم: مهدی علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام است
۶۶	فصل ششم: نام پدر مهدی علیه السلام
۷۰	باب ششم: منزلت و فضایل مهدی علیه السلام
۷۰	اشاره
۷۰	فصل اول: از سروران اهل بهشت
۷۲	فصل دوم: همراهی فرشتگان
۷۴	فصل سوم: مقام والای مهدی در پیشگاه خداوند

۷۵	فصل چهارم: اقتدای عیسی علیه السلام به مهدی علیه السلام
۸۰	باب هفتم: ویژگی های ظاهری و رفتاری مهدی علیه السلام
۸۰	اشاره
۸۰	فصل اول: ویژگی های جسمی
۸۴	فصل دوم: شبیه ترین مردم به پیامبران
۸۷	فصل سوم: جود و کرم
۹۱	فصل چهارم: عدالت و برکت
۹۷	باب هشتم: جهان اسلام هنگام ظهور
۹۷	اشاره
۹۷	فصل اول: غربت اسلام و دوری مسلمانان از دین
۱۰۶	فصل دوم: دانش و دانشمندان
۱۰۹	فصل سوم: قرآن و قاریان
۱۱۱	فصل چهارم: ارزش های اخلاقی و اجتماعی
۱۱۵	فصل پنجم: روابط خانوادگی
۱۱۷	فصل ششم: مساجد و اهل مساجد
۱۱۹	فصل هفتم: بی اعتنایی به حج
۱۲۰	فصل هشتم: بازگشت کفر و جاهلیت
۱۲۳	باب نهم: اوضاع سیاسی جهان اسلام هنگام ظهور
۱۲۳	اشاره
۱۲۳	فصل اول: سلطه طاغوت و ظلم بر مسلمانان
۱۳۰	فصل دوم: اختلاف های شدید بین مسلمانان
۱۳۴	فصل سوم: هجوم وحشیانه کفار بر مسلمانان
۱۳۶	فصل چهارم: شیوع قتل، مرگ، گرسنگی و ترس
۱۳۹	باب دهم: اوضاع اقتصادی جهان اسلام هنگام ظهور
۱۴۳	باب یازدهم: پدیده های طبیعی پیش از ظهور و قیامت
۱۴۳	اشاره

۱۴۳	فصل اول: طلوع خورشید از مغرب، دجال، خَسَف و آتش
۱۴۸	فصل دوم: نشانه ای با خورشید
۱۴۹	فصل سوم: طلوع ستاره دنباله دار
۱۵۰	فصل چهارم: ندایی از آسمان
۱۵۵	فصل پنجم: زلزله و قذف
۱۵۶	فصل ششم: کسوف و خسوف در ماه رمضان
۱۵۸	فصل هفتم: ظهور نشانه ای بزرگ در مشرق
۱۶۱	باب دوازدهم: فتنه ها و حوادث نزدیک به زمان ظهور
۱۶۱	اشاره
۱۶۱	فصل اول: فتنه های پیش از ظهور
۱۶۵	فصل دوم: فتنه های همزمان با ظهور
۱۶۷	باب سیزدهم: منتظران و زمینه سازان ظهور
۱۶۷	اشاره
۱۶۷	فصل اول: جنبش های مقدماتی و دائمی
۱۶۸	فصل دوم: زمینه سازان قیام در مشرق
۱۷۱	فصل سوم: زمینه سازان قیام در مغرب
۱۷۳	باب چهاردهم: اصحاب و یاران خاص مهدی علیه السلام
۱۷۳	اشاره
۱۷۳	فصل اول: تعداد اصحاب
۱۷۶	فصل دوم: نام و وطن اصحاب
۱۸۹	فصل سوم: اصحاب کهف
۱۹۰	فصل چهارم: تعدادی از اصحاب خاص
۱۹۴	فصل پنجم: فضایل و خصوصیات اصحاب
۱۹۷	فصل ششم: زنان، بین اصحاب مهدی علیه السلام
۱۹۹	باب پانزدهم: سفیانی
۱۹۹	اشاره

۱۹۹	فصل اول: خروج حتمي سفيانی
۲۰۱	فصل دوم: ویژگی های جسمی سفيانی
۲۰۳	فصل سوم: مدت حکومت سفيانی
۲۰۴	فصل چهارم: وطن سفيانی
۲۰۵	فصل پنجم: خشونت و اعمال زشت سفيانی
۲۰۷	فصل ششم: سرنوشت سفيانی
۲۱۳	باب شانزدهم: سپاه خسف [۴۰]
۲۱۷	باب هفدهم: دجال
۲۱۷	اشاره
۲۱۷	فصل اول: خروج دجال پيش از قيام مهدي عليه السلام
۲۱۸	فصل دوم: اولین محلّ خروج دجال
۲۲۰	فصل سوم: اسم دجال
۲۲۱	فصل چهارم: مشخصات ظاهری دجال
۲۲۲	فصل پنجم: وارد نشدن دجال به مکه و مدینه
۲۲۳	فصل ششم: سرنوشت دجال
۲۲۵	فصل هفتم: قتل دجال در قدس
۲۲۶	فصل هشتم: قتل دجال بعد از نماز
۲۲۷	فصل نهم: برخی حيله گريها و حالات دجال
۲۳۱	فصل دهم: ویژگی های پیروان دجال
۲۳۲	فصل یازدهم: نزول برکت بعد از قتل دجال
۲۳۳	باب هجدهم: مهدي عليه السلام و ميراث پیامبران
۲۳۳	اشاره
۲۳۳	فصل اول: ذخيره های پیامبران را می آورد
۲۳۴	فصل دوم: پرچم رسول خدا صلی الله عليه و آله
۲۳۷	فصل سوم: ميراث دار پیامبران
۲۴۰	فصل چهارم: سلاح رسول خدا صلی الله عليه و آله

۲۴۱	باب نوزدهم: ظهور امام مهدی علیه السلام
۲۴۱	اشاره
۲۴۱	فصل اول: ظهور پس از خواست مردم
۲۴۴	فصل دوم: ظهور از مکه
۲۴۶	فصل سوم: بیعت با مهدی علیه السلام بین رکن و مقام
۲۴۷	فصل چهارم: ظهور کنار کعبه
۲۴۸	فصل پنجم: ظهور در وقت عشا
۲۴۸	فصل ششم: قیام با حضور سیصد و سیزده نفر
۲۴۹	فصل هفتم: خروج مهدی علیه السلام از یمن
۲۵۱	باب بیستم: نزول حضرت عیسی علیه السلام
۲۵۱	اشاره
۲۵۱	فصل اول: نزول عیسی علیه السلام برای امیر و امت اسلام
۲۵۲	فصل دوم: مشخصات ظاهری عیسی علیه السلام هنگام نزول
۲۵۴	فصل سوم: نزول عیسی علیه السلام نزد مسلمانان راستین
۲۵۶	فصل چهارم: اقتدای عیسی علیه السلام به مهدی علیه السلام
۲۶۰	فصل پنجم: مسیح علیه السلام وزیر مهدی علیه السلام
۲۶۰	فصل ششم: نزول مسیح علیه السلام در دمشق
۲۶۱	فصل هفتم: نزول عیسی علیه السلام در وقت فجر
۲۶۲	فصل هشتم: نزول عیسی علیه السلام در قدس
۲۶۳	فصل نهم: عیسی علیه السلام قاتل خنزیر و شکننده صلیب
۲۶۴	فصل دهم: قتل دجال توسط عیسی علیه السلام
۲۶۵	فصل یازدهم: حکومت عادلانه عیسی علیه السلام
۲۶۶	فصل دوازدهم: ازدواج عیسی علیه السلام با زنی از غسان
۲۶۷	باب بیست و یکم: بیعت مهدی علیه السلام
۲۶۷	اشاره
۲۶۷	فصل اول: بیعت مردم با مهدی از نقاط مختلف

۲۷۰	فصل دوم: بیعت با مهدی علیه السلام در مکه
۲۷۱	فصل سوم: بیعت با مهدی علیه السلام بین رکن و مقام
۲۷۳	فصل چهارم: بیعت سید و ده و اندی نفر با مهدی علیه السلام
۲۷۵	باب بیست و دوم: جنگ های داخلی مهدی علیه السلام
۲۷۵	اشاره
۲۷۵	فصل اول: نبرد با سفیانی
۲۷۹	فصل دوم: نبرد با دجال
۲۸۰	فصل سوم: لشکرکشی مهدی به قدس
۲۸۱	فصل چهارم: فتح مکه و مدینه
۲۸۲	فصل پنجم: فتح شام
۲۸۵	باب بیست و سوم: جنگ های خارجی مهدی علیه السلام
۲۸۵	اشاره
۲۸۵	فصل اول: نبرد با رومیان
۲۸۸	فصل دوم: فتح قسطنطنیه [۸۸]
۲۹۰	فصل سوم: فتح کره زمین
۲۹۳	باب بیست و چهارم: احوال و اوصاف سپاه مهدی علیه السلام
۲۹۳	اشاره
۲۹۳	فصل اول: آمادگی و توان سپاه مهدی علیه السلام
۲۹۶	فصل دوم: افسران و افراد سپاه مهدی
۳۰۰	فصل سوم: بیرق ها و علم ها در سپاه مهدی علیه السلام
۳۰۳	فصل چهارم: ویژگی های هنگ و نفرهای سپاه مهدی علیه السلام
۳۰۷	باب بیست و پنجم: استقرار یک شبه حکومت مهدی علیه السلام
۳۰۹	باب بیست و ششم: دولت امام مهدی علیه السلام
۳۰۹	اشاره
۳۰۹	فصل اول: مدت حکومت
۳۱۱	فصل دوم: حکومت جهانی

۳۱۴	فصل سوم: رضایت همگان از حکومت
۳۱۵	فصل چهارم: اصحاب کهف جزء سران حکومت
۳۱۷	فصل پنجم: تسخیر طبیعت در سایه حکومت مهدی علیه السلام
۳۱۹	فصل ششم: عیسی علیه السلام وزیر اعظم دولت
۳۲۰	فصل هفتم: عدالت در قضاوت و حقوق
۳۲۲	فصل هشتم: عیسی علیه السلام، قاضی حکومت
۳۲۲	فصل نهم: صلح و آرامش جهانی
۳۲۵	فصل دهم: حکومتی سرشار از خیر و برکت
۳۲۷	فصل یازدهم: تقسیم عادلانهٔ اموال
۳۲۸	فصل دوازدهم: سخاوت و بخشش فراوان به مردم
۳۳۰	فصل سیزدهم: بعد از مهدی علیه السلام
۳۳۱	پی نوشت های مترجم (۱)
۳۴۱	فهرست آیات
۳۴۲	فهرست اعلام
۳۷۰	فهرست مکان ها
۳۸۶	کتابنامه
۳۹۸	درباره مرکز

امام مهدی در آینه روایات شیعه و اهل سنت

مشخصات کتاب

سرشناسه: ناصری، محمدامیر

عنوان قراردادی: الاحادیث المشتركة حول الامام المهدي . فارسی

عنوان و نام پدیدآور: امام مهدی در آینه روایات شیعه و اهل سنت / تالیف محمدامیر ناصری؛ تصحیح و ترجمه محمد مهدی (احسان) رضائی؛ زیر نظر محمد علی تسخیری.

مشخصات نشر: تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی، 1388.

مشخصات ظاهری: 344 ص.

شابک: 45000 ریال: 6-089-167-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا (برونسپاری)

یادداشت: عنوان به عربی: الامام المهدي في الاحاديث المشتركة بين السنة والشيعة.

یادداشت: واژه نامه.

یادداشت: کتابنامه: ص. [335] - 344؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق. -- احادیث

موضوع: مهدویت -- احادیث

شناسه افزوده: رضایی، محمد مهدی، 1358 - ، مترجم

شناسه افزوده: تسخیری، محمد علی، 1323-1399.، ناظر

شناسه افزوده: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی. معاونت فرهنگی

رده بندی کنگره: BP51/ن 16 الف 3041 1388

رده بندی دیویی: 297/959

شماره کتابشناسی ملی: 1912014

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

ص: 1

اشاره

سلسله احاديث مشترك (11)

امام مهدي عليه السلام

در آينه روايات شيعه و اهل سنت

تاليف: محمدا مير ناصري

تصحيح و ترجمه: محمد مهدي (احسان) رضائي

زير نظر محمد علي تسخيرى.

ص: 2

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَیْسَ یُخْلِفَنَّھُمْ فِی الْاَرْضِ كَمَا اَسَّیَتْخَلَفَ الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِھُمْ وَ لَیْمَكِّنَنَّ لَھُمْ دِیْنَھُمْ الَّذِی اَرْضٰی لَھُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّھُمْ مِنْۢ بَعْدِ خَوْفِھُمْ اٰمَنًا یَعْبُدُوْنِیْ لَا یُشْرِكُوْنَ بِیْ شَیْئًا

نور / 55

ص: 3

مقدمه مرکز تحقیقات 11

مقدمه مترجم 15

باب اول: ضرورت پیروی از «امام» 19

باب دوم: دوازده امام، از قریش 23

باب سوم: بشارت رسول خدا صلی الله علیه و آله به آمدن مهدی 27

باب چهارم: نام و کنیه مهدی 31

باب پنجم: نسب مهدی 33

فصل اول: مهدی از اهل بیت علیهم السلام است 33

فصل دوم: مهدی از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله است 38

فصل سوم: مهدی از عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله است 39

فصل چهارم: مهدی از فرزندان فاطمه علیها السلام است 41

فصل پنجم: مهدی از نسل امام حسین علیه السلام است 44

فصل ششم: نام پدر مهدی علیه السلام 47

باب ششم: منزلت و فضایل مهدی علیه السلام 51

فصل اول: از سروران اهل بهشت 51

فصل دوم: همراهی فرشتگان 53

فصل سوم: مقام والای مهدی علیه السلام در پیشگاه خداوند 55

فصل چهارم: اقتدای عیسی علیه السلام به مهدی علیه السلام 56

باب هفتم: ویژگی های ظاهری و رفتاری مهدی علیه السلام 61

فصل اول: ویژگی های جسمی 61

فصل دوم: شبیه ترین مردم به پیامبران 65

فصل سوم: جود و کرم 68

فصل چهارم: عدالت و برکت 71

باب هشتم: جهان اسلام هنگام ظهور 77

فصل اول: غربت اسلام و دوری مسلمانان از دین 77

فصل دوم: دانش و دانشمندان 86

فصل سوم: قرآن و قاریان 89

فصل چهارم: ارزش های اخلاقی و اجتماعی 91

فصل پنجم: روابط خانوادگی 95

فصل ششم: مساجد و اهل مساجد 97

فصل هفتم: بی اعتنایی به حج 99

فصل هشتم: بازگشت کفر و جاهلیت 100

باب نهم: اوضاع سیاسی جهان اسلام هنگام ظهور 103

فصل اول: سلطه طاغوت و ظلم بر مسلمانان 103

فصل دوم: اختلاف های شدید بین مسلمانان 110

فصل سوم: هجوم و حشيانه کفار بر مسلمانان 114

فصل چهارم: شیوع قتل، مرگ، گرسنگی و ترس 116

باب دهم: اوضاع اقتصادی جهان اسلام هنگام ظهور 119

باب یازدهم: پدیده های طبیعی پیش از ظهور و قیامت 123

فصل اول: طلوع خورشید از مغرب، دجال، خسف و آتش 123

فصل دوم: نشانه ای با خورشید 128

فصل سوم: طلوع ستاره دنباله دار 129

فصل چهارم: ندایی از آسمان 130

فصل پنجم: زلزله و قذف 135

فصل ششم: کسوف و خسوف در ماه رمضان 136

فصل هفتم: ظهور نشانه ای بزرگ در مشرق 138

ص: 6

باب دوازدهم: فتنه ها و حوادث نزدیک به زمان ظهور 141

فصل اول: فتنه های پیش از ظهور 141

فصل دوم: فتنه های همزمان با ظهور 145

باب سیزدهم: منتظران و زمینه سازان ظهور 147

فصل اول: جنبش های مقدّماتی و دائمی 147

فصل دوم: زمینه سازان قیام در مشرق 148

فصل سوم: زمینه سازان قیام در مغرب 151

باب چهاردهم: اصحاب و یاران خاصّ مهدی علیه السلام 153

فصل اول: تعداد اصحاب 153

فصل دوم: نام و وطن اصحاب 156

فصل سوم: اصحاب کهف 167

فصل چهارم: تعدادی از اصحاب خاصّ 168

فصل پنجم: فضایل و خصوصیات اصحاب 172

فصل ششم: زنان، بین اصحاب مهدی علیه السلام 175

باب پانزدهم: سفیانی 177

فصل اول: خروج حتمی سفیانی 177

فصل دوم: ویژگی های جسمی سفیانی 179

فصل سوم: مدّت حکومت سفیانی 181

فصل چهارم: وطن سفیانی 182

فصل پنجم: خشونت و اعمال زشت سفیانی 183

فصل ششم: سرنوشت سفیانی 185

باب شانزدهم: سپاه خسف 191

باب هفدهم: دجال 195

فصل اول: خروج دجال پیش از قیام مهدی علیه السلام 195

فصل دوم: اولین محلّ خروج دجال 196

فصل سوم: اسم دجال 198

ص: 7

فصل چهارم: مشخصات ظاهری دجال 199

فصل پنجم: وارد نشدن دجال به مکه و مدینه 200

فصل ششم: سرنوشت دجال 201

فصل هفتم: قتل دجال در قدس 203

فصل هشتم: قتل دجال بعد از نماز 204

فصل نهم: برخی حيله گری ها و حالات دجال 205

فصل دهم: ویژگی های پیروان دجال 209

فصل یازدهم: نزول برکت بعد از قتل دجال 210

باب هجدهم: مهدی علیه السلام و میراث پیامبران 211

فصل اول: ذخیره های پیامبران را می آورد 211

فصل دوم: پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله 212

فصل سوم: میراث دار پیامبران 215

فصل چهارم: سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله 218

باب نوزدهم: ظهور امام مهدی علیه السلام 219

فصل اول: ظهور پس از خواست مردم 219

فصل دوم: ظهور از مکه 222

فصل سوم: بیعت با مهدی علیه السلام بین رکن و مقام 224

فصل چهارم: ظهور کنار کعبه 225

فصل پنجم: ظهور در وقت عشا 226

فصل ششم: قیام با حضور سیصد و سیزده نفر 226

فصل هفتم: خروج مهدی علیه السلام از یمن 227

باب بیستم: نزول حضرت عیسی علیه السلام 229

فصل اول: نزول عیسی علیه السلام برای امیر و امت اسلام 229

فصل دوم: مشخصات ظاهری عیسی علیه السلام هنگام نزول 231

فصل سوم: نزول عیسی علیه السلام نزد مسلمانان راستین 232

فصل چهارم: اقتدای عیسی علیه السلام به مهدی علیه السلام 234

ص: 8

فصل پنجم: مسیح علیه السلام وزیر مهدی علیه السلام 238

فصل ششم: نزول مسیح علیه السلام در دمشق 238

فصل هفتم: نزول عیسی علیه السلام در وقت فجر 239

فصل هشتم: نزول عیسی علیه السلام در قدس 240

فصل نهم: عیسی علیه السلام قاتل خنزیر و شکننده صلیب 241

فصل دهم: قتل دجال توسط عیسی علیه السلام 242

فصل یازدهم: حکومت عادلانه عیسی علیه السلام 243

فصل دوازدهم: ازدواج عیسی علیه السلام با زنی از غسان 244

باب بیست و یکم: بیعت مهدی علیه السلام 245

فصل اول: بیعت مردم با مهدی از نقاط مختلف 245

فصل دوم: بیعت با مهدی علیه السلام در مکه 248

فصل سوم: بیعت با مهدی علیه السلام بین رکن و مقام 249

فصل چهارم: بیعت سیصد و ده و اندی نفر با مهدی علیه السلام 251

باب بیست و دوم: جنگ های داخلی مهدی علیه السلام 253

فصل اول: نبرد با سفیانی 253

فصل دوم: نبرد با دجال 257

فصل سوم: لشکرکشی مهدی به قدس 258

فصل چهارم: فتح مکه و مدینه 259

فصل پنجم: فتح شام 260

باب بیست و سوم: جنگ های خارجی مهدی علیه السلام 263

فصل اول: نبرد با رومیان 263

فصل دوم: فتح قسطنطنیه 366

فصل سوم: فتح کره زمین 268

باب بیست و چهارم: احوال و اوصاف سپاه مهدی علیه السلام 271

فصل اول: آمادگی و توان سپاه مهدی علیه السلام 271

فصل دوم: افسران و افراد سپاه مهدی علیه السلام 274

ص: 9

فصل سوم: بیرق ها و علم ها در سپاه مهدی علیه السلام 278

فصل چهارم: ویژگی های هنگ و نفرهای سپاه مهدی علیه السلام 281

باب بیست و پنجم: استقرار یک شبه حکومت مهدی علیه السلام 285

باب بیست و ششم: دولت امام مهدی علیه السلام 287

فصل اول: مدت حکومت 287

فصل دوم: حکومت جهانی 289

فصل سوم: رضایت همگان از حکومت 292

فصل چهارم: اصحاب کهف جزء سران حکومت 293

فصل پنجم: تسخیر طبیعت در سایه حکومت مهدی علیه السلام 295

فصل ششم: عیسی علیه السلام وزیر اعظم دولت 297

فصل هفتم: عدالت در قضاوت و حقوق 298

فصل هشتم: عیسی علیه السلام، قاضی حکومت 300

فصل نهم: صلح و آرامش جهانی 300

فصل دهم: حکومتی سرشار از خیر و برکت 303

فصل یازدهم: تقسیم عادلانه اموال 305

فصل دوازدهم: سخاوت و بخشش فراوان به مردم 306

فصل سیزدهم: بعد از مهدی علیه السلام 308

پی نوشت های مترجم 309

فهرست آیات 318

فهرست اعلام 319

فهرست مکانها 329

در اندیشه و میراث بشریت، هیچ موضوعی به اندازه مسئله منجی جهانی و «مهدی موعود» که اسلام و همه ادیان آسمانی نوید آمدنش را داده اند مورد توجه فراوان و عمیق و بررسی های گوناگون قرار نگرفته است.

منجی جهانی و «موضوع مهدویت» پیش از آنکه مسئله ای دینی یا اسلامی باشد، مسئله ای انسانی است؛ چرا که با ایجاد امنیت و آرامش جهانی، نقش مهمی در مسیر تحقق آرزوهای بشر و رسیدن به خوشبختی ایفا می کند. بویژه که ستم و سلطه و برده داری در سده های پیاپی، انسان را بر آن داشته است تا برای رسیدن به این هدف والای خود به هر دری بزند، از این روی با همه توان خود از هر جریان فرهنگی که سر برآورد پیروی نمود، و هر داعیه ای پیدا شد به دامنش چنگ آویخت، فقط به این امید که بتواند به وسیله آن آرزوهایش را محقق ساخته و درد و رنج هایش را مرتفع سازد.

اما هر بار پیش از آنکه به آرامش دست یابد و همت در آن بندد، خود را در برابر مسیری فرساینده و ضد فرهنگ هایی دید که از رساندن او به اهداف و حتی محقق ساختن ساده ترین خواسته هایش ناتوان بود.

بنابراین، ایمان به حتمی بودن ظهور مصلح دینی و جهانی، و تشکیل حکومت عدل در سراسر کره خاکی، به یکی از نیازهای ضروری و نقاط مشترک بشریت و تمامی ادیان آسمانی مبدل گشت، و تنها اختلاف در این مورد بر سر تعیین «هویت» آن مصلح و کسی است که اهداف و اصول همه پیامبران از آدم علیه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله را محقق خواهد ساخت.

این حقیقت از مسائل بدیهی و تردید ناپذیری است که هر کس در مورد «مصلح

جهانی» مطالعه یا تحقیقی کرده به آن اعتراف دارد، و حتی همان هایی هم که منکر صحت آن بوده و در آن تشکیک داشتند - مثل بعضی مستشرقان - هنگامی که علاوه بر ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلام، اصول و اشاره هایی در کتاب های دینی قدیمی مردمان مصر، چین، بودایی، زرتشتی و حبشی درباره آن یافتند از عقیده خود برگشته و به حقانیت آن اعتراف کردند.

عقاید پیروان این ادیان، آنقدر که مستند به متون صریح و واضح کتاب های مقدس و دینیشان می باشد، برگرفته از تفاسیر علمایشان نیست، که همین از عوامل اطمینان به ریشه دار بودن و مطرح شدن این عقیده به عنوان اصل مشترک در دعوت پیامبران علیهم السلام و تعالیم آسمانی آنهاست. بنابراین می بینیم که مژده به این عقیده و دعوت به انتظار ظهور این مصلح عظیم، به عنوان دو عنصر اساسی بیشترین برآیند را در سخنان علمای ادیان مختلف سراسر دنیا دارد، و طیف برجسته ای از خطابه های مبلغینشان را شامل می شود.

ایمان به قطعی بودن ظهور مصلح جهانی و تشکیل حکومتی عظیم فقط مختص ادیان نیست، بلکه مکاتب فکری و فلسفی غیر دینی نیز از آن بهره برده اند، چرا که می بینیم در میراث فکری بشر در موارد متعدّد کاملاً صریح و بی پرده به حتمیت آن اذعان شده، و به عنصری مبدل گشته که در نوشته های مشاهیر ادب و اندیشه و فلسفه جهان نسبت به دیگر عناصر، پررنگ تر به چشم می آید، از جمله آثار «برتراند راسل» فیلسوف انگلیسی، «آلبرت اینشتین» دانشمند معروف، و «برنارد شاو» اندیشمند و ادیب ایرلندی و...

ایمان به این اندیشه، و پیشرفت آن در این سطح وسیع، از وجود اصولی پایدار و ریشه دار در اعماق فطرت انسان پرده برمی دارد، به این معنی که بیانگر نیازی فطری، اصیل و مشترک بین همه انسان هاست، نه اینکه مخصوص یک دین یا اندیشه و فلسفه باشد. اصل این نیاز هم، عدالت و صلح به تمام معناست.

اما اسلام در اهتمام به این مسئله از همه سرآمد بوده و بیان می کند که مهدی موعود از ذریه نبی اکرم صلی الله علیه و آله است، در آخر الزمان ظاهر می گردد و زمین را که پر از ظلم و ستم شده، از عدالت و مساوات پر می سازد. اگر هر پژوهشگری بتواند نگاهی گذرا به قفسه کتابخانه های علوم اسلامی و عناوین کتب، مقالات، پایان نامه ها و پژوهش ها در مورد مهدی موعود بیندازد، از فراوانی و بیشماری آنها متحیر و مبهور خواهد شد. چه؟

همان گونه که بزرگان حدیث چون کلینی، بخاری، مسلم، صدوق، ابوداود، ترمذی، طوسی، نسایی و طبرسی روایات مهدی را در مجامع خود آورده اند، بزرگانی از حفاظ چون امام احمد، طبرانی، عاملی، نوری و حاکم نیشابوری نیز روایت کرده اند، و حتی برخی یک کتاب ویژه آن نگاشته اند، از جمله: «مناقب المهدی» و «چهل حدیث از مهدی» ابونعیم اصفهانی، «البیان فی اخبار صاحب الزمان» ابوعبدالله گنجی، «البرهان فیما جاء فی صاحب الزمان» ملاعلی متقی هندی، «علامات المهدی» و «العرف الوردی فی اخبار المهدی» جلال الدین سیوطی و «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» ابن حجر و...

بنابراین اگر ایمان به این عقیده، راسخ و مستند به ریشه های عمیقی در میراث اسلام یعنی قرآن و سنت نبود، شاهد چنین رویکرد پرشوری از طرف علمای مسلمان علیرغم اختلاف مذاهب و گرایش هایشان نمی بودیم.

در پهنای اقیانوس عظیم احادیث و آثار درباره مهدی، بخشی از آن بین دو فرقه شیعه و سنی مشترک می نماید، به این صورت که در کتب و مصنفات هر دو فرقه، در لفظ و معنا عیناً مثل هم، یا نزدیک به هم بوده، و یا در معنا مشابه یکدیگر آمده، که حتی سند بخشی از آن نیز متحد است. این نقطه روشنی است که به عنوان شاخصی تاریخی، ملموس و مهم، نشان گر میزان روابط شیعه و سنی می باشد، که هر دو در ارائه بهترین ها جهت اعلائی کلمه و تقویت اسلام تنگ نظری را کنار گذاشتند. همچنین قرینه ای است تا عمق روابط و همبستگی مردمان شیعه و سنی به یکدیگر را به تصویر کشد؛ چیزی که همه مسلمانان باید در نظر داشته باشند تا حقایق بر آنها آشکار گشته، غبارها کنار رود.

گسترش دوستی و همکاری بین تمامی اقشار جامعه مسلمان و تحکیم این روابط، یکی از مطالب مورد تأکید اهل بیت علیهم السلام و فقهای مسلمان از صدر اسلام و دوره های پس از آن بوده، و خود آن بزرگواران نمونه والا و برتر آن را به بشریت نشان داده و آموخته اند.

با این رویکرد و با توجه به احساس مسئولیتی که «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» در مورد تحکیم وحدت، همکاری و برادری بین مسلمانان دارد، به مرکز تحقیقات خود - که موظف به انجام امور علمی و فرهنگی هماهنگ با اهداف مجمع

است - سفارشِ کاوش در این میدان را صادر نمود. مرکز تحقیقات نیز از طریق همکاریِ ثمربخش با مؤلفِ محترم کتاب حاضر را تهیه نمود که به این شکل به خوانندگان محترم تقدیم می‌گردد.

به این ترتیب حلقهٔ دیگری به زنجیرهٔ طلابی «سلسله احادیث مشترک» تهیه شده توسط مرکز تحقیقات و با اشرافِ دبیر کل محترم مجمع حضرت آیت الله محمدعلی تسخیری (دامِ عزّه) متصل گردید.

در پایان، ضمن تقدیر از جناب حجت الاسلام محمدامیر ناصری مؤلف محترم، و جناب حجت الاسلام محمد مهدی رضائی، مصحح و مترجم این کتاب ارزشمند، اهل علم و قلم را به ادامهٔ این راه پربرکت جهت تحکیم وحدت برادران مسلمانان، فرامی‌خوانیم. واللّٰه ولیّ التوفیق.

مرکز تحقیقات و پژوهش های علمی

وابسته به مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

ص: 14

دروود و سلام بر پیامبر خاتم، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و آل پاکش علیهم السلام.

معمولاً آنچه بیشتر در مورد ظهور و قیام موعود مبارک، قائم آل محمد علیه السلام گفته و شنیده می شود، فواید مادی و ظاهری این قیام عظیم و یگانه عالم است. البته این ایرادی ندارد، اما باید توجه داشت که بزرگترین و مهمترین هدف از وجود پیامبران و اوصیا و کتابهای آسمانی، دستگیری از انسانها در مسیر توحید و خدامحوری، یعنی تعالی روحی انسانها است که بی تردید طالبان معرفت خدا، در حضور ولی خدا و در کنار او بهتر و راحت تر می توانند به مقصد راه یابند.

برای اینکه بر حسب وظیفه و به نوبه خود، حس «انتظار» را در طالبان معارف اسلام تحریک و تقویت کرده باشیم، بخشی از بیانات عالم عامل و عارف وارسته مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ حسنعلی نجابت شیرازی رحمه الله را - که از شاگردان مبرز مکتب عرفانی حضرات آیات مرحوم سید علی قاضی طباطبایی رحمه الله و مرحوم شیخ محمدجواد انصاری همدانی رحمه الله بوده اند - نقل می کنیم:

«... این آقایان (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام) رکن توحیدند، چرا که فهم وحدانیت خدا بدون پیغمبر و امام نمی شود، معرفت در انسان بدون بزرگتر نمی شود، بدون ولی اعظم نمی شود، اما با کمک بزرگتر انسان می تواند قدم بردارد و در راه معرفت به جایی برسد که دست هیچ کس به آن نرسیده است. بنابراین آقایان، معدن کلمات حق، و رکن توحید و معرفت هستند. یعنی اگر کسی خواست موحد بشود می بایست اول نسبت به چهارده معصوم خاضع شود، و الا اساس توحید در او رشد نمی کند. یکی از اساس توحید استقامت است؛ اگر شخصی کنار حضرت ولی عصر بود، یا اگر حضرت نظر خاص به او داشت، قطعاً روحش برای حمل معانی، سنگینی حس نمی کند و با شوق و شغف و پشتیبانی امیرالمؤمنین یا حضرت ولی عصر (عج) جلو می رود. ولی وقتی پشتوانه اش آقایان نباشد هر چه برود، دور خودش دور می زند، عین عنکبوت است. رکن توحید استقامت است، مستقیم تر از آقا امیرالمؤمنین و یازده فرزندش خداوند نیافریده، ما که نفهمیدیم، خدا هم خبر نداده، پس اگر انسان به شخص مستقیم تکیه کرد تحقیقاً خدا به او استقامت می دهد.»

«وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» 1 اگر طالبین معرفت و توحید و محبت، استقامت ورزیدند، آب حقیقت علم و شوق و ذوق و عشق را به آنها می چشانیم، ولی اگر استقامت نورزیدند اینطور نیست.

رکن توحید، پا بر جا بودن است، یعنی هوای غیر محبوب را باید کنار گذاشت، می بایست شب و روز به یاد خدا بود، درس و کار را به یاد خدا بود و آن را برای خود شرافت دانست. در این صورت است که استقامت در جان و روح و نفس و حتی بدن ظاهر می شود، و این به محبت و علاقه و یاد این چهارده بزرگوار است. خداوند اجلّ عالی از باب تفضّل و آسایش خلق، آنها را به سوی خود دعوت می کند. خداوند داعی الی الله است، انبیاء و ائمه اطهار نیز داعی الی الله هستند، علاوه آنها ارکان برای توحید خداوند علیّ اعلی هم هستند.

توحید در شخص یعنی این که: آنچه آلهه و مؤثر هست همه را از خدا بدانند، یعنی شخص عاقل، آثار و فاعلیت تمام امور را، به خدا مستند بدانند، البته این معنا به سهولت میسر نمی شود، یعنی موقعی که سیر بود بدانند که خدا او را سیر کرده، گرسنه که شد می گوید خدایا مرا سیر کن! زن می خواهد می گوید خدایا تو اسباب را فراهم بیاور! پول می خواهد، از خدا می خواهد. لیکن این که تمام زندگی خودش را مستند به خدا کند، کار آسانی نیست. در این مسائل شخص باید حتماً مراقب و عاقل باشد، و بفهمد که با تعقل می توان همه مؤثرها را یکی دانست، و همه اسباب را منتهی به یک سبب دانست. فهم این معنا در آدمیزاد حتماً یک مراقبت از خود فرد می خواهد. ثانیاً: قوه عاقله را باید به کار انداخت. ثالثاً: یک آقایانی می خواهد که زیر بغل انسان را بگیرند و در وحدت روح به انسان کمک کنند. هر قدر که انسان محبت اهل بیت را در دل خودش زنده نگه دارد و از آن غفلت نرزد، رکن و اساس توحید خود را تقویت کرده، و هر چه به آقایان نزدیک بشود استقامت روحیش برای پذیرش توحید بیشتر می شود و قوه عاقله و شرح صدر در انسان زیاد می گردد و به برکات چهارده معصوم علیهم السلام مؤثریت پروردگار در جمیع جهات را می فهمد.

توحید، یک دفعه نصیب شخص نمی شود، ابتدا شخص باید مواظبت بکند، در اثر مواظبت قوه عاقله و شرح صدر مختصری پیدا می شود، سپس می فهمد که اساس و رکن عرفا و بزرگتر اهل معرفت و اولیاء خدا، این چهارده معصوم علیهم السلام هستند. می فهمد که قرب به این آقایان قرب به خداست، حب به آنها، حب به خداست، قهراً استقامت و توحید چنین شخصی با توجه به مراقبت و 6.

عقل و شرح صدر، مقدمه کمک آقایان به او می شود. لذا در مشکل ترین منازل که شخص هرگز نمی تواند از آن رد بشود، در اثر مختصر التفات و دوستی حضرات معصومین و تذکر و یاد آنها، می تواند عبور کند. در ابتدا چون بدون بزرگتر و یاد این آقایان می خواست رد بشود احساس خفگی می کرد و تصور می کرد این مطلب برایش میسر نیست، در حالی که اگر شخص به بزرگتر التفات داشته باشد، به حضرت ختمی مرتبت تا حضرت ولی عصر (عج) التفات داشته باشد قهراً به بال و روح آقایان خستگی از او بیرون می رود و می فهمد که -والله- خداوند نزدیکتر به آدم از آدم است. در اثر توسل و محبت آقایان از مرحله علم و اعتقاد به مرتبه یقین می رسد. آرام، آرام، می بیند این که قرآن مجید فرموده است که من از خودتان به شما نزدیکترم (1)، اگر چه فهمش ابتدا سخت بود اما الآن اینطور نیست. می فهمد که ما پوشال و خداوند اساس ماست. می فهمد که ما نادان، جاهل، ضعیف و یک مشت خیال و توهمات هستیم. اما آن که حرکت ایجاد می کند و آن که چیز می فهماند و آن که کار رواج می دهد نور پروردگار و حضرت ولی عصر (عج) است و این آقایان معصومین رکن توحیدند...» (2).

اما از آنجا که دوستی خاندان نبوت علیهم السلام در گل ایرانیان سرشته گشته و دل در گرو معارف آن پیشوایان آسمانی داشته اند، بر آن شدیم تا کتاب حاضر را که توسط آقای محمّد امیر ناصری تهیه و تنظیم گردیده و ایشان هم از «معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام» تألیف آقای علی کورانی بهره گرفته اند، به زبان فارسی ترجمه نماییم.

دشواری ترجمه متون مقدّس بر اهل فن واضح است، تا آنجا که برخی نظریه پردازان ترجمه آن را غیر ممکن می دانند، بدین معنا که ترجمه هیچ گاه حقّ مطلب را در این گونه متون ادا نخواهد کرد. (3) لذا علیرغم دقت فراوانی که در انتقال مطالب صورت گرفته، بی شک کاستی هایی خواهید دید که یا از عجز مترجم و یا از برتافتن زبان فارسی است. در هر حال لازم است توجه خوانندگان محترم را به نکاتی درباره این ترجمه جلب نمایم:

1 - گرچه در ترجمه متون قرآن و حدیث، همراهی متن اصلی با ترجمه ضروری به نظر می رسد، اما از آنجا که موجب حجیم شدن کار می گردید، این امر میسر نشد. با این حال، در موارد 5.

ص: 17

1- «(وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ)». (ق: 16)

2- شرح دعای رجبیه: 41-45.

3- نک: فصلنامه بینات، شماره 49 و 50 (ویژه ترجمه قرآن)، سال سیزدهم، بهار و تابستان 1385.

بسیار ضروری، عباراتی از متن اصلی احادیث در پاورقی مندرج گردیده است.

2 - پاورقی های مترجم با علامت از پاورقی های اصل کتاب متمایز شده است. همچنین در مواردی که برخی اصطلاحات و عبارات نیاز به توضیح داشته و احیاناً تکرار شده است، آنها را در متن با شماره های مجزاً داخل کروشه [] مشخص نموده و به قسمت «پی نوشت های مترجم» در آخر کتاب ارجاع داده ایم.

3 - جزئیاتی در پاورقی های متن اصلی کتاب بود از جمله تفاوت اسناد روایات، که از آوردن آنها چشم پوشیده و به ذکر مراجع بسنده کردیم.

4 - در ترجمه عباراتی چون «خروج قائم» همیشه یک معادل را نیاورده ایم، بلکه به صورت «خروج قائم»، «قیام قائم» و گاهی به «ظهور قائم» ترجمه شده است. به دلیل ظرافتها و حساسیتی که متون دینی دارد، این شیوه را به عمد برای خودداری از تحمیل برداشت مترجم از متن حدیث بر خواننده، در پیش گرفته ایم.

5 - عباراتی چون «حَدَّثَنَا» (حدیث گفت برای ما)، «عن» (به نقل از)، «أَخْبَرَنَا» (به ما خبر داد) و... که در سند احادیث بین اسامی راویان وجود دارد، به دلیل نداشتن کاربرد برای خواننده فارسی زبان، ترجمه نشده و تنها به ذکر رجال سند به ترتیب، و با استفاده از ویرگول (،) به جای آن عبارات بسنده شده است.

6 - با توجه به نواقصی که در فهرست منابع بود و نیازی که به دیگر فهرست ها احساس می شد، فهرست منابع جدید و کامل افزون بر فهرست آیات، اعلام و اماکن تهیه گردید.

7 - در فهرست اعلام، تنها اعلام موجود در متن حدیث را آورده و برای اختصار از ذکر اعلام موجود در سند روایات خودداری نمودیم.

در پایان ضمن تقدیر و تشکر فراوان از اساتید و دوستانی که در تهیه این کار، حقیر را یاری نمودند، از خداوند متان تعجیل در ظهور آن منجی موعود را خواستارم، و امید دارم این عمل ناچیز «آن یار غایب از نظر» را پسند افتد.

محمد مهدی (احسان) رضائی

تابستان 1388

ص: 18

باب اول: ضرورت پیروی از «امام»

روایات اهل سنت:

(1) صحیح ابن حبان: ابو یعلی، محمد بن یزید بن رفاعه، ابو بکر بن عیاش، عاصم بن ابی النجود، ابو صالح، معاویه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که بمیرد و پیشوایی نداشته باشد، به حال جاهلیت مرده». (1)

(2) طبقات ابن سعد: عبدالله بن نافع بن ثابت بن عبدالله بن زبیر، عطف بن خالد، امیه بن محمد بن عبدالله بن مطیع: در یکی از شب های فتنه یزید بن معاویه، عبدالله بن مطیع خواست از مدینه فرار کند. چون عبدالله بن عمر از تصمیم او آگاه شد، نزد وی رفت و گفت: پسرعمو کجا می روی؟ پاسخ داد: من هیچ گاه دست اطاعت به آنها نخواهم داد.

عبدالله بن عمر گفت: پسرعمو، این کار را نکن، شهادت می دهم از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«کسی که بمیرد و [با امامی] بیعت نداشته باشد، به حال جاهلیت [32] مرده است». (2)

(3) مسند طیالسی: خارجه بن مصعب، زید بن اسلم، ابن عمر: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«کسی که بمیرد و امام [12] نداشته باشد به حال جاهلیت [32] مرده، و کسی

ص: 19

1- صحیح ابن حبان 7:35، ح 4579.

2- الطبقات الکبری 5:144.

که دست از اطاعت امام بردارد، روز قیامت حجتی نخواهد داشت [و محکوم است]». (1)

(2) تاریخ بخاری: علی بن حفص، شریک، عاصم بن عبیدالله، عبدالله بن عامر بن ربیع به نقل از پدرش روایت کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که بمیرد و فرمانبردار [امامی] نباشد، به حال جاهلیت [32] مرده است، و کسی که عقد اطاعت [با امام] ببندد و بعد آن را رها کند، حجتی [34] نخواهد داشت». (3)

روایات شیعه:

(4) محاسن برقی: احمد بن عبدالله برقی به نقل از پدرش، نصر بن سوید، یحیی حلی، بشیر دهنان: امام جعفر صادق علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که بمیرد و امام خود را نشناسد، به حال جاهلیت [32] مرده است». (5)

(6) تفسیر عیاشی: عمار ساباطی: حضرت ابو عبدالله امام صادق علیه السلام فرمود:

«همیشه روی زمین امامی هست که به حلال خدا عمل و امر می کند، و حرام خدا را ترک و از آن نهی می کند (4). خداوند می فرماید: *يَوْمَ تَدْعُوا كُلَّ اُنْسٍ بِاِمَامِهِمْ* (5). بعد [امام صادق علیه السلام] ادامه داد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که بمیرد و امام [12] نداشته باشد، به حال جاهلیت [32] مرده است». (6)

(7) عیون اخبار الرضا علیه السلام: محمد بن عمر بن محمد بن سلم بن براء جعابی، ابو محمد 9.

ص: 20

1- . مسند الطیالسی: 1259، ح 1913.

2- «يُحِلُّ حلالَ الله، و يُحَرِّمُ حرامَ الله» که ترجمه لفظی آن: «حلال خدا را حلال، و حرام خدا را حرام می کند» می باشد.

3- . التاريخ الكبير 6: 445، ح 2943. المصنّف 15: 38، ح 19047. مسند احمد 3: 446.

4- «(قیامت) روزی (است) که هر گروهی از مردم را با امامشان فرامی خوانیم». (اسراء: 71)

5- . المحاسن 1: 153، ب 22، ح 78.

6- . تفسیر العیاشی 2: 303، ح 119.

حسن بن عبدالله بن محمد بن عباس رازی تمیمی، علی بن موسی الرضا علیه السلام، موسی بن جعفر علیه السلام، جعفر بن محمد علیه السلام، محمد بن علی علیه السلام، علی بن الحسین علیه السلام، حسین بن علی علیه السلام، علی بن ابی طالب علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر کس بمیرد و یکی از فرزندان من امام او نباشد به حال جاهلیت [32] مُرده، و به خاطر اعمال قبل از اسلام و بعد از اسلامش مؤاخذه و توبیخ می شود».⁽¹⁾

(8) کمال الدین: علی بن عبدالله و راق، ابو الحسین محمد بن جعفر اسدی، موسی بن عمران نخعی، حسین بن یزید نوفلی، غیاث بن ابراهیم: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر کس قائم را - که از فرزندان من است - در زمان غیبتش انکار کند، همانند مردم زمان جاهلیت مرده است».⁽²⁾

ص: 21

1- . عیون اخبار الرضا علیه السلام 2:58، ب 31، ح 241.

2- . کمال الدین 2:413، ب 39، ح 12.

باب دوم: دوازده امام، از قریش

روایات اهل سنت:

(9) مسند طیالسی: حماد بن سلمه، سماک، جابر بن سمره: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«همواره تا وقتی که [یکی از] دوازده خلیفه [در دنیا] باشد، اسلام عزیز (1) می ماند».

بعد پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی فرمود که من متوجه نشدم. به پدرم گفتم: رسول خدا صلی الله علیه و آله چه گفت؟ او گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«همه آنها از قریش هستند» (2).

(10) مسند احمد: حماد بن خالد، ابن ابی ذئب، مهاجر بن مسمار، عامر بن سعد، جابر بن سمره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«تا وقتی دوازده خلیفه باشند، این دین همواره استوار و برپاست. آنها همه از قریشند» (3).

(11) تاریخ بخاری: جابر بن سمره:

ص: 23

1- «عزیز» معانی متعددی دارد، از جمله: قوی، محترم، استوار و غیر قابل شکست.

2- . مسند الطیالسی: 278، ح 767.

3- . مسند احمد 5: 86-88.

«تا دوازده امیر هستند، امر [دین] همواره برقرار خواهد بود».(1)

(12) مسند احمد: حسن بن موسی، حماد بن زید، مُجالد، شعبی، مسروق: در مجلس عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و او به ما قرآن می آموخت. شخصی گفت: ای پدرِ عبدالرحمن! آیا شما از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدید چند نفر از این اُمت به خلافت می رسند؟ عبدالله گفت: از وقتی به عراق آمده ام هیچ کس پیش از تو چنین سؤالی از من نکرده است. بعد گفت: بله، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دوازده نفر، به تعداد نقبای بنی اسرائیل».(2)

(13) سنن دانی: عبدالله بن عمرو و مکتب، عتاب بن هارون، عبیدالله بن فضل، محمد بن فضل همدانی، ابو نعیم محمد بن یحیی طوسی، ابراهیم بن موسی الفراء رازی، زید بن حباب، عیسی بن اشعث، جویر، نزال بن سبره: علی بن ابی طالب علیه السلام بر منبر بود و خطبه می گفت.

بعد از حمد و ثنای خداوند سخن از دجال به میان آورد و آنگاه فرمود:

«از اینکه پس از آن، چه خواهد شد پرسید؛ حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله از من عهد گرفته که غیر از عترتم کسی را بر آن آگاه نسازم».

نزال بن سبره گوید: من به صعصعه بن صوحان گفتم: صعصعه! منظور امیر مؤمنان علیه السلام چه بود؟ صعصعه گفت: ای پسر سبره! آن کسی که عیسی بن مریم علیه السلام در نماز به او اقتدا می کند، دوازدهمین نفر از عترت و نهمین نسل حسین بن علی علیهما السلام است. او خورشیدی است که از مغرب طلوع می کند، بین رکن و مقام ظاهر می گردد، زمین را پاک کرده و میزان عدالت را برپا می نماید، طوری که هیچ کس به دیگری ظلم نکند. امیر مؤمنان علیه السلام هم فرمود که حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله از او عهد گرفته که اتّفاقات پس از آن را برای کسی جز عترتش یعنی ائمه - صلوات الله علیهم اجمعین - بیان نکند.(3)

ص: 24

1- .التاریخ الکبیر 9:101، ح 3842.

2- . مسند احمد 1:398 و 406. مُسند ابی یعلی 8:444، ح 5031، و 9:222، ح 5322.

3- . السنن الواردة فی الفتن: 135 و 136. عقد الدرر: 291، ب 12، ف 3.

(14) مقتضب الاثر: ابو الحسین علی بن ابراهیم بن حمّاد ازدی به نقل از پدرش، محمّد بن مروان، عبدالله بن امیّه مولی بنی مجاشع، یزید رقاشی، انس بن مالک: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«این دین همواره تا زمانی که دوازده نفر از قریش موجود باشند استوار و برپاست، و چون آنها درگذرند، زمین و هرچه در آن است به تلاطم و لرزه در آمده و به هم می ریزد».(1)

(15) کفایه الاثر: محمّد بن عبدالله شیبانی، صالح بن احمد بن ابی مقاتل، زکریا، سلیمان بن جعفر جعفری، مسکین بن عبدالعزیز، ابو سلّمه، ابو هُریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اهل بیت من عترت من و از گوشت و خون من هستند، آنها بعد از من امام و به تعداد نقبای بنی اسرائیل خواهند بود».(2)

(16) مناقب ابن شهر آشوب: ابو صالح سمّان، ابو هُریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما خطبه می گفت و می فرمود:

«ای مردم، هر کس بخواهد زندگی و مرگش مثل زندگی و مرگ من باشد باید علی بن ابی طالب را ولیّ خود قرار دهد(3) و به امامان بعد از او اقتدا کند».

شخصی گفت: ائمه بعد از شما چند نفرند؟ فرمود:

«به تعداد اسباط».

ابن شهر آشوب گوید: برای حضرت موسی علیه السلام هم دوازده چشمه جوشید.(4)

(17) کفایه الاثر: ابو المفضّل، جعفر بن محمّد ابو القاسم علوی رویانی، عبیدالله بن احمد بن نهیک، محمّد بن عصام السمین به نقل از پدر و عمویش، عبدالرحمن بن مسعود عبدی، علیم 1.

ص: 25

1- . مقتضب الاثر: 3.

2- . کفایه الاثر: 86.

3- در روایت «فَلْيَتَوَلَّ» است، به معانی: دوست داشتن، ملازم شدن و ولایت دادن.

4- . مناقب ابن شهر آشوب 1: 301.

ازدی، سلمان فارسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ائمه بعد از من دوازده نفرند» و ادامه داد: «همه آنها از قریشند، و سرانجام قائم ما قیام می کند و دل های (1) مؤمنان را شفا (2) می دهد». (3)9.

ص: 26

1- در روایت «صدور» (به معنای سینه ها) است که «دل ها» ترجمه شده.

2- رک: تفسیر نمونه، ذیل آیه شریفه: ... وَ يَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ. (توبه: 14)

3- . کفایه الاثر: 44. خصال الصدوق 2: 475-469 (بیست و چهار روایت با سندهای مختلف). کمال الدین 1: 272 و 273، ب 24. عیون اخبار الرضا علیه السلام 1: 507، ب 6، ح 11 و 13 و 14 و 15. الامالی 1: 255، ب 51، ح 8 و 9.

باب سوم: بشارت رسول خدا صلی الله علیه و آله به آمدن مهدی

روایات اهل سنت:

(18) مسند احمد: عبدالرزاق، جعفر، مُعلی بن زیاد، علاء بن بشیر، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«به مهدی دلخوش باشید(1)، که در امت من برانگیخته می شود».(2)

(19) مسند احمد: محمد بن جعفر، عوف، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت زمانی برپا می شود که زمین پر از ظلم و ستم شده باشد - و فرمود: - مردی از عترت و اهل بیت من قیام کند».(3)

(20) مُسند بزّار: سفیان بن عُیینه، عاصم، زرّ بن حَبِیش، عبدالله: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نخواهد شد تا مردی از اهل بیت من بیاید».(4)

(21) مسند احمد: ابو النصر، ابو معاویه شیبان، مطر بن طهمان، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نخواهد شد، تا مردی از اهل بیت من به حکومت رسد».(5)

(22) مسند ابی یعلی: قطن بن نسیر، عدی بن ابی عماره، مطر وراق، ابو الصدیق،

ص: 27

1- «أُبشِّرکم بالمهدی».

2- . مسند احمد 37:3.

3- . مسند احمد 36:3.

4- . مسند البزّار 281:1. مسند احمد 376:1.

5- . مسند احمد 17:3.

ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«بی شک یک نفر از اهل بیت من در امتم قیام خواهد کرد»⁽¹⁾.

(23) مسند احمد: عبدالصمد، حماد بن سلمه، مطرف مُعلی، ابو الصدیق، ابو سعید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمین پر از ظلم و تجاوز می شود، اما سرانجام مردی از عترت من قیام، و هفت یا نه سال حکومت می کند»⁽²⁾.

(24) عقد الدرر: عبدالله بن عمر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخرالزمان مردی از فرزندانم قیام خواهد کرد»⁽³⁾.

روایات شیعه:

(25) دلائل الامامه: ابو الحسین محمد بن هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابو علی نهانندی، اسحاق، یحیی بن سلیم، هشام بن حسان، مُعلی بن ابی مُعلی، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«به مهدی دلخوش باشید که در آخرالزمان می آید»⁽⁴⁾.

(26) غیبه الطوسی: محمد بن اسحاق مقری، مقانعی، بکار بن احمد، حسن بن حسین، تلید، ابو الجحاف، خالد بن عبدالملک، مطر وراق، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«به مهدی دلخوش باشید - این جمله را سه بار تکرار فرمود - در شرایطی قیام می کند که مردم با هم اختلاف دارند و زمین لرزه شدیدی می آید، او عدالت را در سراسر زمین - که در آن موقع آکنده از ظلم و ستم است - برقرار سازد و دل مطیعان خود را سرشار از بندگی خدا کند⁽⁵⁾، و عدالتش همه را فراگیرد»⁽⁶⁾.

ص: 28

1- . مسند ابی یعلی 367:2، ح 1128.

2- . مسند احمد 28:3.

3- . عقد الدرر: 32، ب 2.

4- . دلائل الامامه: 249 و نک: 252.

5- «یملأ قلوب عباده عباده».

6- . غیبه الطوسی: 111.

(27) غيبه الطوسی: محمد بن اسحاق مقرئ، مقانعی، جعفر بن محمد زهری، اسحاق بن منصور، قیس بن ربیع و غیره، عاصم، زرّ، عبدالله بن مسعود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دنيا تمام نمی شود تا مردی از اهل بیت من بر ائمت حکومت کند، که او را مهدی گویند».(1)

(28) دلائل الامامه: ابو عبدالله احمد بن محمد بن عبدالله بن خالد کابلی، ابو الحسن احمد بن جعفر بن محمد بن محمد الخلال، محمد بن اسکاف و حسن بن منصور الجصاص، ابو النصر، شیبان بن مطر وراق، ابو الصدیق، ابو سعید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نشود تا مردی از اهل بیت من به حکومت رسد».(2)

(29) ملاحم ابن طاووس: ابو منصور ابن عمر، احمد بن محمد، اسماعیل بن میمون، نباته، حدیفه بن یمان، جابر انصاری: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله با اصحاب نشست بود که جبرئیل نازل شد و گفت:

«خداوند سلام بر تو سلام رسانده و به واسطه اسلام، تحیت و اکرام را مخصوص تو گردانده(3)... - بعد گفت: - ای رسول خدا، شما را به قائم که از فرزندانان است بشارت می دهم».(4)7.

ص: 29

1- . غيبه الطوسی: 113.

2- . دلائل الامامه: 251.

3- «السلام یقرؤک السلام و یخصک بالتحیّه و الاکرام بالاسلام».

4- . الملاحم و الفتن: 147.

روایات اهل سنت:

(30) مسند احمد: عمر بن عبید، عاصم بن ابی النجود، زرّ بن حبیش، عبداللّه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دنیا به پایان نرسد(1) تا مردی از اهل بیتم که همنام من است، حاکم عرب گردد». (2)

(31) ذخائر العقبی: حدیفه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر از دنیا یک روز هم مانده باشد، آن را خداوند - عزّوجلّ - طولانی گرداند تا مردی از فرزندانم را که همنام من است برانگیزد [20]». (3)

(32) فتن ابن حمّاد: عبداللّه بن مروان، هیشم بن عبدالرحمن به نقل از شخصی، علی بن ابی طالب علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«او همنام پدرم است». (4)

(33) مسند احمد: سفیان بن عیینه، عاصم، زرّ، عبداللّه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت برپا نگردد، تا مردی از اهل بیتم که همنام من است به حکومت رسد(5)». (6)

(34) عقد الدرر: عبداللّه بن عمر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ص: 31

1- «لاتنقضی الأیام ولا یذهب الدهر...».

2- . مسند احمد 1: 376 و 377.

3- . ذخائر العقبی: 136 و 137.

4- . الفتن: 101.

5- «لاتقوم الساعه حتّی یلی رجل...» یلی: تسلّط یابد، به حکومت رسد، فرمانروا شود.

6- . مسند احمد 1: 376.

«در آخرالزمان مردی از فرزندانم قیام کند که نام و کُنیه اش چون نام و کُنیه من است».(1)

(35) فرائد الفوائد: ابن مسعود:

«نام مهدی، محمد است».(2)

(36) فتن ابن حمّاد: عبدالرزاق، معمر، مطر وراق به نقل از شخصی، کعب:

«او را مهدی نامیده اند؛ چون به امری مخفی هدایت می کند».(3)

روایات شیعه:

(37) غیبه الطوسی: فضل بن شاذان، موسی بن سعدان، عبدالله بن قاسم حضرمی، ابو سعید خراسانی: به امام صادق علیه السلام گفتم: مهدی همان قائم است؟ فرمود: «بله».

گفتم: چرا او را مهدی نامیده اند؟ فرمود:

«چون هدایتگر به هر امر پنهانی است».(4)

(38) اعلام الوری: محمد بن عجلان: امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی قائم قیام کند دوباره مردم را به اسلام فرامی خواند و آنها را به چیزی که مدفون و مهجور شده و همگی از آن گمراه گشته اند، هدایت می نماید، و دلیل نامیده شدنش به «مهدی» این است که [مردم را] در هر چیزی که نسبت به آن گمراه شده اند هدایت می کند، و چون قیامش به حق است او را «قائم» نامیده اند».(5)

(39) غیبه الطوسی: محمد بن اسحاق، مقانعی، جعفر بن محمد زهري، اسحاق بن منصور، قیس بن ربیع و غیره، عاصم، زرّ، عبدالله بن مسعود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دنیا به پایان نرسد تا مردی از اهل بیت من که او را «مهدی» خوانند، بر ائمت حاکم گردد».(6)3.

ص: 32

1- . عقد الدرر: 32، ب 2.

2- . فرائد فوائد الفكر: 237، ب 2.

3- . الفتن: 220.

4- . غیبه الطوسی: 282.

5- . اعلام الوری: 461.

6- . غیبه الطوسی: 113.

این باب شامل شش فصل است:

فصل اول: مهدی از اهل بیت علیهم السلام است

روایات اهل سنت:

(40) مصنف ابن ابی شیبیه: فطر، زرّ، عبدالله: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دنیا به آخر نرسد تا خداوند مردی از اهل بیتم را برانگیزد [20]». (1)

(41) مسند احمد: عمرو بن عبید، عاصم بن ابی النجود، زرّ بن حبیش، عبدالله:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دنیا به پایان نرسد (2) تا مردی از اهل بیتم حاکم عرب گردد». (3)

(42) فتن ابن حمّاد: ابن عیینّه، عمرو، ابی معبد، ابن عبّاس:

«مهدی جوانی از ما اهل بیت است». (4)

(43) مصنف ابن ابی شیبیه: ابن عیینّه، عمرو، ابی معبد، ابن عبّاس:

«روزها و شب ها (دنیا) تمام نشود تا جوانی از ما اهل بیت بیاید که فتنه ها نمی توانند او را مخفی کنند و او نیز فتنه ها را مخفی نمی دارد [و به مردم می شناساند]».

ص: 33

1- . المصنّف 15:198، ح 19493.

2- «لا تنقضی الأیّام ولا یذهب الدهر...».

3- . مسند احمد 1:376 و 377.

4- . الفتن: 106.

راوی گوید: به ابن عباس گفتیم: پیران شما به حکومت نرسیدند، چطور جوانانتان بر آن دست می یابند؟

ابن عباس گفت: «خداوند امر خود را به هر کس بخواهد می دهد».(1)

(44) سنن دانی: ابن عفان، قاسم، احمد، ابراهیم بن بشار، سفیان، عمرو بن دینار، ابی معبد، ابن عباس:

«امید دارم روزگار تمام نشود تا خداوند از ما اهل بیت جوانی نورسته برانگیزد [20] که فتنه ها او را نمی پوشاند و او نیز فتنه ها را نمی پوشاند [و آنها را به مردم می شناساند]، او کار این امت را درست می کند. امید دارم همان طور که خداوند اسلام را به وسیله ما آغاز نمود، به وسیله او به نهایت [کمال] خود برساند».

ابومعبد گوید: به ابن عباس گفتم: بزرگان و پیران شما نتوانستند این کار را بکنند، تو امید داری جوانانتان از عهده آن برآیند؟

ابن عباس گفت: «خداوند هر چه بخواهد می گوید».(2)

(45) مسند ابی یعلی: ابوبکر بن ابی النضر، ابو النضر، مرجی بن رجاء یسکری، عیسی بن هلال، بشیر بن نهیک، ابو هُریره: حضرت ابوالقاسم صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت برپا نگردد تا اینکه مردی از اهل بیتم علیه آنها قیام می کند و آنها را می زند تا به راه حق بازگردند».(3)

(46) صحیح ابن حبان: فضل بن الحباب، مسدد بن مسرهد، محمد بن ابراهیم ابو شهاب، عاصم بن بهدله، ابو صالح، ابو هُریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر از دنیا یک شب هم مانده باشد، مردی از اهل بیت پیامبر به حکومت خواهد رسید».(4)

(47) مسند احمد: عبدالله به نقل از پدرش، حجّاج و ابو نعیم، فطر، قاسم بن ابی بزه، 2.

ص: 34

1- . المصنّف 15:196، ح 19487.

2- . السنن الواردة فی الفتن: 95 و 96.

3- . مسند ابی یعلی 12:19، ح 6665.

4- . صحیح ابن حبان 7:576، ح 5922.

ابو الطفیل، علی علیه السلام: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر بیش از یک روز به آخر دنیا نمانده باشد، خداوند مردی از ما [اهل بیت] بر می انگیزد [20]». (1)

روایات شیعه:

(48) غیبه الطوسی: محمد بن اسحاق مقری، علی بن عباس مقانعی، علی بن بکّار بن احمد، حسن بن حسین، سفیان جریری، عبدالمؤمن، حارث بن حصیره، عماره بن جوین عبّدی، ابو سعید خدری: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله روی منبر می فرمود:

«مهدی از عترت و از اهل بیت من است و در آخرالزمان قیام می کند». (2)

(49) غیبه الطوسی: محمد بن اسحاق مقری، علی بن عباس مقانعی، بکّار بن احمد، مصبح، قیس، ابو حصین، ابو صالح، ابو هُریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند... مردی از اهل بیتم را می آورد که زمین را همان طور که پر از ظلم و ستم شده، از عدالت و مساوات پُر می نماید». (3)

(50) غیبه الطوسی: محمد بن اسحاق، مقانعی، جعفر بن محمد زهری، اسحاق بن منصور، قیس بن ربیع و غیره، عاصم، زرّ، عبدالله بن مسعود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دنیا به پایان نرسد، تا مردی از اهل بیتم که او را «مهدی» خوانند، بر ائمتّم حاکم شود». (4)

(51) بشاره المصطفی: عبدالله بن مسعود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«روزگار (دنیا) به پایان نرسد، تا مردی از اهل بیتم بر عرب حاکم گردد». (5)

(52) مهذبّ البارع: مُعلی بن خُنیس: امام صادق علیه السلام فرمود:

«نوروز، روزی است که قائم ما در آن ظهور می کند». (6)

(53) فقیه: ابو الحسین محمد بن جعفر اسدی، موسی بن عمران نخعی به نقل از عمویش 5.

ص: 35

1- . مسند احمد 1: 99.

2- . غیبه الطوسی: 111.

3- . غیبه الطوسی: 112.

4- . غیبه الطوسی: 113.

5- . بشاره المصطفی: 281.

6- . المهذبّ البارع 1: 194 و 195.

حسین بن یزید نوفلی، علی بن سالم به نقل از پدرش روایت کرد: از امام صادق علیه السلام در مورد این روایت که نقل می کنند «هر کس در رهن (گرو) به خودش بیش از برادر مؤمنش اطمینان داشته باشد من از او دوری می کنم» پرسیدم. آن حضرت فرمود:

«این [حدّ اطمینان برای] وقتی است که حق ظاهر شود و قائم ما اهل بیت قیام کند».(1)

(54) کفایه الاثر: ابو المفَضَّل محمد بن عبدالله شیبانی، عبدالرزاق بن سلیمان بن غالب ازدی، ابو عبدالله غنی حسن بن معانی، عبدالوهاب بن همام حمیری، ابن ابی شیبیه، شریک الدین بن ربیع، قاسم بن حسان، جابر بن عبدالله انصاری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی این امت از ما [اهل بیت] است».(2)

(55) دلائل الامامه: ابو الحسین محمد بن هارون بن موسی، ابو علی حسین بن محمد نهاوندی، جریر، مطر وراق، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی از اهل بیت من بر (3) اتم قیام می کند».(4)

(56) دلائل الامامه: ابو عبدالله احمد بن محمد بن عبدالله بن خالد کابلی، ابو الحسن احمد بن جعفر بن محمد بن محمد الخلال، محمد بن اسکاف و حسن بن منصور الجصاص، ابو النصر، شیبان بن مطر وراق، ابو الصدیق، ابو سعید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نشود تا مردی از اهل بیتم به حکومت رسد».(5)

(57) دلائل الامامه: ابو الحسین محمد بن هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابو علی نهاوندی، ابو القاسم بن ابی حبّه، اسحاق بن ابی اسرائیل، ابو عبیده حدّاد، عبدالواحد بن واصل سدوسی، عرعون، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی از عترت و اهل بیت من قیام می کند».(6)9.

ص: 36

1- من لایحضره الفقیه 3: 313، ح 4119. تهذیب الاحکام 7: 178، ب 15، ح 42.

2- کفایه الاثر: 62.

3- در متن حدیث «لیقومنّ علی امتی...» است، شاید «علی امتی» را بتوان «در امتم» ترجمه کرد، امّا «بر امتم» هم درست به نظر می رسد.

4- دلائل الامامه: 256.

5- دلائل الامامه: 258.

6- دلائل الامامه: 249.

(58) اصول کافی: جمعی از اصحاب ما، احمد بن محمد برقی به نقل از پدرش، محمد بن یحیی خزاز، حماد بن عثمان: در محضر امام صادق علیه السلام بودم که شخصی به ایشان گفت:

خداوند شما را سلامت بدارد! فرمودید که علی بن ابی طالب علیه السلام لباس های زیر و خشن و پیراهنی به ارزش چهار درهم و امثال آن می پوشید، ولی شما خودتان لباس های نو می پوشید! امام صادق علیه السلام به او فرمود:

«علی بن ابی طالب علیه السلام آن لباس را در زمانی می پوشید که برای او عیب نبود، در حالی که اگر همان لباس ها را در این زمان می پوشید زشت و سبک بود، بهترین لباس در هر دوره ای لباسی است که مردم آن دوره می پوشند، اما وقتی قائم ما اهل بیت قیام می کند، لباس علی علیه السلام را بر تن، و سیره و روش علی علیه السلام را دارد».⁽¹⁾

(59) اصول کافی: جمعی از اصحاب ما، احمد بن محمد، علی بن الحکم، ابن بکیر، حسین شیبانی: به امام صادق علیه السلام گفتم: یک نفر از دوستان شما اموالی را که بنی امیه نزد او به ودیعه نهاده اند برای خود حلال شمرده و در آن تصرف می نماید. حضرت فرمود:

«امانت ها را به صاحبانش برگردانید هر چند مجوس باشند، البته این وقتی است که قائم ما اهل بیت قیام می کند و حلال و حرام را [کاملاً] اجرا می نماید».⁽²⁾

ص: 37

1- . الکافی 1: 411، ح 4.

2- . الکافی 5: 132 و 133، ح 2. تهذیب الاحکام 6: 351، ب 93، ح 114.

فصل دوم: مهدی علیه السلام از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله است

روایات اهل سنت:

(60) عقد الدرر: عبدالله بن عمر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخرالزمان مردی از فرزندان من قیام می کند»⁽¹⁾.

(61) فردوس الأخبار: حذیفه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی مردی از نسل من است»⁽²⁾.

(62) عقد الدرر: حذیفه: رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه ای برایمان از اتفاقات آینده بیان کرد و فرمود:

«اگر از دنیا فقط یک روز مانده باشد خداوند آن را به قدری طولانی می کند تا مردی از فرزندانم را برانگیزد [20]»⁽³⁾.

روایات شیعه:

(63) دلائل الامامه: ابو اسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد بن احمد طبری، ابو الحسن محمد بن مظفر حافظ، عبدالرحمن بن اسماعیل،

علی بن ابراهیم صوری، داود، سفیان، منصور، ربیع بن خراش، حذیفه بن یمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از فرزندان من است»⁽⁴⁾.

(64) دلائل الامامه: ابو المفضل، محمد بن حسن الکوفی، محمد بن عبدالله فارسی، یحیی بن میمون خراسانی، عبدالله بن سنان عن

أخيه محمد بن سنان زهری، سید ما حضرت ابو عبدالله جعفر بن محمد از پدر بزرگوارش از جدش از عموی گرامیش امام حسن و ایشان

از امیرالمؤمنین علیهم السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ص: 38

1- . عقد الدرر: 32، ب 2.

2- . فردوس الاخبار 4:496، ح 6667.

3- . عقد الدرر: 24، ب 1.

4- . دلائل الامامه: 233.

«هرگاه چهار نفر از فرزندان من به نام های محمد، علی و حسن پشت سر هم به امامت رسیدند، چهارم ایشان مهدی منتظر خواهد بود».(1)

(65) کمال الدین: علی بن محمد بن حسن قزوینی، محمد بن عبدالله خضرمی، احمد بن یحیی احوّل، خلّاد مقری، قیس بن ابی حصین، یحیی بن وثّاب، عبدالله بن عمر: از حسین بن علی علیه السلام شنیدم که می فرمود:

«اگر از دنیا تنها یک روز مانده باشد، خداوند آنقدر آن را طولانی می کند تا مردی از فرزندان من قیام کند».(2)

فصل سوم: مهدی علیه السلام از عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله است

روایات اهل سنت:

(66) مسند احمد: حسن بن موسی، حمّاد بن سلّمه، ابو هارون عبدی و مطر وراق، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ظلم و ستم همه زمین را فرا می گیرد، تا اینکه مردی از عترت من قیام می کند».(3)

(67) مسند احمد: محمد بن جعفر، عوف، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... مردی از عترت یا اهل بیت(4) من قیام می کند».(5)

(68) سنن دانی: حمزه بن علی، عبدالله بن محمد، علی بن حسین جهنی، هشام بن عمّار، اسماعیل بن عیّاش، عطاء بن عجلان، ابو نصره، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخر الزمان مردی از عترتم قیام می کند».(6)

ص: 39

1- . دلایل الامامه: 236.

2- . کمال الدین 1: 317 و 318، ب 30، ح 4.

3- . مسند احمد 3: 28، 70.

4- تردید از راوی است.

5- . مسند احمد 3: 36.

6- . السنن الواردة فی الفتن: 94.

(69) فتن ابن حمّاد: محمّد بن حمير، السقر بن رستم به نقل از پدرش روایت کرد:

«مهدی از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله است»⁽¹⁾.

روایات شیعه:

(70) ملاحم ابن طاووس: حسن بن علی، هدیه، عمر بن عبدالوهاب، خالد، حمّاد بن سلّمه، ابو هارون العبّدی و مطر، ابو الصّدیق، ابو سعید خدری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مهدی نام برد و فرمود:

«ظلم و ستم زمین را فرا گیرد، آنگاه مردی از عترت من قیام می کند»⁽²⁾.

(71) دلایل الامامه: ابو الحسنین محمّد بن هارون بن موسی از پدرش، ابو علی نهاوندی، ابو القاسم بن ابی حبه، اسحاق بن ابی اسرائیل، ابو عبیده حدّاد، عبدالواحد بن واصل السدوسی، عرعون، ابو الصّدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت برپا نشود تا وقتی ظلم و تجاوز زمین را پر کند، آنگاه مردی از عترت یا اهل بیت من⁽³⁾ قیام می کند»⁽⁴⁾.

(72) غیبه الطوسی: محمّد بن اسحاق مقری، علی بن عبّاس مقانعی، بگّار بن احمد، حسن بن حسین، سفیان جریری، عبدالمؤمن، حارث بن حصیره، عماره بن جوین عبّدی، ابو سعید خدری: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که روی منبر فرمود:

«مهدی از عترت من است»⁽⁵⁾.1.

ص: 40

1- . الفتن: 103.

2- . الملاحم و الفتن: 98، ب 61.

3- تردید از راوی است.

4- . دلایل الامامه: 249.

5- . غیبه الطوسی: 111.

فصل چهارم: مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام است

روایات اهل سنت:

(73) بیان شافعی: حافظ ابو حجاج یوسف بن خلیل بن عبدالله دمشقی، ابو الفتح ناصر بن محمد بن ابی الفتح اسماعیل بن فضل سراج، ابو طاهر محمد بن احمد بن عبدالرحیم، حافظ ابو الحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی بن مسعود شافعی معروف به دارقطنی، احمد بن محمد بن سعید، ابراهیم بن محمد بن اسحاق بن یزید، سهل بن سلیمان، ابو هارون عبدی: نزد ابوسعید خدری رفته و به او گفتم: در جنگ بدر شرکت کردی؟ گفت: بله. گفتم: اگر چیزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام و فضایل او شنیده ای برای من نقل می کنی؟! گفت: بله، برایت می گویم. رسول خدا صلی الله علیه و آله بیماری مختصری گرفته بود که بعداً از آن شفا یافت. در حال مرض، فاطمه علیها السلام به عیادت او آمد. من سمت راست رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودم. وقتی فاطمه علیها السلام ضعف و ناتوانی آن حضرت را مشاهده کرد بغض گلویش را فشرده و اشک از گونه هایش فروریخت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود:

«فاطمه!... دو سبط این امت از ما و همین دو پسر تو هستند، مهدی امت که عیسی علیه السلام در نماز به او اقتدا می کند از ماست».

بعد بر شانه های حسین علیه السلام زد و فرمود:

«مهدی از نسل این است».(1)

(74) تاریخ بخاری: عبدالغفار بن داود، ابوالملیح الرقی، زیاد بن بیان، علی بن نفیل جدّ النفیلی، سعید بن مسیب، أمّ سلمه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی بر حقّ و از فرزندان فاطمه است».(2)

(75) معجم کبیر: محمد بن رزیک بن جامع مصری، هیشم بن حبیب، سفیان بن عیینه، علی بن علی مکی هلالی به نقل از پدرش: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله در بستر بیماری بود که به

ص: 41

1- . البیان فی أخبار صاحب الزمان: 501 و 502، ب 9. المناقب لابن المغازلی: 101، ح 144. المعجم الصغیر 1: 37.

2- . التاريخ الكبير 3: 346.

وفاتش انجامید، نزد او رفتم. فاطمه علیها السلام کنار سرِ مبارک آن حضرت نشسته بود که ناگهان صدای گریه اش بلند شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله دیده به سمت او کرد و فرمود:

«فاطمه! ما اهل بیتی هستیم که خداوند هفت ویژگی به ما داده که قبل و بعد از ما آنها را به هیچ کس نداده... فاطمه! قسم به خدایی که مرا به حق برگزید مهدی این امت از دو فرزند تو (حسن و حسین) است.» (1)

(76) فتن ابن حمّاد: ابن مبارک و ابن ثور و عبدالرزّاق عن معمر عن قتاده، و قال عبدالرزّاق عن معمر عن سعید بن ابی عروبه عن قتاده قال: به سعید بن مسیب گفتم: مهدی حقیقت دارد؟ گفت: حقیقت دارد. گفتم: از کدام قبیله است؟ گفت: از قریش. گفتم: از کدام طایفه؟ گفت: از بنی هاشم. گفتم: از کدام خاندان؟ گفت: از فرزندان عبدالمطلب.

گفتم: از کدام فرزند عبدالمطلب؟ گفت:

«از فرزندان فاطمه علیها السلام.» (2)

(77) فتن ابن حمّاد: ابو هارون، عمرو بن قیس ملائی، منهال بن عمرو، زرّ بن حُبیب از علی علیه السلام شنیده بود که فرمود:

«مهدی مردی از ما و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.» (3)

روایات شیعه:

(78) غیبه الطوسی: محمّد بن علی، عثمان بن احمد سمّاک، ابراهیم بن عبداللّه هاشمی، ابراهیم بن هانی، نعیم بن حمّاد مروزی، بقیّه بن ولید، ابو بکر بن ابی مریم، فضل بن یعقوب رخامی، عبداللّه بن جعفر، ابو الملیح، زیاد بن بنان، علی بن نفیل، سعید بن مسیب، امّ سلّمه: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«مهدی بر حقّ و از فرزندان فاطمه است.» (4)

(79) کفایه الاثر: ابو المفصل محمّد بن عبداللّه شیبانی، عبدالرزّاق بن سلیمان بن غالب.5

ص: 42

1- . المعجم الكبير 3: 52، ح 2675. بیان الشافعی: 478، ب 8.

2- . الفتن: 101.

3- . الفتن: 103.

4- . غیبه الطوسی: 114 و 115.

ازدی، أبو عبد الله غنی حسن بن معالی، عبد الوهاب بن همام حمیری، ابن ابی شیبہ، شریک الدین بن ربیع، قاسم بن حسان، جابر بن عبد الله انصاری: رسول خدا صلی الله علیه و آله در بستر بیماری بود که به وفاتش انجامید. فاطمه علیها السلام کنار سر آن حضرت نشسته بود که ناگهان صدای گریه اش بلند شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله چشمانش را به سمت او کرد و ضمن حدیثی طولانی فرمود:

«... دو سبط این امت از ما و همین حسن و حسین فرزندان تو هستند، خداوند از پشت حسین نه تن از ائمه را به دنیا خواهد آورد که همگی امین و معصومند، و مهدی این امت از ماست...» (1).

(80) کمال الدین: محمد بن حسن بن احمد بن ولید، محمد بن حسن الصفار، یعقوب بن زید، حماد بن عیسی، عمر بن اذینه، ابان بن ابی عیاش، ابراهیم بن عمر یمانی، سلیم بن قیس هلالی: از سلمان فارسی شنیدم که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین روزهای عمر شریفش در بستر بیماری بود. [روزی] من مقابل آن حضرت نشسته بودم که فاطمه علیها السلام وارد شد.

با دیدن ضعف و بی حالی پدرش گریست و اشک بر گونه هایش جاری گشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دخترم چرا گریه می کنی؟

فاطمه علیها السلام گفت: ای رسول خدا، از بلاهایی که بعد از شما بر سر خودم و فرزندانم می آید می ترسم.

پیامبر مفضل با او صحبت کرد و ضمن سخنانش فرمود:

«فاطمه! مگر نمی دانی ما خانواده ای هستیم که خداوند آخرت و دنیا را برایمان برگزیده... تو سرور زنان بهشتی و دو پسر - حسن و حسین - سرور جوانان بهشتی هستند، به جان خودم قسم که مهدی این امت از ماست...» (2).

ص: 43

1- . کفایه الاثر: 62.

2- . کمال الدین 1: 626، ب 24، ح 10.

روایات اهل سنت:

(81) عقد الدرر: ابو نعیم، حذیفه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ما سخنرانی می کرد و از کائنات می گفت، تا اینکه فرمود:

«اگر از دنیا فقط یک روز مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی کند تا مردی را برانگیزد [20]...».

سلمان فارسی برخاست و گفت: ای رسول خدا، او از نسل کدام فرزند شماست؟

فرمود: «از این پسر» و با دست به حسین علیه السلام زد. (1)

(82) بیان شافعی: حافظ ابو حجاج یوسف بن خلیل بن عبدالله دمشقی، ابو الفتح ناصر بن محمد بن ابی الفتح اسماعیل بن فضل سراج، ابو طاهر محمد بن احمد بن عبدالرحیم، حافظ ابو الحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی بن مسعود شافعی معروف به دارقطنی، احمد بن محمد بن سعید، ابراهیم بن محمد بن اسحاق بن یزید، سهل بن سلیمان، ابو هارون عبدی: نزد ابوسعید خدری رفته و به او گفتم: در جنگ بدر شرکت کردی؟ گفت: بله. گفتم: اگر چیزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام و فضایل او شنیده ای برای من نقل می کنی؟! گفت: بله، برای من می گویم. رسول خدا صلی الله علیه و آله بیماری مختصری گرفته بود که بعداً از آن شفا یافت. در حال مرض، فاطمه علیها السلام به عیادت او آمد. من سمت راست رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودم. وقتی فاطمه علیها السلام حالت ضعف و ناتوانی آن حضرت را مشاهده کرد بغض گلوش را فشرده و اشک از گونه هایش فروریخت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود:

«فاطمه!... دو سبط این امت از ما و همین دو پسر تو هستند، مهدی امت که عیسی علیه السلام در نماز به او اقتدا می کند از ماست».

بعد بر شانه های حسین علیه السلام زد و فرمود:

ص: 44

«مهدی از نسل این است»⁽¹⁾.

(83) سنن دانی: عبدالله بن عمرو مکتب، عتاب بن هارون، عبیدالله بن فضل، محمد بن فضل همدانی، ابونعیم محمد بن یحیی طوسی، ابراهیم بن موسی الفراء رازی، زید بن الحباب، عیسی بن الاشعث، جویر، نزال بن سبره: علی بن ابی طالب علیه السلام بر منبر بود و برای ما خطابه می گفت. بعد از حمد و ثنای خداوند و سخنانی در مورد دجال فرمود:

«از اینکه پس از آن چه خواهد شد نپرسید؛ حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله از من عهد گرفته که غیر از عترتم کسی را بر آن آگاه نسازم».

نزال بن سبره گوید: به صعصعه بن صوحان گفتم: صعصعه! منظور امیرالمؤمنین علیه السلام چه بود؟ صعصعه گفت: ای پسر سبره! آن کسی که عیسی بن مریم علیه السلام در نماز به او اقتدا می کند، دوازدهمین نفر از عترت و نهمین نسل حسین بن علی علیهما السلام است. او خورشیدی است که از مغرب طلوع می کند، بین رکن و مقام ظاهر می گردد، زمین را پاک کرده و میزان عدالت را برپا می نماید، طوری که هیچ کس به دیگری ظلم نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام هم فرمود که حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله از او عهد گرفته که اتّفاقات پس از آن را برای کسی جز عترتش که ائمه - صلوات الله علیهم اجمعین - هستند بیان نکند.⁽²⁾

روایات شیعه:

(84) کشف الیقین: ابن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله به حسین علیه السلام فرمود:

«مهدی از فرزندان تو است»⁽³⁾.

(85) کشف الیقین: پیامبر صلی الله علیه و آله درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«این فرزند من، امام و برادر امام و پدر نه امام است که نهمین آنها قائم است»⁽⁴⁾.8.

ص: 45

1- . البیان فی أخبار صاحب الزمان: 501 و 502، ب 9. مناقب ابن المغازلی: 101، ح 144. المعجم الصغیر 1: 37.

2- . السنن الواردة فی الفتن: 135 و 136. عقد الدرر: 291، ب 12، ف 3.

3- . کشف الیقین: 117.

4- . کشف الیقین: 118.

(86) دلائل الامامه: أبواسحاق محمد بن احمد طبري، عبدالجبار بن سيراب، محمد بن زكريا، الحكم بن أسلم و شعيب بن واقد، جعفر بن سليمان، ابو هارون عبدی، ابو سعید خدری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قسم به آن که جانم دست اوست، مهدی این امت که عیسی علیه السلام پشت سرش نماز می خواند از ماست».

بعد با دست بر شانه حسین علیه السلام زد و فرمود:

«از این است، از این است».(1)

(87) کفایه الاثر: ابو المفصل محمد بن عبدالله شیبانی، عبدالرزاق بن سلیمان بن غالب ازدی، ابو عبدالله غنی حسن بن معانی، عبدالوهاب بن همام حمیری، ابن ابی شیبه، شریک الدین بن ربیع، قاسم بن حسان، جابر بن عبدالله انصاری: ... رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین روزهای عمر شریفش وقتی دید فاطمه علیها السلام کنار بستر در حال گریستن است به او فرمود:

«دو سبط این امت از ما و همین دو پسر تو هستید، مهدی این امت از ماست».(2)

(88) کمال الدین: احمد بن زیاد بن جعفر همدانی، علی بن ابراهیم بن هاشم به نقل از پدرش، عبدالسلام بن صالح هروی، وکیع بن الجراح، ربیع بن سعد، عبدالرحمن بن سلیط:

حسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام فرمود:

«ما دوازده [امام، همگی] مهدی هستیم، اولین ما امیر مؤمنان علی بن ابی طالب و آخرین ما نهمین فرزند من و همان امام قائم به حق است».(3)

ص: 46

1- . دلائل الامامه: 234. غیبه الطوسی: 116.

2- . کفایه الاثر: 62.

3- . کمال الدین 1: 317، ب 30، ح 3.

روایات اهل سنت:

(89) صحیح ابن حبان: حسین بن احمد بن بسطام، عمرو بن علی بن بحر، ابن مهدی، سفیان، عاصم، زرّ، عبدالله بن مسعود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نشود تا مردی از اهل بیت من که اسم او اسم من، و اسم پدرش اسم پدر من است(1)، بر مردم حکومت کند».(2)

ص: 47

1- . احادیث و روایات متواتر از شیعه و سنی رسیده که مهدی علیه السلام، هم نام و هم کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله است، و ظاهراً بین علما و محدثان در اسم و کنیه آن حضرت اختلافی وجود ندارد، و تنها در بعضی احادیث که در مورد نام پدر او وارد شده اشکال و اختلاف است. جالب آن که جمعی از علمای شیعه مانند شیخ طوسی و سید ابن طاووس نیز این احادیث را آورده اند، با اینکه نظر قطعیشان بر آن است که مهدی علیه السلام همان امام دوازدهم، نامش محمد و نام پدرش حسن است، بلکه این مطلب از ضروریات مذهب شیعه به شمار می رود، ولی آن بزرگواران جهت رعایت در امانت نسبت به الفاظ روایات و کتب روایی، این حدیث مخالف با مذهبشان را عیناً ذکر نموده اند. تعدادی از دانشمندان حدیث فریقین به نقد این جمله اضافی «اسم ابیه کاسم ابی» (و پدرش همانم پدر من است) پرداخته اند، و شاید بتوان گفت قوی ترین نقدی که علمای اهل سنت ارائه داده اند، سخن شافعی صاحب کتاب «اللبیان» باشد که خلاصه آن چنین است: «امام احمد و ترمذی و سایر حفاظ این روایت را تا «او همانم من است» نقل کرده اند و جمله بعدی را ذکر نموده اند. حافظ ابونعیم اصفهانی نیز آن را با بیش از سی طریق سند نقل کرده که هیچ کدام جمله بعدی (و پدرش همانم پدر من است) را ندارد، بنابراین معلوم می شود که این عبارت را «زائده» (یکی از روایان این حدیث) اضافه نموده که کارشناسان او را در نقل روایت ضعیف دانسته و شهادت داده اند که وی مطالبی را از خودش به احادیث اضافه می کرده. و سخن نهایی و قطعی در مورد آن، این است که امام احمد با آن دقت و اتقانی که دارد، این حدیث را در جای جای مسند خود بدین صورت آورده: «او همانم من است». بعضی علما امثال شبلی، اربلی، هروی، نوری و مجلسی هم خواسته اند این زیادی را توجیه نمایند، که بهترین قول در میان آنها چنانچه در روایت حمّاد آمده این است که شاید در اصل «اسم ابیه اسم نبی» و یا «اسم ابنی» بوده که اشتهاً در نسخه برداری «نبی» یا «ابنی» به کلمه «ابی» (پدرم) تبدیل شده، و چنین اتفاق هایی طی صدها سال برای نسخ خطی بسیاری پیش آمده است. و الله العالم».

2- . صحیح ابن حبان 8:291. المصنّف 15:198، ح 19493.

(90) فتن ابن حمّاد: ابن عیّنه، عاصم، زرّ، عبدالله عن النبی صلی الله علیه و آله - و یحیی بن یمان، سفیان ثوری و زائده، عاصم، ابو وائل، زرّ، عبدالله بن مسعود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی همنام من و نام پدرش، نام پدر من است».(1)

(91) فتن ابن حمّاد: عبدالله بن مروان، هیثم بن عبدالرحمن به نقل از شخصی: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«مهدی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است، در مدینه متولّد می شود، و همنام پدر من است».(2)

روایات شیعه:

(92) غیبه الطوسی: محمّد بن اسحاق مقری، علی بن بکار، علی بن قادم، فطر، عاصم، زرّ بن حُبیش، عبدالله بن مسعود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر از دنیا فقط یک روز مانده باشد خداوند آن را طولانی می کند تا مردی از [اهل بیت] مرا برانگیزد [20]، او همنام من و نام پدرش، نام پدر من است».(3)

(93) امالی طوسی: الحفّار، ابوبکر محمّد بن عمر جعابی حافظ، ابو الحسن علی بن موسی الخزّار، حسن بن علی هاشمی، اسماعیل بن ابان، ابو مریم، ثویر بن ابی فاخته، عبدالرحمن بن ابی لیلی به نقل از پدرش روایت کرد: روز جنگ خیبر پیامبر صلی الله علیه و آله پرچم را به علی بن ابی طالب علیه السلام داد و خداوند او را پیروز فرمود. روز غدیر خم نیز پیامبر صلی الله علیه و آله او را [مقابل مردم] واداشت و به آنها اعلام نمود که او مولای هر زن و مرد مؤمنی است، و به علی علیه السلام گفت:

«... در آن موقع قائم آنها قیام می کند».(2).

ص: 48

1- . الفتن: 101.

2- . الفتن: 101.

3- . الغیبه: 112.

به آن حضرت گفتند: اسم قائم چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«او همان من، و پدرش همانم پدر من است»⁽¹⁾.

(94) کفایه الاثر: ابو المفضل محمد بن عبدالله بن المطلب شیبانی، أبو مزاحم موسی بن عبدالله بن یحیی بن خاقان مقری، أبو بکر محمد بن عبدالله بن ابراهیم شافعی، محمد بن حماد بن ماهان الدبّاغ أبو جعفر، عیسی بن ابراهیم، حارث بن نبهان، عیسی بن یقطان، ابو سعید، مکحول و وائله بن اسقع، جابر بن عبدالله انصاری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اوصیای من بعد از من به تعداد نقبای بنی اسرائیل خواهند بود... تا اینکه امامشان از آنها پنهان می شود».

جابر گوید: گفتم: ای پیامبر، آنکه از مردم پنهان می شود همان حسن است؟

فرمود:

«نه، فرزند او، حجت [پنهان می شود]»⁽²⁾.

(95) کمال الدین: احمد بن زیاد بن جعفر همدانی، علی بن ابراهیم، عبدالله بن احمد الموصلی، صقر بن ابی دلف: از علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام (امام علی نقی علیه السلام) شنیدم که فرمود:

«بعد از من فرزندانم «حسن» امام خواهد بود و بعد از او فرزندش امام و قائمی است که چون زمین پر از ظلم و ستم شود عدالت را در آن فراگیر خواهد کرد»⁽³⁾.

ص: 49

1- . امالی 1: 361 و 362.

2- . کفایه الاثر: 58. اثبات الهداه 1: 577، ب 9، ف 27، ح 492.

3- . کمال الدین 2: 383، ب 38، ح 10.

اشاره

این باب شامل چهار فصل است:

فصل اول: از سروران اهل بهشت

روایات اهل سنت:

(96) سنن ابن ماجه: هديه بن عبدالوهاب، سعد بن عبدالحميد بن جعفر، علي بن زياد يمامي، عكرمه بن عمّار، اسحاق بن عبدالله بن ابي طلحه، أنس بن مالك: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشتیم: من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی».(1)

(97) فردوس الأخبار: ابن عباس: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی طاووس بهشتیان است».(2)

روایات شیعه:

(98) کتاب سلیم بن قیس: أبان، سلیم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فضل اهل بیتش فرمود:

ص: 51

1- . سنن ابن ماجه 2:1368، ب 34، ح 4087. تاریخ بغداد للخطیب 9:434، شماره 5050.

2- . فردوس الاخبار 4:497، ح 6941.

«ما فرزندان عبدالمطلب سادات اهل بهشتیم: من، علی، جعفر، حمزه، حسن، حسین، فاطمه و مهدی».(1)

(99) امالی صدوق: احمد بن محمد بن اسحاق، اسماعیل بن ابراهیم حلوانی، احمد بن منصور زاج، هدیه بن عبدالوهاب، سعد بن عبدالحمید بن جعفر، عبدالله بن زیاد یمانی، عکرمه بن عمّار، اسحاق بن عبدالله بن ابی طلحه، انس بن مالک: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ما فرزندان عبدالمطلب بزرگان اهل بهشتیم: رسول خدا، حمزه سیدالشهدا، جعفر ذوالجناحین، علی، فاطمه، حسن، حسین و مهدی».(2)

(100) کشف الیقین: جابر، عبدالله: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«بهشت مشتاق چهار تن از خاندان من است که خدا دوستشان دارد و به من هم امر کرده آنها را دوست بدارم: علی بن ابی طالب، حسن، حسین و مهدی».(3)

(101) تفسیر فرات: حسن بن علی بن بزیع، اصبع بن نباته: علی بن ابی طالب علیه السلام به من فرمود:

«اگر خداوند همه انسان ها را از اول تا آخر جمع کند بهترینشان هفت نفر از ما فرزندان عبدالمطلب هستند... و دو سبط [پیامبر] حسن و حسین، و مهدی که خداوند به مشیت خود او را در پشت یکی از اهل بیت قرار داده است».(4)

(102) اصول کافی: محمد بن یحیی، احمد بن محمد، ابن فضال، حسین بن علوان کلبی، علی بن حزور غنوی، اصبع بن نباته حنظلی: روزی که بصره فتح شد، امیر مؤمنان علیه السلام را دیدم که بر مرکب رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار بود. فرمود:

«روزی که خداوند همه خلق را جمع می کند، بهترین آنها پیامبرانند، و برتر پیامبران محمد صلی الله علیه و آله است... و برتر شهدا حمزه بن عبدالمطلب و جعفر5.

ص: 52

1- کتاب سلیم بن قیس: 246، ح 45.

2- امالی الصدوق: 384: مجلس 72، ح 15.

3- کشف الیقین: 117. کشف الغمّه 1: 52.

4- تفسیر فرات الکوفی: 35.

بن ابی طالب هستند، و جعفر دو بال خضاب شده دارد که با آنها در بهشت پرواز می کند، غیر او هیچ کس از این امت نیست که دو بال به او پیشکش شده باشد، و خداوند به وسیله آن محمد صلی الله علیه و آله را احترام کرده و مشرف فرموده، و دو سبط [رسول خدا] حسن و حسین، سرور جوانان اهل بهشت، و مهدی که به مشیت خداوند یکی از ما اهل بیت خواهد بود» (1).

(103) کفایه الاثر: علی بن حسن، هارون بن موسی، ابو عبدالله حسین بن احمد بن شیبان قزوینی، ابو عمر احمد بن علی فیدی، سعد بن مسروق، عبد الکریم بن هلال مکی، ابو طفیل، ابوذر: از حضرت فاطمه علیها السلام شنیدم که فرمود:

«از پدرم در مورد این آیه سؤال کردم که خداوند می فرماید: «بر اعراف مردانی هستند که همه را از سیمایشان می شناسند» (2). فرمود: آنها امامان بعد از من: علی، دو سبطم و نه نفر از پشت حسین هستند. آنها «مردان اعرافند»، هر کس وارد بهشت می شود آنها را می شناسد و آنها او را می شناسند، و هر کس وارد جهنم می شود از آنها بیزار است و آنها هم از او بیزارند، و تنها راه معرفت خداوند، شناخت آنهاست» (3).

فصل دوم: همراهی فرشتگان

روایات اهل سنت:

(104) بیان شافعی: حافظ ابو عبدالله محمد بن عبدالواحد بن احمد مقدسی، ابو الفرج یحیی بن محمود بن سعد ثقفی بدمشق و صیدلانی، ابو علی الحسن، ابو نعیم حافظ، ابو احمد عطریفی، محمد بن سلیمان باغندی، عبدالوهاب بن ضحاک، اسماعیل بن عیاش، صفوان بن

ص: 53

1- . الکافی 1: 450، ح 34.

2- وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ. (اعراف، 46)

3- . کفایه الاثر: 194.

عمرو، عبدالرحمن بن جُبَيْر، كثير بن مرّه، عبدالله بن عمرو: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

«وقتی مهدی قیام می کند بالای سرش ابری است که فرشته ای در آن است و ندا می دهد: این همان مهدی و خلیفه خداست، از او اطاعت کنید».(1)

(105) بیان شافعی: ابو الفرج عبدالسلام بن عبدالوهاب قُرشی، سلیمان بن احمد طبرانی، ابراهیم بن محمد بن عون، عبدالوهاب بن ضحاک، اسماعیل بن عیّاش، صفوان بن عمرو، عبدالرحمن بن جُبَيْر بن نُفَیر، كثير بن مرّه، عبدالله بن عمرو: پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله فرمود:

«وقتی مهدی قیام می کند فرشته ای بالای سر اوست و ندا می دهد: این مهدی است، از او پیروی کنید».(2)

(106) کنز العمّال: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

«... مردی از اهل بیتم می آید که فرشتگان پیشاپیش اویند و اسلام را ظاهر می کند».(3)

روایات شیعه:

(107) موالید الأئمّه: رسول خدا صلى الله عليه و آله در حدیثی درباره مهدی علیه السلام فرمود:

«در آخر الزمان ظاهر می شود و بالای سرش ابری است که بر او سایه می افکند، و هر جا می رود با اوست و با صدایی شیوا ندا می دهد: این مهدی است».(4)

(108) تفسیر عیّاشی: عبدالاعلی جبلی (حلبی): امام باقر علیه السلام فرمود:

«... گویی اکنون آنها (قائم و اصحابش) را می بینم که سیصد و ده و اندی3.

ص: 54

1- . البيان في أخبار صاحب الزمان: 511، ب 15. عقد الدرر: 135، ب 6. فراند السّمطين 2: 316، ب 61، ح 566 و 569. تلخيص المتشابه للخطيب 1: 417.

2- . البيان في اخبار صاحب الزمان: 512، ب 16.

3- . كنز العمّال 14: 269، ح 38684.

4- . مواليد الأئمّه و وفياتهم: 201. الصراط المستقيم 2: 260، ف 12. اثبات الهداه 3: 615، ب 32، ف 15، ح 163.

مرد هستند و از بلندی های کوفه (نجف) عبور می کنند، دل هایشان چون پاره های آهن است، و جبرئیل سمت راست مهدی و میکائیل سمت چپ اوست» (1).

فصل سوم: مقام والای مهدی در پیشگاه خداوند

روایات اهل سنت:

(109) کشف الیقین: جابر بن عبداللّه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«بهشت مشتاق چهار نفر از خاندان من است که خداوند دوستشان دارد و مرا نیز به محبت آنها امر فرموده: علی بن ابی طالب، حسن، حسین و مهدی» (2).

(110) فتن ابن حمّاد: ابو یوسف، صفوان بن عمرو، عبداللّه بن بشیر، کعب:

«مهدی چون عقاب که بالهای خود را پایین می آورد (3)، برای خداوند خاشع است» (4).

روایات شیعه:

(111) غیبه النعمانی: محمّد بن همام به نقل از پدرش و عبداللّه بن جعفر حمیری، احمد بن هلال، محمّد بن ابی عمیر، سعید بن غزوان، ابو بصیر، حضرت ابو عبداللّه علیه السلام از پدران گرامیش علیهم السلام روایت کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند از هر چیزی یکی را برگزید... و از من و علی، حسن و حسین را، و دوازده امام که [نُه نفر آنها] از فرزندان حسین هستند این [تعداد] را

ص: 55

1- . تفسیر العیاشی 2: 59 و 60. الصراط المستقیم 2: 260، ف 12.

2- . کشف الیقین: 117.

3- . «خَفَضَ جناح» یعنی پایین آوردن بال، در عرب اصطلاحی است برای خضوع، خشوع و تسلیم.

4- . الفتن: 100.

کامل می کنند، نهمین آنها باطن و ظاهر و برتر و قائم آنهاست، که بقیه [ائمه]، تحریفهای افراد زیاده رو (غلوکنندگان) و ادعاهای ناروای دشمن و تأویلهای جاهلان را نسبت به او برطرف می سازند».(1)

فصل چهارم: اقتدای عیسی علیه السلام به مهدی علیه السلام

روایات اهل سنت:

(112) کشف الیقین: جابر بن عبداللّه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی همان کسی است که عیسی بن مریم علیهما السلام پشت سرش نماز می خواند».(2)

(113) بیان شافعی: حافظ ابو حجاج یوسف بن خلیل بن عبداللّه دمشقی، ابو الفتح ناصر بن محمّد بن ابی الفتح اسماعیل بن فضل سراج، ابو طاهر محمّد بن احمد بن عبدالرحیم، حافظ ابو الحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی بن مسعود شافعی معروف به دارقطنی، احمد بن محمّد بن سعید، ابراهیم بن محمّد بن اسحاق بن یزید، سهل بن سلیمان، ابو هارون عبدی:

نزد ابوسعید خدری رفته و به او گفتم: در جنگ بدر شرکت کردی؟ گفت: بله. گفتم:

اگر چیزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام و فضایل او شنیده ای برای من نقل می کنی؟! گفت: بله، برای من گویم. رسول خدا صلی الله علیه و آله بیماری مختصری گرفته بود که بعداً از آن شفا یافت. در حال مرض، فاطمه علیها السلام به عیادت او آمد. من سمت راست رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودم. وقتی فاطمه علیها السلام حالت ضعف و ناتوانی آن حضرت را مشاهده کرد، بغض گلویش را فشرد و اشک از گونه هایش فروریخت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او سخنانی فرمود و از جمله گفت:

«... مهدی امت که عیسی علیه السلام در نماز به او اقتدا می کند از ماست».(3)

ص: 56

1- الغیبه: 67، ب 4، ح 7.

2- کشف الیقین: 117.

3- البیان فی اخبار صاحب الزمان: 501 و 502، ب 9.

(114) فتن ابن حمّاد: نعیم، ضمیره بن ربیعہ، یحیی بن ابی عمرو شیبانی، عمرو بن عبداللہ حضرمی، ابو امامہ باہلی: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود:

«در آن موقع امام مردم مردی صالح (مهدی) است، به او می گویند: نماز صبح را بخوان. وقتی تکبیر می گوید و نماز را شروع می کند، عیسی بن مریم نازل می شود. چون آن مرد، عیسی علیه السلام را می بیند، او را می شناسد و عقب می رود تا عیسی علیه السلام امام جماعت شود. عیسی علیه السلام دستانش را بین دو کتف [و پشت او] گذارده و می گوید: شما نماز بخوانید؛ جماعت به خاطر شما برپا شده. [او نماز را ادامه می دهد] و عیسی علیه السلام به او اقتدا می کند».(1)

(115) فتن ابن حمّاد: ولید، ابو عبداللہ مولی [105] بنی امیّه، محمّد بن الحنفیہ:

«خلیفه ای از بنی هاشم در بیت المقدس مقیم می گردد و عدالت را در دنیا فراگیر می نماید... دجال در زمان او قیام می کند، عیسی بن مریم علیه السلام نازل می شود و پشت سر آن خلیفه نماز می خواند».(2)

(116) فتن ابن حمّاد: حمّاد بن سلّمه، علی بن زید به نقل از شخصی، عبداللہ بن عمرو:

«مهدی همان کسی است که عیسی بن مریم بر او نازل می شود و در نماز به او اقتدا می کند».(3)

(117) بیان شافعی: نقیب النقباء فخر آل رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ ابو الحسن علی بن محمّد بن ابراهیم حسنی، ابو الفرج یحیی بن محمود، ابو علی حسن بن احمد، حافظ ابو نعیم، ابو المظفر، محمّد بن یوسف بن بشر، ابراهیم بن منقذ خولانی، ابو حازم عبدالغفار بن حسن بن دینار، سفیان ثوری، منصور، ربیع، حذیفه: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود:

«... مهدی به عیسی - که آن زمان نازل شده و گویی از موهایش آب می چکد - رو کرده و می گوید: شما جلو بایستید تا مردم اقتدا کنند! عیسی علیه السلام می گوید: نماز جماعت برای [امامت] شما برپا شده، و خودش 3.

ص: 57

1- . الفتن: 159 و 160.

2- . الفتن: 110.

3- . الفتن: 103.

(عیسی علیه السلام) پشت سر [مهدی که] مردی از فرزندان من [است] اقتدا می کند. بعد از نماز عیسی علیه السلام بلند می شود و کنار مقام [ابراهیم علیه السلام] با مهدی بیعت نموده و پس از آن چهل سال زنده خواهد بود». (1)

(118) عقد الدرر: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن بیان ماجرای دجال فرمود:

«مهدی وارد بیت المقدس شده و برای مردم نماز جماعت می خواند.

روز جمعه هنگام نماز عیسی بن مریم علیه السلام با دو جامه سرخ و براق نازل می شود، موهایش شانه زده و فروهشته است و چنان برق می زند که گویی از سرش روغن می چکد، خوش سیما و شبیه ترین خلق خدا به ابراهیم خلیل علیه السلام است، مهدی متوجه می شود و او را می نگرد و می گوید: ای فرزند مریم عذرا، جلو بایستید تا مردم به شما اقتدا کنند! عیسی علیه السلام می گوید: نماز و جماعت برای [امامت] شما برپا شده؛ [شما جلو بایستید]. مهدی جلو می رود و نماز به امامت او برگزار می شود. عیسی علیه السلام نیز پشت سر او ایستاده، اقتدا، و بعد بیعت می نماید...». (2)

روایات شیعه:

(119) تفسیر فرات: جعفر بن محمد فزاری: امام باقر علیه السلام ضمن روایتی فرمود:

«خیثمه!... مگر نمی دانی عیسی علیه السلام با اینکه پیامبر است، پشت سر ما (اهل بیت) نماز می خواند؟! آری، ما از او برتریم...». (3)

(120) اصول کافی: بعض اصحابنا، سهل بن زیاد، محمد بن سلیمان، عیثم بن اشمیم، معاویه بن عمّار، ابو عبدالله علیه السلام: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«... جبرئیل نزد من آمد و گفت:... وقتی خداوند عیسی بن مریم را به زمین می آورد، قائم [موعودی] که عیسی در نماز به او اقتدا می کند از شما4.

ص: 58

1- . البیان فی اخبار صاحب الزمان: 500، ب 7.

2- . عقد الدرر: 274 و 275، ف 2.

3- . تفسیر فرات الکوفی: 44.

(اهل بیت) و از نسل علی و فاطمه و از فرزندان حسین است».(1)

(121) دلائل الامامه: ابو اسحاق ابراهیم بن احمد طبری، عبدالجبار بن سیراب، محمد بن زکریا، الحکم بن أسلم و شعیب بن واقد، جعفر بن سلیمان، ابو هارون عبدی، ابو سعید خدری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قسم به خداوندی که جانم به دست اوست، مهدی این امت که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می خواند از ما (اهل بیت) است...».(2)

(122) تفسیر فرات: محمد بن قاسم عبید، عبدالله بن عباس: از سلمان فارسی شنیدم که به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می گفت:

«مهدی همان است که عیسی پشت سرش نماز می خواند».(3)

(123) امالی صدوق: محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن قاسم، احمد بن هلال، فضل بن دکین، معمر بن راشد: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... و [دیگر] از نسل من مهدی است، همان که وقتی قیام می کند عیسی بن مریم برای یارش نازل می شود و او را مقدم داشته و در نماز به او اقتدا می کند».(4)

ص: 59

1- . الکافی 8:49، ح 10.

2- . دلائل الامامه: 234.

3- . تفسیر فرات الکوفی: 179.

4- . امالی الصدوق: 181، المجلس 39، ح 4.

اشاره

این باب شامل چهار فصل است:

فصل اول: ویژگی های جسمی

روایات اهل سنت:

(124) مسند احمد: ابو النصر، ابو معاویه شیبیان، مطر بن طهمان، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نشود تا اینکه مردی از اهل بیت من، بلند پیشانی با بینی باریک و قلمی که در وسطش برآمدگی دارد، به حکومت رسد»⁽¹⁾.

(125) مسند ابی یعلی: قطن بن نسیر، عدی بن ابی عماره، مطر وراق، ابو الصدیق، ابو سعید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی از اهل بیتم بر ائمت حکومت خواهد کرد که پیشانی فرخ و نورانی و بینش باریک و قلمی با مقداری برآمدگی در وسط آن است»⁽²⁾.

(126) الدرّ المنثور: ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن سخنانش در مورد مهدی فرمود:

«... مهدی از من است، پیشانی بلند و تابناک، و بینش باریک و قلمی با

ص: 61

1- . مسند احمد 3: 17.

2- . مسند ابی یعلی 2: 367، ح 1128. فتن ابن حمّاد: 100.

(127) سنن دانی: حمزه بن علی، عبدالله بن محمد، علی بن حسین جهنی، هشام بن عمار، اسماعیل بن عیاش، عطاء بن عجلان، ابو نصره، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخرالزمان مردی جوان و خوش سیما از عترتم قیام می کند که پیشانی بلند و تابان و بینی باریک با مقداری برآمدگی در وسط آن دارد» (2).

(128) مصنف عبدالرزاق: معمر، مطر به نقل از شخصی، ابو سعید خدری (بدون اسناد به پیامبر صلی الله علیه و آله):

«مهدی پیشانی بلند و سفید و دارای بینی باریک و قلمی با مقداری برآمدگی در وسط آن است» (3).

(129) فتن ابن حماد: ابن وهب، اسحاق بن یحیی بن طلحه تمیمی، طاووس: عمر بن خطاب هنگام وداع با کعبه گفت: به خدا قسم نمی دانم سلاح ها و اموال موجود در کعبه را همان جا بگذارم یا آن را در راه خدا تقسیم کنم؟ علی بن ابی طالب علیه السلام به او فرمود: «امیر مؤمنین! به آنها کاری نداشته باش؛ چون تو صاحب آنها نیستی.

صاحب آنها یکی از ماست: جوانی از قریش که در آخرالزمان آنها را در راه خدا تقسیم می کند» (4).

(130) فردوس الأخبار: حذیفه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی مردی از فرزندان من و صورتش چون ماه تابان است» (5).

(131) الحاوی للفتاوی: حذیفه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی مردی از فرزندان من است که بر گونه راستش خالی دارد و چون ماه می درخشد» (6).

ص: 62

1- . الدر المنثور 6:57.

2- . السنن الواردة فی الفتن: 94.

3- . المصنف 11:372، ح 20773. فتن ابن حماد: 100.

4- . الفتن: 101.

5- . فردوس الاخبار 4:496، ح 6667.

6- . الحاوی للفتاوی 2:66.

(132) فرائد الفوائد: ابن عباس:

«نام مهدی: «محمد بن عبدالله» (1) است، او مردی میانه قامت و شمایلش سفید آمیخته با سرخی است.» (2)

(133) فتن ابن حمّاد: ابن عیینّه، عمرو، ابی معبد، ابن عباس:

«مهدی جوان است.» (3)

(134) فتن ابن حمّاد: محمد بن حمیر، صقر بن رستم به نقل از پدرش روایت کرد:

«مهدی مردی کمان ابرو، گشاده رو و درشت چشم است، از جانب حجاز می آید تا بر منبر دمشق قرار می گیرد، او هجده ساله است.» (4)

(135) معجم کبیر: علی بن سعید رازی، علی بن حسین، عنبسه بن ابی صغیره، اوزاعی، سلیمان بن حبیب: از ابو امامه شنیدم که می گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی که در آن مهدی را توصیف می کرد، فرمود:

«... صورتش چون ستاره درخشان است، بر گونه راستش خال سیاهی دارد، دو عبای قطوانی به دوش انداخته، گویی از مردان بنی اسرائیل است.» (5)

روایات شیعه:

(136) دلائل الامامه: ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد بن احمد طبری، ابو الحسن محمد بن مظفر حافظ، عبدالرحمن بن اسماعیل، علی بن ابراهیم صوری، داود، سفیان، منصور، ربیع بن خراش، حذیفه بن یمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از فرزندان من است، رنگ و رویش عربی و بدنش اسرائیلی است، بر گونه راستش خالی دارد، (و صورتش) چون ستاره درخشان است.» (6)

ص: 63

1- رک: حاشیه حدیث (89).

2- . فرائد فوائد الفکر: 3، ب 2.

3- . الفتن: 102.

4- . الفتن: 101.

5- . المعجم الكبير 120:8، ح 7495.

6- . دلائل الامامه: 233.

(137) دلایل الامامه: ابو عبدالله احمد بن محمد بن عبدالله بن خالد کابلی، ابو الحسن احمد بن جعفر بن محمد بن محمد الخلال، محمد بن اسکاف و حسن بن منصور الجصاص، ابو النصر، شیبان بن مطر و زاق، ابو الصدیق، ابو سعید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی از اهل بیتم بر امتم حکومت خواهد کرد که بلندپیشانی و دارای بینی باریکی است که در وسط آن مقداری برآمدگی دارد» (1).

(138) غیبه النعمانی: ابو سلیمان احمد بن هوده، ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن حماد انصاری، عبدالله بن بکیر، حمران بن أعین: امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی در وصف قائم علیه السلام فرمود:

«رنگ صورتش سرخ و سفید، چشمانش گود و فرورفته، ابروانش پُر و به هم پیوسته، و چهارشانه است، میانه سرش فرق باز کرده (2)، و در چهره اش نشانه ای است» (3).

(139) اثبات الهداه: عبدالواحد بن عبدالله، احمد بن محمد بن رباح زهری، احمد بن علی حمیری، حسن بن ایوب، عبدالکریم بن عمرو خثعمی، اسحاق بن جریر، حجر بن زانده، حمران بن أعین: به امام باقر علیه السلام گفتم: قائم شما هستید؟ فرمود:

«... منظورت را دانستم، صاحب (موعود) تو بلندقامت و شکم برآمده است و میانه سرش فرق باز کرده (4)، و پسر زیبارویان باهیت است...» (5).

(140) بحار الانوار: امام باقر علیه السلام فرمود:

«مهدی ابروان پُر و به هم پیوسته دارد» (6).

(141) غیبه النعمانی: عبدالواحد بن عبدالله، احمد بن محمد بن رباح زهری، احمد بن علی حمیری، حسن بن ایوب، عبدالکریم بن عمرو خثعمی، محمد بن عصام، وهیب بن حفص، ابو بصیر: امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام (تردید از ابن عصام است) فرمود: 1.

ص: 64

1- . دلایل الامامه: 258.

2- «برأسه حزاز».

3- . الغیبه: 215، ب 13، ح 3.

4- «صاحبک المبدح البطن، ثم الحزاز برأسه».

5- . اثبات الهداه 3: 538، ب 33، ف 27، ح 494.

6- . بحار الانوار 40: 51، ب 4، ح 21.

«ای ابومحمّد، قائم دو نشانه دارد: نشانه ای (لکه ای) در سرش است و بیماری شوره سر دارد، و نشانه ای (لکه ای) بین دو کتف از طرف چپ، و زیر کتف چپش پوسته ای چون برگ درخت مُورد است»⁽¹⁾.

فصل دوم: شبیه ترین مردم به پیامبران

روایات اهل سنت:

(142) فتن سلیلی: حسن بن علی مالکی، ابو النصر علی بن حمید رافعی، محمّد بن هیثم بصری، سلیمان بن عثمان نخعی، سعید بن طارق، سلّمه بن انس، اصبع بن نباته: امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه ای از مهدی و قیام همراهانش سخن به میان آورد و نام های آنها را ذکر فرمود. ابو خالد حلبی به آن حضرت گفت: ای امیر مؤمنان! خصوصیات او را برای ما بگوئید. علی علیه السلام فرمود:

«مهدی در ظاهر و خُلق و خوی و محاسن شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله است...»⁽²⁾.

روایات شیعه:

(143) کمال الدین: جعفر بن محمّد بن مسرور، حسین بن محمّد بن عامر، عبدالله بن عامر، محمّد بن ابی عمیر، ابو جمیل مفضل بن صالح، جابر بن یزید جُعی، جابر بن عبدالله انصاری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از فرزندان من، هم نام و هم کنبه من، و در صفات ظاهری و اخلاق شبیه ترین مردم به من است»⁽³⁾.

(144) غیبه النعمانی: احمد بن محمّد بن سعید، احمد بن محمّد دینوری، علی بن حسن الکوفی، عمیره بنت اوس، الحصین بن عبدالرحمن، عبدالله بن ضمیره، کعب الأخبار:

ص: 65

1- . الغیبه: 216، ب 13، ح 5.

2- . الفتن: 145، ب 79.

3- . کمال الدین 1: 286، ب 25، ح 1.

«... و از نسلِ علی، مهدی قائم است، همو که زمین را دگرگون سازد، و دلیل و برهان عیسی بن مریم در بحث و جدل با نصارای روم و چین باشد، مهدی قائم از نسل علی و شبیه ترین مردم به عیسی بن مریم در صفات ظاهری و اخلاق و وقار و هیبت است، خداوند آنچه را به پیامبران داده بیشتر و بهترش را به او می دهد، قائم نسل علی غیبی چون غیبت یوسف و رجعتی چون رجعت عیسی بن مریم دارد».⁽¹⁾

(145) غیبه الطوسی: ابو بصیر: امام باقر علیه السلام فرمود:

«قائم به یوسف علیه السلام شباهت دارد. گفتم: چه شباهتی؟ فرمود: حیرت و غیبت».⁽²⁾

(146) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، محمد بن مفضل و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن حسین و محمد بن احمد بن حسن قطوانی، حسن بن محبوب، هشام بن سالم جوالیقی، یزید کناسی: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

«صاحب امر به یوسف علیه السلام شباهت دارد و فرزند کنیزی سیاه پوست است».⁽³⁾

(147) غیبه النعمانی: علی بن احمد، عبیدالله بن موسی، عبدالله بن جبلة، حسن بن علی ابی حمزه، ابو بصیر: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

«صاحب امر چهار سنت از چهار پیامبر دارد: موسی، عیسی، یوسف و محمد صلوات الله علیهم اجمعین.

گفتم: سنت موسی علیه السلام چه بود؟

فرمود: هر لحظه با ترس منتظر حادثه ای بود.⁽⁴⁾

گفتم: سنت عیسی علیه السلام چه بود؟ (8)

ص: 66

1- . الغیبه: 146، ب 10، ح 4.

2- . غیبه الطوسی: 103. اثبات الهداه 3: 501، ب 32، ف 12، ح 284.

3- . الغیبه: 163، ب 10، ح 3.

4- . خَائِفًا يَتَرَقَّبُ. (قصص: 18)

فرمود: همان چیزی که در مورد عیسی گفتند در مورد او می گویند. (1)

گفتم: سنت یوسف علیه السلام چه بود؟

فرمود: زندان و غیبت.

گفتم: سنت محمد صلی الله علیه و آله چه بود؟

فرمود: وقتی قیام می کند به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل می نماید با این تفاوت که آثار محمد صلی الله علیه و آله را تبیین می کند [نه اینکه دین جدیدی بیاورد] و هشت ماه شمشیر به دوش چنان آشوبی به پا می کند تا خداوند راضی شود.

گفتم: رضایت خدا را از کجا می فهمد؟

فرمود: خداوند به دلش رحمت می اندازد. (2)

(148) کمال الدین: محمد بن محمد بن عصام، محمد بن یعقوب کلینی، قاسم بن علاء، اسماعیل بن علی قزوینی، علی بن اسماعیل، عاصم بن حمید حنّاط، محمد بن مسلم تقفی طحّان:

خدمت امام محمد باقر علیه السلام رفتم تا از آن حضرت در مورد قائم آل محمد صلی الله علیه و آله سؤال کنم. ولی پیش از آنکه من حرفی بزنم آن حضرت بی مقدمه فرمود:

«محمد بن مسلم! قائم آل محمد به پنج پیامبر شباهت دارد: یونس بن مَتّا، یوسف بن یعقوب، موسی، عیسی و محمد صلوات الله علیهم. اما شباهتش با یونس بن مَتّا علیه السلام در این است که بعد از مدّتی غیبت باز می گردد و علیرغم سنّ زیاد، هنگام بازگشت جوان است. و شباهتش با یوسف بن یعقوب علیهما السلام در این است که او از غریب و آشنا غائب شد و از برادرانش پنهان گردید و پدرش یعقوب با اینکه یوسف در مسافتی نزدیک با او و خانواده و پیروانش بود، از او بی خبر ماند. و شباهتش با موسی علیه السلام ادامه دار بودن ترس و طولانی شدن غیبت، و ولادت در خفا و خستگی شیعیان پس از او به خاطر اذیت ها و ذلّت هایی که می بینند، تا وقتی خداوند اذن به ظهور و یاری و غلبه او بر دشمنش دهد. و شباهتش با عیسی علیه السلام اختلاف 5.

ص: 67

1- رک: نساء: 157.

2- الغیبه: 164، ب 10، ح 5.

نظرها در مورد اوست به حدّی که عدّه ای می گویند: به دنیا نیامده، دیگران می گویند: مُرده، و برخی می گویند: او را کشته و به صلیب کشیده اند. و شباهتی که با جدّش مصطفی صلی الله علیه و آله دارد، قیام با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و پیامبر، و زورگویان و بیدادگران است، و هیچ کدام از لشکرهای او شکست نمی خورد» (1).

(149) دلایل الامامه: ابوالمفضل محمد بن عبدالله، ابو العباس احمد بن محمد بن سعید بن عقده، یحیی بن زکریّا، حسن بن محبوب، هشام بن سالم، زید کناسی: از امام محمد باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:

«... شباهت مهدی علیه السلام با یوسف علیه السلام این است که برادرانش با او معامله و صحبت می کنند اما او را نمی شناسند، و شباهتش با موسی علیه السلام در خوف، و با عیسی علیه السلام در حیرت و سفر است، و با محمد صلی الله علیه و آله در استفاده از شمشیر شباهت دارد» (2).

فصل سوم: جود و کرم

روایات اهل سنت:

(150) فتن ابن حمّاد: محمد بن مروان، عماره بن ابی حفصه، زید عمّی، ابو الصدیق، ابو سعید خدری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«امت من در زمان مهدی چنان از نعمت بهره مند می شوند که هیچ گاه سابقه نداشته، از آسمان باران فراوان و مکرّر می بارد، هر چیز در زمین کاشته شود زمین آن را می رویاند، مال و ثروت انبوه و فراوان می شود، و هر که نزد مهدی بیاید و بگوید به من پول بده، می گوید: بگیر» (3).

ص: 68

1- . کمال الدین 1:327، ب 32، ح 7.

2- . دلایل الامامه: 291.

3- . الفتن: 99.

(151) فرائد الفوائد: ابو نعیم: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی در امتم قیام می کند، خداوند او را برای فریادرسی مردم می فرستد، و (به برکت او) مردم از فراوانی نعمت ها برخوردار می گردند، دام ها مرگ و میر ندارند و زیاد می شوند(1)، و زمین رویاندنی های خود را می رویاند. مهدی همه اموال را به طور مساوی تقسیم می کند».(2)

(152) صحیح مسلم: واصل بن عبدالاعلی و ابو کریب و محمد بن یزید رفاعی، محمد بن فضیل به نقل از پدرش، ابو حازم، ابو هریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمین گنجهای خود را به صورت ستون های طلا و نقره بیرون می ریزد(3).

شخص قاتل می گوید: به خاطر این طلا و نقره بود که من مرتکب قتل شدم.

کسانی که قطع رحم کرده اند می گویند: به خاطر اینها بود که ما قطع رحم کردیم. دزدها می گویند: به خاطر این طلا و نقره بود که دست ما قطع شد.

آنها به دنبال طلا و نقره می روند، ولی نمی توانند چیزی از آن بردارند».(4)

(153) مسند احمد: عفان، حماد بن سلمه، علی بن زید، ابو نصره، ابو سعید خدری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند خلیفه ای در این امت برمی انگیزد [20] که اموال را بدون شمارش و حساب توزیع می کند».(5)

(154) فتن ابن حماد: معمر، ابوهارون، معاویه، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اهل آسمان و زمین از مهدی راضی می شوند، هر چه ابر در آسمان است می بارد، و هر چه رویدنی در زمین است می روید، به حدی که مردگان رشک زندگان می برند».(6)9.

ص: 69

1- «تعیش الماشیه».

2- فرائد فوائد الفكر: 11، ب 4.

3- «تقی الأرض أفلاذ كبدها أمثال الأسطوان من الذهب والفضة...».

4- صحیح مسلم 2: 701، ب 17، ح 1013.

5- مسند احمد 3: 96.

(155) غیبه النعمانی: ابو علی حسن بن علی بن عیسی قوهستانی، بدر بن اسحاق بن بدر انماطی، ابو اسحاق بن بدر، بدر بن عیسی: از پدرم عیسی بن موسی که مردی با اَبَتهت بود پرسیدم: در طول عمرت کدام یک از تابعین را دیده ای؟

گفت: نمی دانم چه می گویی (نمی دانم مقصودت چیست!) ولی زمانی در مسجد کوفه بودم که شنیدم پیری از شخص خیری صحبت می کرد و می گفت: از امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که می فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به من گفت:

«ای علی، امامان معصوم که از نسل تو و هدایت شده و هدایتگرند یازده نفر هستند. تو بر آنها مقدمی و آخرین آنها همانم من است. او قیام می کند و زمین را همان طور که از ظلم و ستم پر شده، از عدل و داد پر می نماید. هر شخصی نزد او می آید و می گوید: ای مهدی، به من پول بده، از اموال انبوه و فراوان به او می دهد و می گوید: بگیر» (1).

(156) امالی طوسی: گروهی به نقل از ابو المفصل، احمد بن محمد بن بشار بن ابی العجوز سمسار، مجاهد بن موسی ختلی، عبّاد بن عبّاد، مجالد بن سعید، جبر بن نوف ابو الوداک: به ابوسعید خدری گفتم: به خدا هر سال که می آید از سال قبل بدتر، و هر حکومتی بر سر کار می آید از حکومت قبلی شرّش بیشتر است.

ابوسعید گفت: اگر آنچه که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم نبود نظرم با تو موافق بود، اما از آن حضرت شنیدم که فرمود:

«خداوند مردی از من و از عترتم برمی انگیزد [20] که زمین را همان طور که حکومت های قبل از او پر از ظلم و ستم کرده اند، از عدالت پر می کند، و زمین به برکت او گنج های خود را بیرون می ریزد، و او اموال را بدون شمارش و حساب توزیع می کند» (2).

ص: 70

1- . الغیبه: 92، ب 4، ح 23.

2- . امالی الطوسی 2: 126.

روایات اهل سنت:

(157) فرائد الفوائد: ابو نعیم، ابو سعید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی در ائمتن قیام می کند، خداوند او را برای فریادرسی مردم می فرستد، امت (همگی) متنعم و برخوردار می شوند، چهارپایان مرگ و میر ندارند و زیاد می شوند، زمین رویاندنی های خود را می رویاند، و مهدی اموال را به طور مساوی تقسیم می کند».(1)

(158) فتن ابن حمّاد: رشدین، ابن لهیعه، ابو زرعه، صباح:

«در زمان حکومت مهدی کودکان آرزو می کنند بالغ باشند، و افراد بالغ آرزو می کنند کودک شوند».(2)

(159) فتن ابن حمّاد: معمر، أبوهارون، معاویه، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اهل آسمان و زمین از مهدی راضی می شوند، هر چه ابر در آسمان است می بارد، و هر چه رویدنی در زمین است می روید، به حدی که مردگان رشک زندگان می برند».(3)

(160) فتن ابن حمّاد: نعیم، ابن عیّاش، سالم بن عبدالله، ابو محمّد، رجل من أهل المغرب (بدون اسناد به پیامبر صلی الله علیه و آله):

«وقتی مهدی قیام می کند خداوند غنی بر دل بندگان می افکند، [و مردم آنقدر احساس بی نیازی می کنند] که وقتی مهدی می فرماید: چه کسی پول می خواهد؟ هیچ کس جواب نمی دهد جز یک نفر که می گوید: من می خواهم. می فرماید: بگیر! می گیرد و بر پشت خود حمل می کند. چون به

ص: 71

1- . فرائد فوائد الفكر: 286، ب 4.

2- . الفتن: 99.

3- . الفتن: 99.

آخرین افراد حاضر می رسد، می گوید: با این کارم خود را بدترین شخص در اینجا می بینم. باز می گردد و پول ها را به مهدی می دهد و می گوید:

پول ها را بگیر، من نیازی به آن ندارم» (1).

(161) مسند احمد: عبدالرزاق، جعفر، مُعلی بن زیاد، علاء بن بشیر، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«شما را به مهدی بشارت می دهم! او در وضعی که اختلاف بین مردم درگرفته و زمین لرزه زیاد شود، برانگیخته [20] می گردد و زمین را همان طور که پر از ظلم و ستم شده، از عدالت و مساوات پُر می نماید، و اهل آسمان و زمین از او راضی می شوند. او اموال را درست تقسیم می کند.

شخصی گفت: تقسیم درست چگونه است؟ فرمود:

یعنی تقسیم به طور مساوی بین مردم. و دل های امت محمد صلی الله علیه و آله را پُر از غنی (بی نیازی) می کند، و عدالت او همه را فرا می گیرد» (2).

(162) مسند احمد: محمد بن جعفر، عوف، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نخواهد شد تا زمین پر از ظلم و تجاوز گردد، [اما] مردی از عترت من قیام نموده و زمین را همان طور که پر از ظلم و تجاوز شده از عدالت و مساوات پر می کند» (3).

(163) فتن ابن حمّاد: ولید، ابو رافع اسماعیل بن رافع به نقل از شخصی، ابو سعید خدری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی درباره مهدی فرمود:

«همان گونه که زنبورهای عسل به رئیس خود پناه می برند، مردم به مهدی پناه می برند، او زمین را همان طور که پر از ستم شده، از عدالت پر می نماید، تا اینکه وضع مردم به حالت اولیّه خود برگردد، [در آن وقت دیگر] نه شخص خوابی را بیدار می کند و نه خونی می ریزد» (4) 9.

ص: 72

1- . الفتن: 100.

2- . مسند احمد 3: 37.

3- . مسند احمد 3: 36.

4- . الفتن: 99.

(164) فتن ابن حمّاد: یحیی، سیف بن واصل، ابو یونس، ابو رؤبه:

«مهدی چنان است که گویی عیش و نعمت به تهیدستان می چشانند(1)». (2)

(165) فتن ابن حمّاد: معتمر بن سلیمان، جعفر بن سیار شامی (بدون اسناد به پیامبر صلی الله علیه و آله):

«مهدی حقوق را به صاحبانش برمی گرداند، حتی اگر حق کسی در دهان دیگری و بین دندان هایش باشد آن را از او گرفته و به صاحبش می دهد». (3)

روایات شیعه:

(166) کمال الدین: جعفر بن محمد بن مسرور، حسین بن محمد بن عامر، عبدالله بن عامر، محمد بن ابی عمیر، ابو جمیل مفضل بن صالح، جابر بن یزید جعفی، جابر بن عبدالله انصاری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از فرزندان من است... او دچار حیرت و غیبتی خواهد شد که مردم هم عصرش گمراه می شوند، تا وقتی که مثل شهاب درخشان بیاید و زمین را همان طور که از ستم و ظلم پر شده، از عدالت و مساوات پر نماید». (4)

(167) دلائل الامامه: ابو الحسین محمد بن هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابو علی نهاوندی، اسحاق، یحیی بن سلیم، هشام بن حسان، مُعلی بن ابی مُعلی، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«به مهدی دلخوش باشید(5)، او در آخرالزمان در وضعی می آید که سختی و زلزله زیاد شود، خداوند به برکت او عدالت و مساوات را در زمین فراگیر می کند». (6)9.

ص: 73

1- «المهدی کأثما یلعق (یعلق: هر دو در منابع آمده) المساکین الزبد».

2- الفتن: 98.

3- الفتن: 98.

4- کمال الدین 1: 286، ب 25، ح 1.

5- «أبشركم بالمهدی» ترجمه لفظی آن «بشارت می دهم شما را به مهدی» می باشد.

6- دلائل الامامه: 249.

(168) دلایل الامامه: ابو علی نهانندی، ابو علی هشام بن علی السیرافی، عبدالله بن رجاء، همام، مُعلی بن زیاد، مُعلی به نقل از شخصی، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله از مهدی یاد کرد و فرمود:

«مهدی وقتی قیام می کند که اختلافات شدید بین مردم و زلزله زیاد گردد، اما او همان طور که ظلم و ستم فراگیر شده، عدالت و مساوات را در زمین می گستراند و اموال را به طور صحیح تقسیم می کند.

راوی گوید: گفتم: روش صحیحش چیست؟ حضرت فرمود:

یعنی به طور مساوی. مردم چنان بهره می برند که دیگر هیچ کس محتاج دیگری نیست. هرچه منادیان فریاد می زنند: کسی هست که حاجت و نیازی داشته باشد؟ کسی پاسخ نمی دهد جز یک نفر. خزانه دار حاجتش را به او می دهد و می گوید: بگیر.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن شخص آن قدر در لباسش پول جمع می کند که توانایی حمل آن را ندارد. به خزانه دار می گوید: آن را بر پشتم بگذار. ولی او نمی گذارد. در نهایت آن قدر از اموال کم می کند تا بتواند آن را حمل نماید. خزانه دار می گوید: این شخص حریص ترین مردم بود!

اما بعد از مدّت اندکی آن مرد نزد خزانه دار بازگشته و می گوید: تصمیم گرفتم اموال را برگردانم. خزانه دار از او قبول نمی کند و می گوید: ما چیزی را که دادیم پس نمی گیریم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی هفت تا نه سال حکومت می کند، اما بعد از او دیگر زندگی ارزشی ندارد و خیری در آن نیست» (1).

(169) غیبه الطوسی: محمّد بن اسحاق مقری، مقانعی، بکار بن احمد، حسن بن حسین، تلید، ابو الجحاف [3]، خالد بن عبدالملک، مطر وراق، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: 2.

ص: 74

«به مهدی دلخوش باشید - این جمله را سه بار تکرار فرمود - در شرایطی قیام می کند که مردم با هم اختلاف دارند و زمین لرزه شدیدی می آید، او عدالت را در سراسر زمین - که در آن موقع آکنده از ظلم و ستم است - برقرار سازد و دلِ مطیعانِ خود را سرشار از بندگی خدا کند(1)، و عدالتش همه را فراگیرد».(2)

(170) دلائل الامامه: ابو الحسین محمد بن هارون بن موسی، ابو علی حسین بن محمد نهاوندی، جریر، معد و راق، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی از اهل بیتم بر ائمتم قیام خواهد کرد که پیشانیش فراخ و نورانی و بینیش باریک و قلمی با برآمدگی اندکی در وسط آن است. او همان طور که ستم در زمین فراگیر شود، عدالت را [به جای آن] برقرار سازد، و مدت حکومتش هفت سال خواهد بود».(3)1.

ص: 75

1- «يَمَلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً».

2- . غيبه الطوسي: 111.

3- . دلائل الامامه: 251.

این باب شامل هشت فصل است:

فصل اول: غربت اسلام و دوری مسلمانان از دین

روایات اهل سنت:

(171) مسند احمد: هارون بن معروف، عبدالله بن وهب، ابو صخر، ابو عبدالرحمن عبدالله بن احمد، ابو حازم، ابن لسعد بن ابی وقاص به نقل از پدرش روایت کرد: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود:

«ایمان با غربت شروع شد و باز هم غریب خواهد شد، خوشا به حال غریبان (مؤمنان) وقتی که مردم فاسد شده اند! قسم به خدایی که جان ابوالقاسم دست اوست، ایمان بین مسجد الحرام و مسجد النبی چون ماری که در لانه خود می خزد مخفی خواهد شد.» (1)

(172) فتن ابن حمّاد: ابن مبارک، محمّد بن مسلم، عثمان بن اوس، سلیم بن هرمز، عبدالله بن عمرو:

«خداوند غریبان را از همه چیز و همه کس بیشتر دوست دارد.»

ص: 77

1- . مسند احمد 1:184 و 2:398/177 و 4:389/73 با سندهای متعدد.

گفتند: مقصودت از غریبان کیست؟ گفت:

کسانی که به خاطر حفظ دینشان فرار کرده و گرد عیسی بن مریم علیه السلام جمع می شوند». (1)

(173) مسند احمد: ولید بن مسلم، عبدالعزیز بن اسماعیل بن عبیدالله، سلیمان بن حبیب، ابو امامه باهلی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دستگیره های اسلام (2) یکی یکی پاره می شود، و هر کدام که پاره شد مردم به یکی دیگر دست می آویزند، اولین آنها حکومت و قضاوت، و آخر آنها نماز است». (3)

(174) مسند احمد: هیثم بن خارجه، ضمیره، یحیی بن ابی عمرو، ابن فیروز دیلمی به نقل از پدرش چنین روایت کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دستگیره های اسلام یکی یکی [سست و] پاره خواهد شد، همچون طنابی که رشته رشته می شود». (4)

(175) امالی شجری: ابو محمد عبدالله بن عمر بن عبدالله بن رسته، ابو الطیب عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله عطار، عباس بن حماد بن فضاله، عمرو بن ابی حارث، عبدالملک بن عبدالعزیز، کوثر بن حلیم، نافع، ابن عمر: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«... قیامت نشود، تا وقتی که دستگیره های اسلام یکی یکی نقض (رها) شود، و سرانجام دیگر کسی «خدا، خدا» نگوید». (5)

(176) فتن ابن حماد: ابو معاویه و ابو اسامه و یحیی بن یمان، اعمش، ابراهیم تیمی به نقل از پدرش روایت کرد: علی علیه السلام فرمود:

«آنقدر دین نقض (پایمال) می شود که دیگر کسی «لا اله الا الله» نمی گوید، تا اینکه پادشاه دین قیام کند و خداوند افرادی چابک و چالاک 2.

ص: 78

1- . الفتن: 15.

2- شاید مقصود از «دستگیره های اسلام» بهانه ها و نشانه های مسلمانی باشد.

3- . مسند احمد 5: 251.

4- . مسند احمد 4: 232.

5- . الامالی الشجریه 2: 257.

بفرستد، من اسم امیر آنها را می دانم و حتی می دانم مرکب هایشان در کجا توقّف می کنند» (1).

(177) مسند طیالسی: قیس، جابر جعفی، ابو عازب، نعمان بن بشیر: همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم که فرمود:

«قبل از وقوع قیامت فتنه هایی چون پاره های شب سیاه پدیدار می گردد که [در اثر آن] شخصی که اوّل روز مؤمن است، آخر روز کافر شده، یا کسی که شب مؤمن است تا صبح کافر می شود، (در این فتنه) اقوامی سهم خود از خیر و صلاح را به بهره کمی از دنیا می فروشند» (2).

(178) فتن ابن حمّاد: ابن مبارک، مبارک بن فضاله، الحسن، نعمان بن بشیر:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«سوگند به خداوند یکتا! مسلمانان آخرالزمان را دیدم که در ظواهر دنیا گرفتار و از عقل و تفکر بی بهره اند، به جسم خود پرداخته و به جانشان توجه ندارند، چون شب پره های دور آتش و مگس های طمع، با دو درهم روزشان را شروع و با دو درهم به پایان می برند، و دینشان را به بهای ماده بُزی می فروشند» (3).

(179) عقد الدرر: حُدَیفه: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود:

«وای بر این امت!... اگر خداوند اراده کند که دوباره به اسلام عزّت بخشد همه زورگویان را در هم می کوبد، او قادر است که یک امت را از فساد به صلاح بکشانند و بر هر چیز دیگری که بخواهد تواناست» (4).

(180) امالی شجری: ابو بکر احمد بن محمّد جوزدانی مقری، ابو مسلم عبدالرحمن بن محمّد بن شهیدل مدینی، ابو العباس احمد بن محمّد بن سعید، احمد بن حسن ابو عبدالله به نقل از 1.

ص: 79

1- . الفتن: 108. مصنّف ابن ابی شیبّه 23:15، ح 19000. النهایه 2:170.

2- . مسند طیالسی: 108، ح 803.

3- . الفتن: 6.

4- . عقد الدرر: 62، ب 4، ف 1.

پدرش، حصین بن مخارق: موسی بن جعفر از پدران بزرگوارش علیهم السلام از علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود:

«من بین دو [دوره] جاهلیت مبعوث شدم که جاهلیت دوم بدتر از جاهلیت اول است».(1)

روایات شیعه:

(181) تفسیر قمی: پدرم به نقل از سلیمان بن مسلم خشاب، عبدالله بن جریح مکی، عطاء بن ابی رباح، عبدالله بن عباس:

در حجّه الوداع که با رسول خدا صلی الله علیه و آله به حجّ رفته بودیم، آن حضرت حلقه در کعبه را گرفت، بعد رو به ما کرد و فرمود:

«می خواهید از مقدمات وقوع قیامت برایتان بگویم؟»

سلمان که آن روز از همه به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیکتر ایستاده بود گفت: آری ای رسول خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

از مقدمات وقوع قیامت تباه و ضایع شدن نماز، اطاعت از هوس ها، گرایش به هوای نفس، بزرگداشت ثروتمندان و دین فروشی به دنیاست. در آن شرایط قلب مؤمن به خاطر منکراتی که می بیند و نمی تواند آنها را تغییر دهد چون نمک که در آب حل می شود، در درونش ذوب می گردد. در آن دوران معروف منکر، و منکر معروف می شود، خائن را امانتدار می دانند و کسی که مورد اعتماد است خیانت می کند، حرف دروغگو را باور و حرف راستگو را تکذیب می نمایند، وای بر مستضعفان امّتم از شرّ آنها و وای بر آنها از عذاب خدا! نه به کودکان رحم می کنند و نه احترام بزرگتران را نگاه می دارند و نه از خطای خطاکار چشم پوشی می نمایند، در ظاهر چون آدمیانند ولی قلب هایشان چون قلوب شیاطین است.

سلمان گفت: ای رسول خدا، واقعاً چنین اتفاق هایی خواهد افتاد؟ فرمود: 2.

ص: 80

سلمان! قسم به خدایی که مالک جانم است آری، چنین خواهد شد، در آن روزگار مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا کنند، و به غلام تجاوز نمایند همان طور که به کنیز تجاوز روا دارند، مردان شبیه به زنان و زنان شبیه مردان شوند، و زنان سوارکاری کنند(1)، لعنتِ اُمّتم بر آنها باد!

سلمان گفت: چنین خواهد شد؟ فرمود:

سلمان! قسم به آنکه جانم دست اوست چنین خواهد شد. در آن زمان مساجد را مثل معابد نصاری و یهود بیارایند و قرآن ها را زرنگار کنند، مناره مساجد را بلند نمایند، صف ها زیاد می شود، با دل هایی که با هم دشمنی دارند و زبان هایی گوناگون.

سلمان گفت: ای پیامبر، اینها واقع خواهد شد؟ فرمود:

سوگند به خدایی که جانم در اختیار اوست چنین خواهد شد! مردان اُمّتم خود را با طلا زینت کنند و ابریشم و دیبا پوشند و پوست پلنگ را پس از دباغی، مثل لباس به تن کنند.

سلمان گفت: ای رسول خدا، چنین خواهند کرد؟ فرمود:

سلمان! سوگند به آنکه جانم به دست اوست چنین خواهد شد! در آن دوران ربا آشکار می شود، با ربا و رشوه معامله می کنند، دین را وامی گذارند و مهمترین هدفشان دنیاست.

سلمان گفت: چنین خواهد شد؟ فرمود:

بله سلمان! سوگند به خدایی که جانم به دست اوست چنین خواهد شد! در آن زمان طلاق زیاد می شود و حدود خداوند اجرا نمی گردد، اما آنها با این کارها هیچ ضرری به خداوند نمی رسانند.

سلمان گفت: چنین خواهد شد؟ فرمود:

آری سلمان! به خدایی که مالک جانم است چنین می شود! زنان».

ص: 81

آوازه خوان و آلات لهو و طرب پدیدار می گردند و افراد شرورِ امّتم به دنبال آنها راه می افتند.

سلمان گفت: چنین خواهد شد؟ فرمود:

آری سلمان! به خدایی که جانم به دست اوست چنین می شود! در آن دوران ثروتمندان امّتم برای تفریح به حجّ می روند، افراد عادی و قشر متوسط مردم برای تجارت و فقرا برای ربا و سُمعه. افرادی می آیند که قرآن را برای غیر خدا می آموزند و قرآن را به صورت آواز می خوانند، کسانی نیز خواهند آمد که برای غیر خدا در دین پژوهش می کنند (فقیه می شوند)، زنازادگان زیاد می شوند، با قرآن ترانه می خوانند و برای دنیا سر و دست می شکنند.

سلمان گفت: چنین خواهد شد؟ فرمود:

آری سلمان! به خدایی که مالک جانم است چنین می شود! اینها در زمانی رخ می دهد که حرمت ها دریده، [قُبْح] گناه [شکسته و مقدمات آن به راحتی] فراهم شود، بدان بر نیکان چیره گردند، دروغ بر سر زبان ها افتد، لجاجت و یک دندگی رواج گیرد، فقر فراگیر شود، و به لباس خود بر یکدیگر فخر فروشند، باران در غیر فصل خود می بارد، چنگ و نرد را به خوبی می آموزند، امر به معروف و نهی از منکر را ناپسند می دانند به طوری که مؤمن در آن زمان از کنیز خوارتر است، قاریان و عابدانی خواهند آمد که یکدیگر را ملامت و سرزنش می کنند، آنها در ملکوت آسمان به «پلیدان» و «آلودگان» معروفند.

سلمان گفت: چنین خواهد شد؟ فرمود:

آری سلمان! به خدایی که جانم دست اوست چنین می شود! در آن زمان ثروتمندان میل و رغبت به نیازمندان ندارند، به حدّی که سائل (نیازمند) یک هفته در خواست کمک می کند، ولی یک نفر هم چیزی در دست او نمی گذارد.

سلمان گفت: چنین خواهد شد؟ فرمود:

آری سلمان! به خدایی که مالک جانم است چنین می شود! در آن زمان افراد بی مقدار و حقیر سخن می گویند.

سلمان گفت: پدر و مادرم فدایت ای پیامبر، آنها کیستند؟ فرمود:

کسی که [سر رشته و] سابقه ای در امور عامه مردم ندارد اظهار نظر می کند. پس از آن مدّت اندکی وضع همین طور می ماند تا اینکه از زمین چنان نعره ای مهیب بلند شود که هر ملّتی فکر می کنند منشأ آن از منطقه خودشان بوده. باز تا وقتی خدا بخواهد همان طور خواهند ماند، و در آن مدّت زمین را چنگ می زنند و می خراشند، و زمین گنج های طلا و نقره اش را بیرون می ریزد.

پیامبر صلی الله علیه و آله به ستون ها [ی مسجد] اشاره فرمود و گفت:

مثل اینها، اما در آن روز طلا و نقره بی ارزش می شود، اینها که گفتم معنای آیه «نشانه های قیامت آمد» (1) است» (2).

(182) ارشاد القلوب: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... (مردم آخر الزمان) در آن فتنه مثل قوم یهود سرگردان و حیران شوند، آن موقع است که اسلام رفته رفته از بین می رود (3) تا جایی که فریادها به خدا! خدا! بلند گردد» (4).

(183) ثواب الأعمال: پدرم به نقل از علی بن ابراهیم و او از پدرش، نوفلی، سکونی، ابو عبدالله علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی خواهد آمد که در میان امتم از قرآن تنها نوشته ها و از اسلام تنها».

ص: 83

-
- 1- فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْدُّ مِنْهُمْ رِطْبًا فَاتَى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذُكْرَاهُمْ: «گویی جز این انتظار ندارند که ناگهان قیامت برپا شود و حال آنکه نشانه هایش آمده است، و چون فرا رسد، پندگرفتن مفید واقع نخواهد شد». (محمد صلی الله علیه و آله: 18)
 - 2- . تفسیر القمی 2: 303-307.
 - 3- در روایت «ینقض الاسلام عروه عروه» است.
 - 4- . ارشاد القلوب 1: 67، ب 16.

نام آن باقی می ماند، آنها فقط اسمشان مسلمان است، ولی از همه مردم نسبت به اسلام دورترند، مساجدشان [ظاهراً] آباد، ولی از حیث هدایت، خراب و ویرانه است».(1)

(184) جامع الأخبار: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی می آید که در میان مردم از ایمان فقط نامی و از اسلام فقط پوسته ای و از قرآن تنها آموزش آن باقی می ماند، ساختمان مساجدشان با شکوه و آباد، و خانه هدایت دلشان ویران و خراب است، علمای آنها بدترین خلق خدا بر زمینند.

اصحاب با تعجب گفتند: ای رسول خدا، آنها بت پرست هستند؟ فرمود:

آری، هر درهمی برای آنها یک بت است».(2)

(185) جامع الأخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصف احوال آخرالزمان فرمود:

«... از کارهای زشتشان دست بر نمی دارند، اگر از آنها پیروی کنی به تو شک و سوءظن برند، و اگر سخنی بگویی حرفت را باور نمی کنند، اهل حلم و بردباری را خائن و فریبکار و خیانتکاران را حلیم و بردبار می دانند، زنانشان موذی و مگارند(3)، پناه بردن به آنها موجب شرمساری، دلگرمی به آنها مایه ذلت و خواری، و چشم داشت کمک به اموالشان فقر است. در آن زمان خداوند آنها را از باران در فصل بارش محروم می کند و در فصول دیگر باران می بارد».(4)

(186) غیبه النعمانی: علی بن احمد، عبیدالله بن موسی علوی، ابو محمد موسی بن هارون بن عیسی معبدی، عبدالله بن مسلمه بن قعنب، سلیمان بن بلال، جعفر بن محمد از6.

ص: 84

1- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: 301، ح 4.

2- . جامع الأخبار: 130، ف 88. بحار الانوار 190:52، ب 25، ح 21.

3- در روایت «نساؤهم شاطر» است، و برای شاطر در لغت معانی مختلف و متضادی آورده اند: شریک، زیرک، ماهر، چالاک، هوشیار، رذل و پست، حيله گر، موذی، آب زیر کاه.

4- . جامع الأخبار: 129. مستدرک الوسائل 375:11، ب 49، ح 16.

پدران بزرگوارش و ایشان از حسین بن علی علیهم السلام:

مردی خدمت امیرمؤمنان علیه السلام آمد و گفت: آقا! از مهدی تان برای ما بگویید. فرمود:

«وقتی کوچ کنندگان کوچ کنند و اقوام منقرض شوند(1) و تعداد مؤمنان اندک شود، و اهل حق و یاوران دین بروند... مهدی بهترین پناه، و علم او از همه شما بیشتر است، و صله ارحام را از همه شما بهتر رعایت می کند.

خداوندا، قیام او را اول راحتیش قرار ده و به وسیله او امت را متحد فرما! اگر خداوند برایت خیر بخواهد و توفیقت دهد [که در زمان او باشی] کمر بسته و در خدمت او باش، و اگر به او هدایت یافتی [و او را شناختی] رهایش نکن! - بعد حضرت دست بر سینه خود نهاد و فرمود: - آه که چقدر مشتاق دیدار اویم!». (2)

(187) اربعون خاتون آبادی: فضل بن شاذان، محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی، جمیل بن درّاج: حضرت صادق علیه السلام از پدران گرامیش علیهم السلام از امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«اسلام و حاکم عادل دو برادرند، هیچ کدام از آنها بدون دیگری سالم نخواهد ماند، اسلام بنیان است و حاکم عادل نگاهبان آن، بنیانی که پایه و اساس ندارد فرو می ریزد و اگر نگاهبان نداشته باشد ضایع می گردد، بنابراین بعد از قائم ما از اسلام هیچ اثری نخواهد ماند». (3)

(188) غیبه الطوسی: فضل بن شاذان، محمد بن علی، وهیب بن حفص، ابو بصیر، ابو عبدالله علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام می فرمود:

«آنقدر [ایمان] مردم کاسته [و مردم کوتاه فکر می شوند] که دیگر کسی اسم خدا را هم بر زبان نمی آورد، در آن زمان است که خداوند عدّه ای چابک و چالاک را از مناطق مختلف زمین [جمع کرده و] برمی انگیزد...

من آنها را می شناسم و اسم خودشان و قبیله و امیرشان را می دانم، ایشان 6.

ص: 85

1- «اذا درج الدارجون».

2- . جامع الأخبار: 130، ف 88. بحار الانوار 52: 190، ب 25، ح 21.

3- . اربعون الخاتون آبادی: 203، ح 35. منتخب الاثر: 273، ف 2، ب 29، ح 6.

افرادی هستند که خداوند به هر وسیله ای بخواهد از هر قبیله یک یا دو نفر را جمع می کند تا نه نفر شوند، آنها نیز در زمین می گردند تا [یاوران دیگر را پیدا کنند و] سیصد و سیزده نفر - به تعداد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر - شوند، این [واقعه] تأویل آیه «هر جا که باشید خداوند همه شما را می آورد، خداوند بر همه چیز تواناست» (1) است، حتی اگر شخصی به حال احتیاء نشسته باشد قبل از اینکه برخیزد خداوند او را باخبر می کند» (2).

فصل دوم: دانش و دانشمندان

روایات اهل سنت:

(189) امالی شجری: ابو محمد عبدالله بن عمر بن عبدالله بن رسته، ابو الطیب عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله عطار، عباس بن حماد بن فضاله، عمرو بن ابی حارث، عبدالملک بن عبدالعزیز، کوثر بن حلیم، نافع، ابن عمر: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نشود تا وقتی که... قاریان قرآن فاسق باشند در حالی که ظاهرشان چون زهاد است، خداوند نیز فتنه ای غبارآلود و ظلمانی بر آنها افکند که در آن حیران و سرگردان مانند همان گونه که یهود در ظلمت ها سرگردان شدند» (3).

(190) مسند احمد: یعقوب به نقل از پدرش، صالح بن کیسان، حارث (به گمانم مقصودش ابن فضیل بود)، جعفر بن عبدالله بن حکم، عبدالرحمن بن المسور، ابورافع، عبدالله بن مسعود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«پیش از من هر پیامبری را خداوند مبعوث فرمود عده ای از امتش حواری و اصحاب او بودند که سنت و سیره عملی او را فرا می گرفتند و

ص: 86

1- أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (بقره: 148)

2- . غيبة الطوسي: 284.

3- . الأمالی الشجرية 2: 572.

دستوراتش را اجرا می کردند، اما بعد از آنها عده ای تخلف و سرپیچی کردند که کردارشان با گفتارشان هماهنگ نبود و با خودرأیی (به حسب ذوق خودشان) عمل می کردند»⁽¹⁾.

(191) معجم طبرانی: یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مروروذی، ابو تقی عبدالحمید بن ابراهیم حمصی، معدان بن سلیم حضر می، عبدالرحمن بن نجیح، ابو الزاهریه، جُبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای عوف! وقتی این امت هفتاد و سه فرقه شوند که فقط یکی از آنها اهل بهشت است و بقیه در جهنم، توجه حالی داری؟

گفتم: ای رسول خدا، این [تفرقه] در چه زمانی خواهد بود؟ فرمود:

«هرگاه نگهبان ها زیاد شوند... و افراد بی مقدار برای مردم سخنرانی کنند... و دین پژوهی (فقاہت) برای هدفِ خدایی نباشد»⁽²⁾.

روایات شیعه:

(192) ثواب الأعمال: به نقل از پدرش، علی بن ابراهیم از پدرش، نوفلی، سکونی، ابو عبداللہ علیہ السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی خواهد آمد که در امتم از قرآن فقط نوشته های آن و از اسلام فقط نام آن می ماند، اسمشان مسلمان است، ولی از همه مردم نسبت به اسلام دورترند... فقهای آن زمان بدترین فقهای دنیا، و سر و ته فتنه ها هستند»⁽³⁾.

(193) بحار الانوار: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی بیاید که اهل علم بدترین مخلوقات روی باشند»⁽⁴⁾.

(194) امالی طوسی: به نقل از جماعتی، ابو المفضل، حسن بن محمد بن شعبه انصاری، 1.

ص: 87

1- . مسند احمد 1: 458.

2- . المعجم الكبير 18: 51، ح 91. مجمع الزوائد 7: 323.

3- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: 301، ح 4.

4- . بحار الانوار 22: 453، ب 14، ح 11.

ابو السائب سلم بن جناده، وکیع بن الجراح، سفیان بن سعید ثوری، جابر بن یزید جعفی، عبداللہ بن یحییٰ حضر می: از علی علیه السلام شنیدم که فرمود: نشسته بودیم و پیامبر صلی الله علیه و آله سرشان روی پای من و خواب بودند. [همان طور که صحبت می کردیم] سخن از دجال به میان آمد.

پیامبر صلی الله علیه و آله که چهره شان سرخ شده بود فرمودند:

«غیر از دجال کسانی هستند که برای شما خطرناک ترند: پیشوایان گمراه کننده».(1)

(195) ارشاد القلوب: رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به شخصی که آمده بود و از قیامت سؤال می کرد فرمودند:

«تو که در مورد قیامت سؤال می کنی! (2)... قیامت وقتی می آید که حاکمان فاسد شوند، قاریان چاپلوس و ریاکار گردند، اهل علم نفاق ورزند، امت من به قضا و قدر الهی اعتقادی ندارند، بلکه تأثیر امور را از ستارگان می دانند، امانت را [وقتی به دستشان می رسد عوض اینکه دغدغه حفظ و بازگرداندن آن به صاحبش را داشته باشند] غنیمت، و پرداخت صدقه را ضرر می شمارند، فساد و فحشا را حلال می دانند، و عبادت را [وسیله ای] برای تکبر و گستاخی بر مردم قرار می دهند...».(3)

(196) ارشاد القلوب: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی در احوال آخر الزمان فرمودند:

«عارفان ظالم، قاریان فاسد و عابدان نادان هستند، خداوند در فتنه را بر آنان می گشاید: فتنه ای غبار آلود و تاریک که در آن بسان قوم یهود سرگردان و حیران شوند، آن موقع است که اسلام رفته رفته از بین می رود (4) تا جایی که فریادها به خدا! خدا! بلند گردد».(5)6.

ص: 88

1- . امالی الطوسی 2: 126.

2- «أیها السائل عن الساعة».

3- . ارشاد القلوب 1: 67، ب 16.

4- - «یتقض الاسلام عروه عروه».

5- . ارشاد القلوب 1: 67، ب 16.

روایات اهل سنت:

(197) معجم طبرانی: یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مرورودی، ابو تقی عبدالحمید بن ابراهیم حمصی، معدان بن سلیم حضر می، عبدالرحمن بن نجیح، ابو الزاهریه، جبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای عوف، وقتی مسلمانان هفتاد و سه ملت شوند تو چه حالی خواهی داشت؟... قرآن را به صورت آواز می خوانند، مساجد را تزیین می کنند و منبرها را بلند می سازند... تا اینکه مردی از اهل بیت من به نام مهدی قیام کند، اگر او را دیدی پیرویش کن تا از هدایت یافتگان باشی» (1).

(198) امالی شجری: الشریف ابو عبدالله محمد بن علی بن حسن حسنی بطحائی، محمد بن جعفر تمیمی، محمد بن محمد بن سعید، حسن بن علی بزیع، قاسم بن عبدالله عبدی از پدرش، عبدالرحیم بن نصر باری، زید بن علی: حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«وقتی رئیس هر قومی از فاسقان آنها باشد... و حافظان قرآن تحقیر شوند... و قرآن را مثل آواز بخوانند... منتظر بادی سرخ و فرورفتن زمین و مسخ و انفجار و زمین لرزه ها و وقایع بزرگی باشید» (2).

روایات شیعه:

(199) تفسیر قمی: به نقل از پدرش، سلیمان بن مسلم الخشاب، عبدالله بن جریج مکی، عطاء بن ابی رباح، عبدالله بن عباس: در حجّه الوداع که بار رسول خدا صلی الله علیه و آله به حج رفته بودیم، آن حضرت حلقه در کعبه را گرفت، بعد رو به ما کرد و فرمود:

«می خواهید از مقدمات وقوع قیامت برایتان بگویم؟»

سلمان که آن روز از همه به آن حضرت نزدیکتر ایستاده بود گفت: آری ای

ص: 89

1- . المعجم الكبير 51:18، ح 91. مجمع الزوائد 7:323.

2- . الأمالی الشجریه 2:260.

رسول خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«... افرادی می آیند که قرآن را برای غیر خدا می آموزند و قرآن را بصورت آواز می خوانند، افرادی نیز خواهند آمد که برای غیر خدا در دین پژوهش می کنند (فقیه می شوند)، زنازادگان زیاد می شوند، با قرآن ترانه می خوانند و برای دنیا سر و دست می شکنند»⁽¹⁾.

(200) دلائل الامامه: ابو الحسین محمد بن هارون به نقل از پدرش، ابو علی حسن بن محمد نهاوندی، عباس بن مطر همدانی، اسماعیل بن علی مقری، محمد بن سلیمان، ابو جعفر عرجی، محمد بن یزید، سعید بن عبایه، سلمان فارسی: امیر مؤمنان علیه السلام در مدینه برای ما خطابه می کرد و از نزدیکی فتنه و قیام قائم و عدالت گسترانی او سخن می گفت.

سلمان ادامه می دهد: وقتی کسی نزد آن حضرت نبود خدمتش رسیدم و گفتم: ای امیر مؤمنان، قائم شما کی قیام می کند؟ آن حضرت آهی عمیق کشید و فرمود:

«قائم در دورانی ظهور می کند که بچه های نابالغ به ریاست می رسند، حقوق خداوند پایمال می گردد و قرآن را با آواز و آهنگ های طرب آور می خوانند»⁽²⁾.

(201) احتجاج طبرسی: از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود:

«مؤمنان زمانی در زمین به خلافت (حکومت) می رسند که از اسلام تنها نامی و از قرآن تنها الفاظ آن مانده، و صاحب امر هم غائب شده، زیرا می بیند که فتنه دل ها را فراگرفته و نزدیک ترین افراد، بیشترین دشمنی را به او دارند، مطمئن می شود که با او نیرنگ می کنند [و جانش در خطر است].»

خداوند نیز او را با سپاهسانی که از دید شما پنهانند یاری می فرماید تا اینکه علیرغم میل مشرکان، دین پیامبرش را به دست او بر همه ادیان غالب سازد»⁽³⁾.

ص: 90

1- . تفسیر القمی 2:307.

2- . دلائل الامامه: 253 و 254.

3- . الاحتجاج 1:256. تفسیر الصافی 2:338 (توبه: 33)

روایات اهل سنت:

(202) مسند طیالسی: هشام، قتاده، انس: حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده ام که بعد از من کسی [که خود از آن حضرت شنیده باشد] برایتان نخواهد گفت. شنیدم که فرمود:

«از نشانه های قیامت برچیده شدن علم، غالب شدن جهل (1) و شرب خمر است.» (2)

(203) ذکر اخبار اصبهان: حسن بن محمد بن جعفر، عبدالله بن محمد بن عبدان ابو مسعود، محمد بن سلیمان بن حبیب لوین، ابو عقیل یحیی بن المتوکل، عمر بن حمزه، عمر بن هارون به نقل از پدرش، ابو هریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«از نشانه های قیامت رفتار بد همسایه ها با یکدیگر و قطع رحم است.» (3)

(204) امالی شجری: ابو محمد عبدالله بن عمر بن عبدالله بن رسته، ابو الطیب عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله عطار، عباس بن حماد بن فضاله، عمرو بن ابی حارث، عبدالملک بن عبدالعزیز، کوثر بن حلیم، نافع، ابن عمر: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نشود تا... کارگزاران خائنی بیایند... که دلشان از لاشه مردار گندیده تر است.» (4)

(205) معجم طبرانی: یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مرووذی، ابو تقی عبدالحمید بن ابراهیم حمصی، معدان بن سلیم حضر می، عبدالرحمن بن نجیح، ابو الزاهریه، جبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ص: 91

1- «أن يُرفع العلم و يظهر الجهل».

2- . مسند طیالسی: 266، ح 1984. مصنف عبدالرزاق 381:11، ح 20801. مسند احمد 3:98. سنن ابن ماجه 2:1343، ح 4045. سنن الترمذی 4:491، ب 34، ح 2205. دلائل النبوه 6:543.

3- . ذکر اخبار اصبهان: 1:274.

4- . الامالی الشجریه 2:257.

«ای عوف، وقتی این امت هفتاد و سه فرقه شوند چه حالی خواهی داشت؟!... امانت را به غنیمت می برند، برای غیر خدا در دین پژوهش می کنند، مرد از زنش اطاعت می کند ولی به مادرش بی حرمتی و پدرش را طرد می نماید، مسلمانان صدر اسلام بر مسلمانان آخرالزمان لعنت و نفرین فرستند، بزرگ هر قوم یکی از فاسقان، و رهبرشان پست ترین آنهاست، به هر کس احترام می کنند از ترس شرّ و آزار اوست... تا اینکه مردی از اهل بیتم به نام مهدی قیام کند، اگر او را دیدی پیرویش کن تا از هدایت یافتگان باشی»⁽¹⁾.

(206) معجم طبرانی: محمد بن علی صائغ مکی، محمد بن معاویه نیشابوری، محمد بن سَلَمَه حرّانی، خصیف، مجاهد، ابن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخرالزمان مردمانی بیایند که در ظاهر انسانند ولی باطنشان شیطانی است، به گرگ های درنده می مانند، در دل هایشان ذره ای رحم نیست، آدم کُشند و از هیچ قبیحی خودداری نمی کنند، اگر با آنها باشی فریبت دهند و اگر نزد آنان حاضر نباشی از تو غیبت کنند، چون سخن گویند برایت دروغ می بافند و چون به آنها اعتماد و اطمینان نمایی خیانت کنند، کودکانشان شرور و خشن و جوانانشان مکار و حقه بازند، و پیرانشان امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند. افتخار به آنها ذلّت و چشم داشت [یاری] به اموال آنها فقر است، حلیم را گمراه شمارند، به کسی که امر به معروف کند تهمت می زنند، مؤمن در میان آنها ضعیف، و فاسق شریف و محترم است. سنّت پیامبر را بدعت می خوانند و به بدعت ها مثل سنّت عمل می کنند، خداوند هم بدترینشان را بر آنها مسلط می فرماید و دعاهای خوبانشان اجابت نمی شود»⁽²⁾.

ص: 92

1- . المعجم الكبير 51:18، ح 91. مجمع الزوائد 7:323.

2- . المعجم الصغير 2:39.

(207) جامع الأخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصف اقوام آخرالزمان فرمود:

«... از کارهای زشتشان دست بر نمی دارند، اگر با آنها باشی به تو شک و سوء ظن دارند، و اگر چیزی بگویی سخنت را باور نمی کنند، حلیم را گمراه و خائن گمراه را حلیم می دانند، زنانشان مودی و مگارند(1)، پناه بردن به آنها موجب شرمساری، و دلگرمی به آنها مایه ذلت و خواری است... خداوند هم آنها را از باران در فصل بارش محروم می کند و باران بی موقع می بارد»(2).

(208) ارشاد القلوب: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«تو که در مورد قیامت سؤال می کنی! (3)... قیامت وقتی می آید که... امانت را [چون به دستشان رسد عوض اینکه دغدغه حفظ و بازگرداندن آن به صاحبش را داشته باشند] غنیمت، و پرداخت صدقه را ضرر می شمارند، فساد و فحشا را حلال می دانند، و عبادت را [وسیله ای] برای تکبر و گستاخی بر مردم قرار می دهند...»(4).

(209) نهج البلاغه: امام علی علیه السلام در خطبه ای فرمودند:

«... [این] روش ها (مذاهب) شما را به کجا می کشاند؟ و تا کی تاریکی ها سرگردانتان می کند و دروغها فریبتان می دهد؟ از کجا بر شما وارد می شوند و چگونه از حق منحرف می شوید؟! (5)... این است که باطل در جای خود استوار می گردد، نادانی بر مرکب های خود سوار می شود».

ص: 93

1- در روایت «نساؤهم شاطر» است، و برای شاطر در لغت معانی مختلف و متضادی آورده اند: شریک، زیرک، ماهر، چالاک، هوشیار، رذل و پست، حيله گر، مودی، آب زیر کاه.

2- . جامع الأخبار: 129، ف 88. مستدرک الوسائل 11: 375، ب 49، ح 16.

3- «أیها السائل عن الساعة».

4- . ارشاد القلوب 1: 67، ب 16.

5- «من أين توتون و أتى توفكون».

طاغوت عظمت می یابد، مبلغانِ دین کم می شوند(1)، روزگار چون درنده خطرناکی حمله می کند، و شترِ باطل که از او سواری نمی گرفتند و صدایی نمی داد مست شده و نعره می کشد، مردم در گناه با یکدیگر دوست و برادر می شوند و در دین از هم دور، در دروغ با هم دوستند و در راستی با یکدیگر دشمنی می کنند. چون چنین شود فرزند با پدر خود کینه و دشمنی ورزد(2) و باران (به جای اینکه سبب خنکی و کاهش دما شود) موجب حرارت و گرما گردد، افراد پست فراوان و نیکان کمیاب شوند(3). مردم آن زمان گرگ، و پادشاهان درنده اند، و مردم عادی (قشر متوسط) طعمه آنها، و مستمندان مردگانند. راستی در زمین فرورود و عوض آن دروغ سر برآورد، دوستی ها لقلقه زبان شود و مردم در دل با هم مشاجره کنند، گناه وسیله پیوند گردد(4) و عفت و پاکدامنی تعجب برانگیز(5).

(210) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، علی بن حسن تیملی، محمد بن عمر بن یزید بیاع سابری و محمد بن ولید بن خالد خزّاز، حمّاد بن عثمان، عبدالله بن سنان، محمد بن ابراهیم بن ابی البلاد از پدرم و پدرم از پدرش، اصبغ بن نباته: از امیر مؤمنان علیه السلام شنیدم که فرمود:

«قائم با روزگاری پر از خدعه و فریب روبرو خواهد بود، زمانی که راستگو تکذیب و دروغگو تأیید گردد، و افراد «ماجل» نورچشمی شوند.

- و در حدیث دیگری فرمود: - افراد بی مقدار و حقیر سخن گویند».8.

ص: 94

1- «قَلَّتِ الدَّاعِيَةُ». داعی در لغت به معنای مؤذّن نیز آمده است.

2- «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ الْوَلَدُ غَيِّطًا». فیض الاسلام قدس سره: «پس در آن روزگار فرزند سبب خشم (و غصّه پدر) ... گردد». مرحوم مجلسی قدس سره در شرح لغات این خطبه (بحار الانوار 34:247، ب 33) و بیشتر مترجمان نهج البلاغه - از جمله مرحوم دکتر شهیدی - به این معنا که ما آورده ایم ترجمه کرده اند.

3- «تَقْيِضُ اللَّئَامُ فَيضاً وَ تَغْيِضُ الْكَرَامُ غَيْضاً». دکتر شهیدی: «فرومایگان درم افشانند و جوانمردان تهیدست مانند». (ترجمه نهج البلاغه)

4- «صَارَ الْفَسُوقُ نَسْبًا». فیض الاسلام رحمه الله: فسق و فجور (وزنا، میان ایشان افتخار و) باعث نَسَب شود. (ترجمه نهج البلاغه)

5- . نهج البلاغه: 157، خ 108.

گفتم: «ماجل» یعنی چه؟

فرمود: مگر آیه «خداوند شدید المِحَال است»⁽¹⁾ را نخوانده اید؟! مقصود خداوند از «مِحَال»، مکر است.

گفتم: پس ماجل چیست؟

فرمود: مگار.⁽²⁾

فصل پنجم: روابط خانوادگی

روایات اهل سنت:

(211) مسند طیالسی: هشام، قتاده، انس: حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده ام که بعد از من کسی [که خود از آن حضرت شنیده باشد] برایتان نخواهد گفت. شنیدم که فرمود:

«از نشانه های قیامت این است که... زنا آشکار گردد، تعداد مردان کم و زنان زیاد می شوند، به حدی که هر پنجاه زن یک قیم خواهند داشت».⁽³⁾

(212) معجم طبرانی: یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مروزی، ابو تقی عبدالحمید بن ابراهیم حمصی، معدان بن سلیم حضر می، عبدالرحمن بن نجیح، ابو الزاهریه، جبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی در احوال آخر الزمان و ظهور فرمودند:

«وقتی... مردان تابع زنان می شوند و مادرانشان را رنجانده و پدرانشان را طرد می کنند... مردی از اهل بیتم به نام مهدی قیام می کند، اگر در زمان او بودی از او پیروی کن تا از هدایت یافتگان باشی».⁽⁴⁾

ص: 95

-
- 1- . وَ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ . رعد: 13.
 - 2- . الغیبه: 278، ب 14، ح 62. اثبات الهداه 3: 738، ب 34، ف 9، ح 115.
 - 3- . مسند طیالسی: 266، ح 1984. مصنف عبدالرزاق 11: 381، ح 20801. مصنف ابن ابی شیبه 15: 65، ح 19127. مسند احمد 3: 98، 120 و 151.
 - 4- . المعجم الكبير 18: 51، ح 91. مجمع الزوائد 7: 323.

(213) جامع الأخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصف مردم آخرالزمان فرمود:

«... از کارهای زشت خود دست بر نمی دارند... و زنانشان موذی و مگّارند(1)». (2)

(214) ارشاد القلوب: رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به شخصی که آمده بود و از قیامت سؤال می کرد فرمودند:

«تو که از قیامت می پرسی!... (قیامت) زمانی خواهد بود که مردم فساد و فحشا را عیب نمی دانند». (3)

(215) نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای فرمودند:

«... مردم (آخرالزمان) گرگ هستند... گناه وسیله پیوند گردد(4) و عفت و پاکدامنی تعجب برانگیز». (5) 8.

ص: 96

1- رک: پاورقی حدیث شماره 185.

2- . جامع الأخبار: 129، ف 88. مستدرک الوسائل 11: 375، ب 49، ح 16.

3- . ارشاد القلوب 1: 67، ب 16.

4- «صار الفسوق نسباً». فیض الاسلام رحمه الله: فسق و فجور (وزنا، میان ایشان افتخار و) باعث نَسَب شود. (ترجمه نهج البلاغه)

5- . نهج البلاغه: 157، خ 108.

روایات اهل سنت:

(216) مسند احمد: أمّ غراب، امرأه يقال لها عقيله، سلامه ابنه الحرّ: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«زمانی می آید که مردم یک ساعت آماده نماز می ایستند ولی کسی را نمی یابند که امام جماعت شود (شایستگی امامت جماعت داشته باشد)» (1).

(217) مسند احمد: اسماعیل بن محمد، مروان، زنی معروف به طلحه که کنیز در بنی فزاره بود، یکی از کنیزکان آنها به نام عقيله، سلامه دختر حرّ: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«از نشانه های قیامت این است که در مساجد هیچ کس حاضر نیست امام جماعت شود (2) و کسی را برای امامت نمی یابند» (3).

(218) معجم طبرانی: هيثم بن خالد مصيصي، عبدالكبير بن المعافى بن عمران، شريك، عباس بن ذريح، شعبي، انس بن مالك: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

«از نشانه های نزدیکی قیامت این است که هلال [اول ماه] به راحتی دیده می شود، طوری که وقتی آن را می بینند می گویند ماه شب دوم است (4)،

ص: 97

1- . مسند احمد 6: 381.

2- دلیل نپذیرفتن آن، ندانستن احکام جماعت و شروط آن است. (فیض القدير 2: 676)

3- . مسند احمد 6: 381.

4- مناوی در فیض القدير - در شرح این حدیث - گوید: «من اقتراب الساعه أن یرى الهلال قبلاً» - بفتح القاف و الباء - أى یرى ساعه ما یرى لعظمه و وضوحه من غیر أن یتطلب «فیقال للیلین» أى هو ابن لیلین. (ج 6، ص 13، ح 8232)

و از مساجد بعنوان معبر و گذرگاه استفاده می کنند» (1) و (2)

(219) امالی شجری: الشریف ابو عبدالله محمد بن علی الحسن حسنی بطحائی، محمد بن جعفر تمیمی، محمد بن محمد بن سعید، حسن بن علی بزیع، قاسم بن عبدالله عبدی به نقل از پدرش، عبدالرحیم بن نصر بارتی، زید بن علی علیهما السلام: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«هنگامی که مساجد تعطیل... و مساجد و کنیسه ها تزیین شود، و صداها در مساجد بلند گردد و ناسزاگویی به باتقویان بالا گیرد، منتظر بادی سرخ و فرورفتن زمین و مسخ [101] و انفجار و زمین لرزه ها و وقایع بزرگی باشید» (3)

روایات شیعه:

(220) ثواب الأعمال: پدرم به نقل از علی بن ابراهیم و او از پدرش، نوفلی، سکونی، ابو عبدالله علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی می آید که در امتم مساجد آباد و باشکوه است ولی [بنیان] هدایتش خراب و ویران» (4)

(221) تفسیر قمی: پدرم به نقل از سلیمان بن مسلم الخشاب، عبدالله بن جریح مکی، عطاء بن ابی رباح، عبدالله بن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... در آن زمان مساجد را مثل معابد نصاری و یهود زینت کنند و قرآن ها را زیور زنند، مناره مساجد را بلند نمایند، صفوف [و گرایش ها] زیاد شود، با دلهایی که به هم دشمنی دارند و زبان هایی گوناگون...» (5)

(222) مشارق برسی: خطبه «افتخار» امیرالمؤمنین علیه السلام به روایت اصبع بن نباته:

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه اش فرمود: 2.

ص: 98

1- «... و آن تتخذ المساجد طرقاً». مساجد معبر می شود یعنی اینکه مردم فقط از آن عبور می کنند (از یک در می آیند و از در دیگر می روند)، کنایه از اینکه برای مسجد احترام و تفاوتی نسبت به مکان های دیگر قائل نیستند و بهره ای که باید از مساجد ببرند (یعنی ذکر خدا، فراگیری علوم حق و تقویت ایمان)، نمی برند.

2- . المعجم الصغیر 2: 129.

3- . الأمالی الشجریه 2: 260.

4- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: 299، ح 4.

5- . تفسیر القمی 2: 307.

«... اولین علائم ظهور نصب پرچم‌ها (نشانه‌های مراکز فحشا) در کوچه‌های کوفه و تعطیلی مساجد است، وقتی همه این علائم پیدا شد قائم بر حقّ ما قیام می‌کند».⁽¹⁾

فصل هفتم: بی‌اعتنایی به حج

روایات اهل سنت:

(223) صحیح بخاری: عبدالرحمن، شعبه:

«از علائم حتمی قیامت این است که کسی حجّ نمی‌رود».⁽²⁾

روایات شیعه:

(224) مشارق برسی: خطبه «افتخار» امیرالمؤمنین علیه السلام به روایت اصبع بن ثباته:

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه اش فرمود:

«... من به زودی از دنیا می‌روم، شما منتظر... تعطیلی حجّ باشید... وقتی این علائم پیدا شد قائم بر حقّ ما قیام می‌کند».⁽³⁾

ص: 99

-
- 1- . مشارق أنوار اليقين: 164 و 165. اثبات الهداه 1: 598، ب 9، ف 27، ح 568. غايه المرام: 57، ب 13، ح 62. مدینه المعاجز: 154. بحار الانوار 36: 354، ب 41، ح 225.
 - 2- . صحیح البخاری 2: 183، ب 46.
 - 3- . مشارق أنوار اليقين: 164-166. اثبات الهداه 1: 598، ب 9، ف 27، ح 568. غايه المرام: 57، ب 13، ح 62. مدینه المعاجز: 154. العوالم 15: 199-200. بشاره الاسلام: 57، ب 2.

روایات اهل سنت:

(225) فتن ابن حمّاد: یحیی بن یمان، منهال بن خلیفه، مطر وّزاق (بدون اسناد به پیامبر صلی الله علیه و آله):

«از علائم حتمی قیام مهدی، کفرورزی بی پرده به خداوند است» (1).

(226) مصتّف عبدالرزّاق: معمر، ثابت، انس: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«وقتی قیامت برپا می شود هیچ کس نام خدا را نمی آورد (کسی که خدا خدا بگوید در زمان وقوع قیامت زنده نخواهد بود) (2)» (3).

(227) سنن ابن ماجه: هشام بن عمّار، محمّد بن شعیب بن شابور، سعید بن بشیر، قتاده، ابو قلابه جرمی، عبدالله بن زید، ابو اسماء رحبی، ثوبان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«گروهی از امتّ بت پرست خواهند شد، و گروهی به مشرکان می پیوندند، پیش از وقوع قیامت دجال های دروغگویی نزدیک به سی نفر پیدا می شوند که هر کدام خود را پیامبر می داند» (4).

(228) سنن دانی: عبدالرحمن بن عثمان بن عفّان، قاسم بن أصبغ، احمد بن زهیر، محمّد بن صلت اسدی، فطر بن عبدالله الخشّاب، الحکم بن عتیبه: به حضرت امام محمّد باقر علیه السلام گفتیم: شنیده ایم یک نفر از شما قیام می کند و عدالت را در این امتّ اجرا می نماید. فرمود:

«ما امید به همان داریم که مردم بدان امید دارند، ما به این امید هستیم که اگر یک روز هم به آخر دنیا مانده باشد خداوند آن روز را آنقدر طولانی کند که امید مردم محقق گردد، اما قبل از آن فتنه ای سخت پدیدار گردد که شخص امروز مؤمن است، ولی فردا صبح کافر می شود و صبح مؤمن

ص: 100

1- . الفتن: 91.

2- «لا تقوم الساعة على أحد يقول: الله الله».

3- . المصتّف 402:11، ح 20847. مسند احمد 3:107.

4- . سنن ابن ماجه 2:1304، ب 9، ح 3952.

است، ولی شبِ همان روز کافر می شود؛ اگر در آن زمان بودید از خدا بترسید، مراقب دینتان باشید و در خانه هایتان بمانید». (1)

(229) امالی شجری: ابو بکر محمد بن احمد جوزدانی مقری، ابو مسلم عبدالرحمن بن محمد بن شهیدل مدینی، ابو عباس احمد بن محمد بن سعید، احمد بن حسن ابو عبدالله به نقل از پدرش، حصین بن مخارق [37]، موسی بن جعفر از پدران بزرگوارش علیهم السلام از علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود:

«من بین دو [دوره] جاهلیت مبعوث شدم که جاهلیت دوم بدتر از جاهلیت اول است». (2)

روایات شیعه:

(230) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، قاسم بن محمد بن حسن بن حازم، عبیس بن هشام، عبدالله بن جبلة، مسکین الرخال، علی بن ابی مُغیره، عمیره بنت نفیل: از حسین بن علی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«چیزی که منتظرش هستید وقتی واقع می شود که از یکدیگر بیزار می شوید و در صورت هم آب دهان می اندازید و علیه یکدیگر شهادت به کفر می دهید و همدیگر را لعن می کنید.

گفتم: در آن زمان هیچ خیری نیست! فرمود:

هر چه خیر است در آن زمان است، قائم ما قیام می کند و همه این مشکلات را برطرف می نماید». (3)

(231) کمال الدین: احمد بن زیاد بن جعفر همدانی، علی بن ابراهیم بن هاشم به نقل از پدرش، عبدالسلام بن صالح هروی، وکیع بن الجراح، ربیع بن سعد، عبدالرحمن بن سلیط: امام حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام فرمود:

«(مهدی) غیبتی دارد که اقوامی در آن مرتد می شوند». (4)

ص: 101

1- السنن الواردة فی الفتن: 161 و 162.

2- الأمالی الشجریه 2: 277.

3- الغیبه: 205.

4- کمال الدین 1: 317، ب 30، ح 3.

(232) غیبہ الطوسی: فضل بن احمد، علی بن الحکم، مُثَنَّى، ابو بصیر: امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر امر ما بیاید خارج می شوند از آن کسانی که امروز بر عقیده بت پرستی هستند(1)». (2)

(233) جامع الأخبار: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی می آید که در میان مردم... از ایمان فقط اسمی می ماند...»

اصحاب با تعجب گفتند: ای رسول خدا، آنها بت پرست هستند؟ فرمود:

آری، هر درهمی برای آنها یک بُت است». (3)1.

ص: 102

1- «لَوْ قَدْ جَاءَ أَمْرُنَا لَقَدْ خَرَجَ مِنْهُ مَنْ هُوَ الْيَوْمَ مُقِيمٌ عَلَى عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ». عبارت تعقید دارد و برداشت های متعددی از آن می شود. علامه مجلسی رحمه الله ذیل این روایت توضیح می دهد: «... اگر امر ظاهر شود و قائم قیام کند، خارج می شوند از این دین کسانی که مردم می دانند آنها حقیقتاً یا مجازاً بت پرست هستند و قبلاً آنها را مؤمن می پنداشتند، یا هنگام ظهور قائم مشغول به پرستش بت ها می شوند. به زودی روایاتی که این معنا را تأیید کند خواهد آمد، و بعید نیست که در اصل «لَقَدْ خَرَجَ مَعَهُ» بوده باشد، فتأمل». (بحار الانوار 329:52، ب 27، ح 49)

2- . غیبہ الطوسی: 273. بحار الانوار 329:52، ب 27، ح 49. بشاره الاسلام: 230، ب 3.

3- . جامع الأخبار: 130، ف 88. بحار الانوار 190:52، ب 25، ح 21.

این باب شامل چهار فصل است:

فصل اول: سلطه طاغوت و ظلم بر مسلمانان

روایات اهل سنت:

(234) عقد الدرر: حَدِّيفَه: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«وای بر این امت از پادشاهان زورگو که چطور می کُشند، و مطیعان را - بجز آنها که سرسپردگی خود را ثابت کنند - به رعب و وحشت می اندازند!...»

آنگاه فرمود:

حَدِّيفَه! اگر یک روز به آخر دنیا مانده باشد خداوند آنقدر آن روز را طولانی می کند تا مردی از اهل بیتم به حکومت رسد». (1)

(235) معجم کبیر: ابو عامر نحوی، سلیمان بن عبدالرحمن دمشقی، حسین بن علی کندی مولی [105] جریر، اوزاعی، قیس بن جابر صدفی از پدرش و او نیز از پدرش: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«بعد از من امور به دست خلفا می افتد، بعد از خلیفه ها امیران می آیند، بعد از امیران پادشاهان و بعد از آنها زورگویان خواهند آمد، تا اینکه مردی از اهل بیتم قیام کند و عدالت را در زمین بگستراند، همان طور که از ستم پُر

ص: 103

شده، آنگاه قحطانی به امارت رسد. قسم به خدایی که مرا به حق برای پیامبری برگزید کسی غیر از او نخواهد بود» (1).

(236) مسند احمد: سلیمان بن داود طیالسی، داود بن ابراهیم واسطی، حبیب بن سالم، نعمان بن بشیر: با رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودیم. بشیر (پدر نعمان) زیاد از رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیث نقل نمی کرد (2). ابو ثعلبه خُشنی آمد و گفت: بشیر بن سعد! حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله را در مورد امرا به یاد داری؟ حُذیفه گفت: من خطبه آن حضرت را به خاطر دارم. ابو ثعلبه نشست. حُذیفه گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند تا هر وقت بخواهد پیامبر را بین شما نگه می دارد و هر گاه بخواهد او را می برد، اما بعد از او خلافتی بر منوال نبوت است، و خداوند تا هر وقت بخواهد خلفا را نگاه می دارد و هر وقت بخواهد آنها را نیز می برد، ولی بعد از خلافت، پادشاهی گزنده و پُرشری خواهد بود تا هر زمان که خدا بخواهد، و هر گاه خواست آن را از بین می برد، و پس از آن تا هر وقت او بخواهد پادشاهی زورمدارانه است تا آنگاه که اراده کند و آن را نابود سازد، سپس خلافتی بر منوال نبوت خواهد بود. بعد از این رسول خدا صلی الله علیه و آله ساکت شد» (3).

(237) مسند احمد: عبدالرزاق، معمر، ایوب، ابو قلابه، ابو اشعث صنعانی، ابو اسماء رحبی، شداد بن اوس: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند پستی و بلندی های زمین را برای من هموار نمود تا همه افق های شرق و غرب آن را ببینم. قلمرو حکومت امتم تا آنجا رسد که برای 4.

ص: 104

1- . المعجم الكبير: 28.

2- «و كان بشير رجلاً يَكْفُ حديته». يَكْفُ در لغت علاوه بر خودداری به معنای جمع کردن (لباس) نیز آمده (لسان العرب). اما بنا بر اینکه در اینجا به معنای خودداری باشد، گفته شده که خودداری بشیر از نقل احادیث آن حضرت یا برای احتیاط بوده که ناخودآگاه اشتباه نقل نکند، یا حافظه ضعیفی داشته و احادیث را فراموش می کرده. (موقع الشبكة الاسلامیه، فتوای شماره 60122)

3- . مسند احمد 4: 273.

من هموار و قابل رؤیت گردید. به من دو گنج داده اند: یکی سفید و یکی سرخ، و من از خدا خواستم که ائمت را یکبار در یک سال هلاک نکند، و دشمنی که همه آنها را یکبار هلاک گرداند بر آنها مسلط ننماید، و آنها را با اختلاف و تفرقه پراکنده نکند، و عذاب گروهی را به گروه دیگر نچشانند.

خداوند هم فرمود: محمد! در قضای تغییر ناپذیرم مقرر کردم که همه ائمت تو را یکبار در یک سال از بین نبرم و از غیر خودشان دشمنی بر آنان مسلط نکنم که همگی هلاک شوند، تا اینکه عده ای از آنها عده دیگر را نابود کنند و بکشند، و یا اسیر نمایند.

راوی گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در ادامه فرمود:

من از هیچ چیز مثل پیشوایان گمراه کننده بر ائمت نمی ترسم، چون وقتی شمشیر در ائمت به میان آمد، تا قیامت کنار نمی رود». (1)

(238) معجم طبرانی: یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مروروزی، ابو تقی عبدالحمید بن ابراهیم حمصی، معدان بن سلیم حضرمی، عبدالرحمن بن نجیح، ابو الزاهریه، جبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«آنگاه که... بزرگ هر قبیله یکی از فاسقان آنها، و رهبرشان پست ترین آنها باشد... مردی از اهل بیت به نام مهدی قیام کند». (2)

(239) مستدرک حاکم: حسین بن علی بن محمد بن یحیی تمیمی، حسن بن ابراهیم بن حیدر حمیری، قاسم بن خلیفه، عبدالحمید بن عبدالرحمن حمدانی، عمر بن عبیدالله عدوی، معاویه بن قره، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخر الزمان بر ائمت بلای شدید و بی سابقه ای از جانب سلطانشان فرود آید که زمین با همه پهناوری برایشان تنگ شود، ظلم و ستم چنان همه جا را فراگیرد و مؤمن جایی نمی یابد تا از ظلم بدان پناه برد، و7.

ص: 105

1- . مسند احمد 4:123. سنن ابی داود 4:97، ح 4252.

2- . المعجم الكبير 18:51، ح 91. مجمع الزوائد 7:323.

سرانجام خداوند مردی از عترتم می فرستد... زمین هرچه رویدنی در خود دارد می رویاند، و هر چه ابر در آسمان است فراوان و مرتب بر آنان می بارد، او (مهدی) هفت، هشت یا نه سال میانشان خواهد بود که در آن مدّت از فرط خیر و نعمت هایی که خداوند به زمینیان عنایت می فرماید مردگان بر زندگان غبطه می خورند» (1).

(240) ملاحم ابن منادی: ابراهیم بن سلیمان بن حیّان بن مسلم بن هلال الدباس کوفی، علی بن أسباط مصری، علی بن حسین عبدی، سعد الاسکاف، اصبع بن ثبّاته: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام در کوفه سخنرانی می کرد. بعد از حمد و ستایش خداوند فرمود:

«یقین بدانید که مردی قوی از اهل بیت من خواهد آمد که به امر خدا دستور می دهد و به حکم خدا حکم می کند، البته بعد از دورانی پر از تنگنا و هتّاکی و رسوایی که بلایا سخت و امیدها قطع می گردد و زشتی و قبح رشوه از بین می رود. در آن موقع خداوند مردی را برای مسئله ای حتمی و مهم (2) از ساحل دجله برمی انگیزد [20] که کینه او را به خونریزی وامی دارد، در پوشش و خفا بوده و قومی را که به شدّت بر آنان غضبناک است و از آنها کینه دارد، در سال «بُخْتِ نَصْر» به هلاکت می رساند، آنها را پست و ذلیل می کند و همراه با تازیانه های عذاب و شمشیر ویرانی و هلاکت، از جامی تلخ به آنها می نوشاند» (3).

روایات اهل سنت:

(241) ارشاد القلوب: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... در آخر الزمان امیرانی فاسد و بی حیا با وزیرانی خائن بر شما حکومت خواهند کرد» (4)6.

ص: 106

1- . المستدرک علی الصحیحین 4:465. احقاق الحق 13:152.

2- «لأمرٍ حَزَّ به». النفیر: هم الذین اذا «حَزَّ بهم» أمر اجتماعوا و نفروا الی عدوّهم (لسان العرب). کَانَ الصَادِقُ عَلَیهِ السَّلَامُ اِذَا «حَزَّ به» أَمْرٌ جَمَعَ النِّسَاءَ وَ الصِّبْيَانَ ثُمَّ دَعَا وَ أَمَّنُوا (دَعَوَاتِ رَاوَنْدِي).

3- . الملاحم: 64 و 65.

4- . ارشاد القلوب 1:67، ب 16.

(242) امالی طوسی: گروهی به نقل از ابوالمفضل، حسن بن محمد بن شعبه انصاری، ابو السائب سلم بن جناده، وکیع بن الجراح، سفیان بن سعید ثوری، جابر بن یزید جُعی، عبد الله بن یحییٰ حضرمی: از علی علیه السلام شنیدم که فرمود: نشسته بودیم، پیامبر صلی الله علیه و آله سرشان را روی پای من گذاشته و خواب بودند. [همان طور که صحبت می کردیم] سخن از دجال به میان آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله که چهره شان سرخ شده بود فرمودند:

«غیر از دجال کسانی هستند که برای شما خطرناک ترند: پیشوایانِ گمراه کننده».(1)

(243) ارشاد القلوب: رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به شخصی که آمده بود و از قیامت سؤال می کرد فرمودند:

«تو که از قیامت می پرسی! (قیامت) هنگام بدسرشتی زمامداران...»

خواهد بود».(2)

(244) دلائل الامامه: ابو الحسین محمد بن هارون به نقل از پدرش، ابو علی حسن بن محمد نهاوندی، عباس بن مطر همدانی، اسماعیل بن علی مقری، محمد بن سلیمان، ابو جعفر عرجی، محمد بن یزید، سعید بن عبایه، سلمان فارسی: امیر مؤمنان علیه السلام در مدینه برای ما سخنرانی می کرد که در ضمن از نزدیکی فتنه و قیام قائم سخن گفت و اینکه از فرزندانش است و عدالت را در زمین فراگیر می کند؛ همان طور که ستم در آن فراگیر شده.

سلمان ادامه داد: وقتی کسی نزد آن حضرت نبود خدمتش رسیدم و گفتم: ای امیر مؤمنان، قائم فرزندان شما کی قیام می کند؟ آن حضرت آهی عمیق کشید و فرمود:

«قائم در دورانی ظهور می کند که... بافندهٔ قذبلند در مصر و نیل قیام کند».

سلمان گوید: گفتم: بافندهٔ قذبلند کیست؟ فرمود:

«مردی ولگرد و راهزن است اما نه از فرزندان پادشاهان، معادن طلا- برایش نمایان می شود (معادن طلا را می یابد)، و عرب و عجم یاریش».

ص: 107

1- . امالی الطوسی 2: 126.

2- . ارشاد القلوب 1: 67، ب 16.

می کنند، و همه چیز برایش فراهم می شود تا به حسن برسد، در زمان او عجایب و شگفتی هایی خواهد بود، چون با عرب ها به شام رود... و با لشکرش به کوه قاعوس رسد، اما اموری او را وادار به نقل مکان شتابزده از آنجا می کند، و هیچ غذا و نوشیدنی برایش گوارا نشود تا اینکه به ایلون مصر و به سوی نظریه پردازی ها و آرای گوناگون بازگردد... و قصرهایی بنا کند، و کوه «ملعون» را آباد سازد، آنگاه برقی نمایان شود و برود، و افراد شرور بین عین الشمس و حلوان رفت و آمد کنند که صدای اذان از آنها شنیده شود... و سفیانی لشکر خود را حرکت و سپاهیان را آرایش نظامی دهد... و این هنگام است که ناگهان امر خدا او را می گیرد... مهدی که از فرزندان حسین است قیام می کند، هیچ پسری مثل او نیست، هیچ پسری، او مانع هلاکت می گردد و فتنه ها را از بین می برد... و برای اهل دین به احکام دین حکم می کند...» (1).

(245) غیبه النعمانی: علی بن احمد، عبیدالله بن موسی علوی، عبدالله بن حمّاد انصاری، ابراهیم بن عبیدالله بن علاء به نقل از پدرش، ابو عبدالله جعفر بن محمد علیهما السلام:

امیرالمؤمنین علیه السلام مسائل و اتفاقات بعد از خودش تا قیام قائم را بیان می فرمود. حسین علیه السلام گفت: ای امیر مؤمنان، خداوند کی زمین را از وجود ظالمان پاک می کند؟ فرمود:

«تا خون حرام (2) ریخته نشود، خداوند زمین را از وجود ظالمان پاک نمی کند... بعد قائمی که همه آرزویش را دارند و آن امام ناشناخته قیام می کند، ای حسین! او صاحب شرف و فضل و از فرزندان تو است» (3).

(246) نهج البلاغه: امام علی علیه السلام در خطبه ای فرمودند:

«... مردم آن زمان (آخرالزمان) گرگ، و سلاطینشان درنده اند» (4) 8.

ص: 108

1- . دلایل الامامه: 253 و 254.

2- یعنی خونی که محترم است و ریختنش حرام می باشد.

3- . الغیبه: 274-276، ب 14، ح 55.

4- . نهج البلاغه: 157، خ 108.

(247) کفایه الاثر: علی بن حسین بن منده، محمد بن حسن کوفی معروف به ابوالحکم، اسماعیل بن موسی بن ابراهیم، سلیمان بن حبیب، شریک، حکیم بن جبیر، ابراهیم نخعی، علقمه بن قیس: امیرالمؤمنین علیه السلام بر منبر کوفه خطبه لؤلؤه را بیان می کرد که در آخر آن فرمود:

«من به زودی از میان شما می روم و به عالم غیب رهسپار می گردم، منتظر فتنه اموی و سلطنت کسروی و از میان بردن چیزی که خداوند آن را زنده نمود، و زنده کردن چیزی که خداوند آن را از میان برد باشید. خانه هایتان را صومعه خود کنید و دندان روی جگر بگذارید (1)، خدا را بسیار یاد نمایید که اگر علم داشتید می فهمیدید یاد او [از همه چیز و همه کس] برتر است. آنگاه فرمود:

شهری بین دجله و فرات ساخته می شود که آن را «زوراء» می گویند. وقتی آن را دیدید، می بینید که با گچ و آجر ساخته و با طلا و نقره و لاجورد و مرمر و زُخام و درهایی از چوب عاج و آبنوس و چادرها و قبه ها و پرده ها زینت داده شده، و انواع درختان ساج و عرعر و صنوبر تازه، در هر طرف آنها به چشم می خورد و با کاخ ها استحکام یافته است.

پیشتر نیز پادشاهان بنی شیبسان که بیست و چهار نفر بودند یکی پس از دیگری در آنجا آمد و رفت کرده اند که نام هایشان از این قرار است: سفاح، مقلاص، جموح، خدوع، مظفر، مؤنث، نظار، کبش، مهتور، عشار، مصطلم، مستصعب، علام، رهبانی، خلیع، سیار، مسرف، کدید، اکتب (اکذب)، مترف، اکلب، وسیم، ظلام و عینوق. قبه خاکی در بیابان سرخ ساخته می شود، و بعد از آن قائم بر حق در میان اقالیم نقاب از چهره برمی دارد، و)

ص: 109

1- «عَصَوَا عَلٰی مِثْلِ جَمْرِ الْعَصَا». آنچه در ترجمه آمده ضرب المثل معادل عبارت است و ترجمه لفظی آن «دندان بر زغال گذاخته درخت شوره گز فشار دهید» و کنایه از تحمل سختی های طاقت فرسا می باشد. غضا: درختی بیابانی و خاردار است که چوب بسیار سختی دارد، و به همین دلیل زغالش سخت است و حرارت را زیاد نگه می دارد و گذاخته می ماند. (مجمع البحرین، غضو)

بسان ماه تابان در میان ستارگان فروزان» (1).

(248) جامع الأخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند مردم آخرالزمان را به چهار ویژگی مبتلا می کند: ستم سلطان، قحطی زمان (کمبود وقت)، ظلم والیان و قاضی ها...» (2).

فصل دوم: اختلاف های شدید بین مسلمانان

روایات اهل سنت:

(249) مسند احمد: عبدالرزاق، جعفر، مُعلی بن زیاد، علاء بن بشیر، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«به مهدی دلخوش باشید، در حالی در امت من برانگیخته [20] می شود که اختلافات بین مردم [زیاد] است» (3).

(250) مسند احمد: عبدالرزاق، معمر، أُیوب، ابو قلابه، ابو اشعث صنعانی، ابو اسماء رحبی، شَداد بن اوس: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«... از خدا خواستم که امتم را یکباره در یک سال هلاک نکند، و دشمنی که همه آنها را یکباره هلاک گرداند بر آنها مسلط ننماید، و آنها را با اختلاف و تفرقه پراکنده نکند، و عذاب گروهی را به گروه دیگر نچشانند.

خداوند هم فرمود: محمد! در قضای تغییر ناپذیرم مقرر کردم که همه امت تو را یکباره در یک سال از بین نبرم و از غیر خودشان دشمنی بر آنان مسلط نکنم که همگی هلاک شوند، تا اینکه عده ای از آنها عده دیگر را

ص: 110

1- . کفایه الاثر: 213-219.

2- . جامع الأخبار: 129، ف 88. بحار الانوار 52:190، ب 25، ح 21.

3- . مسند احمد 3:37. ملاحم ابن المنادی: 42. بیان الشافعی: 505، ب 10.

نابود کنند و بکشند، و یا اسیر نمایند»⁽¹⁾.

(251) فتن سلیلی: الحسن به نقل از شخصی: علی بن ابی طالب علیه السلام به ابن عباس فرمود:

«مردم دو گروه می شوند: گروهی با او و گروهی ضد اویند، بعد از چند سال که می ماند و بر آنها حکومت می کند، شخصی گستاخ و بی رحم جانشین او می شود که در آسمان به «قتال»⁽²⁾ و در زمین به «جبار» معروف است، خون مردم را می ریزد و آن را [برای نوشیدن] با آب مخلوط می کند اما نمی تواند بنوشد. اعراب به آنها حمله می کنند و او در این حمله کشته می شود، و ستم و فحشا در جامعه شایع می گردد»⁽³⁾.

(252) فتن ابن حمّاد: ولید، صفوان بن عمرو، عبدالرحمن بن جبیر بن نفیر، کثیر بن مرّه حضر می:

«نشانه مصیبت و سختی روزگار آن است که در ماه رمضان علامتی در آسمان پدیدار گردد، بعد از آن اختلاف بین مردم زیاد می شود، اگر در آن زمان بودی، تا می توانی غذای بسیار ذخیره کن»⁽⁴⁾.

روایات شیعه:

(253) دلایل الامامه: ابو علی نهانندی، ابو علی هشام بن علی سیرافی، عبدالله بن رجاء، همام، معلی بن زیاد، معلی، شخصی از طایفه مزینه، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله از مهدی یاد کرد و فرمود:

«مهدی وقتی قیام می کند که اختلاف های شدید بین مردم... زیاد شود»⁽⁵⁾.

(254) غیبه الطوسی: محمد بن اسحاق مقری، مقانعی، بکار بن احمد، حسن بن حسین، تلید، ابو الجحاف [3]، خالد بن عبدالملک، مطر وراق، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید: 2.

ص: 111

1- . مسند احمد 4: 123. سنن ابی داود 4: 97، ح 4252.

2- القتال: بسیار کُشنده.

3- . الفتن: 124، ب 39.

4- . الفتن: 60.

5- . دلایل الامامه: 252.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«به مهدی دلخوش باشید - این جمله را سه بار تکرار فرمود - در شرایطی قیام می کند که مردم با هم اختلاف دارند و زمین لرزه شدیدی می آید، او عدالت را در سراسر زمین - که در آن موقع آکنده از ظلم و ستم است - برقرار می سازد...» (1).

(255) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، احمد بن یوسف بن یعقوب ابو الحسن جُعفی، اسماعیل بن مهران، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش و وهیب، ابو بصیر:

حضرت ابو جعفر امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«قائم در یک سال فرد قیام می کند: نه، یک، سه، پنج. (2) - و فرمود: - بعد از اختلاف در بنی امیه و فروپاشی حکومتشان بنی عباس به قدرت می رسند، آنها همواره در بهار حکومت و طراوت عیش و نوش خود هستند تا اینکه میانشان اختلاف می افتد و با این اختلافات حکومتشان ساقط می گردد، و مردم در مشرق و مغرب با هم اختلاف پیدا می کنند. بله، این اختلاف در اهل قبله نیز هست، وحشت و رعب همواره به مردم فشار می آورد، تا اینکه ندایی از آسمان می آید، چون این ندا آمد، آماده و بسیج شوید، به خدا قسم گویی او را بین رکن و مقام در حال بیعت گرفتن از مردم برای امر جدید و کتاب جدید و حکومت آسمانی جدید می بینم، تا زنده است هیچ گاه لشکرش شکست نمی خورد.» (3).

(256) کشف نوری: ابو محمد فضل بن شاذان نیشابوری (که در زمان حیات امام عسکری علیه السلام وفات کرد، در کتاب خود آورده): حسن بن رباب، ابو عبدالله علیه السلام: امیر المؤمنین علیه السلام ضمن حدیثی طولانی فرمودند: 6.

ص: 112

1- . غیبه الطوسی: 111.

2- «يقوم القائم عليه السلام في وتر من السنين: تسع، واحدة، ثلاث، خمس. وقال:...».

3- . الغيبة: 262، ب 14، ح 22. تاج المواليد: 150. بحار الانوار 52: 235، ب 25، ح 103. بشاره الاسلام: 92 و 92، ب 6.

«بین امرای عرب و عجم اختلاف می افتد و همچنان در اختلاف به سر می برند تا حکومت به دست یکی از فرزندان ابوسفیان می افتد... بعد، امیر امیران و قاتل کفار و پادشاهی که همه در آرزویش هستند و عقل ها در غیبت او حیران گردیده ظاهر می شود. او نهمین نسل از فرزندان حسین است، بین رکن و مقام و بر ثقلین ظاهر می گردد، و یک نفر از افراد فرومایه را هم در روی زمین باقی نمی گذارد»⁽¹⁾.

(257) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، قاسم بن محمد بن حسن بن حازم، عبیس بن هشام، عبدالله بن جبلة، مسکین الرحال، علی بن ابی مُغیره، عمیره بنت نفیل، حسین بن علی علیهما السلام:

«از نشانه های ظهور حکومتی که منتظرش هستید این است که بعضی از شما از دیگران بیزاری می جویند، و برخی آب دهان به صورت یکدیگر می ریزند، و عدّه ای علیه عدّه دیگر شهادت به کفر می دهند و همدیگر را لعنت می کنند.

گفتم: چه دوره و زمانه بی خیری! فرمود:

اصل خیر در آن زمان است، قائم ما قیام کرده و همه اینها را برطرف می نماید»⁽²⁾.

ص: 113

1- . کشف الأستار: 221 و 222.

2- . الغیبه: 109، ب 12.

روایات اهل سنت:

(258) مسند طیالسی: ابو الأشهب، عمرو بن عبید تمیمی عبسی، ثوبان غلام پیامبر صلی الله علیه و آله از آن حضرت روایت کرد:

«نزدیک است که همه امتها دور شما جمع شوند آن گونه که خوردگان غذا گرد غذا جمع می شوند.

ما گفتیم: ای رسول خدا، به خاطر اینکه جمعیتان کم است؟! فرمود:

نه، جمعیت شما در آن موقع زیاد است، ولی مثل غنای خواهید بود، خداوند ترس را از دل های دشمنانتان می برد و در دل و بدن های شما سستی قرار می دهد.

گفتیم: ای رسول خدا، سستی ما چیست؟ فرمود:

دوستی دنیا و بیزاری از مرگ» (1).

(259) امالی شجری: قاضی ابو القاسم علی بن محسن بن علی ابو الفهم تنوخی، ابو الحسین علی بن حسن بن جعفر بن عطار البزار، ابو جعفر محمد ابن حسینی خثعمی، عباد بن یعقوب، عمر بن شیب مسلی، محمد بن سلمه، کهیل به نقل از پدرش، ابو ادیس، مسبب بن خیشمه: علی علیه السلام فرمود:

«... به خدا سوگند اینها با اتحادی که در باطل خود دارند، بر شما به خاطر تفرقه و سرسبکی تان نسبت به [اعتقاد] حق خود، غلبه خواهند یافت، تا جایی که شما را به بردگی کشند، بدان شخص برده داری که وقتی برده اش نزد اوست از او بار می کشد و وقتی در دسترس نیست او را فحش می دهد، به حدی که عده ای برای دین و برخی برای دنیا به گریه می افتند. به خدا سوگند اگر آنها شما را چنان متفرق سازند که هر کدام زیر سنگی

ص: 114

باشید، [در صورتی که مرا رها نکنید] همه شما را برای [فراهم آوردن] بدترین روز آنها جمع می‌کنم. قسم به خدایی که دانه و روح را آفرید (1)، اگر یک روز به آخر دنیا مانده باشد، خداوند آنقدر آن را طولانی کند تا مردی از فرزندان من بر سراسر زمین حاکم شود، او همان طور که ظلم و ستم در زمین فراگیر شده [پس از برچیدن آن] عدالت را در همه جا می‌گستراند». (2)

روایات شیعه:

(260) ملاحم ابن طاووس: ابو منصور ابن عمر، احمد بن محمد، اسماعیل بن میمون، نباته، حذیفه بن یمان، جابر انصاری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اسلام در آغاز پیدایش خود غریب بود و باز هم مثل اولش غریب می‌شود.

از آن حضرت توضیح خواستند، فرمود:

خداوند پنج رود سیحون، جیحون، دجله، فرات و نیل مصر را مخصوص ما اهل بیت قرار داده، چون کفار هر پنج رود را تصرف کردند حکومت اسلام شرق و غرب [عالم] را فرامی‌گیرد. در آن وقت است که خداوند اهل بیت را بر گمراهان چیره سازد و تاقیامت هیچ پرچمی به نام آنها برافراشته نمی‌شود (نامی از آنها به طور رسمی برده نخواهد شد)». (3)

(261) مناقب ابن شهر آشوب: علی علیه السلام فرمود:

«... هند بر سند غالب شود، قفقص بر سعیر، قبط بر اطراف مصر، اندلس بر نواحی افریقیه، حبشه بر یمن، ترک ها بر خراسان، و رومیان بر اهل شام غالب آیند، اهل ارمینیه پیروز گردند، و شخصی در عراق فریاد برآرد: پرده ها دریده شد، به پاکدامنان تجاوز کردند و پرچم دجال ملعون نمایان گردید». (4)

ص: 115

1- «و الذی خلق الحبّه و برأ النّسمه».

2- .الأمالی الشجریه 2:84.

3- .الملاحم و الفتن: 147.

4- . مناقب ابن شهر آشوب 2:274. بحار الانوار 319:41، ب 114، ح 42.

روایات اهل سنت:

(262) عقد الدرر: علی بن محمد اودی به نقل از پدرش و او نیز از پدرش روایت کرد:

علی علیه السلام فرمود:

«قبل از قیام] مهدی مرگی سرخ و مرگی سفید شایع می شود، و ملخهایی به رنگ خون، یک مرتبه با آن مرگ ها، و مرتبه دیگر جداگانه هجوم می آورند، مرگ سرخ همان جنگ، و مرگ سفید طاعون است».⁽¹⁾

(263) مصنف ابن ابی شیبہ: وکیع و یزید بن ہارون، عمران بن حدیر، رفیع ابو کثیر:

از ابوالحسن علی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«زمین چنان از ظلم و ستم پر شود که وحشت و درگیری به هر خانه ای راه می یابد، اندکی پول و یکی دو پیمانہ غذا می جویند اما گیرشان نمی آید، پس قتل و کشتار خواهد بود، تا وقتی که عذاب خداوند آنها را در کاخشان فراگیرد. آنگاه زمین پر از عدالت و مساوات می شود».⁽²⁾

(264) فتن ابن حماد: یحیی بن یمان، کیسان الرواسی القصار: مولایم برای من روایت کرد: از علی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«قبل از قیام مهدی یک سوم مردم کشته می شوند، یک سوم می میرند و تنها یک سوم باقی می ماند».⁽³⁾

ص: 116

1- . عقد الدرر: 65، ب 4، ف 1.

2- . المصنف 89:15. کنز العمال 586:14، ح 39659.

3- . الفتن: 91. سنن الدانی: 94. عقد الدرر: 63، ب 4، ف 1. عرف السیوطی ضمن الحاوی للفتاوی 68:2. برهان المتقی: 111، ب

4، ف 2، ح 4. کنز العمال 587:14، ح 39663. فرائد فوائد الفکر: 7، ب 3. ملاحم ابن طاووس: 58، ب 110. کشف النوری: 175،

ف 2. بشاره الاسلام: 77، ب 2.

(265) مسند طیالسی: ورقاء، عاصم، ابوالوائل، عبداللّه، ابو داود:

«مقدمه بر پا شدن قیامت آشوب و آشفتگی است، در آن دوران علم برچیده شده و جهل باز می گردد».

اشعری که کنار ابن مسعود ایستاده بود گفت: منظور از آشوب، کشتار و خونریزی است. (1)

(266) ملاحم ابن منادی: اعمش، خثیمه بن عبدالرحمن: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«وقتی قیامت نزدیک شود مردی از فرزندانم قیام کند، در آن زمان دل های مؤمنین می میرد همان طور که بدن ها می میرد، و آن از شدت سختی و رنج و گرسنگی و کشتار است». (2)

(267) مستدرک حاکم: حسین بن علی بن محمّد بن یحیی تمیمی، حسن بن ابراهیم بن حیدر حمیری، قاسم بن خلیفه، ابو یحیی عبدالحمید بن عبدالرحمن حمّانی، عمر بن عبیداللّه عدوی، معاویه بن ابی قرّه، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخرالزمان بر ائمتم بلای شدید و بی سابقه ای از جانب سلطاننشان فرود آید که زمین با همه پهنآوری برایشان تنگ شود، ظلم و ستم همه جا را فراگیرد و مؤمن جایی نمی یابد تا از ظلم بدان پناه برد، و سرانجام خداوند مردی از عترتم می فرستد تا زمین را همان طور که از ظلم و ستم پر شده از مساوات و عدالت پُر کند، و اهل آسمان و زمین از او راضی می شوند». (3)

(268) غیبه النعمانی: علی بن حسین، محمّد بن یحیی، محمّد بن حسن رازی، محمّد بن علی کوفی، ابراهیم بن ابی البلاد، علی بن محمّد بن الأعلّم از دی عن به نقل از پدرش و او نیز از پدرش: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«پیش از قائم مرگِ سرخ و مرگِ سفید و ملخی فصلی و ملخی غیر فصلی 4.

ص: 117

1- . مسند الطیالسی: 35، ح 263. مصنّف عبدالرزّاق 364:11 و 365، ح 20751. مصنّف ابن ابی شیبّه 13:15، ح 18971 و 64:15، ح 19125.

2- . الملاحم: 91. عرف السیوطی ضمن الحاوی 84:2. کنز العمّال 591:14، ح 39678.

3- . المستدرک علی الصحیحین 465:4.

خواهد بود که همچون خون سرخ رنگ است. مرگ سرخ به وسیله شمشیر و مرگ سفید طاعون است» (1).

(269) صراط مستقیم:

«وقتی خداوند اراده فرماید که آل محمد را ظاهر کند (غلبه دهد)، از ماه صفر جنگ شروع می شود [و] تا ماه صفر [سال بعد ادامه دارد]، که [نشانه] آستانه قیام مهدی است» (2).

ص: 118

1- . الغیبه: 277 و 278، ح 61. الارشاد: 359. غیبه الطوسی: 267. اعلام الوری: 427، ب 4، ف 1. الخرائج 3: 1152، ب 20، ح 58. كشف الغمّه 3: 249. مستجد الحلّی: 548 و 549. الفصول المهمّه: 301، ف 12. الصراط المستقیم 2: 249، ب 11، ف 8. اثبات الهداه 3: 726، ب 34، ف 6، ح 49. بحار الانوار 52: 211، ب 25، ح 59. بشاره الاسلام: 48، ب 2. كشف النوری: 175، ف 2.

2- . الصراط المستقیم 2: 258، ب 11، ف 11. اثبات الهداه 3: 578، ب 32، ف 55، ح 742.

روایات اهل سنت:

(270) معجم طبرانی: یحیی بن عبدالباقی، یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مروروذی، ابو تقی عبدالحمید بن ابراهیم حمصی، معدان بن سلیم حضرمی، عبدالرحمن بن نجیح، ابو الزاهریه، جبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای عوف، وقتی این امت هفتاد و سه فرقه شوند که فقط یکی از آنها اهل بهشت است و بقیه در جهنم، تو چه حالی داری؟

گفتم: ای رسول خدا، این [تفرقه] در چه زمانی خواهد بود؟ فرمود:

وقتی نگاهبانان و پاسبان ها زیاد شوند... و غنائم [مثل اموال شخصی بین افراد خاصی] دست به دست شود، و زکات را گرو گیرند، و امانت را به غنیمت برند... تا اینکه مردی از اهل بیتم به نام مهدی قیام کند. اگر او را دیدی پیرویش کن تا از هدایت یافتگان باشی». (1)

(271) مسند طیالسی: قیس، جابر جُعفی، ابو عازب، نعمان بن بشیر: همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که فرمود:

«پیش از وقوع قیامت فتنه هایی می آید... که [در اثر آن] اقوامی سهم خود از خیر و صلاح را به بهره کمی از دنیا می فروشند». (2)

ص: 119

1- . المعجم الكبير 51:18، ح 91. مجمع الزوائد 7:323.

2- . مسند الطيالسی: 108، ح 803.

(272) فتن ابن حمّاد: ابن مبارک، مبارک بن فضاله، الحسن، نعمان بن بشیر:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قسم به خداوند یکتا! مسلمانان آخرالزمان را دیدم که در ظواهر دنیا گرفتار و از عقل و تفکر بی بهره اند، به جسم خود پرداخته و به جانشان توجه ندارند، چون شب پره های دور آتش و مگس های طمع، روزشان را با دو درهم شروع و با دو درهم به پایان می برند، و دینشان را به بهای ماده بزی می فروشند».(1)

(273) فتن سلیلی: عمر بن عبدالوهاب، ابوبکر محمد بن عبدالؤمن، احمد بن محمد بن غالب، الخلیل بن سالم بزّاز، علاء بن رشید، عبدالواحد بن زید، الحسن به نقل از شخصی: علی بن ابی طالب علیه السلام به ابن عبّاس فرمود:

«ابن عبّاس! تو احادیث مختلفی شنیده ای... اولین فتنه از دوست فتنه(2):

حکم فرمایی بچه ها، تجارت های زیاد با استفاده کم، پس از آن... منتظر ظهور بهترین آل محمد صلی الله علیه و آله باش که در کعبه خواهد بود، در آن موقع افراد زنده آرزو می کنند که مرده هایشان زنده شوند، و اوزمین را پر از عدل و داد می کند همان طور که پر از ظلم و جور شده باشد...».(3)

روایات شیعه:

(274) ارشاد القلوب: رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به شخصی که آمده بود و از قیامت سؤال می کرد فرمودند:

«تو که از قیامت می پرسی!... (قیامت) زمانی خواهد بود که امانت را به غنیمت و صدقه را گرو می گیرند...».(4)

(275) جامع الأخبار: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی خواهد آمد که شکم مردم خدایشان، زنان قبله شان، پول دینشان6.

ص: 120

1- . الفتن: 6.

2- «أول فتنه من المائتين...».

3- . الفتن: 124، ب 39.

4- . ارشاد القلوب 1: 67، ب 16.

و کالاهایشان شرافتشان باشد... آنگاه که چنین شوند، خدا آنها را به چهار چیز مبتلا می کند: ستم پادشاه، قحطی دوران، ظلم والیان و قاضیان.

اصحاب با تعجب گفتند: ای رسول خدا، آنها بت پرست هستند؟ فرمود:

بله، هر درهمی برای آنها یک بُت است» (1).

(276) تفسیر قمی: پدرم به نقل از سلیمان بن مسلم خثاب، عبدالله بن جریح المکی، عطاء بن ابی رباح، عبدالله بن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی در مورد نشانه های قیامت فرمود:

«از نشانه های قیامت... تکریم ثروتمندان، و فروش دین به دنیاست... زن همراه با شوهرش به تجارت می پردازد، باران (به جای اینکه سبب خنکی و کاهش دما شود) موجب حرارت و گرما گردد، نیکان کمیاب، و تنگدست تحقیر، و بازارها به هم نزدیک می گردند، اگر این یکی گفت: چیزی نفروختم، و دیگری گفت: سود نبردم، خواهی دید که همه خداوند را مذمت می کنند... در این هنگام است که ربا آشکار و با رشوه معامله نمایند، دین فرو گذارده شده و دنیا مورد توجه قرار گیرد» (2).

ص: 121

1- . جامع الأخبار: 129، ف 88. بحار الانوار 190:52، ب 25، ح 21.

2- . تفسیر القمی 2: 303-306.

این باب شامل هفت فصل است:

فصل اول: طلوع خورشید از مغرب، دجال، خسف و آتش

روایات اهل سنت:

(277) مسند طیالسی: یونس، ابو داود، مسعودی، فرات قزّاز، ابو طفیل، حذیفه بن أسید غفاری که از اهل صفّه بود روایت می کند: ما درباره قیامت گفت و گو می کردیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد ما آمد و فرمود:

«قیامت برپا نگیرد تا ده نشانه پیدا شود: دجال، دود، پیدایش جنبنده [ای مخصوص]، طلوع آفتاب از مغرب، سه حادثه خسف [40]: یکی در مشرق، دیگری در مغرب و دیگری در جزیره العرب، فرود آمدن عیسی بن مریم علیهما السلام، فتح یاجوج و ماجوج، و آتشی که از دل عدن سرکشد و مردم را به صحرای قیامت براند»⁽¹⁾.

(278) مسند طیالسی: یونس، ابو داود، عمران، قتاده، عبدالله بن رباح، ابو هریره:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ص: 123

1- . مسند الطیالسی: 143، ح 1067. مسند الحمیدی 2: 364، ح 827. مصنف ابن ابی شیبّه 15: 130، ح 19310. صحیح مسلم 4: 2225، ب 13، ح 2901. سنن ابن ماجه 2: 1341، ب 25، ح 4031.

«پیش از آنکه شش چیز رخ دهد فرصت را برای اعمال صالح غنیمت شمارید: طلوع خورشید از مغرب، دَجّال، دود، پیدایش جنبنده ای (مخصوص) در زمین، مرگ هر کدامتان، برپاشدن قیامت».(1)

(279) سنن دانی: عبدالله بن موهب مکتب، عتاب بن هارون، عبیدالله بن فضل، محمّد بن فضل همدانی، ابو نعیم محمّد بن یحیی طوسی، ابراهیم بن موسی فراء رازی، زید بن الحباب، عیسی بن الاشعث، جویر، نزال بن سبره: علی بن ابی طالب علیه السلام بر منبر بود و خطبه می گفت.

پس از حمد و ثنای خداوند سخن از دَجّال به میان آورد و فرمود:

«... بعد از طلوع خورشید از مغرب، دیگر نه توبه ای قبول شود و نه عملی بالا رود، و ایمان کسی که پیشتر ایمان نیاورده یا در حال ایمان خیری کسب نکرده بود به حال صاحبش سودی ندارد».(2)

آنگاه حضرت فرمود: از آنچه بعد از آن روی می دهد نپرسید؛ زیرا حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله از من عهد گرفته که جز به عترت خود اطلاع ندهم.

نزال بن سبره گوید: به صعصعه بن صوحان گفتم: مقصود امیرالمؤمنین از این حرف چه بود؟

صعصعه گفت: ای پسر سبره! آن کسی که عیسی بن مریم علیهما السلام پشت سر او نماز می گزارد، دوازدهمی از عترت و نهمین نسل از پشت حسین بن علی علیهما السلام است، و اوست خورشیدی که از مغرب خود (یعنی محلی که غایب شده) طلوع می کند و در بین رکن و مقام ظاهر می شود و زمین را پاک می کند و ترازوی عدل را برقرار می نماید، طوری که هیچ کس به دیگری ظلم نمی کند. امیر مؤمنان علیه السلام هم فرمود که حبیبش پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله از وی پیمان گرفته که در مورد آنچه پس از آن روی خواهد داد جز به عترت وی یعنی ائمه طاهرین - صلوات الله علیهم اجمعین - به کسی اطلاع ندهد».(3)

ص: 124

1- . مسند الطیالسی: 232، ح 2549. مسند احمد 2: 324 و 337 و 511.

2- . جمله اخیر آیه قرآن است: یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیَاتِ رَبِّکَ لَا یَنْفَعُ نَفْسًا إِیْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَتْ بَثًّا فِی إِیْمَانِهَا خَیْرًا. (انعام، 158)

3- . السنن الواردة فی الفتن: 135-136. عقد الدرر: 291، ب 12، ف 3.

(280) مسند طیالسی: یونس، ابو داود، سالم بن سلیم، یحیی بن سعید تمیمی، ابو زرعه بن عمرو بن جریر: نزد عبداللّه بن عمرو بودیم که دو نفر آمدند و گفتند: از مجلس مروان به اینجا آمده ایم، و شنیدیم که مروان می گفت: اولین نشانه ای که پیدا می شود دجال است.

عبداللّه بن عمرو گفت: مروان دروغ می گوید، از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«اولین نشانه، طلوع خورشید از مغرب، یا خروج جنبنده [مخصوص] بر مردم به هنگام ظهر است، هر کدام از این دو نشانه نمایان شد، دیگری با فاصله اندکی پس از آن خواهد بود»⁽¹⁾.

روایات شیعه:

(281) خصال صدوق: حسن بن عبداللّه بن سعید عسکری، عبداللّه بن محمد بن حکیم قاضی، حسین بن عبداللّه بن شاکر، اسحاق بن حمزه بخاری و عموم، عیسی بن موسی غنجر، ابو حمزه، رقبه - و هو ابن مصقله شیبانی -، الحکم بن عتیه به نقل از شخصی، حذیفه بن اسید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«ده نشانه مقدمه قیامت است: پنج نشانه در مشرق و پنج نشانه در مغرب».

آنگاه جنبنده، دجال، طلوع خورشید از مغرب، عیسی بن مریم علیهما السلام، یاجوج و ماجوج و غلبه عیسی علیه السلام بر آنها و غرق کردنشان در دریا، را شمرد و بقیه نشانه ها را ذکر نرمود.⁽²⁾

(282) غیبه الطوسی: احمد بن ادریس، علی بن محمد بن قتیبه، فضل بن شاذان، ابن فضال، حماد، حسین بن المختار، ابو نصر، عامر بن واثله، امیرالمؤمنین علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ده علامت است که پیش از قیامت باید پدید آید: سفیانی، دجال، دود، جنبنده ای [مخصوص] در زمین⁽³⁾، قیام قائم، طلوع آفتاب از مغرب، فرود».

ص: 125

1- . مسند طیالسی: 297، ح 2248. مصنف ابن ابی شیبه 67:15، ح 19135. مسند احمد 2:164 و 201. صحیح مسلم 4:2260، ب 23، ح 2941. سنن ابن ماجه 2:1353، ب 32، ح 4069. سنن ابی داود 4:114، ح 4310. تفسیر ابن جریر 8:72. ملاحم ابن المنادی: 63.

2- . الخصال 2:447-449، ح 46.

3- «دابه الارض».

آمدن عیسی علیه السلام [از آسمان]، فرورفتن زمین در شرق، فرورفتن زمین در جزیره العرب، و آتشی که از وسط عدن [75] بیرون می آید و مردم را به محشر می راند». (1)

(283) تبیان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«پیش از آنکه شش چیز رخ دهد فرصت را برای اعمال صالح غنیمت شمردید: طلوع خورشید از مغرب، دجال، دود، پیدایش جنبنده ای [مخصوص] در زمین، مرگ هر کدامتان، برپاشدن قیامت». (2)

(284) کمال الدین: محمد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن معاذ، قیس بن حفص، یونس بن ارقم، ابو سیار شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبره: علی بن ابی طالب علیه السلام بر منبر بود و خطبه می گفت. بعد از حمد و ثنای خداوند و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار فرمود:

ای مردم، پیش از آنکه مرا از دست بدهید از من سؤال کنید!

صعصعه بن صوحان برخاست و عرض کرد: ای امیر مؤمنان، دجال کی خروج کند؟ امیر مؤمنان علیه السلام پس از سخنانی در مورد دجال فرمود:

اینها پس از طلوع آفتاب از مغرب خود است، در این وقت توبه برداشته شود، نه توبه ای پذیرفته است و نه عمل فایده دارد، و ایمان کسی که پیشتر ایمان نیاورده یا در حال ایمان خیری کسب نکرده بود به حال صاحبش سودی ندارد.

آنگاه فرمود: از آنچه بعد از آن روی می دهد نپرسید؛ زیرا حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله از من عهد گرفته که جز به عترت خود اطلاع ندهم. 2.

ص: 126

-
- 1- . غیبه الطوسی: 267. خرائج قطب الراوندی 3: 1148، ب 20، ح 57. الايقاظ من الهجعه: 311، ب 10، ح 12 و 356، ب 10، ح 100. اثبات الهداه 3: 724، ب 34، ف 5، ح 42 و 725، ب 34، ف 6، ح 45. بحار الانوار 52: 209، ب 25، ح 48.
 - 2- . التبیان فی تفسیر القرآن 1: 171 و 4: 3271. مجمع البیان 1: 89. الايقاظ من الهجعه: 334، ب 10، ح 52.

نزال بن سبره گوید: به صعصعه بن صوحان گفتم: مقصود امیر مؤمنان از این سخن چه بود؟

صعصعه گفت: ای پسر سبره، آن که عیسی بن مریم علیهما السلام پشت سرش نماز می خواند دوازدهمین نفر از عترت و نهمین فرزند حسین علیه السلام و اوست آفتابی که از مغرب خود برمی آید و نزد رکن و مقام ظاهر می شود و زمین را پاک می کند و ترازوی عدل را برقرار می نماید طوری که هیچ کس به دیگری ظلم نمی کند. امیر مؤمنان به ما گفت که حبیبش پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله از وی پیمان گرفته که از اتفاقات بعد از آن به کسی جز عترتش - ائمه اطهار علیهم السلام - خبر ندهد. (1)

(285) تفسیر قمی: پدرم به نقل از قاسم بن محمد، سلیمان بن داود منقری، حفص بن غیاث، ابو عبدالله علیه السلام: شخصی از پدرم در مورد جنگ های امیر مؤمنان علیه السلام سؤال کرد. امام باقر علیه السلام فرمود:

«خداوند عزوجل محمد صلی الله علیه و آله را با پنج شمشیر برانگیخت [20]: سه شمشیر از آن شمشیرها برهنه و از غلاف کشیده است تا جنگ پایان پذیرد، و هرگز جنگ پایان نیابد تا آفتاب از محلّ غروب خود طلوع کند، و چون آفتاب از مغربش سر برآرد آن روز همه مردم در امنیت قرار گیرند، آن روز است که ایمان کسی که از پیش ایمان نیاورده باشد و یا از ایمانش بهره برداری نکرده است سودی به حالش ندهد، و یک شمشیر از آن شمشیرها پیچیده، و یکی دیگر در نیام است که به روی دیگران کشیده می شود، ولی امرش به دست ماست...» (2)3.

ص: 127

-
- 1- . کمال الدین 2: 525-528، ب 47، ح 1. الخرائج 3: 1133، ب 20، ح 53. بصائر الدرجات: 30-32. اثبات الهداه 3: 522، ب 32، ف 17، ح 407. الايقاظ من الهجعه: 322، ب 10، ح 31. بحار الانوار 52: 192-195، ح 26. تفسیر نور الثقلین 1: 781، ح 358 و 97: 4، ح 101 و 5: 506، ح 41. مستدرک النوری 12: 326 و 327، ب 39، ح 1. بشاره الاسلام: 41-43، ب 1.
- 2- . تفسیر القمی 2: 320. الکافی 5: 10، ح 2. خصال الصدوق 1: 274، ب 5، ح 18. تحف العقول: 288. تهذیب الاحکام 4: 114 و 115، ب 31، ح 336 و 6: 136، ب 59، ح 230. وسائل الشیعه 11: 16 و 17، ب 5، ح 2. بحار الانوار 19: 181، ب 8، ح 30 و 166: 87 و 167، ب 22، ح 3.

(286) تفسیر عیاشی: زرارہ، حمران و محمد بن مسلم: امام باقر و امام صادق علیہما السلام در توضیح آیه یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیَاتِ رَبِّكَ لَا یَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا (1) فرمودند:

«بعضی از آیات طلوع خورشید از مغرب و خروج جنبنده و دجال است. کسی که در کفر خود اصرار ورزیده و بر مبنای ایمان عمل نکرده، پس از آمدن آیات، ایمان آوردن برایش سودی ندارد». (2)

فصل دوم: نشانه ای با خورشید

روایات اهل سنت:

(287) مصنف عبدالرزاق: معمر، ابن طاووس، علی بن عبداللہ بن عباس:

«از علائم حتمی قیام مهدی این است که همراه با طلوع خورشید علامتی پیدا می شود». (3)

روایات شیعه:

(288) غیبہ الطوسی: قرقارہ، عباس بن یزید بحرانی، عبدالرزاق بن ہمام، معمر، ابن طاووس، علی بن عبداللہ بن عباس:

«از علائم حتمی قیام مهدی این است که همراه با طلوع خورشید علامتی پیدا می شود». (4)

ص: 128

1- «روزی که بعضی آیات پروردگارت بیاید ایمان آوردن فایده ای ندارد». (انعام: 158)

2- . تفسیر العیاشی 1: 384، ح 128. تفسیر الصافی 2: 173. البرہان 1: 565، ح 8. بحار الانوار 6: 312، ب 1، ح 13 و 32: 67، ب

1. تفسیر نور الثقلین 1: 781، ح 354.

3- . المصنف 11: 373، ح 20775. فتن ابن حنّاد: 91. عقد الدرر: 106، ب 4، ف 3. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 65. القول

المختصر: 20، ب 3، ح 2. برہان المتقی: 107، ب 4، ف 1، ح 13 و: 108، ب 4، ح 15.

4- . غیبہ الطوسی: 280.

روایات اهل سنت:

(289) فتن ابن حمّاد: ولید، کعب:

«قبل از قیام مهدی ستاره ای دنباله دار از مشرق طلوع می کند»⁽¹⁾.

روایات شیعه:

(290) کفایه الاثر: علی بن حسن بن منده، محمّد بن حسین کوفی معروف به ابوالحکم، اسماعیل بن موسی بن ابراهیم، سلیمان بن حبیب، شریک، حکیم بن جبیر، ابراهیم، علقمه بن قیس: امام علی علیه السلام ضمن حدیثی درباره مهدی علیه السلام و قیام او فرمود:

«قیام او ده نشانه دارد: اوّل طلوع ستاره ای دنباله دار نزدیک ستاره حادی است...»⁽²⁾.

(291) مشارق برسی: اصبع بن بُبّاته: امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه ای فرمودند:

«و طلوع ستاره دنباله دار و اقتران ستاره ها... وقتی همه این علامت ها پیدا شد قائم بر حقّ ما قیام می کند»⁽³⁾.

ص: 129

1- . الفتن: 61. عقد الدرر: 11، ب 4، ف 3. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:82. برهان المتّقی: 108، ب 4، ف 1، ح 18. فرائد فوائد الفکر: 6، ب 3.

2- . کفایه الاثر: 213 و 219.

3- . مشارق أنوار الیقین: 164-166. اثبات الهداه 1:598، ب 9، ف 27، ح 568 و 2:2، ب 11، ف 14، ح 128. غایه المرام: 57، ب 13، ح 62. مدینه المعاجز: 154. بحار الانوار 36:354، ب 41، ح 225 و 41:318، ب 114، ح 42 و: 329، ب 114، ح 50 و 52:267 و 268. العوالم 3:199-202، ح 181. بشاره الاسلام: 57، ب 2.

روایات اهل سنت:

(292) فتن ابن حمّاد: ولید و رشدین، ابن لهیعه، ابوقبیل، ابورومان: علی علیهم السلام فرمود:

«وقتی از آسمان ندایی آمد که حق با آل محمد علیهم السلام است، مهدی ظاهر می گردد».(1)

(293) فتن ابن حمّاد: عبدالله بن مروان، سعید بن یزید تنوخی، زهری:

«روزی که سفیانی و مهدی برای جنگ رو در رو شوند، صدایی از آسمان شنیده می شود».(2)

(294) فتن ابن حمّاد: ولید و رشدین، ابن لهیعه، ابوقبیل، ابورومان: علی علیهم السلام فرمود:

«ابتدای روز، ندایی از آسمان می آید که حق با آل محمد علیهم السلام است».(3)

(295) فتن ابن حمّاد: ولید بن مسلم، عبسه قُرشی، سلمه بن ابی سَلَمه، شهر بن حوشب:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در محرم آن سالی که سر و صدای جنگ بالا گیرد، منادی از آسمان ندا می کند: آگاه باشید که برگزیده خلق خدا فلانی است، به حرف او

گوش کنید و او را اطاعت نمایید».(4)

(296) مصنف عبدالرزاق: عبدالرزاق، معمر به نقل از شخصی، ابن مسیب:

«فتنه ای در شام خواهد افتاد که اول آن همچون بازی کودکانه است، از طرفی آرام شود و از جانب دیگر اوج گیرد، به همین نحو خواهد

بود تا

ص: 130

1- . الفتن: 92. ملاحم ابن المنادی: 44.

2- . الفتن: 93. عقد الدرر: 106، ب 4، ف 3. الصراط المستقیم 2: 259، ب 11، ف 12.

3- . الفتن: 92. الصراط المستقیم 2: 259، ب 11، ف 12.

4- . الفتن: 93. عقد الدرر: 102، ب 4، ف 3 و: 156، ب 7.

اینکه منادی از آسمان ندا می کند: آگاه باشید که امیر شما فلانی است».(1)

(297) مصنف ابن ابی شیبیه: حسن بن موسی، حماد بن سلمه، ابو محمد، عاصم بن عمرو بجلی: ابوامامه گفت:

«ندایی از آسمان نام مردی را می برد، که دلیل آن را انکار نمی کند و عزیز نمی تواند از پذیرش آن سر باز زند».(2)

(298) مستدرک حاکم: ابو عباس محمد بن یعقوب، حسن بن علی بن عفان عامری، یحیی بن آدم، ابو بکر بن عیاش، محمد بن عبدالله غلام مغیره بن شعبه، کعب بن علقمه، ابن حجیره، عقبه بن عامر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«پیش از قیامت ابری سیاه از جانب مغرب مثل سپر بالای سر شما می آید، و همواره در آسمان پیش می رود و همه آسمان را می پوشاند. آنگاه منادی ندا می دهد: ای مردم!

هر کس رو به دیگری کرده و می گوید: شنیدید؟ بعضی می گویند: بله. و بعضی تردید دارند. دو مرتبه ندا می آید: ای مردم!

باز مردم [به یکدیگر] می گویند: شنیدید؟! [این مرتبه همه] می گویند:

بله. آنگاه ندا می آید: ای مردم، امر خدا آمد، به آن شتاب نکنید».(3)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

قسم به آنکه جانم در دستش است، [در آن موقع] چه بسا دو نفر لباسی (یا پارچه ای) را برای معامله پهن کرده اند، اما هیچ گاه آن را جمع یا معامله نمی کنند، و چه بسا شخصی منافذ لا به لای سنگ های حوض خود را با گل مسدود می کند [تا آب در آن جمع شود] اما هرگز [مزرعه اش را] با آن 1

ص: 131

1- . المصنف 361:11، ح 20746. فتن ابن حماد: 63 و 92 و 93. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:75. برهان المتقی: 73، ب 1، ح 5. فرائد فوائد الفکر: 8، ب 3.

2- . المصنف 246:15، ح 19601. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:61. القول المختصر: 20، ب 3، ح 1. کنز العمال 14:584، ح 39654.

3- . اَنیْ اَمْرُ اللّٰهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوْهُ. (نحل: 1)

آیاری نمی کند، و دیگری شتر خود را می دوشد اما هرگز از شیر آن نمی نوشد و مردم همه مشغولند [و هیچ کس به دیگری توجه ندارد]» (1).

روایات شیعه:

(299) کفایه الاثر: ابو عبدالله احمد بن محمد بن عیبدالله، ابو طالب عیبد بن احمد بن یعقوب بن نصر انباری، احمد بن محمد بن مسروق، عبدالله بن شیبب، محمد بن زیاد هاشمی، سفیان بن عتب، عمران بن داود، محمد بن الحنفیه: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که ضمن حدیثی طولانی در فضل اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«ندایی به گوش می رسد که همه از دور و نزدیک یکسان و به وضوح می شنوند، آن ندا برای مؤمنان رحمت و برای کافران عذاب خواهد بود.

گفتم: آن ندا چیست؟ فرمود: سه صدا است که در ماه رجب بلند می شود:

نخست «لعنت خداوند بر ستمگران» (2)، دوم «گرفتاری هولناک فرارسید» (3) و سوم: یکی از اصحاب بدر که همراه خورشید پدیدار می گردد (4) و ندا می دهد: «خداوند فلان بن فلان را برانگیخت [20]» و اجداد او را تا علی علیه السلام نام می برد. با این ندا ستمکاران هلاک می شوند» (5).

(300) مختصر البصائر: کتابی از خطبه های مولا امیرالمؤمنین علیه السلام دیدم که خط سید بن طاووس بر آن بود... از ابوروح فرج بن فروه، مسعده بن صدقه: حضرت جعفر بن محمد علیه السلام فرمود:

«... در ماه رمضان هنگام طلوع خورشید از سمت مشرق ندایی می آید که ای اهل هدایت جمع شوید» (6).

ص: 132

1- المستدرک علی الصحیحین 3: 539. عقد الدرر: 339، ف 8، ب 12. کنز العمال 2: 29، ح 3005.

2- أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ. (هود: 18)

3- أَزْفَتِ الْأَرْفَةُ. (نجم: 57)

4- در متن روایت «ترونی بدریاً بارزاً مع قرن الشمس» است.

5- کفایه الاثر: 156.

6- مختصر بصائر الدرجات: 195-201. الايقاظ من الهجعه: 289، ب 9، ح 111. بحار الانوار 53: 77-86، ب 29، ح 86.

(301) غيبه النعماني: احمد بن محمد بن سعيد، احمد بن يوسف بن يعقوب ابو الحسن جعفي، اسماعيل بن مهران، حسن بن علي بن ابي حمز به نقل از پدرش و وهيب، ابو بصير:

حضرت امام محمد باقر عليه السلام فرمود:

«قائم در يك سال فرد قيام مي كند:... وحشت و رعب همواره به مردم فشار مي آورد، تا اينكه ندایی از آسمان مي آيد، چون اين ندا آمد آماده حرکت شويد...»(1).

(302) غيبه النعماني: احمد بن محمد بن سعيد بن عقده كوفي، احمد بن محمد دينوري، علي بن حسن كوفي، عميره بنت اوس، الحصين بن عبدالرحمن عن به نقل از پدرش و او نیز از پدرش عمرو بن سعد: روزی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن حدیثی طولانی به حذیفه بن یمان فرمود:

«و ندای منادی از آسمان...»(2).

(303) موالید الأئمه:

«ابری که بالای سر قائم سایه افکنده و همراه او حرکت می کند... با صدایی فصیح ندا می دهد: این است مهدی»(3).

(304) کمال الدین: محمد بن محمد بن عصام، محمد بن يعقوب کلینی، قاسم بن علاء، اسماعیل بن علی قزوینی، علی بن اسماعیل، عاصم بن حمید حنّاط، محمد بن مسلم ثقفی طحّان: خدمت امام محمد باقر علیه السلام رفتم تا از آن حضرت در مورد قائم آل محمد صلی الله علیه و آله سؤال کنم. ولی پیش از آنکه من حرفی بزنم آن حضرت بی مقدمه فرمود:

«محمد بن مسلم! قائم آل محمد به پنج پیامبر شباهت دارد... و از علائم 3.

ص: 133

1- . الغيبة: 262، ب 14، ح 22. تاج الموالید: 150. بحار الانوار 52:235، ب 25، ح 103. بشاره الاسلام: 92 و 92، ب 6.

2- . الغيبة: 142، ب 1، ح 3. بحار الانوار 28:70، ب 2، ح 31.

3- . موالید الأئمه و وفیاتهم: 201. الصراط المستقیم 2:260، ب 11، ف 12. اثبات الهداه 3:615، ب 32، ف 15، ح 163.

قیامش این است که... منادی از آسمان به نام او و پدرش ندا می دهد(1)».(2)

(305) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، محمد بن مفضل و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن حسین و محمد بن احمد بن حسن قطوانی، حسن بن محبوب، یعقوب سراج، جابر: امام باقر علیه السلام فرمود:

«جابر! قائم زمانی ظهور می کند که مردم شام مبتلا به فتنه ای شوند، که هرچه سعی می کنند از آن بیرون روند نمی توانند، و کشتاری (جنگی) بین کوفه و حیره در می گیرد که تعداد کشته های هر دو لشکر مساوی است، و ندایی از آسمان بلند می شود».(3)

(306) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، محمد بن مفضل و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن حسین و محمد بن احمد بن حسن، حسن بن محبوب، علاء بن رزین، محمد بن مسلم: امام باقر علیه السلام فرمود:

«منتظر و آماده صدایی که ناگهان از طرف دمشق می آید باشید که در آن برایتان فرج [و گشایش] بزرگی است».(4)6.

ص: 134

1- یعنی نام او را به تنهایی نمی برد، بلکه حتی مشخص می کند که او فرزند کیست.

2- . کمال الدین 1:327، ب 32، ح 7.

3- . الغیبه: 279، ب 14، ح 65. عقد الدرر: 51، ب 4، ف 1. فرائد فوائد الفکر: 14، ب 5. اثبات الهداه 3:582، ب 32، ف 59، ح 767، و: 739، ب 34، ف 9، ح 118. بحار الانوار 52:271، ب 25، ح 162، و: 297 و 298، ب 26، ح 57. بشاره الاسلام: 97، ب 6.

4- . الغیبه: 279، ب 14، ح 66. اثبات الهداه 3:739، ب 34، ف 9، ح 119. بحار الانوار 52:298، ب 26، ح 58. بشاره الاسلام: 97، ب 6.

فصل پنجم: زلزله و قذف

روایات اهل سنت:

(307) مسند احمد: عبدالرزاق، جعفر، مُعلی بن زیاد، علاء بن بشیر، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی... در حالی در اَمتَم برانگیخته [20] می شود که اختلافات بین مردم و زمین لرزه [زیاد] است».(1)

(308) فتن سلیلی: عمر بن عبدالوهاب، ابوبکر محمد بن عبدالمؤمن، احمد بن محمد بن غالب، الخلیل بن سالم بزّاز، علاء بن رشید، عبدالواحد بن زید، الحسن به نقل از شخصی: علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن حدیثی به ابن عبّاس فرمود:

«سه خَسَف [40] در مصر، شش زلزله، و قذفی [86] از آسمان».(2)

(309) امالی شجری: الشریف ابو عبدالله محمد بن علی بن حسن حسنی بطحائی، محمد بن جعفر تمیمی، محمد بن محمد بن سعید، حسن بن علی بزّیع، قاسم بن عبدالله عبّدی به نقل از پدرش، عبدالرحیم بن نصر بارقی، زید بن علی علیهما السلام: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«آنگاه که... اطاعت خدا وسیله تجارت باشد و قاریان زیاد و دین پژوهان (فقها) کم شوند و دشنام به اهل تقوا رواج گیرد، منتظر بادی سرخ، خَسَف [40]، مَسَخ [101]، قَذَف [86]، زمین لرزه ها و اتّفاقات بزرگ دیگری باشید».(3)

روایات شیعه:

(310) دلائل الامامه: ابو علی نهانندی، ابو علی هشام بن علی سیرافی، عبدالله بن رجاء، همام، مُعلی بن زیاد، مُعلی، شخصی از طایفه مزینه، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله از مهدی یاد کرد و فرمود:

ص: 135

1- . مسند احمد 3:37.

2- . الفتن: 124، ب 39.

3- . الأمالی الشجریه 2:260.

«مهدی زمانی قیام می کند که زمین لرزه و اختلاف بین مردم زیاد شود».(1)

(311) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید بن عقده، احمد بن یوسف بن یعقوب ابو الحسن جعفی، اسماعیل بن مهران، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش و وهیب، ابو بصیر: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«قائم قیام نمی کند، مگر وقتی که مردم به شدت در ترس و وحشت باشند و زمین لرزه زیاد شود».(2)

فصل ششم: کسوف و خسوف در ماه رمضان

روایات اهل سنت:

(312) سنن دارقطنی: ابو سعید اصطخری، محمد بن عبدالله بن نوفل، عبید بن یعیش، یونس بن بکیر، عمرو بن شمر، جابر: حضرت محمد بن علی (امام باقر) علیه السلام فرمود:

«مهدی ما دو نشانه دارد که از آغاز خلقت سابقه نداشته: در اولین شب ماه رمضان کسوف و در نیمه آن خسوف می شود، این دو علامت از ابتدای خلقت آسمان و زمین هیچ گاه واقع نگردیده».(3)

(313) فتن ابن حماد: ولید، صفوان بن عمرو، عبدالرحمن بن جبیر بن نفیر، کثیر بن مرّه حضر می:

«نشانه دوران مصیبت و سختی آن است که در ماه رمضان علامتی در آسمان پدیدار گردد، پس از آن اختلاف بین مردم زیاد می شود، اگر در آن زمان بودی، تا می توانی غذاهای فراوان ذخیره کن».(4)

ص: 136

1- . دلایل الامامه: 252.

2- . الغیبه: 253، ب 14، ح 13.

3- . سنن الدارقطنی 2: 65، ح 10. تذکره القرطبی 2: 703. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 66. الفتاوی الحدیثیه: 30. برهان المتقی: 107، ب 4، ح 14.

4- . الفتن: 60.

(314) کمال الدین: محمد بن موسی بن المتوکل، علی بن حسین سعدآبادی، احمد بن محمد بن خالد به نقل از پدرش، محمد بن ابی عمیر، ابو ایوب، ابو بصیر: امام صادق علیه السلام فرمود:

«قبل از قیام مهدی، روز پنجم ماه رمضان خورشید گرفتگی می شود».(1)

(315) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، قاسم بن محمد بن حسن بن حازم، عیسی بن هشام ناشری، عبدالله بن جبلة، الحکم بن ایمن، ورد برادر کمیت: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«پنج روز قبل از این امر (قیام مهدی) ماه گرفتگی و پانزده روز خورشید گرفتگی در ماه رمضان خواهد بود، که آنگاه حساب ستاره شناسان بهم می خورد».(2)

(316) اصول کافی: سهل بن زیاد، احمد بن محمد بن ابی نصر، ثعلبه بن میمون، بدر بن الخلیل ازدی: خدمت امام باقر علیه السلام نشسته بودم که فرمود:

«قبل از قیام مهدی دو اتفاق می افتد که از زمان هبوط آدم علیه السلام به زمین، هیچ گاه رخ نداده: در نیمه ماه رمضان خورشید گرفتگی و در آخر آن ماه گرفتگی می شود.

شخصی گفت: ای فرزند رسول خدا، خسوف در آخر ماه و کسوف در نیمه ماه؟!

امام باقر علیه السلام فرمود:

می دانم چه می گویی، اما این دو نشانه هیچ گاه از زمان هبوط آدم علیه السلام اتفاق نیفتاده».(3)

ص: 137

-
- 1- . کمال الدین 2:655، ب 57، ح 28. اثبات الهداه 3:723، ب 34، ف 4، ح 37. بحار الانوار 207:52، ب 25، ح 43. بشاره الاسلام: 125، ب 7. منتخب الاثر: 441، ف 6، ب 3، ح 9.
 - 2- . الغیبه: 272، ب 14، ح 46. کمال الدین 2:655، ب 75، ح 25. العدد القویّه: 66، ح 95. اثبات الهداه 3:723، ب 34، ف 4، ح 35. بحار الانوار 207:52، ب 25، ح 41. بشاره الاسلام: 87، ب 6. منتخب الاثر: 44، ف 6، ب 3، ح 9.
 - 3- . الکافی 8:212، ح 258. غیبه النعمانی: 271، ب 14، ح 45. الارشاد: 359.

روایات اهل سنت:

(317) عقد الدرر: حضرت ابو عبد الله حسین بن علی علیهما السلام فرمود:

«هرگاه دیدید شبها در آسمان آتش بزرگی از سمت مشرق بالا می آید، علامت فرج [وگره گشایی از کار] مردم و مقدمه آمدن مهدی است» (1).

(318) فتن ابن حماد: سعید ابو عثمان، جابر: حضرت ابو جعفر امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«موقعی که [بنی] عباس به خراسان برسند ستاره ای از مشرق در نزدیکی «ذوشفا» طلوع می کند و آن اولین ستاره ای بود که وقتی خداوند قوم نوح علیه السلام را غرق و هلاک نمود طلوع کرد، و وقتی که ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند، و هنگامی که خدا فرعون و همراهانش را به هلاکت رساند، و زمانی که یحیی بن زکریا علیهما السلام را کشتند آن ستاره طلوع کرد. هرگاه آن ستاره را دیدید از شرفتنه ها به خدا پناه برید. طلوع آن ستاره پس از گرفتگی آفتاب و ماه خواهد بود، بعد از آن طولی نمی کشد که «ابقع» در مصر ظهور می کند» (2).

روایات شیعه:

(319) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید بن عقده، احمد بن یوسف بن یعقوب ابو الحسن جعفری، اسماعیل بن مهرا، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش و وهیب، ابو بصیر: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«وقتی آتشی سهمناک دیدید که همچون زردچوبه (به رنگ زرد و سرخ)

ص: 138

1- . عقد الدرر: 106، ب 4، ف 3. برهان المتقی: 109، ب 1، ح 20.

2- . الفتن: 59. عقد الدرر: 109، ب 4، ف 3. برهان المتقی: 108، ب 4، ف 1، ح 16.

است و از جانب مشرق سه روز یا هفت روز بالا می آید، منتظر باشید که - اگر خدا بخواهد - فرج آل محمد خواهد بود، خداوند عزیز و حکیم است»⁽¹⁾.

(320) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، احمد بن یوسف بن یعقوب جُعفی ابو الحسن، اسماعیل بن مهران، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش و وهیب بن حفص، ابو بصیر: امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی دیدید شب ها در آسمان آتشی بزرگ از جانب مشرق بالا می آید، نشانه فرج [و گره گشایی از کار] مردم خواهد بود. این واقعه مدت کمی پیش از آمدن قائم است»⁽²⁾.

ص: 139

-
- 1- . الغیبه: 253، ب 14، ح 13.
 - 2- . الغیبه: 267، ب 14، ح 37. اثبات الهداه 3: 737، ب 34، ف 9، ح 106. بحار الانوار 52: 240، ب 25، ح 107. بشاره الاسلام: 117، ب 7. منتخب الاثر: 444، ف 6، ب 2، ح 22.

این باب شامل دو فصل است:

فصل اول: فتنه های پیش از ظهور

روایات اهل سنت:

(321) فتن ابن حمّاد: ابن وهب، ابن لهیعه، الحرث بن زید، عبدالله بن زبیر غافقی: از علی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«فتنه ها چهار نوعند، اول: فتنه گشایش [و نعمت]، دوم: فتنه سختی [و تنگدستی]، سوم: فتنه فلان - آنگاه معدن طلا را ذکر کرد -، تا اینکه مردی از عترت پیغمبر صلی الله علیه و آله خروج کند و خدا کار این امت را به دست او اصلاح نماید»⁽¹⁾.

(322) کنز العمّال: یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مروزی، ابوتقی عبدالحمید بن ابراهیم حمضی، معدان بن سلیم حضرمی، عبدالرحمن بن نجیح، ابو الزاهریه، جبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«فتنه ها یکی پس از دیگری پیش می آیند تا آنگاه که مردی از اهل بیتم قیام کند...»⁽²⁾.

ص: 141

-
- 1- . الفتن: 9 و 10. عقد الدرر: 57، ب 4، ف 1. العرف الوردی ضمن الحاوی 2: 67. برهان المتقی: 111، ب 4، ف 2، ح 3.
 - 2- . کنز العمّال 11: 184، ح 31144. مجمع الزوائد 7: 323.

(323) مصنّف عبدالرزّاق: معمر، طارق، منذر ثوری، عاصم بن ضمیره: علی علیه السلام فرمود:

«در این امت پنج فتنه قرار داده شده: فتنه همگانی، فتنه اختصاصی، [دوباره] فتنه ای همگانی، [و پس از آن] فتنه ای اختصاصی، و آنگاه فتنه ای کور و کر و بسته (1) که مردم در آن مثل حیوانات خواهند بود». (2)

(324) ملاحم ابن منادی: اعمش، خثیمه بن عبدالرحمن: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«آنگاه که قیامت نزدیک... و فتنه ها و آشوب ها بالا گیرد مردی از فرزندانم قیام کند». (3)

(325) معجم طبرانی: یحیی بن عبدالباقی، یوسف بن عبدالرحمن مروروزی، ابو تقی عبدالحمید بن ابراهیم حمصی، معدان بن سلیم حصرمی، عبدالرحمن بن نجیح، ابو الزاهریه، جبیر بن نفیر، عوف بن مالک: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیث ملاحم (آشوب ها) فرمود:

«... پس از فتح شام، فتنه ای غبار آلود و تاریک (4) ظاهر می شود، تا مردی از خاندانم به نام «مهدی» ظهور می کند. اگر در زمان او [زنده] بودی، از وی پیروی کن تا از هدایت یافتگان باشی». (5)

(326) امالی شجری: ابو محمد عبداللّه بن عمر بن عبداللّه بن رسته، ابو الطیب عبدالرحمن بن محمد بن عبداللّه عطار، عبّاس بن حمّاد بن فضاله، عمرو بن ابی حارث، عبدالملک بن عبدالعزیز، کوثر بن حلیم، نافع، ابن عمر: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نشود تا آنگاه که خداوند امیرانی برانگیزد [20]... خداوند نیز فتنه ای غبار آلود و ظلمانی بر ایشان افکند که در آن حیران و سرگردان مانند همان گونه که یهود در ظلمت ها سرگردان شدند». (6)

ص: 142

1- یعنی در آن فتنه مردم چشم و گوش و فهم برای درک حقایق ندارد.

2- . المصنّف 11: 356 و 357، ح 20733. مصنّف ابن ابی شیبّه 15: 24، ح 19004.

3- . الملاحم: 91. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 84. کنز العمّال 14: 591، ح 39678.

4- کنایه از سردرگمی و گمراهی.

5- . المعجم الکبیر 18: 51، ح 91. مجمع الزوائد 7: 323.

6- . الأمالی الشجریه 2: 257.

(327) سنن دانی: عبدالرحمن بن عثمان بن عفّان، قاسم بن أصبغ، احمد بن زهير، محمّد بن صلت اسدی، فطر بن عبدالله خشّاب، حکم بن عتیبه: به محمّد بن علی (امام باقر علیه السلام) گفتم:

شنیده ایم یک نفر از شما قیام می کند و عدل را در این امت اجرا می نماید. فرمود:

«ما امید همان داریم که مردم به آن امید دارند، ما به این امید هستیم که اگر یک روز هم به آخر دنیا مانده باشد خداوند آن روز را آنقدر طولانی کند که امید مردم محقق گردد، اما قبل از آن فتنه ای سخت پیاپی شود که شخص امروز مؤمن است، ولی فردا صبح کافر می شود، و [یا] صبح مؤمن است، ولی شب همان روز کافر می شود؛ اگر در آن زمان بودید از خدا بترسید، مراقب دیتان باشید و در خانه هایتان بمانید»⁽¹⁾.

(328) فتن ابن حمّاد: محمّد بن عبدالله، عبدالسلام بن مسلمه، ابو قبیل:

«تا وقتی حکومت بنی عبّاس برقرار است مردم در خیر و رفاه هستند، اما وقتی حکومت آنها منقرض شد، همواره در فتنه خواهند بود تا مهدی قیام کند»⁽²⁾.

روایات شیعه:

(329) دلائل الامامه: ابو الحسین محمّد بن هارون به نقل از پدرش، ابو علی حسن بن محمّد نهاوندی، عبّاس بن مطر همدانی، اسماعیل بن علی مقری، محمّد بن سلیمان، ابو جعفر عرجی، محمّد بن یزید، سعید بن عبایه، سلمان فارسی: امیر مؤمنان علیه السلام در مدینه برای ما سخنرانی می کرد و از نزدیکی فتنه و قیام فرزند قائمش و عدالت گسترانی او سخن می گفت. سلمان گوید: وقتی کسی نزد آن حضرت نبود خدمتش رسیدم و گفتم: ای امیر مؤمنان، قائم فرزندان شما کی قیام می کند؟ آن حضرت آهی عمیق کشید و فرمود:

«قائم در دورانی ظهور می کند که... فتنه ظاهر شود، وقایعی در عراق و...»

ص: 143

1- . السنن الواردة فی الفتن: 161 و 162. عقد الدرر: 61، ب 4، ف 1 و: 151، ب 7. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 81. برهان المتّقی: 104، ب 4، ف 1، ح 7.

2- . الفتن: 56. عقد الدرر: 48، ب 4، ح 1. برهان المتّقی: 146، ب 6، ح 18. القول المختصر: 26، ب 3، ح 50.

فتنه‌هایی در همه جا اتفاق افتد... آن هنگام پرچم‌هایی (لشکرهایی) از مغرب و مشرق می‌آیند و اعلام فتنه در جهان می‌نمایند... در آن وقت مهدی قیام می‌کند»⁽¹⁾.

(330) اثبات الهداه: امام علی علیه السلام فرمود:

«... آنگاه فتنه تیره و گردن‌بند قرمز که قائم حق در میان آن است... چون این علامات کامل شد قائم بر حقّ ما قیام می‌کند»⁽²⁾.

(331) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید بن عقده کوفی، احمد بن محمد دینوری، علی بن حسن کوفی، عمیره بنت اوس، الحصین بن عبدالرحمن عن به نقل از پدرش و او نیز از پدرش عمرو بن سعد: روزی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن حدیثی طولانی به حذیفه بن یمان فرمود:

«... تا آن زمان که فرزند من از دیدگان پنهان شود⁽³⁾... فتنه سر برآرد، و بلا نازل گردد، و آتش نژادپرستی برافروزد... او می‌بیند اما دیده نمی‌شود، تا زمان و وعده اش فرا رسد و منادی از آسمان آواز دهد، آن روز، روز شادی... است»⁽⁴⁾.

ص: 144

1- دلایل الامامه: 253 و 254. العدد القویّه: 75، ح 126. بحار الانوار 275:52، ب 25، ح 168.

2- اثبات الهداه 1:598، ب 9، ف 27، ح 568 و 2:442، ب 11، ف 14، ح 128 قسمتی از حدیث در کفایه الاثر است. غایه المرام: 57، ب 13، ح 62.

3- «حتّی اذا غاب المتعّیب من ولدی».

4- الغیبه: 142، ب 1، ح 3. بحار الانوار 70:28، ب 2، ح 31.

روایات اهل سنت:

(332) مصنف عبدالرزاق: عبدالرزاق، معمر به نقل از شخصی، ابن مسیب:

«فتنه ای در شام خواهد افتاد که اول آن بچه بازی است، از طرفی آرام و از جانب دیگر اوج می گیرد، به همین نحو خواهد بود تا اینکه منادی از آسمان ندا می دهد: آگاه باشید که امیر شما فلانی است» (1).

(333) فتن ابن حماد: رشدين، ابن لهيعة، عيَّاش بن عبَّاس زرقى، ابن زريق، على عليه السلام:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند کسی را بر اهل شام مسلط می کند تا جمعیت آنها را به طوری متفرق سازد که اگر رویاه ها با شامیان بجنگند بر آنها پیروز می شوند. در آن زمان مردی از اهل بیتم با سه بیرق قیام می کند، کسانی که زیاد شمرند گویند تعداد آنها پانزده هزار و کسانی که کم شمرند گویند دوازده هزار نفرند، علامت آنها «أُمَّتٌ أُمَّتٌ» است. هر کدام از صاحبان بیرق ها در پی حکومت است یا دیگران می خواهند او را به حکومت برسانند، پس خدا همه آنها را می کُشد، آنگاه الفت و نعمت و آزادی بیان (2) را به مسلمانان برمی گرداند» (3).

(334) فتن سلیلی: محمد بن جریر، ابن حمید، الحکم، خلاد بن أسلم الصفار، عبدالله بن عیسی، عبدالله بن الحرث به نقل از پدرش، عبدالله بن عمر:

ص: 145

1- . المصنّف 361:11، ح 20746. فتن ابن حماد: 63 و 92 و 93. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:75. برهان المتقی: 73، ب 1، ح 5. فرائد فوائد الفکر: 8، ب 3.

2- عبارت متن: «و یردّ الله علی المسلمین إفتهم وقاصّتهم و بزارتهم» است. در روایت دیگری آمده: به آن حضرت گفتیم: «قاصّه» و «بزاره» چیست؟ فرمود: حکومت را می گیرد، به طوری که هر کس بدون ترس و وا همه هر چه خواست می گوید.

3- . الفتن: 96 و 97.

«فتنه ای پیا شود که آن را فتنهٔ «سبیطه» گویند و هر دو طرف درگیری در آن اهل آتش خواهند بود!

گفتم: آنها مسلمان اند؟ گفت: آری مسلمان اند!

پرسیدم: آنها مسلمان اند؟ گفت: آری، آنها مسلمان اند!

گفتم: پس چرا وارد آتش می شوند؟

گفت: چون سبب درگیریشان امر دنیاست نه امر خدا... بعد از آن خداوند مردی را می فرستد که زمین را پر از عدل و داد کند...» (1).

روایات شیعه:

(335) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، محمد بن مفضل و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن حسین و محمد بن احمد بن حسن قطنانی، حسن بن محبوب، یعقوب سراج، جابر: امام باقر علیه السلام فرمود:

«جابر! قائم زمانی ظاهر می شود که مردم شام به فتنه ای مبتلا گردند و هرچه سعی کنند از آن بیرون روند نتوانند. جنگی بین کوفه و حیره درگیرد که تعداد کشته های هر دو لشکر مساوی است، و ندایی از آسمان بلند شود» (2).

(336) مناقب ابن شهر آشوب: علی علیه السلام ضمن کلامی طولانی فرمود:

«و غلبه روم بر شام... و پیدا شدن پرچم دجال لعین» (3).

ص: 146

1- الفتن: 121، ب 32.

2- الغیبه: 279، ب 14، 65. عقد الدرر: 51، ب 4، ف 1. فرائد فوائد الفكر: 14، ب 5. اثبات الهداه 3: 582، ب 32، ف 59، ح 767، و: 739، ب 34، ف 9، ح 118. بحار الانوار 52: 271، ب 25، ح 162، و: 297 و 298، ب 26، ح 57. بشاره الاسلام: 97، ب 6.

3- مناقب ابن شهر آشوب 2: 274. بحار الانوار 41: 319، ب 114، ح 42.

این باب شامل سه فصل است:

فصل اول: جنبش های مقدماتی و دائمی

روایات اهل سنت:

(337) سنن دانی: عبدالله بن عمرو، عتاب بن هارون، فضل بن عبیدالله، یحیی بن زکریا بن حیویه نیشابوری، محمد بن یحیی، محمد بن سلمه، ابواصل بن عبید، جابر بن عبدالله:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«همواره گروهی از امتم برای پایداری حق می جنگند تا وقتی که عیسی بن مریم... نزد مهدی نازل شود».(1)

(338) مسند احمد: موسی، ابن لهیعه، ابوزبیر: جابر از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید که فرمود:

«عده ای از امتم همواره برای دوام حق و پابرجایی آن با مخالفان نبرد می کنند و نبرد خود را تا قیامت ادامه می دهند. عیسی بن مریم علیه السلام نیز نازل می شود، امیر مسلمانان به او پیشنهاد می کند که پیش بایستید و نماز گزارید تا به شما اقتدا کنیم. عیسی علیه السلام می گوید: نه، خداوند برای بزرگداشت این امت بعضی از خودشان را بر دیگران امیر قرار داده».(2)

ص: 147

1- . السنن الواردة فی الفتن: 143.

2- . مُسند احمد 3: 345 و 348. صحیح مسلم 1: 137، ب 71، ح 247 و 3: ب 53، ح 1923. مسند ابی یعلی 4: 60، ح 2078 و 2: 826، ح 1164. مسند ابی عوانه 1: 106. السنن الواردة فی الفتن: 143.

(339) فردوس الأخبار: ابو هُریره: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی بن مریم علیهما السلام بر هشتصد مرد و چهارصد زن نازل می شود که بهترین انسان های روی زمین و صالح ترین گذشتگان هستند»⁽¹⁾.

روایات شیعه:

(340) بشاره المصطفی: امام حسن علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«همیشه در امت من گروهی هستند که برای حق می جنگند و پیروز می شوند، تا اینکه عیسی بن مریم علیهما السلام نازل می گردد»⁽²⁾.

(341) مجمع البیان: ربیع بن انس: پیامبر صلی الله علیه و آله آیه «از آنان که آفریدیم گروهی به حق هدایت و به حق حکم می کنند»⁽³⁾ را خواند و فرمود:

«تا زمان نزول عیسی بن مریم علیهما السلام گروهی از امتم بر حق خواهند بود»⁽⁴⁾.

فصل دوم: زمینه سازان قیام در مشرق

روایات اهل سنت:

(342) فتن ابن حمّاد: محمّد بن فضیل، عبدالله بن ادريس و جریر، یزید بن ابی زیاد، ابراهیم، علقمه، عبدالله: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که چند نفر از جوانان بنی هاشم آمدند.

رنگ آن حضرت تغییر کرد. گفتیم: ای رسول خدا، همچنان در چهره شما چیزی می بینیم که طاقت دیدن آن را نداریم! فرمود:

«... قومی دو یا سه مرتبه از این سوی [یعنی] از جانب مشرق با پرچمهای سیاه به طلب حق قیام کنند، اما حق را به آنها نمی دهند، باز هم

ص: 148

1- . فردوس الاخبار 5:515، ح 8935. کنز العمال 14:338، ح 38863. تصریح کشمیری: 254، ح 69.

2- . بشاره المصطفی: 249.

3- . وَ مِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ. (اعراف: 181)

4- . مجمع البیان 4:503. تفسیر الصافی 2:256. غایه المرام: 428، ب 186، ح 7. تفسیر نور الثقلین 2:386.

نبرد می کنند تا اینکه پیروز شده و حق را می گیرند، اما قبولش نمی کنند تا اینکه آن را به مردی از اهل بیت من بسپارند که دنیا را پر از عدل سازد چونان که دیگران پر از ظلم کردند. هر کس از شما آن زمان را درک نمود به آنها بپیوندد اگر چه به رفتن از روی برف باشد. آن مرد مهدی است» (1).

روایات شیعه:

(343) دلائل الامامه: ابو اسحاق ابراهیم بن احمد طبری، ابو عبدالله محمد بن زید بن علی خفری، محمد بن حسین بن حفص، اسماعیل بن اسحاق بن راشد، یحیی بن سالم، مطر بن خلیفه و صباح بن یحیی المزنی و مندل بن علی، یزید بن ابی زیاد، ابراهیم نخعی، علقمه، عبدالله بن مسعود: روزی در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که عده ای از جوانان بنی هاشم آمدند. با دیدن آنها دیدگان آن حضرت پر از اشک شد و رنگ مبارکش تغییر کرد. اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا، چیز ناراحت کننده ای دیدید؟ فرمود:

«ما اهل بیتی هستیم که خداوند برایمان آخرت را بر دنیا ترجیح داده.

بعد از من این اهل بیت مبتلا و تبعید و آواره می گردند، تا آنگاه که قومی دو یا سه مرتبه از اینجا [یعنی] از جانب مشرق با پرچم های سیاه به طلب حق قیام نمایند، اما حق را به آنها نمی دهند، باز هم نبرد می کنند تا اینکه پیروز شده و حق را می گیرند، اما قبول نمی کنند تا اینکه آن را به مردی از اهل بیت من بسپارند که دنیا را پر از عدل کند چونان که دیگران پر از ظلم کردند. هر کس از شما آن زمان را درک نمود به آنها بپیوندد، اگر چه به رفتن از روی برف باشد» (2).

ص: 149

-
- 1- . الفتن: 84. میزان الاعتدال 4:423، شماره 9695. المنار المنیف: 149، ف 50، ح 341. فتن ابن کثیر 1:41. مقدّمه ابن خلدون: 251، ف 53. الفصول المهمّة: 294، ف 12. الدرّ المشور 6:58. الخصائص الكبرى 2:119. برهان المتّقی: 90، ف 2، ح 6. کنز العمال 14:267، ح 38677. ینابیع المودّه: 135، ب 45 و: 193، ب 56. الاذاعه: 131. العطر الوردی: 53. عقد الدّرر: 130، ب 5.
- 2- . دلائل الامامه: 233 و 235. العدد القویّه: 90، ح 156 و: 91، ح 157. بحار الانوار 51:82، ب 1، ح 37. منتخب الاثر: 170، ف 2، ب 1، ح 86 و 87.

(344) غيبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، علی بن حسن عن أخیه محمد بن حسن به نقل از پدرش، احمد بن عمر حلبی، حسین بن موسی، معمر بن یحیی بن سام، ابو خالد کابلی: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«گویی قومی را می بینم که از مشرق خروج کرده و خواستار حقتند ولی به آنان داده نمی شود، دوباره خواستار حقتشان شوند و به آنان ندهند، چون چنین می بینند شمشیرها را بر دوش گیرند، این مرتبه حقتشان را می دهند ولی آنان نپذیرند تا آنکه قیام کنند و آن (حکومت) را فقط به صاحب شما خواهند داد. کشته های آنان شهید هستند، و اگر من آن روز را درک می کردم جان خود را برای یاری صاحب این امر نگاه می داشتم»⁽¹⁾.

(345) الايقاظ من الهجعه: امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«جابر، هرگاه... لشکرهای خراسان حرکت کنند و شعیب بن صالح تمیمی از میان طالقان بخروشد و در خوزستان با سعید سوسی بیعت کنند...

آماده ظهور کسی باشید که بر کوه طور از داخل درخت با موسی علیه السلام سخن گفت، او ظاهر می شود و پرده از او کنار می رود»⁽²⁾.

(346) بحار الانوار: عفتان بصری: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

«می دانی چرا این شهر را «قم» نامیده اند؟

گفتم: خدا و پیغمبر بهتر می دانند. فرمود:

آن شهر را «قم» نامیدند، چون اهل آنجا گرد «قائم» جمع می شوند، همراه او «قیام» می کنند و با او استقامت می ورزند و یاریش می نمایند»⁽³⁾.

(347) بحار الانوار: محمد بن حسین بن ابی الخطاب، محمد بن حسن حضرمی، محمد بن بهلول، ابو مسلم عبدی: امام صادق علیه السلام فرمود: 5.

ص: 150

1- . الغيبة: 273، ب 14، ح 50. بحار الانوار 243:52، ب 25، ح 116.

2- . الايقاظ من الهجعه: 375، ب 10، ح 140.

3- . بحار الانوار 216:60، ب 36، ح 38. منتخب الاثر: 485، ف 8، ب 1، ح 5.

«خاک «قم» مقدّس است، اهل آنجا از ما و ما از آنهایم، تا وقتی آنها به برادران خود خیانت نکنند هر ظالمی نسبت به آنها نیت بدی نماید بی درنگ در عقوبت گرفتار آید، اما وقتی به یکدیگر خیانت کردند خداوند ظالمان بدکرداری بر آنها مسلّط می فرماید. مردم قم یاران قائم ما و طلب کنندگان حق هستند».⁽¹⁾

فصل سوم: زمینه سازان قیام در مغرب

روایات اهل سنت:

(348) فتن ابن حمّاد: ابو یوسف، محمّد بن عبیداللّه بن یزید بن سندی، کعب:

«علامت قیام مهدی پرچم هایی است که از مغرب می آیند، سرکرده آنها مرد فلجی از قبیله «کنده» است».⁽²⁾

(349) فتن ابن حمّاد: رشدین، ابن لهیعه، ابو قبیل، شفی، تبع، کعب:

«در آفریقا امیری به مدّت دوازده سال حکومت می کند، بعد از او فتنه می شود، آنگاه مردی گندم گون به حکومت می رسد و زمین را پر از عدل می نماید و بعد از آن به سوی مهدی علیه السلام می رود و مطیع او شده از طرف او می جنگد».⁽³⁾

روایات شیعه:

(350) غیبه النعمانی: علی بن احمد، عبیداللّه بن موسی، محمّد بن موسی، احمد بن ابی احمد معروف به ابو جعفر وّزّاق، اسماعیل بن عیّاش، مهاجر بن حکیم، مغیره بن سعید: امام

ص: 151

1- بحار الانوار 218:60، ب 36، ح 49.

2- الفتن: 91، ملاحم ابن المنادی: 44. السنن الواردة فی الفتن: 73. عقد الدرر: 51، ب 4، ف 1.

3- الفتن: 85، ح 903. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:68. برهان المتّقی: 194، ب 7، ح 8 و 9. فراند فوائد الفکر: 17، ب 5.

«... پرچم های زردی که از مغرب می آید تا آنکه به شام می رسد، و این هنگامی است که بزرگترین گرفتاری و مرگ سرخ روی دهد...
آنگاه که چنین شود، منتظر خروج [وقیام] مهدی علیه السلام باشید». (1)2.

ص: 152

-
- 1- . الغیبه: 305 و 306، ب 18، ح 16. البدء و التاریخ 2: 177. غیبه الطوسی: 277. الخرائج 3: 1151، ب 20، ح 58 و: 76، ح 127. منتخب الأنوار المصنیه: 29، ف 3. اثبات الهداه 3: 730، ب 34، ف 6، ح 69. بحار الانوار 52: 216، ب 25، ح 73 و: 253، ب 25، ح 144. بشاره الاسلام: 53، ب 2.

این باب شامل شش فصل است:

فصل اول: تعداد اصحاب

روایات اهل سنت:

(351) مستدرک حاکم: ابو العباس محمد بن یعقوب، حسن بن علی بن عفان عامری، عمرو بن محمد عنقزی، یونس بن ابی اسحاق، عمّار دهنی، ابو طفیل، محمد بن الحنفیه: در محضر علی علیه السلام بودیم، مردی از آن حضرت درباره مهدی پرسید. علی علیه السلام ضمن سخنانی فرمود:

«او در آخر الزمان خروج می کند، زمانی که اگر کسی گفت «خدا خدا»، گشته می شود، خداوند قومی را مثل پاره های ابر برای او گرد هم می آورد و دلهایشان را به هم پیوند می دهد، از هیچ کس نمی هراسند، و با اضافه شدن هر نفر به تعدادشان خوشحال نمی گردند [چون ضعیف نیستند]، آنها به تعداد اصحاب بدر هستند» (1).

(352) عقد الدرر: عبدالله بن عباس:

«... یاران او (مهدی) از اهل شام هستند و سیصد و سیزده نفرند، به تعداد اصحاب بدر» (2).

ص: 153

1- . المستدرک علی الصحیحین 4:554. عقد الدرر: 59، ب 4، ف 1 و: 131، ب 5. مقدّمه ابن خلدون: 252 و 253، ف 53.
2- . عقد الدرر: 123، ب 5. الفتن: 94. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:76. الفتاوی الحدیثیه: 30. القول المختصر: 19، ب 2، ح 29.

(353) مجمع الزوائد: أمَّ سَلَمَه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«... سیصد و سیزده نفر گرد او (مهدی) جمع می آیند که تعدادی از آنها زن هستند... او هفت سال زندگی می کند، پس از آن چیزهای زیر زمین از آنچه روی زمین است با ارزش تر خواهد بود».(1)

روایات شیعه:

(354) غیبه الطوسی: فضل بن شاذان، احمد بن عمر بن مسلم، حسن بن عقبه نهمی، ابو اسحاق بناء، جابر جُعیفی: امام باقر علیه السلام فرمود:

«سیصد و اندی نفر، یعنی به تعداد اصحاب بدر، بین رکن و مقام با قائم بیعت می کنند».(2)

(355) بحار الانوار: سیّد علی بن عبدالحمید، احمد بن محمد ایادی، ابو بصیر: امام باقر علیه السلام فرمود:

«قائم با سیصد و سیزده مرد از یارانش در ذی طوی منتظر قیام است...».

علی بن ابی حمزه گوید: این حدیث را برای امام موسی کاظم علیه السلام هم نقل کردم.(3)

(356) غیبه النعمانی: احمد بن هوذه ابو سلیمان، ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن حمّاد انصاری، ابو جارود: امام باقر علیه السلام فرمودند:

«یاران قائم سیصد و سیزده نفر از غیر عرب هستند...».(4)

(357) غیبه النعمانی: محمد بن همّام و محمد بن حسن بن محمد بن جمهور، حسن بن 7.

ص: 154

1- . مجمع الزوائد 7:315.

2- . غیبه الطوسی: 284. تاج الموالید: 151. اثبات الهداه 3:517 و 518، ب 32، ف 11، ح 378. بحار الانوار 52:334، ب 27، ح 64. منتخب الاثر: 468، ف 6، ب 11، ح 2.

3- . بحار الانوار 52:306، ب 26، ح 80. اثبات الهداه 3:582، ب 32، ف 59، ح 772.

4- . الغیبه: 315، ب 20، ح 8. اثبات الهداه 3:547، ب 32، ف 27، ح 540. بحار الانوار 52:369 و 370، ب 27، ح 157.

محمد بن جمهور به نقل از پدرش، سماعه بن مهران، ابو جارود، قاسم بن ولید همدانی، حارث الأعور همدانی: امیر مؤمنان علیه السلام روی منبر فرمود:

«هنگامی که خاطب (خطیب) (1) بمیرد، و صاحب زمان از دیده ها پنهان شود، و دل هایی باقی بماند که متقلب (زیر و رو) گردد، به طوری که بعضی پر خیر و برکت و بعضی دیگر بی خیر و برکت باشد، آرزومندان [ظهور] هلاک و پراکنده گردند، و مؤمنان باقی و ثابت بمانند، و چه اندک هستند! سیصد نفر یا بیشتر خواهند بود...» (2).

(358) کمال الدین: حسین بن احمد بن ادريس به نقل از پدرش، احمد بن محمد بن عیسی، حسین بن سعید، ابن ابی عمیر، ابو ایوب، ابو بصیر: مردی از اهل کوفه از امام صادق علیه السلام پرسید: چند نفر با قائم خروج می کنند؟ می گویند سیصد و سیزده نفر به تعداد اصحاب بدر همراه او قیام می کنند! آن حضرت فرمود:

«قائم خروج نکند، مگر با افراد نیرومند و افراد نیرومند از ده هزار نفر کمتر نیستند» (3).

(359) بصائر الدرجات: محمد بن حسین، موسی بن سعدان، عبدالله بن قاسم، مالک بن عطیه، أبان بن تغلب: امام صادق علیه السلام فرمود:

«به زودی از این مسجدها - یعنی مکه - سیصد و سیزده مرد می آیند...» (4) 7.

ص: 155

1- علامه مجلسی رحمه الله در توضیح این حدیث می فرماید: شاید مقصود از «خاطب» طالب و خواستار خلافت باشد، و یا خطیبی که اقدام به کار خلاف حق می کند. اگر «خاطب» خوانده شود، به معنی «هیزم کش» جهنم است و مقصود کسی است که در خطبه ذکر شده، زیرا به خاطر دارم که این خطبه طولانی را دیده ام و بسیاری از حوادث آینده را حضرت در آن خبر داده است.

2- . الغیبه: 195 و 196، ب 11، ح 4. بحار الانوار 137:52، ب 22، ح 42.

3- . کمال الدین 654:2، ب 57، ح 20. العدد القویة: 65، ح 92. اثبات الهداه 491:3، ب 32، ف 5، ح 234. حلیه الابرار 585:2،

ب 22. بحار الانوار 323:52، ب 27، ح 33. تفسیر نور الثقلین 387:1، ح 341 و: 86:4، ح 57.

4- . بصائر الدرجات: 311، ب 18، ح 11. غیبه النعمانی: 313، ب 20، ح 5 و: 314، ب 20، ح 7.

(360) دلائل الامامه: ابو الحسين محمد بن هارون به نقل از پدرش، محمد بن همّام، احمد بن حسين معروف به ابن ابی القاسم به نقل از پدرش، حسن بن علی، ابراهیم بن محمد، محمد بن حمران به نقل از پدرش، یونس بن ظبیان: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که آن حضرت سخن از اصحاب قائم علیه السلام به میان آورد و فرمود:

«سیصد و سیزده نفر هستند که هر کدام گمان می برد تعدادشان سیصد نفر است».(1)

(361) کمال الدین: محمد بن احمد شیبانی، محمد بن ابی عبدالله کوفی، سهل بن زیاد ادمی، عبدالعظیم بن عبدالله حسنی: به محمد بن علی بن موسی علیهم السلام (امام جواد علیه السلام) گفتم: من امیدوارم که شما قائم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله باشید که زمین را پر از عدل و داد می کند، همان طور که پر از ظلم و ستم شده! آن حضرت ضمن سخنانی طولانی فرمود:

«... یاران او سیصد و سیزده مرد به تعداد اصحاب بدر از دورترین نقاط زمین هستند، و این مصداق آیه اِنَّ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللّٰهُ جَمِيعًا اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ (2) می باشد...».(3)

فصل دوم: نام و وطن اصحاب

روایات اهل سنت:

(362) تاریخ ابن عساکر: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند خداوند اهل مشرق و مغرب را برای او جمع می نماید، پس بسان پاره های ابر پاییزی به هم می پیوندند، رُفقا از اهل کوفه و ابدال از اهل شام هستند».(4)

ص: 156

1- . دلائل الامامه: 320. منتخب الاثر: 486، ف 8، ب 2، ح 3.

2- . «هر جا که باشید، خداوند همگی شما را می آورد، خداوند بر همه چیز تواناست». (بقره: 148)

3- . کمال الدین 2: 377، ب 36، ح 2. کفایه الاثر: 277. اعلام الوری: 409، ح 2. الاحتجاج 2: 449.

4- . تهذیب تاریخ دمشق 1: 63. مختصر تاریخ دمشق 1: 114. الصواعق المحرقة: 165، ب 11، ح 1.

(363) فتن سلیلی: حسن بن علی المالکی، ابو النصر علی بن حمید رافعی، محمّد بن هیثم بصری، سلیمان بن عثمان نخعی، سعید بن طارق، سلمه بن انس، اصبع بن نُبّاته: امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه ای از مهدی و قیام همراهانش سخن به میان آورد و نام های آنها را ذکر فرمود. ابو خالد حلبی به آن حضرت گفت: ای امیر مؤمنان! خصوصیات او را برای ما بگوئید. فرمود: او در ظاهر و باطن شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله است. آیا برایتان از یارانش و تعداد آنها بگوئیم؟ گفتند: آری ای امیر مؤمنان.

علی علیه السلام فرمود: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله می گفت:

«اولین آنها از بصره و آخرینشان از یمامه است.

آنگاه شروع به شمارش یاران مهدی نمود و مردم می نوشتند:

از بصره دو نفر (2) - از اهواز دو نفر (4) - از عسکر مکرم یک نفر (5) - از شوشتر یک نفر (6) - از دورق یک نفر (7) - از باستان یک نفر به نام علی (8) - سه نفر از اسممه به نام های احمد، عبدالله و جعفر (11) - از عمّان دو نفر به نام های محمّد و حسن (13) - از سیراف دو نفر به نام های شدّاد و شدید (15) - از شیراز سه نفر به نام های حفص، یعقوب و علی (18) - از اصفهان چهار نفر به نام های موسی، علی، عبدالله و غلفان (22) - از ابدح یک نفر به نام یحیی (23) - از مَرَج (یا عرج) یک نفر به نام داود (24) - از کرخ یک نفر به نام عبدالله (25) - از بروجرد یک نفر به نام قدیم (26) - از نهاوند یک نفر به نام عبدالرزاق (27) - از دینور دو نفر به نام های عبدالله و عبدالصمد (29) - از همدان سه نفر به نام های جعفر، اسحاق و موسی (32) - از قم ده نفر که همانم اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند (42) - از خراسان یک نفر به نام درید و پنج نفر دیگر همانم اصحاب کهف (48) - از آمل یک نفر (49) - از گرگان یک نفر (50) - از هرات یک نفر (51) - از بلخ یک نفر (52) - از قراح یک نفر (53) - از عانه یک نفر (54) - از دامغان یک نفر (55) - از سرخس یک نفر (56) - از سیّار سه نفر (59) - از ساوه یک نفر (60) - از سمرقند

یک نفر (61) - از طالقان بیست و چهار نفر (85). اینها همانان هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره شان فرمود: در خراسان گنج هایی است نه از طلا و نقره، بلکه مردانی هستند که خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را گرد هم می آورند.

از قزوین دو نفر (87) - از فارس یک نفر (88) - از ابهر یک نفر (89) - از برجان یک نفر (90) - از جموح یک نفر (91) - از شاخ یک نفر (92) - از صریح یک نفر (93) - از اردبیل یک نفر (94) - از مراد یک نفر (95) - از تدمر یک نفر (96) - از ارمینیه یک نفر (97) - از مراغه سه نفر (100) - از خوی یک نفر (101) - از سلماس یک نفر (102) - از اردبیل یک نفر (تکراری) (103) - از بدلیس یک نفر (104) - از نسور یک نفر (105) - از برکری یک نفر (106) - از سرخیس یک نفر (107) - از منارجرد یک نفر (108) - از قلقیلا یک نفر (109) - از واسط سه نفر (112) - از زوراء ده نفر (122) - از کوفه چهار نفر (126) - از قادسیه یک نفر (127) - از سوراء یک نفر (128) - از سرات یک نفر (129) - از نیل یک نفر (130) - از صیداء یک نفر (131) - از گرگان یک نفر (تکراری) (132) - از قصور یک نفر (133) - از انبار یک نفر (134) - از عکبرا یک نفر (135) - از حنانه یک نفر (136) - از تبوک یک نفر (137) - از جامده یک نفر (138) - از آبادان سه نفر (141) - از حدیثه موصل شش نفر (147) - از موصل یک نفر (148) - از مغلثایا یک نفر (149) - از نصیبین یک نفر (150) - از کازرون یک نفر (151) - از فارقین یک نفر (152) - از آمد یک نفر (153) - از رأس العین یک نفر (154) - از رقه یک نفر (155) - از حران یک نفر (156) - از بالس یک نفر (157) - از قبح یک نفر (158) - از طرطوس سه نفر (161) - از قصر یک نفر (162) - از ادنه یک نفر (163) - از خمیری یک نفر (164) - از عرار یک نفر (165) - از قورص یک نفر (166) - از انطاکیه یک نفر (167) - از حلب سه نفر (170) - از

حمص دو نفر (172) - از دمشق چهار نفر (176) - از سوریه یک نفر (177) - از قسوان یک نفر (178) - از قیموت یک نفر (179) - از صور یک نفر (180) - از کراز یک نفر (181) - از اذرح یک نفر (182) - از عامر یک نفر (183) - از دکار یک نفر (184) - از بیت المقدس دو نفر (186) - از رمله یک نفر (187) - از بالس [17] یک نفر (تکراری) (188) - از عَکّا دو نفر (190) - از عرفات یک نفر (191) - از عسقلان یک نفر (192) - از غَزّه یک نفر (193) - از فسطاط چهار نفر (197) - از قرمیس یک نفر (198) - از دمیاط یک نفر (199) - از محلّه یک نفر (200) - از اسکندریه یک نفر (201) - از برقه یک نفر (202) - از طنجه یک نفر (203) - از افرنجه (فرنگ) یک نفر (204) - از قیروان یک نفر (205) - از شوش اقصی پنج نفر (210) - از قبرس دو نفر (212) - از حمیم سه نفر (215) - از قوص یک نفر (216) - از عدَن [75] یک نفر (217) - از علالی یک نفر (218) - از مدینه ده نفر (228) - از مگّه چهار نفر (232) - از طائف یک نفر (233) - از دیر یک نفر (234) - از شیروان یک نفر (235) - از زبید یک نفر (236) - از مرو ده نفر (246) - از احساء یک نفر (247) - از قطیف یک نفر (248) - از هجر یک نفر (249) - از یمامه [115] یک نفر (250). (1)

علی علیه السلام فرمود:

پیغمبر صلی الله علیه و آله آنها را برای من شمرد، سیصد و سیزده نفر شدند؛ به تعداد اصحاب بدر، خداوند آنها را از مشرق و مغرب زمین به یک چشم بر هم زدن کنار خانه کعبه جمع می کند». (2) 5.

ص: 159

1- با توجه به مجموع افراد ذکر شده (63 نفر کمتر از 313) و نیز چند مورد تکراری، اعتماد بر این حدیث قابل تأمل می باشد، هر چند بعید نیست بگوئیم این تعداد - به غیر از موارد تکراری - صحیح است و بقیه از قلم کاتبان افتاده و مجهول مانده اند. همچنین است در مورد روایت بعدی.

2- . الفتن: 145، ب 79. منتخب الاثر: 183، ف 2، ب 3، ح 5.

(364) دلائل الامامه: ابو الحسین محمد بن هارون به نقل از پدرش، هارون بن موسی بن احمد، ابو جعفر محمد بن ابراهیم بن عبدالله قمی قطن معروف به ابن خزّاز، محمد بن زیاد، ابو عبدالله خراسانی، ابو حسان سعید بن جناح، مسعده بن صدقه: امام صادق علیه السلام اصحاب قائم علیه السلام را برای ابوبصیر چنین نام برد:

«شخصی که در طازبند شرقی است، بندار احمد بن سکنه معروف به بازان، که مأمور سیّار است (1).

- از اهل شام دو نفر به نام های ابراهیم بن صباح (2) و یوسف بن صریا (3)، یوسف عطار و از اهالی دمشق است، و ابراهیم قصابی از روستای صویقان.

- از صانعان احمد بن عمر خیاط (4) ساکن بزیه، و علی بن عبدالصمد تاجر (5) ساکن نجّارین.

- از اهالی سراف سلم کوسه بزّاز (6) ساکن باغ - و خالد بن سعید بن کریم دهقان (7) و کلیب شاهد (8) از دانشاه و مرورود جعفر الشاه آردفروش (9) و جور مولی [105] الخصب (10).

- از مرو دوازده نفر به نام های: بندار بن خلیل عطار (11)، محمد بن عمر صیدانی (12)، عریب بن عبدالله بن کامل مولی قحطب (13)، سعد الرومی (14)، صالح بن الرحال (15)، معاذ بن هانی (16)، کردوس ازدی (17)، دهیم بن جابر بن حمید (18)، طاشف بن علی قاجانی (19)، قرعان بن سوید (20)، جابر بن علی احمر (21) و خوشب بن جریر (22).

- از بارود نه نفر به نام های: زیاد بن عبدالرحمن بن جحدب (23)، عبّاس بن فضل بن قارب (24)، سحیق بن سلیمان حنّاط (25)، علی بن خالد (26)، سلم بن سلیم بن فرات بزّاز (27)، محمویه بن عبدالرحمن بن علی (28)، جریر بن رستم بن سعد کیسانی (29)، حرب بن صالح (30) و عماره بن معمر (31).

- از طوس چهار نفر به نام های: شهرد بن حمران (32)، موسی بن

مهدی (33)، سلیمان بن طلیق (34) از واد (که محلّ قبر امام رضا علیه السلام است) علی بن سندی صیرفی (35).

- از فاریاب: شاهویه بن حمزه (36) و علی بن کلثوم (37) از ساکنان محلی معروف به باب الجبل.

- از طالقان بیست و چهار نفر! که به این نام‌ها معروف اند: ابن رازی جبلی (38)، عبدالله بن عمیر (39)، ابراهیم بن عمر (40)، سهل بن رزق الله (41)، جبریل حداد (42)، علی بن ابی علی رواف (43)، عباد بن ممهور (44)، محمد بن جیهار (45)، زکریا بن حبه (46)، بهرام بن سرح (47)، جمیل بن عامر بن خالد (48)، خالد (49) و کثیر مولی جریر (50)، عبدالله بن قرط بن سلام (51)، فزازه بن بهرام (52)، معاذ بن سالم بن جلید تمّار (53)، حمید بن ابراهیم بن جمعه بافنده (54)، عقبه بن وفر بن ربیع (55)، حمزه بن عبّاس بن جناده (56) از دارالرزق، کائن بن حنیذ ریخته گر (57)، علقمه بن مدرک (58)، مروان بن جمیل بن ورقا (59)، ظهور مولی زراره بن ابراهیم (60)، جمهور بن حسین شیشه گر (61)، ریاش بن سعید بن نعیم (62)!

- از سیستان: خلیل بن نصر (63) از اهالی زنج، ترک بن شبه (64) و ابراهیم بن علی (65).

- از غر هشت نفر: محج بن خربوذ (66)، شاهد بن بندار (67)، داود بن جریر (68)، خالد بن عیسی (69)، زیاد بن صالح (70)، موسی بن داود (71)، عرف الطویل (72) و یرکرد (73).

- از نیشابور هجده نفر! به نام‌های: سمعان بن فاخر (74)، ابولبابه بن مدرک (75)، ابراهیم بن یوسف قصیر (76)، مالک بن حرب بن سکین (77)، زرود بن سوکن (78)، یحیی بن خالد (79)، معاذ بن جبرئیل (80)، احمد بن عمر بن زفر (81)، عیسی بن موسی سواق (82)، یزید بن درست (83)، محمد بن حمّاد بن شیت (84)، جعفر بن طرخان (85)، علان ماهویه (86)، ابومریم (87) و عمر بن عمیر بن مطرف (88) و بلیل بن وهاید بن

- از هرات [111] دوازده نفر! به نام های: سعید بن عثمان و زّاق (90)، ماسح بن عبدالله بن نبیل معروف به غلام کندی (91)، سمعان قصاب (92)، هارون بن عمران (93)، صالح بن جریر (94)، مبارک بن معمر بن خالد (95)، عبدالاعلی بن ابراهیم بن عبده (96)، نزل بن حزم (97)، صالح بن نعیم (98)، ارم بن علی (99)، و خالد قوانس (100)!

- از اهالی بوسنج چهار نفر به نام های: طاهر بن عمرو بن طاهر معروف به اصلح (101)، طلحه بن طلحه جهانگرد (102)، حسن بن حسن مسمار (103)، عمرو بن عمر بن هشام (104).

- از ری هفت نفر: اسرائیل قطان (105)، علی بن جعفر بن حرزاد (106)، عثمان بن علی بن درخت (107)، مسکان بن جبلة بن مقاتل (108)، کردین بن شیبان (109)، حمدان بن کر (110) و سلیمان بن دیلمی (111).

- از طبرستان چهار نفر: حرشام بن کردم (112)، بهرام بن علی (113)، عباس بن هاشم (114)، و عبدالله بن یحیی (115).

- از قم هجده نفر: غسان بن محمد عتبان (116)، علی بن احمد بن بقره بن نعیم بن یعقوب بن بلال (117)، عمران بن خالد بن کلیب (118)، سهل بن علی بن صاعد (119)، عبدالعظیم بن عبدالله بن شاه (120)، حسکه بن هاشم بن دایه (121)، اخوص بن محمد بن اسماعیل بن نعیم بن طریف (122)، بلیل بن مالک بن سعد بن طلحه بن جعفر بن احمد بن جریر (123)، موسی بن عمران بن لاحق (124)، عباس بن بقر بن سلیم (125)، حوید بن بشر بن بشیر (126)، مروان بن علابه بن جریر معروف به ابن رأس الزق (127)، صقر بن اسحاق بن ابراهیم (128)، و کامل بن هشام (129).

- از قومس دو نفر: محمود بن محمد بن ابی الشعب (130) و علی بن حمویه بن صدقه (131) از روستای خرقان!

- از گرگان دوازده نفر: احمد بن هارون بن عبدالله (132)، زراره بن جعفر (133)، حسین بن علی بن مطر (134)، حمید بن نافع (135)، محمد بن خالد بن

قره بن جوثه (136)، علاء بن حمید بن جعفر بن حمید (137)، ابراهیم بن اسحاق بن عمرو (138)، علی بن علقمه بن محمود (139)، سلمان بن یعقوب (140)، عریان بن خفان ملقب به خال روت (141)، شعبه بن علی (142) و موسی بن کردویه (143).

- از موقان یک نفر: عبید بن محمد بن ماجور (144).

- و از سند دو نفر: سیاب بن عباس بن محمد (145) و نصر بن منصور معروف به ناقشت (146).

- از همدان چهار نفر: هارون بن عمران بن خالد (147)، طیفور بن محمد بن طیفور (148)، ابان بن محمد بن ضحاک (149)، عتاب بن مالک بن جمهور (150).

- و از جابروان سه نفر: کرد بن حنیف (151)، عاصم بن خلیط خیاط (152) و زیاد بن رزین (153).

- از شوری یک نفر: لقیط بن فرات (154).

- از اهل خلاط: وهب بن خربند بن سروین (155).

- از تغلیس پنج نفر: جحدر بن زیت (156)، هانی عطاردی (157)، جواد بن بدر (158)، سلیم بن وحید (159)، فضل بن عمیر (160) و قرباب الأبواب جعفر بن عبدالرحمن (161)!

- از سنجار چهار نفر: عبدالله بن زریق (162)، سمیم بن مطر (163)، هبه الله بن زریق بن صدقه (164) و هبل بن کامل (165).

- از تألیف: کردوس بن جابر (166).

- از سمیاط: موسی بن زرقان (167).

- و از نصیبین [108] دو نفر: داود بن محق (168) و حامد صاحب بوریا (169).

- از موصل [103] یک نفر معروف به سلیمان بن صبیح (170) از روستای حدیثه.

- از یلمورق دو نفر: بادصبا بن سعد بن سحیر (171) و احمد بن حمید بن

سوار (172).

- از بلد یک نفر که او را بور بن زائده بن ثوران (173) گویند.

- از رها یک نفر که او را کامل بن عفیر (174) نامند.

- از حرّان [35]: زکریا سعدی (175).

- از برقه [22] سه نفر: احمد بن سلیمان بن سلیم (176)، نوفل بن عمرو (177) و اشعث بن مالک (178).

- از رابعه: عیاض بن عاصم بن سمره بن جحش (179) و ملیح بن سعد (180).

- از حلب چهار نفر: یونس بن یوسف (181)، حمید بن قیس بن سحیم بن مدرک بن علی بن حرب بن صالح بن میمون (182)، مهدی بن هند بن عطارد (183) و مسلم بن هوامرد (184).

- از دمشق سه نفر: نوح بن جویر (185)، شعیب بن موسی (186) و حجر بن عبدالله فزاری (187).

- از فلسطین: سوید بن یحیی (188).

- از بعلبک: منزل بن عمران (189).

- از طبریه: معاذ بن معاذ (190).

- از یافا: صالح بن هارون (191).

- از قومس [95]: رئاب بن جلد (192) و خلیل بن سید (193).

- از تیس: یونس بن صقر (194) و احمد بن مسلم بن سلم (195).

- از دمیاط [45]: علی بن زائده (196).

- از اسوان: حمّاد بن جمهور (197).

- از فسطاط [84] چهار نفر: نصر بن حواس (198)، علی بن موسی فزاری (199)، ابراهیم بن صفیر (200) و یحیی بن نعیم (201).

- از قیروان: علی بن موسی بن شیخ (202) و عنبره بن قرطه (203).

- از باغه: شرحبیل سعدی (204).

- از تلیس: علی بن معاذ (205).

- از بالسین: همام بن فرات (206).
- از صنعاء: فیاض بن ضرار بن ثروان (207) و میسرہ بن غندر بن مبارک (208).
- از ملزن: عبدالکریم بن غند (209).
- از طرابلس: ذوالنورین عبیدہ بن علقمہ (210).
- از ابلہ دو نفر: یحییٰ بن بدیل (211) و حواشہ بن فضل (212).
- از وادی القری: حر بن زبرقان (213).
- از جیزہ یک نفر بہ نام: سلیمان بن داود (214).
- از ریدار: طلحہ بن سعید بن بہرام (215).
- از الجار: حارث بن میمون (216).
- از مدینہ دو نفر: حمزہ بن طاہر (217) و شرحبیل بن جمیل (218).
- از ربذہ: حمّاد بن محمّد بن نصیر (219).
- از کوفہ چہارہ نفر: ربیعہ بن علی بن صالح (220)، تمیم بن الیاس بن اسد (221)، عضرم بن عیسیٰ (222)، مطرف بن عمر کنندی (223)، ہارون بن صالح بن میثم (224)، وکایا بن سعد (225)، محمّد بن روایہ (226)، حرب بن عبداللہ بن ساسان (227)، قودہ الأعلم (228)، خالد بن عبدالقدوس (229)، ابراہیم بن مسعود بن عبدالحمید (230)، بکر بن خالد (231)، احمد بن ریحان بن حارث (232) و غوث اعرابی (233).
- از قلزم: مرجئہ بن عمرو (234) و شیبب بن عبداللہ (235).
- از حیرہ: بکر بن عبداللہ بن عبدالواحد (236).
- از کرثا: ربا بن حفص بن مروان (237).
- از طاہی: جاب بن سعید (238) و صالح بن طیفور (239).
- از اہواز: عیسیٰ بن تمام (240) و جعفر بن سعید نابینا (241) کہ دیدہ اش روشن می گردد.
- از شام: علقمہ بن ابراہیم (242).
- از اصطنخر: متوکل بن عبداللہ (243) و ہشام بن فاخر (244).

- از مولیان: حیدر بن ابراهیم (245).

- از نیل: شاکر بن عبده (246).

- از قنديل: عمرو بن فروه (247).

ص: 165

- از مدائن هشت نفر: برادران صالح و درستکار: محمّد (248) و احمد (249) فرزندان منذر، تیمور بن حرث (250)، معاذ بن علی بن عامر بن عبدالرحمن بن معروف بن عبدالله (251)، حرسی بن سعید (252)، زهیر بن طلحه (253)، نصر (254) و منصور (255).
- از عکبرا [79]: زانده بن هبه (256).
- از حلوان [38]: ماهان بن کثیر (257) و ابراهیم بن محمّد (258).
- از بصره: عبدالرحمن بن اعطف بن سعد (259)، احمد بن ملیح (260)، حمّاد بن جابر (261).
- اصحاب کھف هفت نفر: مکسلمینا و یارانش (268).
- دو تاجر که از انطاکیه آمده بودند: موسی بن عون (269) و سلیمان بن حر (270) و غلام رومیشان (271).
- پناهندگان به روم یازده نفر: صهیب بن عبّاس (272)، جعفر بن... (273)، حلال بن حمید (274)، ضرار بن سعید (275)، حمید قدوسی (276)، منادی (277)، مالک بن خلیل (278)، بکر بن حر (279)، حبیب بن حنان (280)، جابر بن سفیان (281)!
- مقیمان سرندیب: جعفر بن زکریا (282) و دانیال بن داود (283).
- از سندرا چهار نفر: خور بن طرخان (284)، سعید بن علی (285)، شاه بن بزرج (286) و حرّ بن جمیل (287).
- و مردی که در سلاھط مفقود می شود: منذر بن زید (288).
- و از سیراف [66] (یا شیراز، تردید از راوی) حسین بن علوان (289).
- و دو نفری که به سروانیه گریختند: سرّی بن اغلب (290) و زیاده اللّٰه بن رزق اللّٰه (291).
- کسی که در صقلیه خلوت گزید: ابوداود شعشاع (292).
- و شخصی که در طلب حق مسافرت می کرد از یخشب: عبداللّٰه بن صاعد بن عقبه (293).
- و آن که در بلخ [24] از خاندان خود گریخت: ادس بن محمّد (294).

- و کسی که به وسیله قرآن با یکی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام مجادله کرد از سرخس: نجم بن عقبه بن داود (295).

- و از فرغانه: ازدجاه بن وابص (296).

- و از بریه: صخر بن عبدالصمد قنابلی (297) و یزید بن قادر (298).

اینها سیصد و سیزده نفر به تعداد اصحاب بدر هستند» (1).

فصل سوم: اصحاب کهف

روایات اهل سنت:

(365) الدرّ المنثور: ابن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اصحاب کهف یاران مهدی خواهند بود» (2).

(366) عقد الدرر: امام ابو اسحاق ثعلبی در آخر روایت اصحاب کهف روایت کرده:

«به خوابگاهشان رفته و دوباره به همان حالت خواب برگشتند تا آخر الزمان و خروج مهدی. گویند: مهدی [هنگامی که قیام کند در محلّ غار اصحاب کهف حاضر می شود] به آنها سلام می دهد، خداوند آنها را زنده می کند، باز به خواب می روند و پس از آن تا روز قیامت دیگر بر نمی خیزند» (3).

روایات شیعه:

(367) مختصر بصائر: کتابی از خطبه های مولا امیر مؤمنان علیه السلام دیدم که خطّ سیّد رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن طاووس بر آن بود... از ابوروح فرج بن فروه، مسعده بن صدقه: جعفر بن محمّد صادق علیه السلام خطبه ای از مولا یمان امیرالمؤمنین علیه السلام به نام

ص: 167

1- . دلایل الامامه: 314. المحجّه: 38-46. بشاره الاسلام: 205-209.

2- . الدرّ المنثور 4: 215. برهان المتّقی: 150، ب 7، ح 15. العطر الوردی: 70.

3- . عقد الدرر: 141، ب 7. برهان المتّقی: 87، ب 1، ح 44. مناقب ابن المغازلی: 232، ح 280.

خطبه مخزون ذکر فرمود که در قسمتی از آن آمده بود:

«... و [لشکر] روم به روستایی که کنار دریا و نزد غار اصحاب کهف است روی آورد، خداوند آن جوانمردان را از غار به سوی ایشان برمی انگیزاند [20]. از میان ایشان مردی است به نام ملیخا و دیگری به نام کمسلمینا، و این دو نفر در خدمت قائم علیه السلام حاضر و مسلمان شوند»⁽¹⁾.

(368) ارشاد القلوب: یونس بن احمد بن ریان، ابو مطلب بن محمد بن فضل، محمد بن سنان زهری، عبدالله بن عبدالرحمن اصم، مدلیج بن هارون بن سعید: از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که ضمن کلامی طولانی به عمر می فرمود... راوی گوید: عمر گریست و گفت: از آنچه می گویی به خدا پناه می برم، آیا نشانه ای دارد؟ فرمود:

«آری، کشتار و مرگی عمومی و طاعونی پلید و نفرت آور، تنها یک سوم از مردم باقی می مانند، و منادی از آسمان، نام یکی از فرزندان مرا می خواند... خداوند بقایای قوم موسی را برای [یاری] او می فرستد و اصحاب کهف را برایش زنده می کند...»⁽²⁾.

فصل چهارم: تعدادی از اصحاب خاص

روایات اهل سنت:

(369) سنن ابی داود: هارون، عمرو بن ابی قیس، مطرف بن طریف، ابو الحسن، هلال بن عمرو: از علی علیه السلام شنیدم که می گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی به نام حارث بن حرّاث از آن سوی رود قیام می کند، فرمانده خطّ لشکرش شخصی به نام منصور است، همان طور که قریش زمینه

ص: 168

1- . مختصر بصائر الدرجات: 195-201. الايقاظ من الهجعه: 289، ب 9، ح 111. بحار الانوار 53: 77-86، ب 29، ح 86.

2- . ارشاد القلوب 2: 286، فصل فی فضائله من طریق أهل البيت عليهم السلام.

را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله فراهم کردند، او زمینه را برای آل محمد علیهم السلام آماده می سازد» (1).

(370) فتن ابن حمّاد: ولید بن مسلم، ابو عبدالله، عبدالکریم ابو امیّه، محمّد بن حنفیه:

«بیرق سیاهی از بنی عباس خروج می کند، آنگاه از خراسان بیرق سیاه دیگری بیرون می آید که کلاه [صاحبان] آن سیاه و لباسشان سفید است.

فرمانده خطّ مقدم آنها مردی از [بنی] تمیم به نام شعیب بن صالح یا صالح بن شعیب است. آنها اصحاب سفیانی را شکست می دهند تا اینکه وارد بیت المقدس شوند و زمینه حکومت آنجا را برای مهدی علیه السلام فراهم نمایند، و سیصد نفر از شام نزد او حاضر خواهند شد. فاصله خروج آن [سپاهیان] و اینکه امور تسلیم مهدی علیه السلام شود هفتاد و دو ماه خواهد بود» (2).

(371) فتن ابن حمّاد: عبدالله بن اسماعیل بصری به نقل از پدرش، الحسن:

«مردی کوسه و گندم گون و میانه قامت به نام شعیب بن صالح که مولای [105] بنی تمیم است، همراه چهار هزار نفر با لباسهای سفید و بیرق های سیاه از شهر ری خروج می کند، او فرمانده خطّ مقدم سپاه مهدی علیه السلام است، هر کس با او مقابله کند کشته خواهد شد» (3).

(372) فتن ابن حمّاد: ولید و رشدین، ابن لهیعه، کعب بن علقمه، سفیان کعبی:

«نوجوانی با محاسن کم و زرد رنگ در زیر لوای مهدی علیه السلام خروج می کند که اگر با کوه ها بجنگد آنها را به لرزه درآورد، تا اینکه به ایلیا رسیده و آنجا پیاده شود» (4) 1.

ص: 169

1- سنن ابی داود 4:108، ح 4290. ملاحم ابن المنادی: 41. مصابیح البغوی 3:494، ب 3، ح 4216. جامع الاصول 12:66، ب 5، ف 1، ح 8851.

2- الفتن: 84 و 74. السنن الواردة فی الفتن: 98. عقد الدرر: 126، ب 5.

3- الفتن: 84. عقد الدرر: 130، ب 5. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:68. الفتاوی الحدیثیه: 30. برهان المتّقی: 151، ب 7، ح 18.

4- الفتن: 85. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:68. القول المختصر: 22، ب 3، ح 15. برهان المتّقی: 151، ب 7، ح 21.

(373) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن حدیثی درباره مهدی علیه السلام فرمود:

«... حسنی گوید: پسر عمو، من به [فرماندهی] این لشکر سزوارتر از توأم، من فرزند حسنم، من مهدی هستم. مهدی می گوید: مهدی من هستم.»

حسنی گوید: آیا نشانه ای داری تا با تو بیعت کنیم؟ مهدی به پرنده [در حال پرواز] اشاره می کند، پرنده از همان جا داخل دستش می افتد، و یک چوبدستی در زمین مرتفعی می کارد، فوری سبز می شود و برگ می دهد.

حسنی می گوید: پسر عمو، فرماندهی سپاه حق شماست، و فرماندهی سپاه خودش را نیز به او واگذار می نماید، و خودش فرمانده خط مقدم سپاه مهدی می شود»⁽¹⁾.

روایات شیعه:

(374) غیبه الطوسی: حذلم بن بشیر: به حضرت علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام گفتم: خروج مهدی علیه السلام و دلایل و نشانه های آن را برایم بگویید. فرمود:

«قبل از قیام او، مردی به نام «عوف سلمی» در سرزمین جزیره قیام می کند، محلّ استقرار او «تکریت» است و در مسجد دمشق کشته می شود.»

آنگاه شعیب بن صالح از سمرقند خروج می کند...»⁽²⁾.

(375) مختصر اثبات الرجعه: محمد بن ابی عمیر، سیف بن عمیره، بکر بن محمد ازدی: امام صادق علیه السلام فرمود:

«خروج سه نفر، یعنی خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال، یک ماه و یک روز خواهد بود، که پرچم هیچ کدام از آنها به اندازه پرچم یمانی به هدایت نزدیک نیست، زیرا او هدایتگر به سوی حق است»⁽³⁾.

ص: 170

1- . عقد الدرر: 99-90، ب 4، ف 2 و: 137-138، ب 6 و: 139، ب 6. برهان المتقی: 76 و 77، ب 1، ح 14 و 15. فرائد فوائد الفکر: 10، ب 4. العطر الوردی: 51.

2- . غیبه الطوسی: 270. الخرائج 3: 1155، ب 20، ح 61. منتخب الأنوار الموضیئه: 61، ف 3، ح 52. بحار الانوار 52: 213، ب 25، ح 65. بشاره الاسلام: 83، ب 5.

3- . مختصر اثبات الرجعه: 17. الارشاد: 360. غیبه الطوسی: 271.

(376) غیبه النعمانی: ابو سلیمان احمد بن هودّه باهلی، ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبداللّه بن حمّاد انصاری، أبان بن عثمان: حضرت امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در بقیع بود که علی علیه السلام آمد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله جویا شد. به او گفتند آن حضرت در بقیع است. علی علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و سلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنشین! و او را در سمت راست خود نشانند. پس از او جعفر بن ابی طالب آمد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله جویا شد. به او گفتند آن حضرت در بقیع است. جعفر نزد آن حضرت آمد و سلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در سمت چپ خود نشانید. آنگاه عباس آمد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله جویا شد. به او گفتند پیامبر در بقیع است. عباس نزد آن حضرت آمد و سلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را مقابل خود نشانید. رو به علی علیه السلام کرد و گفت: ... بعد رو به جعفر کرد و فرمود: می خواهی تو را مژده و خبری دهم؟ عرض کرد: بله، ای رسول خدا. فرمود:

«اندکی پیش جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد: کسی که آن [پرچم] را به قائم می سپارد از نسل تو است. می دانی او کیست؟

عرض کرد: نه! فرمود:

او همان است که صورتش همچون دینار (درخشان یا گرد) و دندانهایش همچون اژه (ردیف و مرتّب) و شمشیرش همچون شعله آتش است، با خواری داخل سپاه می شود و با عزّت از آن بیرون می آید، و جبرئیل و میکائیل او را حفاظت می کنند...» (1)

(377) الزام الناصب: محمّد بن احمد جرجانی قاضی ری، طوق بن مالک از پدرش و او نیز از پدرش، عبداللّه بن مسعود: علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن ایراد خطبه البیان فرمود:

«... با لشکریان حرکت می کند تا به عراق می رسد، و مردم اطراف او هستند، سردار پیشروان سپاهش شخصی به نام عقیل، و سردار نیروهای پشتیبانی شخصی به نام حارث است، بعد مردی از اولاد حسن علیه السلام با دوازده هزار نفر به آن حضرت ملحق می شود و می گوید: پسرعمو، من به این امر 5.

ص: 171

1- . الغیبه: 247، ب 14، ح 1 و 2. بحار الانوار 76:51، ب 1، ح 34. منتخب الاثر: 200، ف 2، ب 8، ح 5.

سزاوارترم، زیرا من از نوادگان حسن علیه السلام هستم و او از حسین علیه السلام بزرگتر بود.

مهدی به حسنی می گوید: من مهدی هستم. او در جواب گوید: نشانه یا معجزه یا علامتی داری؟ آن حضرت با نگاه به پرنده اشاره می کند، همان جا داخل دستش می افتد و به قدرت خدای تعالی زبانش باز می شود و به امامت آن حضرت شهادت می دهد، آنگاه عصایی را در زمین مرتفع و بی آبی می کارد که بلافاصله سبز می شود و برگ می دهد، و نیز تکه سنگی از روی زمین برداشته با دست مالش می دهد و مثل شمع خمیر می کند. حسنی می گوید: امر از آن شماست. و خودش و لشکریانش تسلیم آن حضرت می شوند...» (1).

(378) اصول کافی: محمد بن یحیی، احمد بن محمد، ابن محبوب، یعقوب سراج: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فرج [و گشایش کار] شیعیان شما کی خواهد بود؟ فرمود:

«هنگامی که... یمانی بیاید، و حسنی جنبش کند، و صاحب امر میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله را بردارد و از مدینه به مکه رود» (2).

فصل پنجم: فضایل و خصوصیات اصحاب

روایات اهل سنت:

(379) مصنف عبدالرزاق: معمر، قتاده: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«... طایفه های عراق و ابدال (اولیای خدا) شام نزد مهدی علیه السلام می آیند و با او بیعت می کنند» (3).

(380) مصنف ابن ابی شیبیه: عفان، عمران القطان، قتاده، ابو الخلیل، عبدالله بن حارث، أم سلمه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ص: 172

1- الزام الناصب 2:220.

2- الکافی 8:224 و 225، ح 285.

3- المصنف 11:371، ح 20769. مسند احمد 6:136.

«عده ای به تعداد اهل بدر بین رکن و مقام با مردی بیعت می کنند، و طایفه های عراق و ابدال شام نزد او می آیند».(1)

(381) فائق: علی علیه السلام ضمن حدیثی درباره مهدی فرمود:

«از ابدال شام، و نَجَبای مصر و طایفه های عراق هستند...».(2)

(382) مسند احمد: ابو مُغیره، صفوان، شریح (یعنی ابن عبید): علی بن ابی طالب علیه السلام در عراق بود که در حضور آن حضرت ذکر اهل شام به میان آمد. گفتند: ای امیر مؤمنان آنها را لعنت بفرست. فرمود: نه، از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«ابدال در شام اند، آنها چهل مرد هستند که هر کدام از آنها می میرد، خداوند یک نفر دیگر را بدل او قرار می دهد، باران را به برکت آنها می باراند، توسط آنها بر دشمنان پیروز می گردد، و از برکت آنها عذاب را از اهل شام برمی گرداند».(3)

(383) فتن سلیلی: حسن بن علی مالکی، ابو النصر علی حمید رافعی، محمد بن هیثم بصری، سلیمان بن عثمان نخعی، سعید بن طارق، سلمه بن انس، اصیغ بن نُبّاته: امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ای از مهدی و قیام همراهانش سخن به میان آورد و نام های آنها را ذکر فرمود. ابو خالد حلبی به آن حضرت گفت: ای امیر مؤمنان! خصوصیات او را برای ما بگویند. علی علیه السلام فرمود:

«گویی آنها را می بینم که همگی یک شکل و یک قامت، و در زیبایی و لباس عین یکدیگرند، مثل اینکه در پی چیزی هستند که از دست داده اند و در آن متحیرند، تا آنکه مردی... از پشت پرده کعبه نزد آنها می آید، به او گویند: تو مهدی هستی؟...».(4)

(384) حلیه الأولیاء: محمد بن احمد جرجانی، عمران بن موسی سختیانی، عثمان بن 5.

ص: 173

1- . المصنّف 45:15، ح 19070.

2- . الفائق 87:1. تهذیب تاریخ دمشق 62:1 و 63.

3- . مسند احمد 112:1. نوادر الاصول: 69، اصل 51. المعجم الکبیر 65:18، ح 120.

4- . الفتن: 145، ب 79. منتخب الاثر: 183، ف 2، ب 3، ح 5.

ابی شیبیه، مالک بن اسماعیل، مسعود بن سعد جُعفی، جابر: ابوجعفر (امام باقر) علیه السلام فرمود:

«خدای تعالی به دل شیعیان ما وحشت می اندازد، پس چون قائم ماقیام کند و مهدی ما ظاهر گردد هر کدام از آنها از شیر باجرات تر و از نیزه برنده تر خواهند شد».(1)

(385) فتن ابن حمّاد: سعید ابو عثمان، جابر: ابوجعفر (امام باقر) علیه السلام فرمود:

«(یاران مهدی) عابدان شب و شیران روزند».(2)

روایات شیعه:

(386) اختصاص مفید: جابر: ابوجعفر امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«دل شیعیان ما را وحشت فرا گرفته، اما وقتی امر ما محقق گردد و مهدی ماقیام کند، هر کدام از آنها از شیر باجرات تر و از نیزه برنده تر شود، دشمن ما را زیر پای خود لگد می کند و با دستانش او را می کُشد».(3)

(387) غیبه النعمانی: علی بن حسین، محمد بن یحیی عطار، محمد بن حسان رازی، محمد بن علی صیرفی، عبدالرحمن بن ابی هاشم، عمرو بن ابی مقدم، عمران بن ظبیان، ابو یحیی حکیم بن سعد: از علی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«یاران قائم جوان هستند و پیر میانشان نیست، مگر به مقدار سُرمه در چشم یا نمک در توشه، و کمترین توشه نمک است».(4)

(388) کمال الدین: علی بن احمد بن موسی، محمد بن ابی عبدالله کوفی، محمد بن اسماعیل برمکی، اسماعیل بن مالک، محمد بن سنان، ابو جارود زیاد بن المنذر، حضرت 3.

ص: 174

1- . حلیه الاولیاء 3:184. ینابیع المودّه: 448، ب 78 و: 489، ب 94.

2- . الفتن: 95. عقد الدرر: 145، ب 7. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:71. برهان المتّقی: 141، ب 6، ح 3.

3- . الاختصاص: 26. اثبات الهداه 3:557، ب 32، ف 33، ح 606 و: 3:614، ب 32، ف 5، ح 151. بحار الانوار 52:372، ب 27، ح 164.

4- . الغیبه: 315، ب 20، ح 10. غیبه الطوسی: 284. اثبات الهداه 3:517، ب 32، ف 12، ح 377. بحار الانوار 52:333، ب 27، ح 63. منتخب الاثر: 484، ف 8، ب 1، ح 3.

ابو جعفر محمد بن علی الباقر از پدران گرامی اش علیهم السلام روایت فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام بر منبر بود و از یاران مهدی علیه السلام می گفت:

«... و دل هر مؤمنی از پاره های آهن استوارتر گردد، و خداوند توانایی چهل مرد به وی دهد...» (1).

فصل ششم: زنان، بین اصحاب مهدی علیه السلام

روایات اهل سنت:

(389) فردوس الاخبار: ابو هریره: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«عیسی بن مریم علیهما السلام (برای یاری مهدی) بر هشتصد مرد و چهارصد زن نازل می شود که بهترین انسان های روی زمین و صالح ترین گذشتگان هستند» (2).

روایات شیعه:

(390) دلائل الامامه: ابو عبدالله، ابو محمد هارون بن موسی، ابو علی محمد بن همام، ابراهیم بن صالح نخعی، محمد بن عمران، مفضل بن عمر: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

«سیزده نفر از همراهان قائم، زن هستند.

گفتم: آنها را برای چه می خواهد؟ فرمود:

مجروحان را مداوا می کنند، و به بیماران رسیدگی می نمایند، همان طور که زنان همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند» (3).

ص: 175

1- . کمال الدین 2:653، ب 57، ح 17. اعلام الوری: 434، ب 4، ف 4. الخرائج 3:1149 و 1150، ح 58. اثبات الهداه 3:490 و 491، ب 32، ف 5، ح 230.

2- . فردوس الاخبار 5:515، ح 8935. کنز العمال 14:338، ح 38863. تصریح کشمیری: 254، ح 69.

3- . دلائل الامامه: 246.

این باب شامل شش فصل است:

فصل اول: خروج حتمی سفیانی

روایات اهل سنت:

(391) عقد الدرر: حضرت ابوجعفر (امام محمد باقر علیه السلام) فرمود:

«خروج سفیانی و مهدی در یک سال خواهد بود». (1)

(392) فتن ابن حماد: عبدالقدوس، ابوبکر بن ابی مریم عن اشیخه:

«... سفیانی با آنها خروج می کند، و مردمانی از روستاهای وادی یابس دنبال او به راه می افتند، پس صاحب (امیر) دمشق به سوی او خارج می شود تا با او مقابله و جنگ نماید». (2)

(393) البدء و التاريخ: از جمله اخباری که از علی بن ابی طالب علیه السلام در ذکر فتنه های شام نقل شده این است که فرمود:

«... در آن موقع پسر زن جگرخوار (سفیانی) از وادی یابس (بیابان خشک) خروج کند تا آنکه بر منبر دمشق بنشیند، و آنگاه که چنین شود منتظر خروج مهدی باشید». (3)

ص: 177

1- . عقد الدرر: 87، ب 4، ف 2. كنز العمال 11: 384، ح 32535. برهان المتقی: 112 و 113، ب 4، ف 2، ح 8. فوائد الفكر: 15، ب 5.

2- . الفتن: 75. عقد الدرر: 72، ب 4، ف 2. برهان المتقی: 115، ب 4، ف 2، ح 14.

3- . البدء و التاريخ 2: 177.

(394) فتن ابن حمّاد: بقیّه و عبدالقدّوس، ابو بکر، الاشیاء:

«سفیانی از وادی یابس (بیابان خشک) خروج کند، صاحب (امیر) دمشق نیز برای جنگ با او خارج می گردد، و چون سفیانی بیرق او را ببیند فرار می کند»⁽¹⁾.

(395) فتن ابن حمّاد: ولید، ابو عبدالله، ولید بن هشام معیطی، ابان بن ولید بن عقبه بن ابی معیط، ابن عبّاس:

«سفیانی شورش می کند، شکم زن ها را می درّد و کودکان را در دیگ آب جوش می پزد»⁽²⁾.

روایات شیعه:

(396) کمال الدین: محمّد بن موسی بن المتوکل، عبدالله بن جعفر حمیری، احمد بن محمّد بن عیسی، حسن بن محبوب، ابو حمزه ثمالی: به حضرت امام صادق علیه السلام گفتم: ابوجعفر (امام باقر) علیه السلام می فرمود:

«خروج سفیانی از امور حتمی است».

فرمود: «بله [حتمی است]»⁽³⁾.

(397) ارشاد: فضل بن شاذان به نقل از شخصی، ابو حمزه ثمالی: به ابوجعفر (امام باقر) علیه السلام عرض کردم: خروج سفیانی حتمی است؟ فرمود:

«بله، ندا [ی آسمانی] و طلوع خورشید از مغرب و اختلاف بنی عبّاس در حکومت و قتل نفس زکیّه و خروج قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله هم حتمی است»⁽⁴⁾.

(398) غیبه النعمانی: احمد بن محمّد بن سعید، قاسم بن محمّد بن حسن بن حازم، 7.

ص: 178

1- . الفتن: 75.

2- . الفتن: 83 و 76.

3- . کمال الدین 2: 652، ب 57، ح 14.

4- . الارشاد: 358. غیبه الطوسی: 266-267. اعلام الوری: 426، ب 4، ف 1. کشف الغمّه 3: 249. الصراط المستقیم 2: 248 و 249، ب 11، ف 8. اثبات الهداه 3: 514، ب 32، ف 12، ح 351. بحار الانوار 52: 206، ب 25، ح 40 و: 288 و 289، ب 26، ح 27. منتخب الاثر: 457، ف 6، ب 6، ح 17.

عبیس بن هشام، عبداللہ بن جبلیہ، محمد بن سلیمان، علاء، محمد بن مسلم: حضرت ابوجعفر محمد باقر علیہ السلام فرمود:

«(خروج) سفیانی وقائم در یک سال خواهد بود».(1)

(399) کمال الدین: محمد بن علی ماجیلویہ، محمد بن ابی القاسم، محمد بن علی کوفی، محمد بن ابی عمیر، عمر بن اذینہ، امام صادق علیہ السلام: پدرم به نقل از امیر مؤمنان علیہ السلام فرمود:

«پسر زن جگرخوار از وادی یابس خروج خواهد کرد...».(2)

(400) کشف نوری: فضل بن شاذان نیشابوری، حسن بن رباب: حضرت امام صادق علیہ السلام برای ما حدیثی طولانی از امیر مؤمنان علیہ السلام نقل کرد که آخر آن چنین بود:

«و همواره اختلاف خواهند داشت تا آنکه حکومت به دست مردی از فرزندان ابوسفیان بیفتد».(3)

فصل دوم: ویژگی های جسمی سفیانی

روایات اهل سنت:

(401) فتن ابن حماد: عبدالقدوس و غیره، ابن عیاش به نقل از شخصی، محمد بن جعفر:

علی علیہ السلام فرمود:

«سفیانی از فرزندان خالد بن یزید بن ابوسفیان است، او مردی بزرگ سر می باشد و در صورتش لگه های آبله و در چشمش نقطه سفیدی است».(4)

ص: 179

-
- 1- . الغیبه: 267، ب 14، ح 36. عقد الدرر: 87، ب 4، ف 2. اثبات الهداه 3: 737، ب 34، ف 9، ح 105. بحار الانوار 52: 239 و 240، ب 25، ح 106. منتخب الاثر: 458، ف 6، ب 6، ح 21.
 - 2- . کمال الدین 2: 651، ب 57، ح 9. اعلام الوری: 428، ب 4، ف 1. الخرائج 3: 1150، ب 20، ح 58 و: 732، ب 34، ف 8، ح 80. بحار الانوار 52: 205، ب 25، ح 36.
 - 3- . کشف الاستار: 221 و 222. منتخب الاثر: 466، ف 6، ب 10، ح 2.
 - 4- . الفتن: 74. عقد الدرر: 72 و 73، ب 4، ف 2. کنز العمال 11: 284، ح 31535. برهان المتقی: 112 و 113، ب 4، ف 2، ح 8.

(402) فتن ابن حمّاد: ابو عمر، ابن لهيعة، عبدالوّهّاب بن حسين، محمّد بن ثابت به نقل از پدرش، حارث بن عبدالله:

«مردی از فرزندان ابوسفیان در وادی یابس با بیرق‌هایی سرخ خروج می‌کند، که ساعد دست‌ها و ساق پاهایش لاغر و گردش دراز است، بسیار زرد و آثار عبادت در او پیداست»⁽¹⁾.

روایات شیعه:

(403) کمال الدین: محمّد بن علی ماجیلویه، محمّد بن ابی القاسم، محمّد بن علی کوفی، محمّد بن ابی عمیر، عمر بن اذینه، حضرت امام صادق علیه السلام: پدرم علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف سفیانی فرمود:

«او (سفیانی) مردی است چهارشانه، زشت رو و بزرگ سر، در صورتش لگه‌های آبله دارد، چون او را بنگری می‌پنداری یک چشم است، نامش عثمان و پدرش عنبسه و از اولاد ابوسفیان می‌باشد»⁽²⁾.

(404) غیبه النعمانی: احمد بن محمّد بن سعید، حمید بن زیاد، علی بن الصباح بن ضحاک، ابو علی حسن بن محمّد حضرمی، جعفر بن محمّد، ابراهیم بن عبدالحمید، ابو ایوب خزّاز، محمّد بن مسلم: حضرت ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام فرمود:

«سفیانی مردی سرخ و سفید و کبود چشم است، هرگز خداوند را نپرستیده، و هیچ‌گاه مکه و مدینه را ندیده...»⁽³⁾.

(405) کمال الدین: احمد بن زیاد بن جعفر همدانی، علی بن ابراهیم بن هاشم به نقل از پدرش، محمّد بن ابی عمیر، حمّاد بن عثمان، عمر بن یزید: حضرت امام صادق علیه السلام به من فرمود: 6.

ص: 180

1- . الفتن: 75.

2- . کمال الدین 2: 651، ب 57، ح 9. اعلام الوری: 428، ب 4، ف 1. الخرائج 3: 1150، ب 20، ح 58 و: 732، ب 34، ف 8، ح 80. بحار الانوار 52: 205، ب 25، ح 36.

3- . الغیبه: 306، ب 19، ح 18. بحار الانوار 52: 353 و 354، ب 25، ح 146.

«سفیانی را که ببینی، خواهی دید که خبیث ترین مردم و سرخ و سفید و کبود چشم است. می گوید: خدایا اول خون من، خون من، آنگاه آتش! و خبائشش به حدی است که کنیزی را که از او صاحب فرزند است از ترس آنکه مبادا او را لو دهد زنده به گور می نماید»⁽¹⁾.

فصل سوم: مدت حکومت سفیانی

روایات اهل سنت:

(406) فتن ابن حمّاد: الحکم بن نافع، جرّاح، أرطاه:

«در طول شش ماه سفیانی هر که را نافرمانی اش کند می کُشد، با اره تکه تکه می نماید و در دیگ می پزد»⁽²⁾.

(407) فتن ابن حمّاد: سعید ابو عثمان، جابر: امام باقر علیه السلام فرمود:

«سفیانی به اندازه دوران حاملگی یک زن، حکومت می کند»⁽³⁾.

(408) عقد الدرر: امام باقر علیه السلام فرمود:

«هنگامی که سفیانی بر مناطق پنجگانه مسلط شد، نه ماه حساب کنید».

یعنی بعد از آن مهدی علیه السلام ظاهر می گردد. راوی گوید: هشام معتقد بود که آن پنج منطقه: دمشق، فلسطین، اردن، حمص و حلب است⁽⁴⁾.

روایات شیعه:

(409) غیبه الطوسی: محمّد بن خلف، حسن بن صالح بن اسود، عبدالجبار بن عبّاس همدانی، عمّار دهنی: امام باقر علیه السلام فرمود:

«فکر می کنید سفیانی تا چه مدت در میان شما باشد؟»

ص: 181

1- . کمال الدین 2: 651، ب 57، ح 10. اثبات الهداه 3: 721، ب 34، ف 4، ح 27. بحار الانوار 52: 205-206، ب 25، ح 37.

2- . الفتن: 75 و نک: 20 و 80.

3- . الفتن: 74.

4- . عقد الدرر: 86، ب 4، ف 2.

گفتم: به مقدار حمل یک زن، نه ماه. فرمود:

ای اهل کوفه، چقدر شما دانایید!». (1)

فصل چهارم: وطن سفیانی

روایات اهل سنت:

(410) فتن ابن حمّاد: عبدالقدوس، ابوبکر بن ابی مریم عن اشیاخه:

«... سفیانی با آنها خروج می کند، و مردمانی از روستاهای وادی یابس (دره خشک) دنبال او به راه می افتند». (2)

(411) فتن سلیلی: عمر بن عبدالوهاب، ابوبکر محمد بن عبدالؤمن، احمد بن محمد بن غالب، الخلیل بن سالم بزّاز، علاء بن رشید، عبدالواحد بن زید، الحسن به نقل از شخصی: علی بن ابی طالب علیه السلام به ابن عباس فرمود:

«سفیانی در شام است». (3)

(412) فتن ابن حمّاد: عبدالقدوس و غیره، ابن عیّاش به نقل از شخصی، محمد بن جعفر:

علی علیه السلام فرمود:

«... (سفیانی) از نواحی شهر دمشق در جایی به نام وادی یابس (دره خشک) خروج می کند». (4)

ص: 182

-
- 1- . غیبه الطوسی: 278. الخرائج 3: 1159، ب 20. اثبات الهداه 3: 730، ب 34، ف 6، ح 70. بحار الانوار 52: 216، ب 25، ح 74.
 - 2- . الفتن: 75. عقد الدرر: 72، ب 4، ف 2. برهان المتقی: 115، ب 4، ف 2، ح 14.
 - 3- . الفتن: 124، ب 39.
 - 4- . الفتن: 75. عقد الدرر: 72 و 73، ب 4، ف 2. کنز العمال 11: 284، ح 31535. برهان المتقی: 112 و 113، ب 4، ف 2، ح 8.

(413) کمال الدین: محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن ابی القاسم، محمد بن علی کوفی، محمد بن ابی عمیر، عمر بن اذینه: حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«پسر زن جگرخوار از وادی یابس خروج خواهد کرد...» (1).

فصل پنجم: خشونت و اعمال زشت سفیانی

روایات اهل سنت:

(414) فتن ابن حمّاد: ولید و رشدین، ابن لهیعه، ابوقبیل:

«... مردی از بنی امیه خروج می کند، در مقابل هر نفر دو نفر را می کشد، تا اینکه فقط زنان باقی می مانند، آنگاه مهدی خروج می کند.» (2).

(415) فتن ابن حمّاد: الحکم بن نافع، جراح، أراطاه:

«سفیانی هر که را نافرمانیش کند می کشد، با اژه تکه تکه می نماید و در دیگ می پزد.» (3).

(416) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«سفیانی اهل علم را می کشد، قرآنها را می سوزاند، مساجد را خراب، و حرام را حلال می کند، دستور می دهد در بازارها آلات لهو و لعب و عود و

ص: 183

-
- 1- . کمال الدین 2: 651، ب 57، ح 9. غیبه النعمانی: 305 و 306، ب 18، ح 16. غیبه الطوسی: 277. الخرائج 3: 1150، ب 20، ح 58. العدد القویّه: 76، ح 127. فرائد فوائد الفکر: 14، ب 5. اثبات الهداه 3: 730، ب 34، ف 6، ح 69. بحار الانوار 52: 216، ب 25، ح 73 و: 253، ب 25، ح 144. بشاره الاسلام: 53، ب 2.
 - 2- . الفتن: 75. ملاحم ابن المنادی: 47. عقد الدرر: 56، ب 4، ف 1. ملاحم ابن طاووس: 49، ب 84.
 - 3- . الفتن: 75 و نک: 20 و 80.

دفع بنوازند، و کنار خیابان‌ها مشروب بنوشند، فساد و اعمال شرم‌آور را آزاد می‌کند، و هر عملی را که خداوند عزوجل واجب کرده غیر مجاز اعلام می‌نماید، از ظلم و ستم دست برنمی‌دارد، بلکه دائم بر گردنکشی و ویرانگری و گستاخی اش می‌افزاید، از شدت خشم و دشمنی و کینه‌ای که با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله دارد، هر کس را که به نام محمد، احمد، علی، جعفر، حمزه، حسن، حسین، فاطمه، زینب، رقیه، ام‌کلثوم، خدیجه و عاتکه باشد به قتل می‌رساند، آنگاه می‌فرستد تا کودکان را جمع نمایند، و برای آنها روغن داغ می‌گذارد، کودکان می‌گویند: اگر پدران ما از تو نافرمانی کرده‌اند ما چه گناهی داریم؟ او دو نفر از آنها را به نام حسن و حسین می‌گیرد و به دار می‌آویزد. بعد به کوفه می‌رود، و همان کاری که با آن کودکان کرد در آنجا نیز مرتکب می‌شود، دو کودک را به نام‌های حسن و حسین کنار در مسجد به دار می‌آویزد، و خون آنها را می‌جوشاند، همان طور که خون یحیی بن زکریا علیهما السلام را جوشاندند، و وقتی [احساس خطر کرده و] به هلاکت و فرود آمدن بلا مطمئن می‌شود از آنجا می‌گریزد و به سمت شام می‌رود، در راه با کسی که مقابلش بایستد مواجه نمی‌گردد، وقتی وارد دمشق شود، هم و غمّش شرب خمر و ارتکاب گناه است و یارانش را به همان دستور می‌دهد. چون سفیانی خروج کند خنجری در دست دارد، زن بارداری را می‌گیرد و به طرف یکی از یارانش هل می‌دهد و می‌گوید: در وسط راه به او تجاوز کن! او این کار را می‌کند، و شکم زن را می‌شکافد و جنین از شکم او می‌افتد. پس هیچ کس نمی‌تواند این وضع را تغییر دهد، ملائکه آسمان مضطرب می‌شوند، خداوند عزوجل به جبرئیل دستور می‌دهد تا بر دیوار مسجد دمشق فریاد بزند: ای امت محمد صلی الله علیه و آله، آگاه باشید که فریادرس شما آمد، ای امت محمد صلی الله علیه و آله فریادرس شما آمد، گره گشا آمد، او مهدی است». (1)6.

ص: 184

(417) الزام الناصب: محمد بن احمد انباری، محمد بن احمد جرجانی قاضی ری، طوق بن مالک از پدر خود و او نیز از پدرش، عبدالله بن مسعود: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«... نام او (سفیانی) حرب بن عنبسه بن مرّه بن کلیب بن ساهمه بن یزید بن عثمان بن خالد، و از نسل یزید بن معاویه بن ابوسفیان است، آسمان و زمین او را لعنت فرستند، شرورترین خلق خدا و کسی است که جدّش ملعون‌ترین مردم و خودش ظالم‌ترین آنهاست» (1).

(418) کمال الدین: محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن ابی القاسم، محمد بن علی کوفی، محمد بن ابی عمیر، عمر بن اذینه، حضرت امام صادق علیه السلام: پدرم به نقل از امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«پسر زن جگرخوار (هند) خروج می‌کند... تا به سرزمینی آرام و خرم می‌رسد و بر منبر آنجا می‌نشیند (به حکومت می‌رسد)» (2).

فصل ششم: سرنوشت سفیانی

روایات اهل سنت:

(419) عقد الدرر: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن سخنانی درباره حوادث آخرالزمان فرمود:

«غوغا و همهمه ای در شام واقع می‌گردد که اعراب حجاز [برای حمله] به جانب شما خارج شده‌اند. آنها (شامیان) در دمشق اطراف سفیانی اجتماع می‌کنند و می‌گویند: اعراب حجاز علیه ما متحد شده‌اند.

سفیانی به یارانش می‌گوید: نظرتان در مورد این قوم چیست؟

ص: 185

1- . الزام الناصب 2: 178-213.

2- . کمال الدین 2: 651، ب 57، ح 9. اعلام الوری: 428، ب 4، ف 1. الخرائج 3: 1150، ب 20، ح 58.

می گویند: آنها نجابت و مرکب دارند، ما ابزار جنگی و سلاح داریم، به کمک ما بر آنها بتاز.

پس می بینند که او ترسیده، زیرا می داند چه چیزی از او می خواهند، برای همین هم آن قدر به او اصرار می ورزند تا او را [راضی به] خروج کنند، و او با اسب ها و مردان و سپاه خود که دویست و شصت هزار نفرند خارج می شود، و به دریاچه طبریه که می رسند اردو می زنند.

مهدی علیه السلام [نیز] با همراهانش حرکت می کند، در هیچ شهری کاری جز امنیت و امان و بشارت انجام نمی دهد، سمت راستش جبرئیل علیه السلام، سمت چپش میکائیل علیه السلام، و مردم از همه جا به او می پیوندند، تا اینکه در کنار دریاچه طبریه با سفیانی برخورد می نمایند.

خداوند عزوجل و خلقش بر سفیانی و سپاه او خشمناک می شوند، و حتی پرندگان در آسمان با بال هایشان به آنها تیر می زنند، و کوه ها سنگ های خود را به طرف آنها پرتاب می کنند، پس جنگی در می گیرد که به هلاکت سپاه سفیانی می انجامد، سفیانی فرار می کند، و مردی از موالی به نام «صبحاح» او را گرفته نزد مهدی می آورد، و در حالی که آن حضرت مشغول نماز عشا است به او بشارت می دهد، مهدی علیه السلام نماز را کوتاه کرده و بیرون می آید، [و می بیند که] عمامه سفیانی را در گردنش انداخته و او را می کِشند. مهدی او را مقابل خود نگاه می دارد، آنگاه سفیانی به مهدی گوید: پسر عمو، بر من منت گذار و زندگی را به من بازگردان، من هم از یاران شمشیرزن تو خواهم شد و با دشمنانت جهاد می کنم. مهدی که باحیاطتر از دوشیزگان بین یارانش نشسته می گوید: رهایش کنید!

اصحاب مهدی گویند: ای فرزند دختر رسول خدا، او را زنده می گذاری؟ او فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله را کشته، و ما طاقت آن را نداریم.

مهدی گوید: او برای شما، هر کاری می خواهید با او بکنید، در حالی که از قبل او را آزاد کرده و فراری داده است. سرانجام صباح با عده ای در سدره

به او می‌رسد، خوابانیده و ذبحش می‌نماید و سرش را برای مهدی می‌آورد، شیعیان او به سر نگاه می‌کنند و تکبیر و تهلیل سر می‌دهند، و خداوند را به خاطر آن حمد می‌گویند، آنگاه مهدی دستور می‌دهد دفنش کنند»⁽¹⁾.

روایات شیعه:

(420) الزام الناصب: محمد بن احمد جرجانی قاضی الری، طوق بن مالک به نقل از پدر خود و او نیز از پدرش، عبدالله بن مسعود: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«... آنگاه که برای جنگ با سفیانی به طرف شام حرکت می‌کند، فریادی در شام می‌پیچد که: اعراب حجاز به جنگ شما می‌آیند.

سفیانی به یارانش می‌گوید: نظرتان چیست؟

می‌گویند: ما جنگاور و شریف هستیم و سلاح و ابزار جنگ داریم. و سفیانی را تشویق می‌کنند و او مقصودشان را می‌فهمد... سفیانی با سپاهیان و مردان و اسب‌های خود و هزار مرد جنگی حرکت می‌کند و در حیره اردو می‌زند.

مهدی علیه السلام هم با اسب‌ها و مردان و سپاه و گردان خود در حالی که جبرئیل علیه السلام سمت راست، میکائیل علیه السلام سمت چپ و پیروزی پیشاپیش او و مردم از همه مناطق پشت سر او هستند، حرکت می‌کند تا اینکه به اول حیره نزدیک همان جایی که سفیانی است می‌رسد. به غضب خدا غضبناک می‌شود، و با مخلوقات خداوند حرکت می‌کند، حتی پرنده‌گان که با پرهای خود از آسمان به طرف لشکر سفیانی تیراندازی، و کوه‌ها سنگ‌های خود را به سمت آنان پرتاب می‌کنند. جنگی بسیار عظیم بین سفیانی و مهدی علیه السلام در می‌گیرد که همه لشکر سفیانی هلاک می‌شوند، اما خود او با عده کمی⁴.

ص: 187

1- . عقد الدرر: 99-90، ب 4، ف 2، و: 137-139، ب 6. برهان المتقی: 76 و 77، ب 1، ح 14 و 15. فرائد فوائد الفکر: 10، ب 4.

فرار می کنند. مردی از یاران قائم به نام «صیاح» (صبح) همراه با سپاهی او را دنبال نموده، اسیرش می کند و نزد مهدی علیه السلام می آورد. مهدی علیه السلام که مشغول نماز عشا است نماز را سبک می خواند و تمام می کند. سفیانی به او می گوید: پسر عمو، مرا نکش تا از یارانت باشم.

او به یارانش می فرماید: نظرتان در مورد این پیشنهاد چیست؟ من سوگند خورده ام که بدون رضایت شما کاری نکنم!

پاسخ می دهند: به خدا قسم ما جز به قتل او راضی نیستیم، او خون هایی را به ناحق ریخته و تو می خواهی زنده اش بگذاری؟

مهدی علیه السلام می گوید: هر کاری می خواهید با او بکنید.

او را گرفته، کنار برکه زیر درختی که شاخه های آویزان دارد می خوابانند و مثل گوسفند ذبحش می کنند، و خداوند بی درنگ روحش را به جهنم واصل می فرماید» (1).

(421) منتخب الانوار المصنیه: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«مهدی سفیانی و لشکرش را شکست داده و همه آنها را می کُشد، و سفیانی را در طرف رو به شام از دریاچه طبریه [70] زیر درختی که شاخه هایش آویزان است ذبح می کند» (2). (3).

(422) بحار الانوار: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«هرگاه به سفیانی خبر دهند قائم از ناحیه کوفه به طرف او در حرکت است، با عجله سپاه خود را حرکت می دهد تا او را ملاقات نماید. [چون به هم رسیدند] بیرون آمده می گوید: پسرعموی مرا جلو بفرستید! قائم علیه السلام 2.

ص: 188

1- . الزام الناصب 2: 220 و 221. كشف النوري: 178-183، ف 2. منتخب الاثر: 154، ف 2، ب 1، ح 43.

2- «... و يذبح السفيناني تحت شجرة أغصانها مدلاه في بحيره طبريه ممّا يلي الشام».

3- . منتخب الأنوار المصنیه: 192.

بیرون می آید و با او صحبت می کند و سفیانی با آن حضرت بیعت می نماید. آنگاه که نزد یارانش باز می گردد به او می گویند: چه کردی؟ می گوید: تسلیم شده و بیعت نمودم.

به او می گویند: اف به این رأی و نظرت! تو خلیفه ای هستی که دیگران از تو اطاعت می کنند، حال خودت مطیع شخص دیگری شدی!

سفیانی مقابل قائم می ایستد و با او می جنگد، شب را استراحت می کنند و دوباره صبحگاه جنگ را با قائم از سر می گیرند، و تا پایان روز می جنگند. خداوند به شانه های مهدی و یارانش نیروی تازه می بخشد و آنها [سپاه سفیانی] را تار و مار می کنند، به طوری که هر کدامشان پشت درخت یا سنگی پنهان می شود، درخت یا سنگ می گوید: ای مؤمن، این مردی کافر است، او را بکش، و [مؤمن] او را می کشد.

امام فرمود: درندگان و پرندگان از گوشت آنها سیر می شوند، و قائم تا هر وقت بخواهد آنجا می ماند...» (1)5.

ص: 189

1- . بحار الانوار 388:52، ب 27، ح 206. اثبات الهداه 3:585، ب 32، ف 59، ح 795.

روایات اهل سنت:

(423) مصتّف ابن ابی شیبّه: جریر، عبدالعزیز بن رفیع، عبیداللّه بن القبطیّه: حارث بن ابی ربیع و عبداللّه بن صفوان نزد امّسلمه رفتند و من نیز با آنها بودم. آن دو از امّسلمه در مورد سپاهی که به زمین فرو می رود سؤال کردند. و این ماجرا در زمان ابن زبیر بود. امّ سلمه گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«شخصی [از بیم جان خود] به خانه خدا پناه می برد. لشکری برای [گرفتن] او مأمور می شوند. موقعی که لشکر به بیداء می رسند، در زمین فرو می روند.

ما گفتیم: ای رسول خدا، کسی که مجبور باشد چطور؟ فرمود:

با آنها فرو می رود، اما روز قیامت بر حسب نیش محشور می گردد»⁽¹⁾.

(424) فتن ابن حمّاد: رشدین، ابن لهیعه، ابوزرعه، محمّد بن علی:

«شخصی [از بیم جان خود] به مکه پناه می برد. هفتاد هزار نفر به فرماندهی مردی به نام قیس مأمور [گرفتن] او می شوند. چون به منطقه

ص: 191

1- . المصتّف 43:15 و 44، ح 19066. مسند احمد 6:289 و 290. صحیح مسلم 4:2208، ب 52، ح 2882. سنن ابی داود 4:108، ح 4289. سنن ابن ماجه 2:1351، ب 30، ح 65. سنن الترمذی 4:407، ب 10، ح 2171. ملاحم ابن المنادی: 41 و 42. المستدرک علی الصحیحین 4:429. السنن الوارده فی الفتن: 103. جامع الاصول 10:178، ب 8، ح 6874. تذکره القرطبی 2:698. برهان المتّقی: 133، ب 47 ف 2، ح 45. کنز العمال 12:203، ح 34668 و 272:14، ح 38697.

«ثَنِيَّة» برسند و آخرین نفر آنها وارد شود، پیش از آنکه اولینشان خارج گردد جبرئیل سه مرتبه ندا می دهد: ای بیداء [26]! - شرق و غرب بیابان صدای او را می شنود - آنها را بگیر که خیری در آنها نیست! کسی شاهد هلاکت آنها نخواهد بود جز چوپانی که گوسفندانش را در کوه می چراند، و فرورفتن آنها را می بیند، و خبرشان را منتشر می سازد. وقتی آن شخص پناهنده خبر را بشنود خارج می گردد». (1)

(425) صحیح مسلم: ابو بکر بن ابی شیبیه، یونس بن محمّد، قاسم بن فضل حدانی، محمّد بن زیاد، عبداللّه بن زبیر، عایشه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... عجب از مردمی که نزد کعبه به مردی اقتدا می نمایند که به کعبه پناهنده شده، و وقتی به بیداء [26] می رسند در زمین فرو می روند. ما گفتیم:

مردم در راه با هم جمع می شوند (2). فرمود: بله، در بین آنها افرادی در جست و جوی حق هستند و بعضی مجبورند و عدّه ای در راه مانده اند، اما همگی یکباره هلاک می گردند، ولی به صورت های مختلف بیرون می آیند و خداوند آنها را بر حسب تیتشان محشور می فرماید». (3)

(426) مصتّف ابن ابی شیبیه: فضل بن دکین، سفیان، سلمه بن کهیل، ابو ادريس مرهبي، مسلم بن صفوان، صفيّة: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«افرادی از حمله به کعبه دست برنمی دارند تا آنگاه که سپاهی برای حمله به آن حرکت می کنند. وقتی به بیداء [26] می رسند زمین از اول تا آخر آنها را فرو می برد. 3.

ص: 192

1- . الفتن: 90. كنز العمّال 11:277، ح 31512. صحیح مسلم 4:2210، ب 52، ح 7. جامع الاصول 10:179، ب 8، ح 6877. تذکره القرطبی 2:698.

2- یعنی بطور اتفاقی هم سفر می شوند.

3- . صحیح مسلم 4:2210، ب 52، ح 2884. الفائق للزمخشری 1:114. جامع الاصول 10:177، ب 8، ح 6873. عقد الدرر: 67، ب 4، ف 2. الجامع الصغیر 2:187، ح 5675. تاریخ البخاری 5:118، ح 353. سنن ابن ماجه 2:1350، ب 30، ح 4063.

راوی گوید: گفتم: ممکن است در بین آنها افرادی به اجبار آمده باشند! فرمود:

خداوند هر کدام از آنها را بر حسب نیت درونی اش محشور می فرماید». (1)

روایات شیعه:

(427) دلائل الامامه: ابو عبدالله حسین بن عبدالله، ابو علی حسن بن محمد نهاوندی، علی بن محمد بن نهید حصینی، ابو علی شهریار، ابراهیم بن عبدالرحمن، جعفر بن قرم، هارون بن حماد، مقاتل، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای علی، ده نشانه قبل از قیامت پیدا شود... خسف در بیداء [26]، و مردی از ما اهل بیت که بین زمزم و مقام با او بیعت کنند...». (2)

(428) غیبه النعمانی: علی بن حسین، محمد بن یحیی عطار، محمد بن حسن رازی، محمد بن علی کوفی، عبدالله بن جبله، علی بن ابی حمزه، ابو بصیر: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، خروج قائم علیه السلام کی است؟ فرمود:

«ای ابو محمد،... پیش از قیام او... خسفی [40] در بیداء [26] رخ خواهد داد...». (3)

(429) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، علی بن حسن، علی بن مهزیار، حماد بن عیسی، حسین بن المختار، ابن ابی یغفور: امام صادق علیه السلام فرمود:

«از جمله علامات، سپاه خسف است...». (4)

ص: 193

1- . المصنّف 46:15، ح 19071. مسند احمد 6:336. سنن ابن ماجه 2:1351، ب 30، ح 4064. سنن الترمذی 4:478، ب 21، ح 2184. سنن النسائی 5:206 و 207. المعجم الكبير 23:206، ح 356 و 76:24، ح 198. المستدرک علی الصحیحین 4:430. جامع الاصول 10:187، ب 87، ح 6875 و: 179، ح 6876.

2- . دلائل الامامه: 248.

3- . الغیبه 289، ب 16، ح 6. بحار الانوار 52:119، ب 21، ح 48. بشاره الاسلام: 150، ب 7. منتخب الاثر: 452 و 453، ف 6، ب 5، ح 3.

4- . الغیبه: 257 و 258، ب 14، ح 16. اثبات الهداه 3:736، ب 34، ف 9، ح 103. بحار الانوار 52:234، ب 25، ح 100. بشاره الاسلام: 116، ب 7. اثبات الهداه 3:570، ب 32، ف 44، ح 686. اربعون الخاتون آبادی: 182 و 183، ح 30. مستدرک الوسائل 12:335، ب 39، ح 6 و 14:354، ب 20، ح 7. کشف النوری: 222.

(430) غيبه الطوسی: احمد بن ادریس، علی بن محمد بن قتیبہ، فضل بن شاذان، ابن فضال، حماد، حسین بن المختار، ابو نصر، عامر بن وائله، امیرالمؤمنین علیہ السلام: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود:

«ده نشانه حتمی قبل از قیامت خواهد بود... خَسَفی [40] در مشرق، و خَسَفی در جزیره العرب...» (1)5.

ص: 194

1- . غيبه الطوسی: 267. الخرائج 3: 1148، ب 20، ح 57. الايقاظ من الهجعه: 311، ب 10، ح 12 و: 356، ب 10، ح 100. اثبات الهداه 3: 724، ب 34، ف 5، ح 42، و: 725، ب 34، ف 6، ح 45.

این باب شامل یازده فصل است:

فصل اول: خروج دجال پیش از قیام مهدی علیه السلام

روایات اهل سنت:

(431) عقد الدرر: جابر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که [وجود] دجال را تکذیب کند کافر است، و کسی که مهدی را تکذیب کند کافر است».(1)

(432) فرائد السمطين: ابراهيم بن محمد بن عمر بن محمد سهروردي، علي بن عبدالله بن المعين بغدادی، ابو الفضل محمد بن ناصر سلامی، حافظ ابو محمد حسن بن احمد سمرقندی، محمد بن ابی اسحاق بن یعقوب کلاباذی بخاری، محمد بن حسن بن علی، ابو عبدالله حسین بن محمد بن احمد، اسماعیل بن ابی اؤکس، مالک بن البین، محمد بن المنذر، جابر بن عبدالله:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که خروج مهدی علیه السلام را انکار کند، به رسالت محمد صلی الله علیه و آله کافر شده، کسی که نزول عیسی علیه السلام را انکار کند، کافر شده، کسی که خروج دجال را انکار کند، کافر شده».(2)

ص: 195

1- . عقد الدرر: 157، ب 7. الروض الأنف: 2: 431.

2- . فرائد السمطين 2: 334، ح 585. مقدمه ابن خلدون: 347، ف 53. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 83. برهان المتقی: 170، ف 12، ح 2. ینایع المودّه: 447، ب 78.

(433) امالی شجرى: عبدالرحمن بن ابى العباس مالکى، احمد بن ابراهيم بن جامع، على بن عبدالعزيز، مسلم بن ابراهيم، حسن بن ابى جعفر، على بن زید، سعيد بن مسیب: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

«اهل بيت من مانند کشتى نوح هستند، کسى که به آن کشتى سوار شود رهاى يابد و کسى که از آن کناره گیرى کند غرق شود و پايين رود، و هر کس در آخر الزمان با ما بجنگد، گویى یکى از سپاهيان دجال است(1)». (2)

روایات شیعه:

(434) عیون اخبار الرضا علیه السلام: ابو عبدالله حسین بن محمد اشنانى، على بن محمد بن مہرويه قزوینى، داود بن سلیمان فراء، على بن موسی الرضا علیه السلام، موسی بن جعفر علیه السلام، جعفر بن محمد علیه السلام، محمد بن على علیه السلام، على بن حسین علیه السلام، حسین بن على علیه السلام، على بن ابى طالب علیه السلام:

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

«کسى که در آخر الزمان با ما بجنگد، مثل این است که همراه دجال با ما جنگیده». (3)

فصل دوم: اولین محلّ خروج دجال

روایات اهل سنت:

(435) فتن ابن حمّاد: یزید بن هارون، سعید، قتاده، ابن مسیب، ابو بکر:

«دجال از خراسان خروج می کند». (4)

(436) فتن ابن حمّاد: على بن عاصم، یحیی ابو زکریا، قتاده، سعید بن مسیب، ابو بکر:

ص: 196

1- «و من قاتلنا فی آخر الزمان فکأثما قاتل مع الدجال».

2- .الأمالی الشجرية 1:151.

3- .عیون أخبار الرضا علیه السلام 2:47، ب 31، ح 181. بحار الانوار 27:205، ب 8، ح 11.

4- .الفتن: 149 و 150. مصنف ابن ابی شیبہ 15:145، ح 19345. مسند احمد 1:4، ح 7.

«دَجّال از بخش یهودی نشینِ مرو خروج می کند».(1)

(437) معجم طبرانی: محمّد بن حیاة جوهری اهوازی، محمّد بن منصور نحوی اهوازی، ابو همام محمّد بن زبرقان، یونس بن عبید، حسن، عمران بن حصین: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دَجّال از جانب اصفهان خروج می کند».(2)

(438) معجم طبرانی: عامر بن احمد شونیزی فرائضی اصفهانی، عبدالله بن محمّد بن نعمان، محمّد بن سعید بن سابق، عمرو بن ابی قیس، مطرف بن طریف، شعبی، بلال بن ابی برده به نقل از پدرش روایت کرد: پیامبر صلی الله علیه و آله از دَجّال سخن گفت و فرمود:

«از اینجا می آید، نه! از اینجا».

و به سمت مشرق اشاره فرمود.(3)

روایات شیعه:

(439) کمال الدین: محمّد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن معاذ، قیس بن حفص، یونس بن ارقم، ابوسیّار شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبره:

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای فرمود:

«... (دَجّال) از شهری که آن را «اصفهان» می گویند و قریه ای که معروف به «یهودیه» است بیرون می آید».(4)

(440) بصائر الدرجات: معاویه بن حکیم، شعیب بن غزوان به نقل از شخصی:

شخصی از اهل بلخ [24] خدمت امام باقر علیه السلام آمد. حضرت به او فرمود:

«خراسانی! فلان بیابان را می شناسی؟»

گفت: آری. فرمود: 1.

ص: 197

1- . الفتن: 149. کنز العمال 14: 599، ح 39684.

2- . المعجم الكبير 18: 155، ح 338 و 339. مجمع الزوائد 7: 339. کنز العمال 14: 27، ح 38823.

3- . المعجم الصغير 1: 260. المستدرک علی الصحیحین 4: 528. کشف الهمی 4: 136، ح 3383. مجمع الزوائد 7: 348. مصنّف عبدالرزاق 11: 396، ح 20830 و: 395، ح 20829.

4- . کمال الدین 2: 525-528، ب 47، ح 1.

در آن بیابان شکافی با چنین مشخصاتی سراغ داری؟

گفت: آری. فرمود:

از همان شکاف دَجّال خروج می کند». (1)

(441) کمال الدین: حسین بن احمد بن ادريس به نقل از پدرش، ابو سعید سهل بن زیاد ادمی رازی، محمد بن آدم شیبانی به نقل از پدرش آدم بن ابی ایاس، مبارک بن فضاله، وهب بن منبه رفعه الی ابن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی طولانی فرمود:

«... و ظهور دَجّال که از سیستان در مشرق خروج می کند». (2)

فصل سوم: اسم دَجّال

روایات اهل سنت:

(442) فتن ابن حمّاد: ولید، حنظلّه، سالم به نقل از پدرش روایت کرد:

«[دَجّال] همان ابن صائد است که در مدینه متولد شده». (3)

روایات شیعه:

(443) کمال الدین: محمد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن معاذ، قیس بن حفص، یونس بن ارقم، ابو سیّار شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبره:

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام برای ما خطبه می خوانند... اصیغ بن نباته برخاست و گفت: امیر مؤمنان! دَجّال کیست؟ فرمود:

«دَجّال صائد بن صید است...». (4)

ص: 198

-
- 1- بصائر الدرجات: 141، ب 11، ح 7.
 - 2- کمال الدین 1: 250-251، ب 23. المحتضر: 141. بحار الانوار 26: 189، ب 13، ح 27 و 51: 68، ب 1، ح 11، و 52: 190، ب 25، ح 19 و: 276 ب 25، ح 1720.
 - 3- الفتن: 149. صحیح البخاری 9: 133. صحیح مسلم 4: 2243، ب 19، ح 2929. سنن ابی داود 4: 120، ح 4330.
 - 4- کمال الدین 2: 525-528، ب 47، ح 1.

روایات اهل سنت:

(444) مسند طیالسی: شعبه، قتاده، انس: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«همه پیامبران امتشان را از یک چشم (1) دروغگویم دادند، آری او یک چشم است و خدای تبارک و تعالی یک چشم نیست، بین دو چشم او نوشته: کافر، که هر مؤمنی می تواند آن را بخواند». (2)

(445) مسند طیالسی: یونس، ابو داود، الحشرج بن نباته، سعید بن جمهان، سفینه مولی [105] رسول الله صلی الله علیه و آله: رسول خدا در خطبه ای فرمود:

«هیچ پیامبری نیامد مگر اینکه امت خود را از دجال بیم داد، چشم چپ او نایینا و در چشم راستش لکّه غلیظی است، بین دو چشمش نوشته: کافر، یعنی نوشته: کاف، فاء، راء...». (3)

روایات اهل سنت:

(446) شرح ابن میثم: علی علیه السلام بعد از فتح بصره در آن شهر خطبه ای ایراد فرمود، ایشان بعد از حمد و ثنای خداوند و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و استغفار برای مؤمنین و مسلمین فرمود:

«دجال اکبر یک چشمی است، چشم راستش بسته و در چشم دیگرش چیزی است که گویی آمیخته به خون شده و مثل یک تکه گوشت سرخ از

ص: 199

1- الأعرور: یک چشم، کسی که انحراف دید دارد.

2- . مسند طیالسی: 265، ح 1963 و: 360، ح 3226. مصنف عبدالرزاق 390:11، ح 208220. فتن ابن حنّاد: 146. مصنف ابن ابی شیبّه 128:15، ح 19301. مسند احمد 176:1 و 33:2 و 124 و 131 و 139. صحیح البخاری 4:163.

3- . مسند طیالسی: 150، ح 1106. مصنف ابن ابی شیبّه 137:15، ح 19325. مسند احمد 5:221. المعجم الكبير 7:98، ح 6445. فتن ابن کثیر 1:123. مجمع الزوائد 7:340. کنز العمال 14:311، ح 38787.

حدقه برآمده بمانند یک دانه انگور بر روی آب». (1)

(447) کمال الدین: محمد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن معاذ، قیس بن حفص، یونس بن ارقم، ابو سیار شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبره:

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام برای ما خطبه خواند و در وصف دجال فرمود:

«چشم راستش بسته است، و چشم دیگرش در پیشانی او مانند ستاره صبح می درخشد، چیزی در چشم اوست که گویی به خون آمیخته، در پیشانیش نوشته شده: «کافر»، که هر شخص باسواد و بی سواد آن را می خواند». (2)

فصل پنجم: وارد نشدن دجال به مکه و مدینه

روایات اهل سنت:

(448) مسند احمد: عثمان بن عمر، اسامه بن زید، ابو عبدالله قراط، سعد بن مالک و ابو هریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... فرشتگان مدینه را احاطه کرده اند، بر سر هر یک از راه های آن، دو فرشته گمارده شده که مانع ورود طاعون و دجال باشند». (3)

(449) مسند احمد: یزید، شعبه، قتاده، انس: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«دجال به سمت مدینه می آید، ولی می بیند که فرشتگان نگهبان آند، و ان شاء الله نه دجال وارد مدینه می شود، نه طاعون». (4)

ص: 200

1- شرح نهج البلاغه 3:16، خ 99. بحار الانوار 32:253، ب 4، ح 199.

2- کمال الدین 2:528-525، ب 47، ح 1. الخرائج 3:1133، ب 20، ح 53. اثبات الهداه 3:522، ب 32، ف 17، ح 407. الايقاظ من الهجعه: 322، ب 10، ح 31.

3- مسند احمد 1:183 و 201. صحيح مسلم 2:1007، ب 89، ح 1386. مسند ابی یعلیٰ 2:129، ح 804. دلائل النبوه 2:570.

4- مسند احمد 3:123 و 202، و: 206. سنن الترمذی 4:514، ح 2242. الفردوس 4:226، ح 6680. جامع الاصول 10:205، ح 6935.

(450) فقیه: روایت شده که امام صادق علیه السلام سخن از دجال به میان آورد، پس فرمود:

«هیچ دشتی از آن (زمین) باقی نمی ماند مگر اینکه آن را زیر پا می گذارد، مگر مگه و مدینه، زیرا بر سر هر یک از راه های این دو شهر فرشته ای گمارده شده که مانع ورود طاعون و دجال هستند»⁽¹⁾.

فصل ششم: سر نوشت دجال

روایات اهل سنت:

(451) مسند احمد: سلیمان بن داود، حرب بن شداد، یحیی بن ابی کثیر، حضر می بن لاحق، ذکوان ابو صالح، عایشه: در حال گریه بودم که پیامبر صلی الله علیه و آله نزد من آمد. فرمود: چرا گریه می کنی؟ گفتم: یادم به دجال افتاد گریه ام آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... عیسی علیه السلام نازل می شود و او را می کشد»⁽²⁾.

(452) صحیح مسلم: محمد بن مهران رازی، ولید بن مسلم، عبدالرحمن بن یزید بن جابر، یحیی بن جابر طائی، عبدالرحمن بن جبیر به نقل از پدرش جبیر بن نفیر، نوّاس بن سمرعان: یک روز صبح که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دجال سخن می گفت، هم او را تحقیر کرد و هم از او تمجید نمود، به طوری که ما پنداشتیم او در ناحیه نخل⁽³⁾ است. وقتی خدمت آن حضرت رسیدیم متوجه این برداشت ما شد و فرمود: چه کار دارید؟

گفتم: ای رسول خدا، شما صبحگاه از دجال سخن گفتید و چنان او را تحقیر و تمجید نمودید که ما پنداشتیم او در ناحیه نخل است. فرمود:

ص: 201

1- من لایحضره الفقیه 2: 564، ح 3156. وسائل الشیعه 10: 272، ب 9، ح 4.

2- مسند احمد 6: 75.

3- «... فحفض فیہ ورفع حتی ظنناه فی طائفه النخل». پی به مقصود از این جمله نبردیم و در کتب شروح هم توضیحی درباره آن نیافتیم. ترجمه به «ناحیه نخل» با استفاده از شرحی که مبارکفوری در «تحفه الاحوذی 6: 413» آورده می باشد.

«... در همین حال خداوند عیسی بن مریم علیه السلام را می فرستد. او نازل می گردد... و دجال را می کُشد. آنگاه قومی که خداوند از دجال حفظشان کرده بود نزد عیسی علیه السلام می آیند...» (1).

روایات شیعه:

(453) کمال الدین: حسین بن احمد بن ادریس به نقل از پدرش، محمد بن حسین بن یزید زیات، حسن بن موسی الخشاب، ابن سماعه، علی بن حسن بن رباط به نقل از پدرش، مفضل بن عمر: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«... قائم همان است که بعد از غیبت خود قیام می کند و دجال را می کُشد» (2).

(454) منتخب الاثر: حضرت امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام فرمودند:

«مهدی همان است که دجال را می کُشد» (3).

(455) تفسیر فرات: جعفر بن محمد الفزاری با ذکر سند: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«... زمانی می آید که مردم نمی دانند توحید چیست! تا آنگاه که دجال خروج کند و عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان پایین آید و خداوند دجال را به دست او بکشد» (4).

(456) کمال الدین: محمد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن معاذ، قیس بن حفص، یونس بن ارقم، ابوسیار شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبره: علی بن ابی طالب علیه السلام بر منبر بود و خطبه می خواند، و پس از سخنانی در مورد دجال فرمود:

«... خداوند او (دجال) را در شام بر سر گردنه ای به نام «افیق» خواهد داد».

ص: 202

-
- 1- صحیح مسلم 4:2250، ب 20، ح 12937.
 - 2- کمال الدین 2:335، ب 33، ح 7. اعلام الوری: 385، ف 2. اثبات الهداه 1:517، ب 9، ف 6، ح 254. بحار الانوار 15:23، ب 1، ح 40 و 15:25، ب 1، ح 29 و 144:51، ب 6، ح 8. منتخب الاثر: 48، ف 7، ب 9، ح 1.
 - 3- منتخب الاثر: 172، ف 2، ب 1، ح 96.
 - 4- تفسیر فرات الکوفی: 44.

کشت. قتل او هنگامی که سه ساعت از روز جمعه گذشته، توسط کسی خواهد بود که عیسی علیه السلام پشت سرش نماز می خواند»⁽¹⁾.

فصل هفتم: قتل دجال در قدس

روایات اهل سنت:

(457) فتن ابن حمّاد: نعیم، ضمیره بن ربیعہ، یحیی بن ابی عمرو شیبانی، عمرو بن عبداللہ حضرمی، ابو امامہ باہلی: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ ضمن حدیثی درباره دجال فرمود:

«... می گوید: در را بکشاید! در را باز می کنند. آن روز با دجال هفتاد هزار یهودی خواهد بود که همه آنها دارای اسلحه و شمشیر زینت شده هستند، وقتی دجال به عیسی علیه السلام نظر می کند (از ترس یا خجالت) آب می شود، آن چنان که قلع و سرب [در آتش] ذوب گردد یا آنچنان که نمک در آب. آنگاه فرار می کند و عیسی علیه السلام می گوید: من باید ضربه ای به تو بزنم که از آن جان سالم به در نبری، و او را گرفته، به قتل می رساند»⁽²⁾.

(458) فتن ابن حمّاد: سوید بن عبدالعزیز، اسحاق بن ابی فروه، ابن سابور، مکحول، حذیفه بن یمان: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ ضمن حدیثی درباره دجال فرمود:

«خدای تعالی عیسی بن مریم علیهما السلام را در پی دجال به بیت المقدس می فرستد و او را می کشد»⁽³⁾.

(459) مسند طیالسی: یونس، ابو داود، زمعه بن صالح، زهری، عبیداللہ بن عبداللہ بن ثعلبہ، عبدالرحمن بن یزید بن جاریه به نقل از عمویش: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود:

«عیسی علیه السلام دجال را نزد دروازه «لد» فلسطین به قتل می رساند»⁽⁴⁾.

ص: 203

-
- 1- . کمال الدین 2: 525-528، ب 47، ح 1. بحار الانوار 14: 348 و 349، ب 24، ح 10.
 - 2- . الفتن: 159. سنن ابن ماجه 2: 1359، ح 4077. مسند احمد 6: 462. صحیح مسلم 4: 2266، ب 20، ح 2945. سنن ابی داود 4: 177، ح 4321 و 4322. سنن الترمذی 5: 724، ب 70، ح 3930.
 - 3- . الفتن: 160.
 - 4- . مسند طیالسی: 264، ح 1956.

(460) اثبات الهداه: ابو الحسن علی بن عبداللّه به نقل از پدرش، یعقوب جریمی، ابو حبیب هروری، عبداللّه بن عبدالرزاق به نقل از پدرش و او نیز از پدرش، ابو سعید خدری، جابر بن عبداللّه انصاری: امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه ای طولانی ایراد فرمود که در آن نشانه های آخرالزمان و اخباری از غیب مثل حکومت بنی امیّه و بنی عبّاس و احوال دجّال و سفیانی ذکر نمود، تا اینکه فرمود:

«... آنها (عیسی و مهدی علیهما السلام) با هم حرکت می کنند تا اینکه به بیت المقدس می رسند...»

آنگاه به جنگ بین آنها و دجّال و اینکه آنها همه لشکر دجّال را هلاک می کنند اشاره فرمود. (1)

فصل هشتم: قتل دجّال بعد از نماز

روایات اهل سنت:

(461) مصتّف ابن ابی شیبّه: أسود بن عامر، حمّاد بن سلّمه، علی بن زید، ابو نصره، عثمان بن ابی العاص: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«... دجّال بیرون می آید... عیسی علیه السلام هنگام نماز صبح نازل می شود. امیر مردم به او می گوید: ای روح اللّه جلو بایستید تا به شما اقتدا کنیم. عیسی علیه السلام پاسخ می دهد: بعضی از شما امت [اسلام] بر بعضی دیگران امیر هستید، شما جلو بایستید تا ما اقتدا کنیم. آن امیر جلو می رود و نماز را برپا می کند.

بعد از نماز عیسی علیه السلام دشنه خود را برمی دارد و به سوی دجّال می رود.

وقتی دجّال به عیسی علیه السلام نظر می کند (از ترس یا خجالت) آب می شود آنچنان که قلع و سرب [در آتش] ذوب گردد، دشنه را به وسط سینه دجّال نشانده و او را می کشد، لشکرش نیز شکست می خورد». (2)

ص: 204

1- . اثبات الهداه 3:587، ب 32، ف 61، ح 804. مستدرک الوسائل 11:377، ب 49، ح 21. المهدی الموعود المنتظر 1:110 و

111.

2- . المصتّف 7:941.

(462) اثبات الهداه: ابو الحسن علی بن عبدالله به نقل از پدرش، یعقوب جریمی، ابو حبیب هروی، عبدالله بن عبدالرزاق به نقل از پدر خود و او نیز از پدرش، ابو سعید خدری، جابر بن عبدالله انصاری: امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه ای طولانی ایراد فرمود که در آن نشانه های آخرالزمان و خبرهای زیادی از غیب مثل حکومت بنی امیه و بنی عباس و احوال دجال و سفیانی ذکر نمود، تا اینکه فرمود:

«... (مهدی) رو به قبله جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز می خواند، بعد با هم حرکت می کنند تا به بیت المقدس می رسند.

آنگاه به جنگ بین آنها و دجال و اینکه آنها همه لشکر دجال را هلاک می کنند اشاره فرمود. (1)

فصل نهم: برخی حیلہ گریها و حالات دجال

روایات اهل سنت:

(463) فتن ابن حماد: نعیم، ابو عمر، ابن لهیعه، عبدالوهاب بن حسین، محمد بن ثابت به نقل از پدرش، حارث، عبدالله: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ذکر بعضی احوال دجال فرمود:

«فاصله بین دو گوشِ الاغِ دجالِ چهل ذراع، و هر گام الاغش به اندازه سه روز راه است، او سوار بر الاغ خود وارد دریا می شود، چنان که هر کدام از شما سوار بر اسب وارد جوی آبی شود. دجال می گوید: من پروردگار جهانیان هستم، خورشید به اذن من حرکت می کند، می خواهید آن را از حرکت باز دارم؟! آنگاه خورشید را باز می دارد به طوری که یک روز، به مدت یک ماه طول می کشد. بعد می گوید: می خواهید آن را برایتان حرکت دهم؟! می گویند: آری. آنگاه یک روز را یک ساعت می کند. زنی نزد او می آید و می گوید: پروردگارا، پسر و همسر مرا زنده نما! پس

ص: 205

1- . اثبات الهداه 3:587، ب 32، ف 61، ح 804. مستدرک الوسائل 11:377، ب 49، ح 21. الشیعه والرجعه 1:176 و 177. المهدي الموعود المنتظر 1:110 و 111.

[شیطانی به صورت فرزندش و شیطانی به صورت شوهرش ظاهر گردد که] آن زن شیطانی را [به جای پسرش] در آغوش می کشد و با شیطانی [بجای شوهرش] آمیزش می کند. خانه هایشان پر از شیاطین می شود.

اعراب دامدار نزد دجال می آیند و می گویند: گوسفندها و شترهای ما را زنده گردان! او شیطان هایی به صورت گوسفند و شتر به آنها می دهد که هم سن و یک شکل هستند، به همان حالی که هنگام هلاک شدن بوده اند و با چربی های فراوان. اعراب می گویند: اگر این پروردگار ما نبود شترها و گوسفندانِ مرده مان را زنده نمی کرد.

با او کوهی از گوشت و آبگوشت داغ است که خنک نشود، و رودی روان و کوهی از باغ ها و سبزه زاران، و کوهی از آتش و دود. می گوید: این بهشت من و این هم آتش من است، و این طعام و شراب من است. در این میان «یسع» مردم را بیم می دهد و می گوید: این مسیحِ دروغین است! از او دوری کنید! لعنت خداوند بر او باد!

خداوند چنان سرعت و سبکی به یسع می دهد که دجال به او نمی رسد.

هرگاه دجال بگوید: من پروردگار جهانیان هستم، مردم می گویند: دروغ می گویی! یسع هم می گوید: حق با مردم است، تو دروغگویی.

چون یسع به مکه رود، با مخلوق عظیمی روبرو می شود و به او می گوید:

تو کیستی؟ دجال نزد تو نیامد؟

پاسخ می دهد: من میکائیل هستم، خداوند مرا فرستاده تا نگذارم او وارد حرم خداوند شود.

به مدینه که می رسد باز با مخلوق عظیمی روبرو می شود. به او می گوید:

تو کیستی؟ دجال نزد تو نیامد؟

پاسخ می دهد: من جبرئیل هستم، خداوند مرا فرستاده تا نگذارم دجال وارد حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله گردد.

وقتی دجال به مکه می رسد، با دیدن میکائیل علیه السلام فرار می کند، وارد حرم نمی شود و فریادی می کشد که در اثر آن هر زن و مرد منافقی دنبال او از

مکه خارج می شوند. آنگاه به مدینه می رود، ولی آنجا هم با دیدن جبرئیل علیه السلام پا به فرار می گذارد و فریادی می کشد، که در اثر آن، همه زنان و مردان منافق از مدینه خارج می گردند. آن بیم دهنده نزد جماعتی می آید که خداوند قسطنطنیه را به دستشان فتح نمود. مسلمانانی که در بیت المقدس به آنها پیوسته اند می گویند: این دجال است که نزد شما آمده.

و به بیم دهنده می گویند: بنشین، ما می خواهیم با دجال نبرد کنیم.

می گوید: می خواهم بروم تا خبر خروج او را به مردم برسانم.

هنگامی که باز می گردد، دجال به او می رسد و می گوید: این کسی است که گمان می کند من بر وی غلبه نمی کنم، او را به بدترین شکل بکشید!

او را با اژه قطعه قطعه می کنند. آنگاه می گوید: اگر او را برایتان زنده کنم، یقین می کنید که من پروردگارتان هستم؟

پاسخ می دهند: ما اکنون هم تو را پروردگار خود می دانیم، و دوست داریم یقینمان افزون شود.

دجال می گوید: آری. پس آن مقتول به اذن خدا بلند می شود، اما غیر از او خداوند اذن نمی دهد که دجال کس دیگری را زنده کند.

دجال می گوید: آیا من تو را نکشتم و زنده گردانیدم؟ بنابراین من پروردگار توام.

او می گوید: اکنون یقینم بیشتر شد، من کسی هستم که رسول خدا صلی الله علیه و آله بشارت داد که تو مرا می کُشی و آنگاه به اذن خداوند زنده می شوم. خداوند هیچ کس را غیر از من برای تو زنده نمی کند.

پس [خداوند] پوست بدن بیم دهنده (نذیر) را با ورق هایی مسی می پوشاند که هیچ کدام از سلاح های آنها در او اثر نمی کند، هر شمشیر و چاقو و سنگی که به او می خورد به او اصابت نکرده و در وی کارگر نمی افتد.

دجال می گوید: او را در آتشم بیندازید. خداوند هم سبزه ها و باغ های آن کوه را به طرف «نذیر» می گرداند، و همین موجب تردید مردم در مورد وی

می شود. بنابراین به بیت المقدس می رود و هنگامی که به گردنه افیق رسد سایه خود را بر مسلمانان می افکند. آنها هم اسلحه های خود را برای جنگ با دجال آماده می کنند، اما قوی ترین مسلمانان در آن روز زانو می زنند یا از گرسنگی و ضعف می نشینند. در همین حال ندایی می شنوند که می گوید:

ای مردم، فریادرس شما آمد!»، (1)

روایات شیعه:

(464) کمال الدین: محمد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن معاذ، قیس بن حفص، یونس بن ارقم، ابو سیار شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبره:

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن خطبه ای در مورد دجال و کارهای او فرمود:

«... در دریاها فرو می رود، آفتاب با او حرکت می کند، در مقابلش کوهی از دود، و پشت سرش کوه سفیدی است که مردم آن را خوراکی می پندارند، در قحطی شدید سوار بر الاغ سفیدی که فاصله هر گامش یک میل است خروج می کند، زمین منزل به منزل در زیر پایش درنور دیده شود، بر هر آبی بگذرد تا روز قیامت خشک می شود، و با صدای بلندی که جن و انس و شیاطین در شرق و غرب عالم آن را می شنوند می گوید:

ای دوستان من، بیاید! منم آن که آفرید و آراست، و تقدیر کرد و هدایت نمود، منم پروردگار اعلاّی شما.

اما او دشمن خداست و دروغ می گوید، او یک چشمی است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود...»، (2) 1.

ص: 208

-
- 1- . الفتن: 152 و 153. مصنف ابن ابی شیبه 146:15، ح 19348 و: 161، ح 19381. الحاوی للفتاوی 89:2. الدر المنثور 3:61 و 355:5. برهان المتقی: 194، ح 6.
- 2- . کمال الدین 2:525-528، ب 47، ح 1.

فصل دهم: ویژگی های پیروان دجال

روایات اهل سنت:

(465) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد دجال فرمودند:

«بیشتر پیروان او حرامزاده هستند».(1)

(466) فتن ابن حمّاد: وکیع، سفیان، واصل الأحدب، ابو وائل:

«بیشتر پیروان دجال یهود و فرزندان فاحشه ها هستند».(2)

(467) مسند احمد: محمّد بن مصعب، اوزاعی، ربیع بن عبدالرحمن، انس بن مالک:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«دجال همراه با هفتاد هزار یهودی تاج به سر، از یهودیه اصفهان خروج می کند».(3)

(468) مصنف عبدالرزاق: معمر، یحیی بن ابی کثیر: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«بیشتر پیروان دجال یهودیان اصفهان هستند».(4)

روایات شیعه:

(469) کمال الدین: محمّد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن معاذ، قیس بن حفص، یونس بن ارقم، ابوسیار

شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبره:

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای فرمود:

«... بیشتر پیروان دجال حرامزاده هستند، و طیلسان سبز می پوشند...».(5)

ص: 209

1- . عقد الدرر: 274.

2- . الفتن: 154. مصنف ابن ابی شیبه 15:159، ح 19373. النهایه 4:373. الدرّ المنثور 5:354.

3- . مسند احمد 3:224. کنز العمال 14:326، ح 3882.

4- . المصنف 11:393، ح 20826. فتن ابن حمّاد: 154 و 156. صحیح مسلم 4:2266، ب 25، ح 2944. عقد الدرر: 265، ب

12، ف 12. شرح المقاصد 1:308. کنز العمال 14:304، ح 38772.

5- . کمال الدین 2:525-528، ب 47، ح 1. بحار الانوار 14:348، ب 24، ح 10.

روایات اهل سنت:

(470) فتن ابن حمّاد: نعیم، ابو عمر، ابن لهیعه، عبدالوهاب بن حسین، محمد بن ثابت به نقل از پدرش، حارث، عبدالله: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«موقعی که عیسی بن مریم علیه السلام نازل گردد و دجال را بکشد مردم به بهره‌هایی می‌رسند، و شبِ طلوع خورشید از مغرب را احیا می‌گیرند، و تا چهل سال بعد از خروج دابّه (جنبنده) [از نعمت‌ها] بهره‌مند هستند(1)، در آن زمان کسی نمی‌میرد و کسی مریض نخواهد شد. هر کس به گوسفندان و حیوانات خود می‌گوید: بروید و در فلان مکان بچرید و در فلان ساعت بازآید. حیواناتی که از بین دو مزرعه عبور می‌کنند از یک خوشه آنها هم نخورده و یک چوب را هم با سُمشان نمی‌شکنند! مار و عقرب‌ها آشکارند و به کسی آسیب نمی‌رسانند و کسی هم مزاحم آنها نمی‌شود. حیوانات درنده در خانه‌ها می‌ایستند و غذا می‌طلبند و کسی را اذیت نمی‌کنند. یک صاع یا یک مُد گندم یا جو را که شخصی در زمین بپاشد، بدون شخم زدن و استفاده از وسائل زراعتی هفتصد مُد به دست می‌آید»(2).

(471) مصنف ابن ابی شیبّه: یزید بن هارون، علی بن مسعده، ریاح بن عبیده، یوسف بن عبدالله بن سلام (بدون اسناد به رسول خدا صلی الله علیه و آله):

«بعد از قتل دجال مردم چهل سال می‌مانند، بازارها رونق می‌گیرد و درخت‌های نخل غرس می‌شود»(3).

ص: 210

1- «اذا نزل عیسی بن مریم و قتل الدجال، تمتعوا حتی تجيء (یحیوا) ليله طلوع الشمس من مغربها، و حتی يتمتعوا بعد خروج الدابّه أربعين سنه».

2- . الفتن: 163. مصنف ابن ابی شیبّه 142:15، ح 19333. الحاوی للفتاوی 89:2. الدر المنثور 354:5. برهان المتقی: 193، ح 2.

3- . مصنف ابن ابی شیبّه 142:15، ح 19333. الحاوی للفتاوی 89:2. الدر المنثور 354:5.

این باب شامل چهار فصل است:

فصل اول: ذخیره های پیامبران را می آورد

روایات اهل سنت:

(472) فرائد السمطین: عبدالواحد بن محمد بن عبدوس عطار نیشابوری، علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری، حمدان بن سلیمان نیشابوری، محمد بن اسماعیل بن بزیع، صالح بن عقبه به نقل از پدرش: ابو جعفر محمد بن علی باقر، سید العابدین علی بن الحسین، سید الشهداء حسین بن علی، سید اوصیاء امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مهدی ذخیره پیامبران علیهم السلام را خواهد آورد»⁽¹⁾.

روایات شیعه:

(473) کمال الدین: عبدالواحد بن محمد بن عبدوس عطار نیشابوری، علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری، حمدان بن سلیمان نیشابوری، محمد بن اسماعیل بن بزیع، صالح بن عقبه به نقل از پدرش: ابو جعفر محمد بن علی باقر، سید العابدین علی بن الحسین، سید الشهداء حسین بن علی، سید اوصیاء امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

ص: 211

«مهدی... ذخیره پیامبران علیهم السلام را خواهد آورد».(1)

(474) ارشاد: امام صادق علیه السلام فرمود:

«جَفْر ابیض (سفید) [که با خروج قائم ظاهر می شود] ظرفی است که تورات موسی علیه السلام و انجیل عیسی علیه السلام و زبور داود علیه السلام و دیگر کتاب های آسمانی در آن است...».(2)

فصل دوم: پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله

روایات اهل سنت:

(475) الحاوی للفتاوی: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«رایت (علم) رسول خدا صلی الله علیه و آله با او (مهدی) است».(3)

(476) فتن ابن حمّاد: عبدالله بن مروان، هیثم بن عبدالرحمن: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«... مهدی بیرق رسول خدا صلی الله علیه و آله را با پارچه مخمل سیاه چهارگوشی بیرون می آورد، در آن بیرق سنگی است، و از موقعی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفته آن بیرق باز نشده و نخواهد شد تا زمانی که مهدی علیه السلام قیام کند».(4)

(477) فتن ابن حمّاد: سعید ابو عثمان، جابر: حضرت ابوجعفر باقر علیه السلام فرمود:

ص: 212

1- . کمال الدین 1:287، ب 25، ح 5. اعلام الوری: 399، ب 2، ف 2. اثبات الهداه 3:461، ب 32، ف 5، ح 105. غایه المرام: 695، ب 141، ح 30 و 710، ب 142، ح 23. بحار الانوار 51:72، ب 1، ح 17. ینابیع المودّه: 488، ب 94. منتخب الاثر: 249، ف 2، ب 25، ح 8.

2- . ارشاد المفید: 274. الاحتجاج 2:372.

3- . الحاوی للفتاوی 2:77. برهان المتّقی: 144، ب 6، ح 11. کنز العمّال 14:590، ح 39673.

4- . الفتن: 101. بیان الشافعی: 515 و 516، ب 19. عقد الدرر: 37، ب 3. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:73. الصواعق المحرّقه: 167، ب 11، ف 1. برهان المتّقی: 100، ب 3، ح 6. کنز العمّال 14:589، ح 39671.

«مهدی هنگام نماز عشا در حالی که رأیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را در دست دارد، خروج می کند».(1)

روایات شیعه:

(478) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، ابو عبدالله یحیی بن زکریا بن شیبان، یونس بن کلیب، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش، ابو بصیر: امام صادق علیه السلام فرمودند:

«... چون پرچم را به اهتزاز در آورد و با آن حرکت کند، همه در مشرق و مغرب آن پرچم را لعنت کنند، آن همان پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله است که جبرئیل روز جنگ بدر آورد.

بعد فرمود: ای ابا محمد، به خدا قسم آن پرچم نه از پنبه است، نه از کتان، نه از ابریشم و نه از حریر.

عرض کردم: پس از چه چیزی است؟ فرمود:

از برگ بهشتی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله روز بدر آن را برافراشت، و بعد آن را پیچید و به علی علیه السلام داد. علی علیه السلام روز بصره (جنگ جمل) آن را برافراشت و خداوند او را پیروز فرمود، او هم آن را پیچید و اکنون اینجا نزد ماست، هیچ کس آن را نخواهد گشود تا وقتی که قائم قیام کند. چون او قیام نمود آن را برافراشته می نماید، ولی همه در مشرق و مغرب آن را لعنت فرستند (یعنی از آن بیزاری می جویند) و وحشت و هراس به فاصله یک ماه پیشاپیش، یک ماه از پس، یک ماه از جانب راست و یک ماه از جانب چپ آن پرچم روانه است...».(2)1.

ص: 213

-
- 1- الفتن: 95. عقد الدرر: 145، ب 7. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 71. برهان المتقی: 141، ب 6، ح 3.
 - 2- الغیبه: 307 و 308، ب 19، ح 2. اثبات الهداه 3: 545، ب 32، ف 27، ح 533. حلیه الابرار 2: 633، ب 39. بحار الانوار 52: 367 و 368، ب 27، ح 152. بشاره الاسلام: 190 و 191، ب 1.

(479) غيبه النعماني: محمد بن همام، احمد بن مابنداذ، احمد بن هلال، محمد بن ابی عمير، ابو المغرا، ابو بصير: امام صادق عليه السلام فرمود:

«هنگامی که امیر مؤمنان با اهل بصره رو در رو شدند آن حضرت پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را گشود، که پاهای آنها لرزید (سست شدند)... روز صفین نیز از حضرت خواستند که آن پرچم را بگشاید، ایشان نپذیرفت. حسن و حسین علیهما السلام و عمار را واسطه قرار دادند، امیر مؤمنان به حسن علیه السلام فرمود:

فرزندم، برای این مردم مدتی مقرر شده است که به آن خواهند رسید (یعنی مقرر شده که مدتی از حکومت و ریاست بهره مند گردند)، و این پرچمی است که پس از من کسی بجز قائم علیه السلام آن را نخواهد گشود».(1)

(480) غيبه النعماني: محمد بن همام، جعفر بن محمد بن مالک، احمد بن میثم، عبیدالله بن موسی، عبدالاعلی بن حصین ثعلبی به نقل از پدرش روایت کرد: امام باقر علیه السلام را در حج یا عمره دیدم و عرض کردم: ستم بالا رفته و استخوانم فرسوده شده و نمی دانم که آیا [قیام] شما را می بینم یا نه؟! به من وعده ای بدهید و بفرمایید که [زمان گشایش و] فرج کی است؟ فرمود:

«آواره رانده شده تک و تنها... اوست صاحب پرچم ها و همنام پیغمبر است».(2)

(481) اثبات الهداه: سعید ابو عثمان، جابر: امام باقر علیه السلام فرمودند:

«مهدی هنگام نماز عشا با پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه ظاهر می شود».(3)1.

ص: 214

1- . الغيبة: 307، ب 19، ح 1. حلیه الابرار 2: 632، ب 39. بحار الانوار 52: 367، ب 27، ح 151.

2- . الغيبة: 178، ب 10، ف 4، ح 22.

3- . اثبات الهداه 3: 614، ب 32، ف 15، ح 151. دلائل الامامة: 261. بحار الانوار 51: 37 و 28، ب 4، ح 9، 10 و 11.

روایات اهل سنت:

(482) عقد الدرر: کعب الأحبار:

«مهدی، تورات و انجیل را از زمینی که به آن انطاکیه گویند استخراج می کند».(1)

(483) فتن ابن حمّاد: یحیی بن سعید عطار بصری، سلیمان بن عیسی:

«شنیده ام که تابوت سکینه(2) (جعبه آرامش) توسط مهدی از دریاچه طبریه [70] پیدا خواهد شد. آن را می برند و در بیت المقدس مقابل او قرار می دهند».(3)

(484) مصنف عبدالرزاق: معمر، مطر، کعب:

«مهدی، تورات و انجیل را از زمینی به نام «انطاکیه» استخراج می کند».(4)

(485) سنن دانی: عبدالرحمن بن عثمان، ابو محمد بیانی، احمد بن زهیر، هارون بن معروف، ضمیره، ابن شوذب:

«(مهدی) به یکی از کوه های شام راهنمایی می شود، اسفاری از تورات را از آنجا بیرون می آورد و به وسیله آن با یهود بحث می کند، و تعدادی از آنها توسط او مسلمان می شوند».(5)

(486) عرائس: تمیم داری: گفتم: ای رسول خدا، در نزدیکی ساحل دریا به شهری

ص: 215

1- . عقد الدرر: 3، ب 3. القول المختصر: 24، ب 3، ح 34، و: 25، ح 48.

2- . نک: بقره: 248.

3- . الفتن: 99 و 100. عقد الدرر: 147، ب 7. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 83. برهان المتقی: 157، ب 8، ح 8.

4- . مصنف عبدالرزاق 11: 372، ح 20772. فتن ابن حمّاد: 98.

5- . السنن الواردة فی الفتن: 101. عقد الدرر: 40، ب 3. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 75 و 81. برهان المتقی: 187، ب 8، ح 7 و

10. فرائد فوائد الفکر: 5، ب 2.

رسیدم که چنین و چنان بود. آن حضرت فرمود:

«آن شهر انطاکیه است، و تگه های شکسته الواح موسی علیه السلام در یکی از غارهای آن قرار دارد، هر ابری از شرق یا غرب بر آن بگذرد از برکاتش بر آنجا می بارد، دنیا به آخر نمی رسد تا مردی از اهل بیتم در آنجا ساکن شود و همان طور که پر از ظلم و ستم شده آن را پر از عدالت و مساوات نماید».(1)

(487) فتن ابن حمّاد: ولید، ابو عبدالله مولى [105] بنی امیّه، محمّد بن الحنفیّه:

«مهدی علیه السلام... به سمت رومیه حرکت کرده و آنجا را فتح می نماید و گنجهای آن و سفره حضرت سلیمان بن داود علیه السلام را بیرون می آورد، آنگاه به بیت المقدس بازمی گردد و در آنجا پیاده می شود».(2)

روایات شیعه:

(488) دلائل الامامه: ابو الحسین محمّد بن هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابو علی حسن بن محمّد نهاوندی، ابو محمّد عبدالکریم، ابو اسحاق ثقفی، محمّد بن سلیمان نخعی، سری بن عبدالله، محمّد بن علی سلمی: حضرت امام ابو جعفر محمّد باقر علیه السلام فرمود:

«... و یک نفر سوار که [به امر مهدی] تورات را از بیابانی در انطاکیه بیرون می آورد و حکم سلیمان علیه السلام را به او می دهند».(3)

(489) بصائر الدرجات: سلمه بن الخطاب، عبدالله بن محمّد، منیع بن حجّاج بصری، مجاشع، معلی، محمّد بن الفیض: امام محمّد باقر علیه السلام فرمودند:

«عصای موسی علیه السلام مالِ آدم علیه السلام بود، که به شعیب علیه السلام رسید و پس از وی در اختیار موسی بن عمران علیه السلام قرار گرفت، آن عصا اکنون نزد ماست و اندکی 2.

ص: 216

1- . عرائس المجالس: 118. تاریخ بغداد للخطیب 471:9، رقم 1501. عقد الدرر: 218، ب 9، ف 3. تذکره الحفاظ 2:765. ینابیع المودّه: 492، ب 94.

2- . الفتن: 110. عقد الدرر: 241، ب 11.

3- . دلائل الامامه: 249. الخرائج 2:862، ب 20، ح 78. اثبات الهداه 3:573، ب 32، ف 48، ح 711 و: 584، ب 32، ف 59، ح 786. حلیه الابرار 2:556، ب 14. بحار الانوار 52:390، ب 27، ح 212.

پیش آن را بازدید کردم، چوبش تازه و سبز است، مثل همان موقعی که از درخت جدا گردیده، وقتی از آن سؤال شود سخن می گوید، و برای قائم ما آماده شده تا آنچه موسی علیه السلام با آن انجام داد ایشان انجام دهد، هراس آور است و [ساخته های نیرنگی جادوگران را] می بلعد...» (1).

(490) علل الشرائع: پدرم به نقل از سعد بن عبدالله، حسن بن علی کوفی، عبدالله بن مغیره، سفیان بن عبدالمؤمن انصاری، عمرو بن شمر، جابر: شخصی خدمت امام محمد باقر علیه السلام رسید و من نیز حاضر بودم. عرض کرد: ... آن حضرت فرمود:

«مهدی، تورات و دیگر کتاب های آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد...» (2).

(491) حلیه الأبرار: فاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی فرمودند:

«خداوند [إِزْم ذات العِماد] و قصری را که سلیمان بن داود علیه السلام قبل از وفاتش ساخت برای او (مهدی) ظاهر می فرماید، مهدی اموال آنها را برداشته و بین مسلمانان تقسیم می کند، و خداوند جعبه ای را که دستور داد ارمیا علیه السلام به دریای طبریه [70] بیندازد بیرون می آورد، در آن جعبه بقیه اموال آل موسی علیه السلام و آل هارون علیه السلام (3) و تکه های شکسته لوح، عصای موسی علیه السلام، قبای هارون علیه السلام، ده صاع [67] از «مَنْ» و تگه هایی از «سَلوی» که بنی اسرائیل برای بعد از خودشان ذخیره کرده بودند هست، (مهدی) با آن جعبه مثل دیگران که قبل از او بودند شهرها را فتح می کند» (4) 8.

ص: 217

1- بصائر الدرجات: 183، ب 4، ح 36. الکافی 1: 231، ح 1.

2- علل الشرائع: 161، ب 129، ح 3. اثبات الهداه 3: 497، ب 32، ف 10، ح 268 و: 540، ب 32، ف 27، ح 507. حلیه الأبرار 556: 2، ب 14. بحار الانوار 29: 51، ب 2، ح 2 و 350: 52 و 351، ب 27، ح 103. منتخب الاثر: 310، ف 2، ب 45، ح 1.

3- نک: بقره: 248.

4- حلیه الأبرار 2: 620، ب 34 و: 692، ب 54. غایه المرام: 697، ب 141، ح 38.

روایات اهل سنت:

(492) فتن ابن حمّاد: سعید ابو عثمان، جابر: امام باقر علیه السلام فرمودند:

«مهدی هنگام نماز عشا با پرچم و پیراهن و شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه ظاهر می شود».(1)

روایات شیعه:

(493) اصول سته عشر: هارون بن موسی بن احمد بن ابراهیم تلّعبری، محمد بن همام، حمید بن زیاد دهقان، ابو جعفر احمد بن زیاد بن جعفر ازدی بزّاز، محمد بن مُثَنّی بن قاسم حضرمی، جعفر بن محمد بن شریح حضرمی، ابراهیم بن جبیر، جابر جُعفی: امام محمد باقر علیه السلام به من فرمود:

«... سلاح، کلاهخود، زره و شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله با او (مهدی) است».(2)

ص: 218

-
- 1- . الفتن: 95. عقد الدرر: 145، ب 7. عرف السیوطی ضمن الحاوی 71:2. برهان المتقی: 141، ب 6، ح 3.
 - 2- . الأصول الستة عشر: 79. اثبات الهداه 3:588، ب 32، ف 63، ح 808. مستدرک الوسائل 11:38، ب 12، ح 13.

این باب شامل هفت فصل است:

فصل اول: ظهور پس از خواست مردم

روایات اهل سنت:

(494) فتن ابن حمّاد: ولید و رشدین، ابن لهیعه، ابوقبیل، ابورومان: علی علیهم السلام فرمود:

«... اهل خراسان در طلب مهدی [از شهر] خارج می شوند».(1)

(495) فتن ابن حمّاد: ولید بن مسلم، ابو عبدالله علیه السلام، عبدالکریم ابو امیّه، محمّد بن الحنفیّه:

«... و سیصد نفر از شام به سوی او (مهدی) روانه خواهند شد. از خروج او (صالح بن شعیب یا شعیب بن صالح) تا استقرار حکومت مهدی علیه السلام هفتاد و دو ماه (6 سال) طول می کشد».(2)

(496) عقد الدرر: عبدالله بن عباس:

«... از شام به سمت او حرکت می کنند تا او را (از مکه و خانه ای که نزدیک صفا است) بیرون آورند».(3)

(497) سنن دانی: ابن عقیان، قاسم، احمد بن زهیر، موسی بن اسماعیل، ابو هلال، قتاده:

ص: 219

1- . الفتن: 82. المستدرک علی الصحیحین 4: 501. عقد الدرر: 87، ب 4، ف 2. کنز العمال 11: 284، ح 31537.

2- . الفتن: 84 و 74. ملاحم ابن المنادی: 47. السنن الواردة فی الفتن: 98 و 99. عقد الدرر: 126، ب 5. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 67 و 68.

3- . عقد الدرر: 123، ب 5. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 76. الفتاوی الحدیثیه: 30. القول المختصر: 19، ب 2، ح 29. برهان المتقی: 143، ب 6، ح 7. فرائد فوائد الفکر: 9، ب 4.

«فتنه ای که در آن خون‌ها ریخته شود مردم را فرامی‌گیرد، نزد مهدی علیه السلام در خانه اش می‌روند و به او می‌گویند: [برای حکومت] بر ما قیام کن! او خودداری می‌کند، تا اینکه تهدید به قتل می‌شود، پس از این تهدید قیام نموده و به برکت او یک کاسه خون هم ریخته نمی‌شود»⁽¹⁾.

(498) فتن ابن حمّاد: سعید ابو عثمان، جابر: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«... برای بیعت با مهدی پیک به سوی او می‌فرستند، او هم لشکریان خود را به همه جا گسیل می‌دارد و ستم و ستمکاران را از بین می‌برد»⁽²⁾.

(499) فتن ابن حمّاد: ابو عمر، ابن لهیعه، عبدالوهاب بن حسین، محمد بن ثابت به نقل از پدرش، حارث، عبدالله بن مسعود:

«چون تجارتها و راه‌ها بسته و فتنه زیاد شود، هفت نفر عالم بدون قرار قبلی از جهت‌های مختلف خارج می‌شوند، با هر کدام از آنها سیصد و ده و اندی مرد بیعت می‌کنند، تا اینکه در مکه جمع می‌شوند، آن هفت عالم که به هم می‌رسند به یکدیگر می‌گویند: شما چرا آمده اید؟

پاسخ می‌دهند: در پی مردی آمده ایم که این فتنه‌ها به دست او خاموش می‌شود و قسطنطنیه [88] را فتح می‌کند، ما اسم او، پدر و مادرش و مشخصات شمایلش را می‌دانیم. آن هفت عالم که اطلاعاتشان (در مورد اسم و مشخصات) مثل هم است به طلب او می‌روند و او را در مکه می‌یابند و می‌گویند: تو فلان پسر فلان هستی؟ پاسخ می‌دهد: نه، من مردی از انصار هستم. و از دستشان می‌گریزد.

مشخصات او را برای اهل خبره و آشنایان بیان می‌کنند؛ به آنها گفته می‌شود: او همان کسی است که دنبالش هستید و او به مدینه رفت. در طلب او به مدینه می‌روند، اما او بر خلاف جهت آنها به مکه می‌آید. در مکه پی 3.

ص: 220

1- السنن الواردة فی الفتن: 95. عقد الدرر: 63، ب 4، ف 1. عرف السیوطی ضمن الحاوی 81:2. برهان المتقی: 145، ب 6، ح 12.

2- الفتن: 95. عقد الدرر: 145، ب 7. عرف السیوطی ضمن الحاوی 71:2. برهان المتقی: 141، ب 6، ح 3.

او می روند و او را می یابند و می گویند: تو فلان پسر فلان هستی، و مادرت فلان دختر فلان است، و در تو نشانه ای چنین و چنان است، یک بار از دست ما گریختی، دستت را بده با تو بیعت کنیم.

او می گوید: آن که دنبالش می گردید من نیستم، من فلان بن فلان انصاری هستم، بیاید تا شما را نزد کسی ببرم که دنبالش می گردید، و باز از دست آنها می گریزد. در پی او به مدینه می روند، اما او بر خلاف آنها به مکه می آید. در مکه کنار رکن او را می یابند و می گویند: اگر دستت را ندهی که با تو بیعت کنیم، گناه ما و خون ما گردن تو است، لشکر سفیانی به سرکردگی مردی از «جرم» در پی ما روانه شده. سرانجام بین رکن و مقام می نشیند و دستش را دراز می کند تا با او بیعت کنند». (1)

(500) عقد الدرر: ابو جعفر امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«مهدی ظاهر نمی شود تا زمانی که مردم شام به فتنه ای بیفتند که دنبال راه چاره آن می گردند اما نمی یابند». (2)

روایات شیعه:

(501) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، علی بن حسن از برادرش محمد بن حسن به نقل از پدرش، احمد بن عمر حلبی، حسین بن موسی، معمر بن یحیی بن سام، ابو خالد کابلی: امام باقر علیه السلام فرمود:

«گویی قومی را می بینم که از مشرق خروج کرده و خواستار حقّند ولی به آنان داده نمی شود، دوباره خواستار حقّشان شوند و به آنان ندهند، چون چنین می بینند شمشیرها را بر دوش گیرند، این وقت حقّشان را می دهند، ولی آنان نپذیرند تا آنکه قیام کنند و آن (حکومت) را فقط به صاحب شما خواهند داد...». (3)

(502) غیبه الطوسی: فضل بن شاذان، محمد بن علی، عثمان بن احمد سمّاک، ابراهیم بن 6.

ص: 221

1- . الفتن: 95 و 97. عقد الدرر: 132، ب 5. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 70.

2- . عقد الدرر: 51، ب 4، ف 1. فرائد فوائد الفکر: 14، ب 5.

3- . الغیبه: 273، ب 14، ح 50. بحار الانوار 52: 243، ب 25، ح 116.

عبدالله هاشمی، ابراهیم بن هانی، نعیم بن حمّاد، سعید، ابو عثمان، جابر: امام باقر علیه السلام فرمودند:

«... مردم برای بیعت با مهدی به سوی او پیک می فرستند».(1)

(503) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، محمد بن مفضل و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن حسین بن عبدالملک و محمد بن احمد بن حسین، حسن بن محبوب، یعقوب سراج، جابر: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«جابر! قائم ظاهر نمی شود تا زمانی که مردم شام به فتنه ای بیفتند که دنبال راه نجاتی از آن می گردند، اما نمی یابند».(2)

فصل دوم: ظهور از مکه

روایات اهل سنت:

(504) عقد الدرر: عبدالله بن عباس:

«یارانش از شام به سمت او حرکت می کنند تا او را از مکه از خانه ای که نزدیک صفا است بیرون آورند و با او بیعت کنند».(3)

(505) مصنف عبدالرزاق: معمر، قتاده: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«... مردی از مدینه خارج می شود و به مکه می آید، مردم او را به اجبار از خانه اش بیرون می آورند...».(4)

ص: 222

1- . غیبه الطوسی: 274. الخرائج 3: 1158، ب 20. اثبات الهداه 3: 729، ب 34، ف 6، ح 65. بحار الانوار 52: 217، ب 25، ح 77. بشاره الاسلام: 93 و 94، ب 6.

2- . الغیبه: 279، ب 14، ح 65. اثبات الهداه 3: 582، ب 32، ف 59، ح 767 و: 739، ب 34، ف 9، ح 118. بشاره الاسلام: 97، ب 6.

3- . عقد الدرر: 123، ب 5. فتن ابن حمّاد: 94. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 76. الفتاوی الحدیثیه: 30. القول المختصر: 19، ب 2، ح 29.

4- . المصنف 11: 371، ح 20769. فتن ابن حمّاد: 99. مصنف ابن ابی شیبہ 15: 45، ح 19070. المعجم الكبير 23: 295، ح 656 و: 389، ح 930 و: 390، ح 931.

(506) الفتاویٰ الحدیثیہ: امام جعفر صادق علیہ السلام فرمود:

«مہدی در مکہ ظاہر می شود...» (1)

روایات شیعه:

(507) غیبہ النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، حمید بن زیاد، حسن بن محمد حضر می: امام جعفر صادق علیہ السلام فرمودند:

«آن کس که دنبالش و در آرزویش هستید، فقط از مکہ خروج می کند، و در صورتی از مکہ خروج می کند که آنچه را دوست دارد ببیند، حتی اگر مجبور شود از شاخه های درخت تغذیه نماید» (2)

(508) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، ابو بصیر: امام محمد باقر علیہ السلام ضمن حدیثی طولانی فرمودند:

«قائم به یاران خود می گوید: ای مردم! اهل مکہ مرا نمی خواهند ولی من برای هدایت آنها فرستاده شدم تا آنچه شایسته است که شخصی مثل من به آنها بگوید، گفته و با آنها اتمام حجت کنم. آنگاه مردی از یاران خود را می خواند و به او می گوید: برو نزد اهل مکہ و بگو: ای اهل مکہ من فرستاده فلانی هستم، او به شما می گوید: ما خاندان رحمت و معدن رسالت و خلافت هستیم، ما ذریه محمد صلی الله علیه و آله و خلاصه و چکیده پیغمبرانیم. به ما ظلم کردند و ما آواره و مقهور شدیم، و از هنگام رحلت پیغمبر تا کنون حق ما غصب گردیده است. اکنون از شما چشم یاری داریم؛ ما را یاری کنید!

وقتی آن جوانمرد این سخنان را می گوید مردم به او هجوم آورده و بین رکن و مقام سر او را از بدن جدا می سازند. او همان مرد پاکدل (نفس زکیه) است. چون خبر کشته شدن او به امام رسد، به یارانش می فرماید: دیدید گفتم اهل مکہ ما را نمی خواهند! اهل مکہ هم او را به مکہ دعوت نمی کنند.

او با سیصد و سیزده مرد که به تعداد جنگجویان بدر هستند از گردنه 2.

ص: 223

1- الفتاویٰ الحدیثیہ: 31.

2- الغیبہ: 179، ب 11، ح 25. بحار الانوار 38:51، ب 4، ح 12.

«طوی» [49] فرود آیند و داخل مسجد الحرام شده و نزد مقام ابراهیم علیه السلام چهار رکعت نماز می خوانند، بعد به حجر الاسود تکیه می زند و حمد و ثنای الهی می کند و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستاده و طوری سخن می گوید که هیچ کس بدان گونه سخن نگفته باشد... آن سیصد نفر و عدّه کمی از اهل مکه با وی بیعت می کنند و آنگاه از مکه خارج می شود...» (1).

فصل سوم: بیعت با مهدی علیه السلام بین رکن و مقام

روایات اهل سنت:

(509) فتن ابن حمّاد: ابو یوسف مقدسی، عبدالملک بن ابی سلیمان، عمرو بن شعیب به نقل از پدرش و او نیز از پدرش: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«... بین رکن و مقام با مهدی بیعت می کنند» (2).

روایات شیعه:

(510) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید، احمد بن یوسف بن یعقوب ابو الحسن جُعفی، اسماعیل بن مهران، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش و وهیب، ابو بصیر: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«... به خدا قسم گویی او را می بینم که بین رکن و مقام برای امر جدید...»

از مردم بیعت می گیرد» (3).

ص: 224

1- . بحار الانوار 307:52، ب 26، ح 81. اثبات الهداه 3:582 و 583، ب 23، ف 59، ح 773.

2- . الفتن: 102. المستدرک علی الصحیحین 4:503. السنن الواردة فی الفتن: 85. عقد الدرر: 103، ب 4، ف 3. القول المختصر: 9، ب 1، ح 46. کنز العمال 14:269، ح 38686.

3- . الغیبه: 262، ب 14، ح 22. تاج الموالید: 150. بحار الانوار 52:235، ب 25، ح 103. بشاره الاسلام: 91 و 92، ب 6.

روایات اهل سنت:

(511) مستدرک حاکم: ابو نعیم، ابو یوسف، محمد بن عبدالله، عمرو بن شعیب به نقل از پدرش، عبدالله بن عمرو:

«... و نزد او می آیند که صورتش را به کعبه چسبانده و می گرید، گویی اکنون اشک هایش را می بینم...» (1)

روایات شیعه:

(512) دلائل الامامه: فضل بن شاذان، علی بن عبدالله، عبدالرحمن بن ابی عبدالله، ابو جارد: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«قائم بر حقّ ما وقتی قیام می کند که شیعیان ناامیدند، سه مرتبه مردم را می خواند اما کسی جوابش نمی دهد، روز چهارم به پرده های کعبه دست می آویزد و می گوید: پروردگارا، یاری ام کن!

دعای او مستجاب می شود و خداوند به فرشته هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را در روز بدر یاری کردند و هنوز بار نیفکنده و سلاح های خود را رها نکرده اند می فرماید که با او بیعت کنید، آنگاه سیصد و سیزده نفر از مردم با او بیعت می نمایند» (2)

(513) مختصر اثبات الرجعه: صفوان بن یحیی، محمد بن حران: امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام ضمن حدیثی در مورد مهدی علیه السلام و ظهور او فرمود:

«هنگام قیام، پشتش را به کعبه تکیه می دهد» (3)

ص: 225

1- .المستدرک علی الصحیحین 4:503، ح 504. عقْد الدُرر: 109، ب 4، ف 3. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:76. القول المختصر: 18، ب 2، ح 28. برهان المتقی: 143، ب 6، ح 6. العطر الوردی: 63.

2- . دلائل الامامه: 241.

3- . مختصر اثبات الرجعه: 216، ح 18. اثبات الهداه 3:570، ب 32، ف 44، ح 686. اربعون الخاتون آبادی: 182 و 183، ح 30. مستدرک الوسائل 12:335، ب 39، ح 6 و 14:354، ب 20، ح 7.

فصل پنجم: ظهور در وقت عشا

روایات اهل سنت:

(514) فتن ابن حمّاد: سعید ابو عثمان، جابر: امام محمّد باقر علیه السلام فرمودند:

«مهدی هنگام عشا با پرچم... رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه ظاهر می شود».(1)

روایات شیعه:

(515) اثبات الهداه: سعید ابو عثمان، جابر: امام باقر علیه السلام فرمودند:

«مهدی در وقت عشا با پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه ظاهر می شود».(2)

فصل ششم: قیام با حضور سیصد و سیزده نفر

روایات اهل سنت:

(516) عقد الدرر: عمرو بن شعیب به نقل از پدرش و او نیز از پدرش: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«با مهدی بین رکن و مقام به اجبار بیعت می کنند... افرادی که با او بیعت می کنند به تعداد اهل بدر هستند».(3)

ص: 226

1- الفتن: 95. عقد الدرر: 145، ب 7. عرف السیوطی ضمن الحاوی 71:2. برهان المتقی: 141، ب 6، ح 3.

2- اثبات الهداه 3:614، ب 32، ف 15، ح 151. دلایل الامامه: 261. بحار الانوار 37:51 و 28، ب 4، ح 9، 10 و 11.

3- عقد الدرر: 103، ب 4، ف 3. الدرّ المنثور 5:241. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:66، 76 و 82. الفتاوی الحدیثیه: 28. برهان المتقی: 76، ب 1، ح 13 و: 140، ب 6، ح 1 و: 145، ب 6، ح 13.

(517) غیبه النعمانی: ابو سلیمان احمد بن هوده باهلی، ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن حمّاد انصاری به نقل از شخصی:

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام خدمت آن حضرت رسید و عرض کرد: فدایت شوم! به خدا قسم من شما و دوستان شما را دوست دارم! مولای من، چقدر شیعیان شما زیاد شده اند! حضرت به او فرمود: بگو کیانند؟ گفت: بسیار. فرمود: تعدادشان را می دانی؟ عرض کرد: بیش از شماره است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر آن تعداد توصیف شده که سیصد و ده و اندی است تکمیل شود، خواسته شما انجام خواهد گرفت...» (1).

(518) خصال صدوق: پدرم به نقل از سعد بن عبدالله، یعقوب بن یزید، مصعب بن یزید، عوّام بن زبیر: امام صادق علیه السلام فرمود:

«قائم با چهل و پنج نفر از نه قبیله می آیند: از قبیله ای یک مرد، از قبیله ای دو مرد، از قبیله ای سه مرد، از قبیله ای چهار مرد، از قبیله ای پنج مرد، از قبیله ای شش مرد، از قبیله ای هفت مرد، از قبیله ای هشت مرد و از قبیله ای نه مرد و به همین ترتیب می آیند تا تعداد لازم (سیصد و سیزده نفر) جمع شوند» (2).

فصل هفتم: خروج مهدی علیه السلام از یمن

روایات اهل سنت:

(519) بیان شافعی: شیخ الشیوخ عبدالله بن عمر بن حمویه و غیره، حافظ یوسف بن خلیل، ابو الفرج یحیی بن محمود بن سعد ثقفی، حافظ یوسف، قاضی ابو المکارم، ابو علی حسن بن احمد، ابو نعیم احمد بن عبدالله حافظ، ابو محمد بن حیّان، حسین بن احمد مالکی،

ص: 227

1- . الغیبه: 203 و 204، ب 12، ح 4 و 5. بحار الانوار 164:68، ب 19، ح 16.

2- . الخصال: 424، ح 26. اثبات الهداه 3:496، ب 32، ف 8، ح 258. بحار الانوار: 309 52، ب 27، ح 3.

عبدالوهاب بن ضحاک، اسماعیل بن عیاش، صفوان بن عمرو، عبدالرحمن بن جبیر، کثیر بن مرّه، عبدالله بن عمر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از قریه ای به نام «کرعه» در یمن خروج می کند».(1)

روایات شیعه:

(520) کفایه الاثر: علی بن حسین بن محمد، هارون بن موسی، ابوذر احمد بن محمد بن سلیمان باغندی، محمد بن حمید، ابراهیم بن المختار، نصر بن حمید، ابواسحاق، اصبع بن نباته:

حضرت علی علیه السلام فرمود: «نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و در خانه امسلمه بودم که گروهی از اصحاب از جمله سلمان، ابوذر، مقداد و عبدالرحمن بن عوف نزد ما آمدند. سلمان گفت: ای رسول خدا، هر پیامبری یک وصی و دو سبط دارد، وصی و دو سبط شما کیانند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله لحظاتی سر به زیر انداخت و در حدیثی فرمود:

«وای از آن زمان که پنجمین فرزند هفتمین فرزندم دیده نشود.

علی علیه السلام گوید: من عرض کردم: پس از غیبت او چه می شود؟ فرمود:

سکوت کند تا وقتی که خداوند به او اجازه خروج دهد، آنگاه از قریه ای در یمن که به آن «اکرعه» گویند بیرون آید، بر سرش عمامه ای است و زره مرا بر تن و شمشیر ذوالفقار مرا به کمر بسته است، و یک نفر فریاد می زند:

این مهدی خلیفه خداست؛ از او پیروی کنید...».(2)9.

ص: 228

1- . البيان في اخبار صاحب الزمان: 511، ب 14. معجم البلدان 4:452. الفصول المهمه: 295، ف 12.

2- . كفايه الاثر: 147. الصراط المستقيم 2:153، ب 10، ف 8. اثبات الهداه 1:589، ب 9، ف 27، ح 537. بحار الانوار 36:333، ب 41، ح 195 و 379:52، ب 27، ح 189.

این باب شامل دوازده فصل است:

فصل اول: نزول عیسی علیه السلام برای امیر و امت اسلام

روایات اهل سنت:

(521) نوادر الاصول: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«چگونه ممکن است خدای تعالی امتی را هلاک کند که من اول آن، عیسی علیه السلام آخر آن و مهدی که از اهل بیت من است در وسط آن باشد».(1)

(522) مستدرک حاکم: ابو بکر بن اسحاق، محمد بن شاذان جوهری، زکریا بن عدی، عیسی بن یونس، صفوان بن عمرو، عبدالرحمن بن جبیر بن نفیر به نقل از پدرش: رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاطر کشتگان جنگ موته بسیار ناراحت و غمگین شدند و فرمودند:

«دجال به قومی مثل شما یا بهتر از شما می رسد (این جمله را سه مرتبه تکرار کردند) و خداوند امتی را که من اول آن و عیسی علیه السلام آخر آن باشد، خوار نمی گرداند».(2)

ص: 229

1- نوادر الاصول: 156.

2- المستدرک علی الصحیحین 3:41. عرائس المجالس: 227. مناقب ابن المغازلی: 395، ح 448. الفردوس 3:292، ح 4875. عقد الدرر: 146، ب 7. فرائد السمطين 2:338، ح 592 و: 339، ح 593. فتح الباری 7:5. المنار المنیف: 152، ف 50، ح 345. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:64. الجامع الصغیر 2:423، ح 7384 و: 449، ح 7559.

(523) غیبه الطوسی: احمد بن ادريس، علی بن محمد بن قتیبه، فضل بن شاذان، ابن فضال، حماد، حسین بن المختار، ابو نصر، عامر بن واثله: امیر مؤمنان علیه السلام گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد وقایع حتمی قبل از قیامت فرمود:

«خروج قائم، طلوع خورشید از مغرب و نزول عیسی علیه السلام...» (1).

(524) مجمع البیان: ربیع بن انس: رسول خدا صلی الله علیه و آله آیة و مِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (2) را تلاوت کرد و فرمود:

«گروهی از امت من بر حق هستند، تا آنگاه که عیسی بن مریم علیهما السلام نازل گردد» (3).

(525) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید بن عقده و محمد بن همام بن سهیل و عبدالعزیز و عبدالواحد ابنا عبدالله بن یونس موصلی به سندهای خودشان، عبدالرزاق بن همام، معمر بن راشد، ابان بن ابی عیاش، سلیم بن قیس: همراه امیر مؤمنان علیه السلام از صفین باز می گشتیم که حضرت در نزدیکی دیر یک نصرانی اتراق فرمود. پیرمردی از دیر بیرون آمد خوش رو، خوش هیكل و خوش سیما که کتابی به همراه داشت. خدمت امیر مؤمنان علیه السلام آمده، سلام کرد و گفت:

من نواده یکی از حواریان عیسی بن مریم علیهما السلام هستم که در میان دوازده حواری از همه برتر بود و عیسی علیه السلام او را از همه بیشتر دوست می داشت و بر دیگران ترجیح می داد و او را وصی خود نمود و کتاب های خویش را به او سپرد و حکمت خود را به وی آموخت، افراد این خاندان همیشه به دین و شریعت عیسی علیه السلام بوده اند، نه کافر شدند نه مرتد و نه تغییری در دین او داده اند و آن کتاب ها که به دستخط عیسی بن مریم علیهما السلام و دستخط پدر ماست، اکنون نزد من است، هر چه مردم پس از عیسی علیه السلام انجام خواهند داد و... این که 7.

ص: 230

1- . غیبه الطوسی: 267. بحار الانوار 52:209، ب 25، ح 48.

2- «از خلقی که آفریدیم گروهی به حق هدایت می کنند و به حق حکم می کنند (یا به حق بازمی گردند)» (اعراف: 181)

3- . مجمع البیان 4:503. تفسیر الصافی 2:256. غایه المرام: 428، ب 186، ح 7.

عیسی بن مریم علیهما السلام در چه زمانی از آسمان فرود آید. همه اینها در آن کتاب نوشته شده است» (1).

فصل دوم: مشخصات ظاهری عیسی علیه السلام هنگام نزول

روایات اهل سنت:

(526) مسند طیالسی: یونس، ابو داود، هشام، قتاده، عبدالرحمن بن آدم، ابو هریره:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... سزاوارترین مردم به عیسی بن مریم علیهما السلام من هستم؛ چون بین من و او پیامبری نیست، اگر او را دیدید این گونه او را بشناسید: مردی است سرخ و سفید، با جامه ای زردرنگ، [موهایش چنان برق می زند که] گویی از سرش آب می چکد، بدون اینکه رطوبتی به آن رسیده باشد» (2).

روایات شیعه:

(527) اثبات الهداه: سید هبه الله بن ابی محمد حسن موسوی، ابو الحسن علی بن عبدالله به نقل از پدرش، یعقوب جریمی، ابو حبیش هروی، عبدالله بن عبدالرزاق به نقل از پدرش و او نیز از پدرش، ابو سعید خدری، جابر بن عبدالله انصاری: امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه ای طولانی ایراد فرمود که در آن نشانه های آخرالزمان و اخبار فراوانی از آینده مثل حکومت بنی امیه و بنی عباس و احوال دجال و سفیانی را ذکر نمود:

ص: 231

1- . الغیبه: 74 و 75، ب 4، ح 9. کتاب سلیم بن قیس: 152-154. اثبات الهداه 1: 179، ب 7، ف 7، ح 59 و: 204 و 205، ب 7، ف 28، ح 132 و: 658، ب 9، ف 71، ح 841. بحار الانوار 15: 236-239، ب 2، ح 57 و 84: 16 و 85، ب 6، ح 1 و 210: 212، ب 40، ح 13 و 51: 38-54، ب 58، ح 8.

2- . مسند طیالسی: 335، ح 2575 و: 331، ح 2541. مصنف عبدالرزاق 11: 401، ح 20845. فتن ابن حماد: 162-164. مصنف ابن ابی شیبه 15: 158، ح 19372. مسند احمد 2: 406 و 437. المستدرک علی الصحیحین 2: 595. السنن الواردة فی الفتن: 142. الفردوس 5: 424، ح 3871. جامع الاصول 11: 48، ح 7808.

«... عیسی بن مریم علیهما السلام از آسمان نازل گردد و با مهدی ذریه من خواهد بود، چون ظاهر شد او را به این مشخصات بشناسید: میانه قامت، با موهایی بسیار مشکی، و از آسیب و بلا محفوظ است(1)...»(2)

(528) حلیه الأبرار: الفاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی بن مریم علیهما السلام هنگام سپیده صبح در میان دو جامه زرد زعفرانی فرود می آید، بدنش سفید، مویش بور و میانه زلفش از هم باز است، [از فرط درخشندگی] گویی از سرش روغن می چکد، و سلاحی در دست دارد...»(3)

فصل سوم: نزول عیسی علیه السلام نزد مسلمانان راستین

روایات اهل سنت:

(529) مسند احمد: موسی، ابن لهیعه، ابوزبیر، جابر: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند:

«افرادی از امت همواره برای دوام حق و پابرجایی آن با مخالفان نبرد می کنند و نبرد خود را تا قیامت ادامه می دهند. عیسی بن مریم علیه السلام نیز نازل می گردد، امیر مسلمانان پیشنهاد می کند که پیش بایستید و نماز گزارید تا به شما اقتدا کنیم. عیسی علیه السلام می گوید: نه، خداوند برای بزرگداشت این امت بعضی از خودشان را بر دیگران امیر قرار داده»(4)

ص: 232

1- «ینظر من عین ملک الموت».

2- اثبات الهداه 3: 587، ب 32، ف 61، ح 804. مستدرک الوسائل 11: 377، ب 49، ح 21. المهدی الموعود المنتظر 1: 110 و 111.

3- حلیه الأبرار 2: 620 و: 692، ب 54. غایه المرام: 697، ب 141، ح 38.

4- مسند احمد 3: 345 و 348. صحیح مسلم 1: 137، ب 71، ح 247 و 3: 1524، ب 53، ح 1923. مسند ابی یعلی 4: 60، ح 2078 و 2: 826، ح 1164. مسند ابی عوانه 1: 106. السنن الواردة فی الفتن: 143.

(530) مسند احمد: بهز، حمّاد بن سَلْمَه، قتاده، مطرف، عمران بن حصین: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«همواره گروهی از ائمتّم بر حقّ می مانند و بر دشمنانشان پیروز می گردند، تا اینکه امر خداوند تبارک و تعالی می آید و عیسی بن مریم علیهما السلام نازل می شود».(1)

(531) تاریخ بخاری: نفیلی، محمّد بن سَلْمَه، ابو واصل، عبید طفاوی، جابر بن عبداللّه:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«طایفه ای از ائمتّم همواره برحقّ می مانند تا عیسی بن مریم علیهما السلام نازل شود».(2)

روایات شیعه:

(532) بشاره المصطفی: امام حسن علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«تعدادی از ائمتّم تا قیامت برای حقّ نبرد می کنند و همواره پیروز خواهند بود، تا اینکه عیسی بن مریم علیه السلام نازل شود».(3)

(533) مجمع البیان: ربیع بن انس: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آیّه وَ مِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ (4) را تلاوت کرد و فرمود:

«گروهی از ائمتّم همواره برحقّ می مانند تا عیسی بن مریم علیهما السلام نازل گردد».(5)6.

ص: 233

1- . مسند احمد 4:429. تهذیب ابن عساکر 1:56. کنز العمّال 14:618، ح 39724 و 39724. تصریح الکشمیری: 195، ح 32.

2- . تاریخ البخاری 5:451، ح 1468.

3- . بشاره المصطفی: 249.

4- «از خلقی که آفریدیم گروهی به حق هدایت می کنند و به حق حکم می کنند (یا به حق باز می گردند)».(اعراف: 181)

5- . مجمع البیان 4:503. تفسیر الصافی 2:256. غایه المرام: 428، ب 186، ح 7. تفسیر نور الثقلین 2:105، ح 386.

روایات اهل سنت:

(534) بیان شافعی: ابو الحسن علی بن محمد بن ابراهیم حسنی، ابو الفرج یحیی بن محمود، ابو علی حسن بن احمد، حافظ ابو نعیم، ابو المظفر، محمد بن یوسف بن بشر، ابراهیم بن منقذ خولانی، ابو حازم عبدالغفار بن حسن بن دینار، سفیان ثوری، منصور، ربیع، حذیفه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی درباره مهدی منتظر علیه السلام فرمود:

«هنگام ظهور مهدی علیه السلام، عیسی بن مریم علیهما السلام از آسمان فرود آید در حالی که گویی از موهایش قطرات آب می چکد. مهدی پیشنهاد می کند جلو بایستید تا مردم نماز خود را به شما اقتدا نمایند. عیسی علیه السلام می گوید: این [صفوف] جماعت به خاطر شما برپا شده است.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: عیسی علیه السلام پشت سر مردی از فرزندان من نماز می گزارد. پس از نماز، عیسی علیه السلام برمی خیزد و وقتی که مهدی علیه السلام در مقام نشست، با او بیعت می کند، و پس از آن چهل سال در دنیا می ماند» (1).

(535) بیان شافعی: حافظ ابو حجاج یوسف بن خلیل بن عبدالله دمشقی، ابو الفتح ناصر بن محمد بن ابی الفتح اسماعیل بن فضل سراج، ابو طاهر محمد بن احمد بن عبدالرحیم، حافظ ابو الحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی بن مسعود شافعی معروف به دارقطنی، احمد بن محمد بن سعید، ابراهیم بن محمد بن اسحاق بن یزید، سهل بن سلیمان، ابو هارون عبدی: نزد ابوسعید خدری رفته و به او گفتم: در جنگ بدر شرکت کردی؟ گفت: بله. گفتم: اگر چیزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام و فضیلت‌های او شنیده ای برای من نقل می کنی؟! گفت: بله، برایت می گویم. رسول خدا صلی الله علیه و آله بیماری مختصری گرفته بود که بعداً از آن شفا یافت. در حال مرض، فاطمه علیها السلام به عیادت او آمد. من سمت راست رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته

ص: 234

1- . البیان فی اخبار صاحب الزمان: 497، ب 7. عقد الدرر: 17، ب 1. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 81. الصواعق المحرقة: 164، ب 11، ف 1. القول المختصر: 8، ب 1، ح 43.

بودم. وقتی فاطمه علیها السلام حالت ضعف و ناتوانی آن حضرت را مشاهده کرد، بغض گلویش را فشرده و اشک از گونه هایش فروریخت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود:

«... مهدی اُمّت که عیسی علیه السلام در نماز به او اقتدا می کند از ماست».(1)

(536) فتن ابن حمّاد: نعیم، ضمیره بن ربیعہ، یحیی بن ابی عمرو شیبانی، عمرو بن عبداللّه حضرمی، ابو امامه باهلی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آن موقع امام مردم مردی صالح است. به او می گویند: نماز صبح را بخوان. وقتی تکبیر می گوید و نماز را آغاز می کند، عیسی بن مریم علیهما السلام نازل می شود. چون آن مرد، عیسی علیه السلام را می بیند او را می شناسد و عقب می رود تا عیسی علیه السلام امام جماعت شود. عیسی علیه السلام دستانش را بین دو کتف [و پشت او] می گذارد و می گوید: شما نماز بخوانید؛ جماعت به خاطر شما برپا شده. [او نماز را ادامه می دهد] و عیسی علیه السلام به او اقتدا می کند».(2)

(537) سنن ابن ماجه: علی بن محمّد، عبدالرحمن محاربی، اسماعیل بن رافع، ابو رافع، ابو زرعه شیبانی، یحیی بن ابی عمرو، ابو امامه باهلی: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما خطبه می گفت، و بیشتر آن خطبه حدیثی بود که در مورد دجال ایراد فرمود و ما را از او بیم داد. از جمله فرمود:

«... آنگاه که امام آنها جلو می رود تا نماز صبح را به او اقتدا نمایند، عیسی بن مریم علیهما السلام نازل می شود. امام عقب می رود تا عیسی علیه السلام برای مردم نماز جماعت بخواند. عیسی علیه السلام دست بین دو کتف [و پشت او] می گذارد و می گوید: جلو بروید و نماز بگذارید، جماعت به خاطر شما برپا شده.

پس همگی به امامشان اقتدا می نمایند».(3)0.

ص: 235

1- . البیان فی اخبار صاحب الزمان: 502، ب 9. الفصول المهمّه: 296، ف 120. ینابیع المودّه: 490، ب 94.

2- . الفتن: 159.

3- . سنن ابن ماجه 2: 1359، ح 4077. مسند احمد 6: 462. صحیح مسلم 4: 2266، ب 20، ح 2945. سنن ابی داود 4: 177، ح

4321. سنن الترمذی 5: 724، ب 70، ح 3930.

(538) بشاره المصطفی: امام حسن علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... عیسی بن مریم علیهما السلام نازل می شود. به او می گویند: جلو بایستید تا به شما اقتدا کنیم. می گوید: امامتان پیش می آید، خداوند تعالی به خاطر کرامتی که این امت دارد، بعضی از آنها را امام بعضی دیگر قرار داده». (1)

(539) دلائل الامامه: ابو اسحاق ابراهیم بن احمد طبری، عبدالجبار بن سیراب، محمد بن زکریا، الحکم بن أسلم و شعیب بن واقد، جعفر بن سلیمان، ابو هارون عبدی، ابو سعید خدری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قسم به آنکه جانم به دست اوست، مهدی این امت که عیسی بن مریم علیهما السلام پشت سر او نماز می خواند از ما (اهل بیت) است...». (2)

(540) امالی صدوق: محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن قاسم، احمد بن هلال، فضل بن دکین، معمر بن راشد: از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که ضمن سخنانش با فردی یهودی فرمود:

«... ای یهودی، دیگر از ذریه من مهدی است، همان که وقتی قیام کند عیسی بن مریم علیهما السلام برای یارش نازل می شود و او را مقدم داشته و در نماز به او اقتدا می نماید». (3)

(541) حلیه الأبرار: فاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی بن مریم علیهما السلام نازل می شود... و مسئولیت اموال قائم علیه السلام را بر عهده می گیرد و اصحاب کهف معاونان او خواهند بود. او وزیر دست راست و حاجب و نائب قائم است...». (4) 8.

ص: 236

1- . بشاره المصطفی: 249.

2- . دلائل الامامه: 234. غیبه الطوسی: 116.

3- . امالی الصدوق: 181، ح 4. الاحتجاج 1: 47 و 48. روضه الواعظین 2: 272. جامع الأخبار: 8. تأویل الآیات 1: 48، ح 23. الايقاظ من ההجعه: 351، ب 10، ح 93 و: 371، ب 10، ح 371. اثبات الهداه 3: 495، ب 32، ف 7، ح 255 و: 524، ب 32، ف 20، ح 413 و: 566، ب 32، ف 40، ح 663.

4- . حلیه الأبرار 2: 620، ب 34 و: 692، ب 54. غایه المرام: 697، ب 141، ح 38.

(542) تفسیر فرات: جعفر بن محمد فزاری: حضرت امام محمد باقر علیه السلام در توضیح آیه شریفه یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیَاتِ رَبِّكَ لَا یَنْفَعُ نَفْسًا إِیْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِی إِیْمَانِهَا خَيْرًا (1) فرمود:

«... تا اینکه عیسی بن مریم علیهما السلام نازل شود و خداوند دجال را توسط او هلاک نماید، و مردی از ما اهل بیت، امام جماعت آنها شود، آیا نمی بینی عیسی علیه السلام با اینکه پیامبر است پشت سر ما (اهل بیت) نماز می خواند؟! آری، ما از او برتریم...» (2).

(543) غیبه النعمانی: احمد بن محمد بن سعید بن عقده و محمد بن همام بن سهیل و عبدالعزیز و عبدالواحد ابنا عبدالله بن یونس موصلی هر کدام با ذکر سند، عبدالرزاق بن همام، معمر بن راشد، ابان بن ابی عیاش، سلیم بن قیس الهلالی: همراه امیرالمؤمنین علیه السلام از صفین باز می گشتیم که حضرت در نزدیکی دیر یک نصرانی اتراق فرمود. پیرمردی از دیر بیرون آمد خوش رو، خوش اندام و خوش سیما که کتابی به همراه داشت. خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد، سلام کرد... و گفت: من نواده یکی از حواریان عیسی بن مریم علیهما السلام هستم که در میان دوازده خواری از همه برتر بود، و عیسی علیه السلام او را از همه بیشتر دوست می داشت و بر دیگران ترجیح می داد و او را وصی خود نمود و کتاب های خویش را به او سپرد و حکمت خود را به وی آموخت، افراد این خاندان همیشه به دین و شریعت عیسی علیه السلام بوده اند، نه کافر شدند نه مرتد و نه تغییری در دین او داده اند و آن کتاب ها که به دستخط عیسی بن مریم علیهما السلام و دستخط پدر ماست، اکنون نزد من است، هر چه مردم پس از عیسی علیه السلام انجام خواهند داد و... در آن کتاب نوشته شده...

«عیسی علیه السلام پشت سر مهدی علیه السلام نماز می خواند و می گوید: شما امام هستید و سزاوار نیست کسی بر شما مقدم گردد. او جلو می رود و نماز می خواند و مردم به او اقتدا می نمایند، و عیسی علیه السلام در صف [می ایستد در حالی که] اولین و بهترین و افضل آنها (نمازگزاران) است، و اجر او مانند ایشان و...» (4).

ص: 237

1- «روزی که بعضی آیات پروردگارت بیاید ایمان آوردن کسی که از قبل ایمان نیاورده یا در حال ایمان، خیری کسب نکرده، بی فایده است». (انعام: 158)

2- . تفسیر فرات الکوفی: 44.

کسانی که از ایشان اطاعت نمودند و به هدایتشان راه یافتند... خواهد بود».(1)

فصل پنجم: مسیح علیه السلام وزیر مهدی علیه السلام

روایات اهل سنت:

(544) فتن ابن حمّاد: بقیه بن ولید، صفوان بن عمرو، شریح بن عبید: کعب در حدیثی که به خداوند نسبت داد گفت:

«... (مسیح) می گوید: من به عنوان وزیر [برای مهدی] مبعوث شده ام، و امیر نیستم».(2)

روایات شیعه:

(545) حلیه الأبرار: فاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی علیه السلام... مسئول اموال قائم علیه السلام می شود و اصحاب کهف معاونان او خواهند بود. او وزیر دست راست و حاجب و نائب قائم است، و به کرامت حجّه بن الحسن امنیت را در مغرب و مشرق می گستراند...».(3)

فصل ششم: نزول مسیح علیه السلام در دمشق

روایات اهل سنت:

(546) تاریخ بخاری: نعیم، بقیّه بن الولد، صفوان بن عمر، شریح بن عبید، کعب:

«عیسی بن مریم علیهما السلام کنار پل سفیدی که بر دروازه شرقی دمشق و کنار

ص: 238

-
- 1- . الغیبه: 74، ب 4، ح 9. کتاب سلیم بن قیس: 154-152. اثبات الهداه 1: 179، ب 7، ف 7، ح 59. بحار الانوار 15: 236-239، ب 2، ح 57 و 84: 16 و 85، ب 6، ح 1.
 - 2- . الفتن: 160.
 - 3- . حلیه الأبرار 2: 620، ب 34 و: 692، ب 54. غایه المرام: 697، ب 141، ح 38.

درخت است نازل می شود، در حالی که ابری او را حمل می کند و او دو دست خود را بر شانه دو ملک نهاده و دو جامه با خود دارد که یکی را پوشیده و دیگری را نپوشیده، و موقعی که سر خود را پایین می اندازد، گویی مروراید از آن می چکد»⁽¹⁾.

روایات شیعه:

(547) تفسیر قمی: حسین بن عبدالله سکینی، ابو سعید بجلی (نحلی)، عبدالملک بن هارون: حضرت امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام... امام حسن علیه السلام ضمن گفت و گو با پادشاه روم، به او فرمود:

«عیسی بن مریم علیه السلام روح خدا و کلمه خداست، در دنیا سی و سه سال داشت که خداوند او را به آسمان بالا برد، و در سرزمین دمشق نازل خواهد شد...»⁽²⁾.

فصل هفتم: نزول عیسی علیه السلام در وقت فجر

روایات اهل سنت:

(548) فتن ابن حمّاد: سوید بن عبدالعزیز، اسحاق بن ابی فروه و ابن سابور، مکحول حدیفه بن یمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«... پس از آنکه مؤذن اذان نماز صبح را گفت، عیسی بن مریم در بیت المقدس نازل می شود، در حالی که جماعتی از مسلمانان و خلیفه آنها در آنجا هستند»⁽³⁾.

ص: 239

1- . تاریخ البخاری 7:233، ح 1002. الفتن: 160. صحیح مسلم 4:2253، ب 20، ح 2137. سنن ابن ماجه 2:1357، ب 33، ح

4075. سنن الترمذی 4:512، ب 59، ح 2240. المعجم الكبير 1:186، ح 590.

2- . تفسیر القمی 2:268-272. بحار الانوار 14:247، ب 18، ح 27.

3- . الفتن: 160.

(549) جامع البيان: عصام بن الرواد بن الجراح به نقل از پدرش، سفیان بن سعید ثوری، منصور بن المعتمر، ربیع بن حراش، حذیفه بن یمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی از مهدی و ظهور او در آخر الزمان فرمود:

«روز جمعه، هنگام نماز صبح که نماز برپا می شود، مهدی متوجه می شود که عیسی بن مریم با دو جامه از آسمان نازل شده...» (1).

روایات شیعه:

(550) حلیه الأبرار: فاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی بن مریم علیهما السلام هنگام سپیده صبح فرود می آید...» (2).

فصل هشتم: نزول عیسی علیه السلام در قدس

روایات اهل سنت:

(551) فتن ابن حمّاد: سوید بن عبدالعزیز، اسحاق بن ابی فروه، ابن سابور، مکحول، حذیفه بن یمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی بن مریم علیهما السلام در بیت المقدس نازل می گردد» (3).

(552) مسند احمد: أمّ شریک: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی... کنار درب شرقی بیت المقدس او (دجال) را می گیرد و هلاک می کند» (4).

ص: 240

1- . جامع البيان 17:15، و 72:22. الكامل لابن عدی 2178:6. السنن الواردة فی الفتن: 113، ح 104.

2- . حلیه الأبرار 620:2 و 692، ب 54. غایه المرام: 697، ب 141، ح 38.

3- . الفتن: 160. السنن الواردة فی الفتن: 143. عقد الدرر: 274 و 275، ب 12، ف 2.

4- . مسند احمد 462:6. صحیح مسلم 4:2266، ب 20، ح 2945.

روایات شیعه:

(553) اثبات الهداه: سید هبه الله بن ابی محمد حسن موسوی، ابو الحسن علی بن عبدالله به نقل از پدرش، یعقوب جریمی، ابو حبیب هروی، عبدالله بن عبدالرزاق به نقل از پدرش و او نیز از پدرش، ابو سعید خدری، جابر بن عبدالله انصاری: امیر مؤمنان علیه السلام خطبه ای طولانی ایراد فرمود که در آن نشانه های آخرالزمان و اخبار فراوانی از آینده مثل حکومت بنی امیه و بنی عباس و احوال دجال و سفیانی را ذکر نمود:

(... عیسی بن مریم علیهما السلام از آسمان فرود آید و با مهدی که از ذریه من است خواهد بود... و همه با هم حرکت کرده و به بیت المقدس می روند).⁽¹⁾

فصل نهم: عیسی علیه السلام قاتل خنزیر و شکننده صلیب

روایات اهل سنت:

(554) مصنف عبدالرزاق: معمر، زهری، سعید بن مسیب، ابو هریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

(قسم به آنکه جانم دست اوست، به زودی فرزند مریم در میان شما نازل شود. او که حاکم و امامی عادل است صلیب را شکسته، خنزیر را می کشد و جزیه می گیرد...)⁽²⁾

روایات شیعه:

(555) حلیه الأبرار: فاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ص: 241

1- . اثبات الهداه 3:587، ب 32، ف 61، ح 804. مستدرک الوسائل 11:377، ب 49، ح 21. المهدي الموعود المنتظر 1:110 و 111.

2- . المصنف 11:399، ح 20840، و: 400، ح 20843. فتن ابن حماد: 162. مسند احمد 2:240، 394 و 482. صحيح البخاری 3:107 و 178، و 4:205. صحيح مسلم 1:135، ب 71، ح 242، و 136، ح 243.

«عیسی علیه السلام پس از نزول، صلیب را می شکنند و خنزیر را می کُشد».(1)

فصل دهم: قتل دجال توسط عیسی علیه السلام

روایات اهل سنت:

(556) مسند طیالسی: یونس، ابو داود، زمعه بن صالح، زهری، عبیدالله بن عبداللّه بن ثعلبه، عبدالرحمن بن یزید بن جاریه به نقل از عمویش: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی بن مریم علیه السلام دجال را به قتل می رساند...».(2)

(557) مصنّف عبدالرزاق: معمر، زهری، عمرو بن ابی سفیان ثقفی، رجل من الأنصار، بعض أصحاب محمّد صلی الله علیه و آله: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد دجال فرمود:

«وقتی دجال، پسر مریم علیها السلام را می بیند، آب می شود آنچنان که قلع و سرب (در آتش) ذوب گردد. عیسی علیه السلام هم او را گرفته و می کُشد».(3)

روایات شیعه:

(558) تفسیر فرات: جعفر بن محمّد فزاری: حضرت امام ابو جعفر باقر علیه السلام در توضیح آیه شریفه یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیَاتِ رَبِّکَ لَا یَنْفَعُ نَفْساً إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْراً (4) فرمود:

«... تا اینکه عیسی بن مریم علیهما السلام از آسمان نازل شود و خداوند دجال را

ص: 242

1- . حلیه الابرار 2:620، و: 692، ب 54. غایه المرام: 697، ب 141، ح 38.

2- . مسند طیالسی: 170، ح 1227. مصنّف عبدالرزاق 11:398، ح 20835. مسند الحمیدی 2:365. فتن ابن حمّاد: 158. مصنّف ابن ابی شیبّه 15:144، ح 19339، و: 161، ح 19380. مسند احمد 3:420. المعجم الکبیر 19:443، ح 1075.

3- . المصنّف 11:397، ح 20834.

4- . «روزی که بعضی آیات پروردگارت بیاید ایمان آوردن کسی که از قبل ایمان نیاورده یا در حال ایمان، خیری کسب نکرده، بی فایده است».(انعام: 158)

توسط او هلاک فرماید...» (1).

(559) تفسیر قمی: حسین بن عبدالله سکینی، ابو سعید بجلی (نحلی)، عبدالملک بن هارون: حضرت امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام: ... امام حسن علیه السلام ضمن گفت و گویا پادشاه روم، به او فرمود:

«عیسی بن مریم علیه السلام روح خدا و کلمه خداست... و همو دجال را خواهد کشت...» (2).

فصل یازدهم: حکومت عادلانه عیسی علیه السلام

روایات اهل سنت:

(560) مصنف عبدالرزاق: معمر، زهری، سعید بن مسیب: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قسم به آنکه جانم به دست اوست، چیزی نمانده که فرزند مریم علیها السلام در میان شما نازل شود. او حاکم و امامی عادل است...» (3).

روایات شیعه:

(561) حلیه الأبرار: فاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی علیه السلام بین اهل تورات به تورات، بین اهل انجیل به انجیل، بین اهل زبور به زبور و بین اهل فرقان به فرقانشان حکم (قضاوت) می کند» (4).

ص: 243

1- . تفسیر فرات الکوفی: 44. بحار الانوار 328:24، ب 67، ح 46.

2- . تفسیر القمی 2:268-272. بحار الانوار 247:14، ب 18، ح 27.

3- . المصنف 11:399، ح 20840، و: 400، ح 20843.

4- . حلیه الأبرار 2:620، ب 34 و: 692، ب 54. غایه المرام: 697، ب 141، ح 38.

فصل دوازدهم: ازدواج عیسی علیه السلام با زنی از غسان

روایات اهل سنت:

(562) عقد الدرر: علی علیه السلام فرمود:

«عیسی علیه السلام با زنی از غسان ازدواج می کند و از او صاحب فرزندی می شود و به حج می رود. اما در راه پیش از آنکه به مکه برسد، خداوند روحش را می گیرد»⁽¹⁾.

روایات شیعه:

(563) حلیه الأبرار: فاضل عمر بن ابراهیم اوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی علیه السلام با زنی از غسان ازدواج می کند تا روی کسانی را که می گفتند او از بشر نیست سیاه نماید، و آنها ببینند که او چگونه می خورد و می آشامد و ازدواج می کند»⁽²⁾.

ص: 244

1- . عقد الدرر: 274، ب 12، ف 2.

2- . حلیه الأبرار 2: 620، و: 692، ب 54. غایه المرام: 697، ب 141، ح 38.

این باب شامل چهار فصل است:

فصل اول: بیعت مردم با مهدی از نقاط مختلف

روایات اهل سنت:

(564) فتن ابن حمّاد: سعید ابو عثمان، جابر: حضرت امام محمّد باقر علیه السلام فرمود:

«... بیرق های سیاه برای بیعت با مهدی فرستاده می شوند»⁽¹⁾.

(565) الفتاوی الحدیثیه: امام جعفر صادق علیه السلام ضمن حدیثی در مورد مهدی علیه السلام فرمود:

«بیرق های سیاه در کوفه پایین می آیند، و برای بیعت با مهدی فرستاده می شوند»⁽²⁾.

(566) مصنّف عبدالرزّاق: معمر، قتاده: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«... طایفه های عراق و ابدال شام نزد مهدی علیه السلام می آیند و با او بیعت می کنند»⁽³⁾.

(567) فتن ابن حمّاد: ابو عمر، ابن لهیعه، عبدالوّهّاب بن حسین، محمّد بن ثابت به نقل

ص: 245

1- . الفتن: 95.

2- . الفتاوی الحدیثیه: 31. عقد الدّر: 145، ب 7. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:71. برهان المتّقی: 141، ب 6، ح 3.

3- . المصنّف 11:371، ح 20769. مصنّف ابن ابی شیبّه 15:45، ح 19070. مسند احمد 6:136.

«هفت نفر عالم بدون قرار قبلی از مکانهای مختلف خارج می شوند، با هر کدام از آنها سیصد و ده و اندی مرد بیعت می کنند، تا اینکه در مکه جمع می شوند، آن هفت عالم که به هم می رسند به یکدیگر می گویند: شما چرا آمده اید؟ پاسخ می دهند: در پی مردی آمده ایم که این فتنه ها به دست او خاموش می شود و قسطنطنیه [88] را فتح می کند، ما اسم او، پدر و مادرش و مشخصات شمایلش را می دانیم. آن هفت عالم که اطلاعاتشان (در مورد اسم و مشخصات) مثل هم است به طلب او می روند و او را در مکه می یابند و می گویند: تو فلان پسر فلان هستی؟ پاسخ می دهد: نه، من مردی از انصار هستم. و از دستشان می گریزد.

مشخصات او را برای اهل خبره و آشنایان بیان می کنند؛ به آنها گفته می شود: او همان کسی است که دنبالش هستید و او به مدینه رفت. در طلب او به مدینه می روند، اما او بر خلاف جهت آنها به مکه می آید. در مکه پی او می روند و او را می یابند و می گویند: تو فلان پسر فلان هستی، و مادرت فلان دختر فلان است، و در تو نشانه ای چنین و چنان است، یک بار از دست ما گریختی، دستت را بده با تو بیعت کنیم. او می گوید: کسی که دنبالش می گردید من نیستم، من فلان بن فلان انصاری هستم، بیاید تا شما را نزد کسی ببرم که دنبالش می گردید، و باز از دست آنها می گریزد. در پی او به مدینه می روند اما او بر خلاف آنها به مکه می آید. در مکه کنار رکن او را می یابند و می گویند: اگر دستت را ندهی که با تو بیعت کنیم، گناه ما و خون ما گردن تو است، لشکر سفیانی به سرکردگی مردی از «جرم» در پی ما روانه شده. سرانجام بین رکن و مقام می نشیند و دستش را دراز می کند تا با او بیعت کنند، و خداوند محبت او را به دل مردم می اندازد». (1)5.

ص: 246

1- . الفتن: 95 و 97. عقد الدرر: 132، ب 5. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 70 و 72 و 74. الفتاوی الحدیثیه: 30. القول المختصر: 17، ب 2، ح 14. برهان المتقی: 141، ب 6، ح 4، و: 142، ب 6، ح 5.

(568) تاج الموالید: از ائمه علیهم السلام روایت شده:

«افرادی نجیب، ابدال و خوبان با او بیعت می کنند که همه جوانند و پیری در میانشان نیست، آنگاه شیعیان او از اطراف زمین به سویش می روند و زمین برایشان پیچیده می شود(1)، پایتخت حکومت او کوفه است و بیشتر اقامتش در آنجا خواهد بود».(2)

(569) غیبه الطوسی: فضل بن شاذان، احمد بن عمر بن مسلم، حسن بن عقبه نهمی، ابو اسحاق بّناء، جابر جُغفی: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«سیصد و اندی نفر، به تعداد اصحاب بدر، بین رکن و مقام باقائم بیعت می کنند. بین آنها «نُجَبا» (نجیبان) از مصر، «ابدال» از شام و «اخیار» از اهل عراق هستند».(3)

(570) اختصاص مفید: ابو الحسن محمد بن معقل، محمد بن عاصم، علی بن حسین، محمد بن مرزوق، عامر سراج، سفیان ثوری، قیس بن مسلم، طارق بن شهاب، حذیفه: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«هنگام قیام قائم، نُجَبا از مصر، ابدال از شام، و طایفه هایی از عراق [برای بیعت با او] خارج می شوند...».(4)7.

ص: 247

1- یعنی با طی الارض به او می رسند.

2- . تاج الموالید: 151. اثبات الهداه 3: 517 و 518، ب 32، ف 11، ح 378.

3- . غیبه الطوسی: 284. بحار الانوار 52: 334، ب 27، ح 64. منتخب الاثر: 468، ف 6، ب 11، ح 2.

4- . الاختصاص: 208. مجمع البیان 4: 398. اثبات الهداه 3: 557، ب 32، ف 33، ح 607 و: 621، ب 32، ف 22، ح 198. بحار

الانوار 52: 186، ب 25، و: 304، ب 26، ح 73. تفسیر نور الثقلین 4: 343، ح 97.

روایات اهل سنت:

(571) مسند احمد: عبدالصمد و حر می معنی، هشام، قتاده، ابو الخلیل عن صاحب له، أم سلمه: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن روایتی از مهدی علیه السلام فرمود:

«... مردمی از اهل مکه می آیند، او را بیرون آورده و با وی بیعت می کنند».(1)

(572) فتن ابن حمّاد: ولید بن مسلم، ابو عبدالله، ولید بن هشام المعیطی، أبان بن ولید بن عقبه بن ابی معیط، عبدالله بن عباس:

«... از شام به سوی مهدی حرکت می کنند، او را از وسط مکه و از داخل خانه ای کنار صفا بیرون آورده و با وی بیعت می نمایند...».(2)

(573) عقد الدرر: محمّد بن المؤمل، فضل بن محمّد، نعیم، ابو یوسف، محمّد بن عبدالله، عمرو بن شعیب به نقل از پدرش، عبدالله بن عمرو: ضمن حدیثی درباره ظهور مهدی علیه السلام گفت:

«... در این هنگام به بهترین فرد خودشان پناه می برند، چون نزد او می آیند آن بزرگوار صورت به کعبه نهاده و می گیرد، گویی هم اکنون اشک هایش را می بینم. مردم به او عرض می کنند: بیایید تا با شما بیعت کنیم! می فرماید: بروید، چه بسیار عهدها که شکستید، و چه بسیار خون ها که [نا حق] ریختید! سرانجام... با او بیعت می کنند. شما هم هرگاه به او رسیدید با وی بیعت کنید که او مهدی زمین و آسمان است».(3)

ص: 248

1- . مسند احمد 6:316.

2- . الفتن: 94. عقد الدرر: 123، ب 5.

3- . عقد الدرر: 109، ب 4، ف 3. المستدرک علی الصحیحین 4:503. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:76. القول المختصر: 18، 28، ب 2. برهان المتقی: 143، ب 6، ح 6. العطر الوردی: 63.

(574) العرف الوردی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«(مهدی) از مدینه به مکه می رود، مردم او را از بین خودشان پیدا کرده و بیرون می آورند و با وی بیعت می نمایند».(1)

روایات شیعه:

(575) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، کابلی: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«در مکه با قائم بیعت می کنند».(2)

(576) ارشاد: مفضل بن عمر جعفی: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«... در مکه با او بیعت می کنند و او همان جا می ماند...».(3)

فصل سوم: بیعت با مهدی علیه السلام بین رکن و مقام

روایات اهل سنت:

(577) فتن ابن حماد: ابو یوسف مقدسی، عبدالملک بن ابی سلیمان، عمرو بن شعیب به نقل از پدرش و او نیز از پدرش: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«... سرکرده مفسدان را نزد مهدی می آورند و بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کند».(4)

ص: 249

-
- 1- العرف الوردی ضمن الحاوی 2:76. الفتاوی الحدیثیه: 28. برهان المتقی: 144، ب 6، ح 10. فرائد فوائد الفکر: 9، ب 4.
 - 2- بحار الانوار 52:308، ب 26، ح 83. اثبات الهداه 3:583، ب 32، ف 59، ح 774. الصراط المستقیم 2:253، ب 11، ف 9. بشاره الاسلام: 220، ب 3. منتخب الاثر: 468، ف 6، ب 11، ح 3.
 - 3- الارشاد: 363 و 364. روضه الواعظین 2:265. اعلام الوری: 431، ب 4، ف 3. كشف الغمّه 3:254. الصراط المستقیم 2:253، ب 11، ف 9. اثبات الهداه 3:527، ب 32، ف 22، ح 431. بحار الانوار 52:337، ب 27، ح 78.
 - 4- الفتن: 39.

(578) مسند طیالسی: یونس، ابو داود، ابن ابی ذئب، سعید بن سمعان: از ابوهریره شنیدم که در حال طواف کعبه برای ابوقتاده روایت می کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«با آن مرد بین رکن و مقام بیعت می کنند...» (1).

(579) فتن ابن حمّاد: محمّد بن ثابت به نقل از پدرش، الحرث، عبداللّه بن مسعود:

«... (مهدی) بین رکن و مقام می نشیند، دستش را می گیرد تا با او بیعت کنند» (2).

(580) القول المختصر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اورا به اجبار بیرون می آورند و بین رکن و مقام با او بیعت می کنند» (3).

روایات شیعه:

(581) غیبه النعمانی: احمد بن محمّد بن سعید، احمد بن یوسف بن یعقوب ابو الحسن جُعفی، اسماعیل بن مهران، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش و وهیب، ابو بصیر:

حضرت امام محمّد باقر علیه السلام فرمود:

«... به خدا قسم گویی اورا بین رکن و مقام در حال بیعت گرفتن از مردم برای امر جدید و کتاب جدید و حکومت آسمانی جدید می بینم...» (4).

(582) مختصر اثبات الرجعه: احمد بن محمّد بن ابی نصر، عاصم بن حمید، محمّد بن مسلم: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: قائم شما کی ظهور می کند؟ فرمود:

«گویی اورا می بینم که میان رکن و مقام ایستاده، و جبرئیل در مقابل وی ندا می دهد: بیاید با خداوند بیعت کنید! و شیعیانش به سوی او می آیند» (5).

ص: 250

1- . مسند طیالسی: 313، ح 2373. فتن ابن حمّاد: 188. مصنّف ابن ابی شیبّه 52:15، ح 19091. مسند احمد 2:291، 312، 328 و 351. ملاحم ابن المنادی: 39. المستدرک علی الصحیحین 4:452. عقد الدرر: 344، ب 12.

2- . الفتن: 95.

3- . القول المختصر: 5، ب 1، ح 13.

4- . الغیبه: 262، ب 14، ح 22. تاج الموالید: 150. بحار الانوار 52:235، ب 25، ح 103. بشاره الاسلام: 92 و 92، ب 6.

5- . مختصر اثبات الرجعه: 217، ح 20. اثبات الهداه 3:570، ب 32، ف 44، ح 687. اربعون الخاتون آبادی: 187، ح 32. کشف النوری: 222. منتخب الاثر: 464 و 465، ف 6، ب 9، ح 5.

(583) کتاب سلیم بن قیس: أبان، سلیم: علی بن ابی طالب علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی فرمود:

«به خدا قسم من همه کسانی را که بین رکن و مقام با او بیعت می کنند می شناسم، و نام همه آنها و قبیله هایشان را می دانم».(1)

(584) غیبه الطوسی: فضل بن شاذان، اسماعیل بن عیاش، الاعمش، ابو وائل، حذیفه:

از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که از مهدی علیه السلام یاد کرد و فرمود:

«بین رکن و مقام با او بیعت می کنند...».(2)

فصل چهارم: بیعت سیصد و ده و اندی نفر با مهدی علیه السلام

روایات اهل سنت:

(585) فتن ابن حمّاد: عبدالله بن عباس:

«یاران او افرادی از اهل شام هستند، به تعداد سیصد و پانزده نفر، مثل اهل بدر. از شام به سوی مهدی حرکت می کنند، او را از وسط مکه و از داخل خانه ای کنار صفا بیرون آورده و مجبور به قبول بیعت می نمایند...».(3)

(586) فتن ابن حمّاد: ابو یوسف مقدسی، عبدالملک بن ابی سلیمان، عمرو بن شعیب از پدرش و او نیز از پدرش روایت کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... افرادی به تعداد اهل بدر با او بیعت می کنند، و اهل آسمان و زمین از

ص: 251

-
- 1- کتاب سلیم بن قیس: 103. تفسیر العیاشی 14:1، ح 2، و: 253، ح 177. غیبه النعمانی: 81، ب 4، ح 10. کمال الدین 284:1، ب 24، ح 37. الصافی 19:1. اثبات الهداه 512:1، ب 9، ف 24، و: 627، ب 9، ف 38، ح 703، و: 664، ب 9، ف 71، ح 856.
 - 2- غیبه الطوسی: 274 و 281.
 - 3- . الفتن: 94. عقد الدرر: 123، ب 5. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:76. الفتاوی الحدیثیه: 30. القول المختصر: 19، ب 2، ح 29. برهان المتّقی: 144، ب 6، ح 7. فرائد فوائد الفکر: 9، ب 4.

(587) بحار الانوار: سیّد علی بن عبدالحمید، ابو بصیر: امام محمّد باقر علیه السلام ضمن حدیثی طولانی فرمودند:

«... سیصد و اندی نفر با وی بیعت می کنند...».(2)

(588) دلائل الامامه: ابو حسن بن هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابو علی محمّد بن همام، ابو عبداللّه جعفر بن محمّد، محمّد بن حمران مدائنی، علی بن أسباط، حسن بن بشیر، ابو جارود: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود:

«سیصد و سیزده نفر با او بیعت می کنند».(3)

(589) ارشاد: مفصّل بن عمر جُعی: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«سیصد و ده و اندی مرد همراهش هستند و با او بیعت می کنند».(4)3.

ص: 252

1- . الفتن: 39.

2- . بحار الانوار 307:52، ب 26، ح 81. اثبات الهداه 3:582 و 583، ب 23، ف 59، ح 773.

3- . دلائل الامامه: 341. غیبه الطوسی: 283. تاج الموالید: 153. حلیه الابرار 2:598 و 599. بحار الانوار 2:291، ب 26، ح 34. بشاره الاسلام: 241، ب 3.

4- . الارشاد: 363. روضه الواعظین 2:265. اعلام الوری: 431، ب 4، ف 3. كشف الغمّه 3:254. الصراط المستقیم 2:253، ب 11، ف 9. بشاره الاسلام: 220، ب 3. منتخب الاثر: 468، ف 6، ب 11، ح 3.

این باب شامل پنج فصل است:

فصل اول: نبرد با سفیانی

روایات اهل سنت:

(590) العرف الوردی: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«چون بیرق های سیاه [لشکر] سفیانی که شعیب بن صالح نیز بین آنهاست بیرون آید، مردم آرزومند و خواستار مهدی شوند. او هم پس از آنکه مردم به علت طولانی شدن بلاها از خروجش ناامید گشته اند با بیرق رسول خدا صلی الله علیه و آله از مکه بیرون آمده دو رکعت نماز می گزارد، و پس از نماز برمی گردد و می گوید: ای مردم، بلا بر امت محمد صلی الله علیه و آله و بخصوص بر اهل بیت او شدت یافته، سفیانی متجاوزی است که به ما تعدی نموده...» (1)

(591) فتن ابن حماد: ولید و رشدین، ابن لهیعه، ابو زرعه: حضرت محمد بن علی علیه السلام فرمود:

«چون آن پناهنده مکه از خسف [40] آگاه شود، با دوازده هزار نفر - که در میان آنها ابدال نیز حضور دارند - قیام می کند، از مکه روانه می شوند تا اینکه به ایلیا [15] (بیت المقدس) می رسند و توقف می کنند.

ص: 253

سفیانی که این خبر را می شنود می گوید: قسم می خورم خداوند در این مرد عبرت قرار داده است، هر چه نیرو برای نبرد با او فرستادم در زمین فرو رفتند؛ باید عبرت گرفت و چشم حقیقت بین را باز کرد! از این رو تسلیم وی شده فرمانبردار او می گردد.

سفیانی از آنجا بیرون می رود تا آنکه به اقوام مادریش از طایفه کلب بر می خورد. آنها او را سرزنش می کنند و می گویند: خداوند لباس [ریاست] را بر تو پوشاند، اما تو آن را بیرون آوردی! می گوید: نظر شما چیست؟ بیعتم را با او بشکنم؟ می گویند: آری. سفیانی به نزد امام علیه السلام در ایلیا رفته و می گوید: بیعت خود را از من بردار! حضرت می فرماید: چنین دوست می داری؟ می گوید: آری.

امام بیعتش را از او بر می دارد و می گوید: این مرد از طاعت من خارج شده است، و دستور می دهد در دروازه ایلیا سرش را جدا کنند. آنگاه به سوی طایفه کلب رفته و غنایمی به دست می آورد، و کسی که از آن غنایمی بی بهره بماند زیانکار است». (1)

(592) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«آنها (شامیان) در دمشق گرد سفیانی اجتماع می کنند و می گویند: اعراب حجاز علیه ما متحد شده اند.

سفیانی به یارانش می گوید: نظرتان در مورد این قوم چیست؟

می گویند: آنها نجابت و شتر دارند، ما ابزار جنگی و سلاح داریم، به کمک ما بر آنها بتاز.

اما می بینند که او ترسیده، زیرا می داند چه چیزی از او می خواهند، لذا آنقدر به او اصرار ورزند تا به خروج تن می دهد، و با اسب ها و مردان و سپاه خود که دویست و شصت هزار نفرند خارج گشته به دریاچه 9.

ص: 254

1- . الفتن: 95. عقد الدرر: 84 ب 4، ف 2. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 72 و 73. برهان المتقی: 123، ب 4، ف 2، ح 32 و: 103، ب 4، ف 1، ح 4، و: 124، ب 4، ف 2، ح 33. کنز العمال 14: 589، ح 39669.

طبریه [70] که می رسند اردو می زنند.

مهدی علیه السلام [نیز] با همراهانش حرکت می کند، در هیچ شهری اثری جز امنیت و امان و بشارت بجای نمی گذارد، سمت راستش جبرئیل علیه السلام، سمت چپش میکائیل علیه السلام، و مردم از همه جا به او می پیوندند، تا اینکه کنار دریاچه طبریه با سفیانی برخورد می نمایند.

خداوند عزوجل و خلقتش بر سفیانی و سپاه او خشمناک می شوند، و حتی پرندگان در آسمان با بال هایشان به آنها تیر می زنند، و کوه ها سنگهای خود را به طرفشان پرتاب می کنند، پس جنگی در می گیرد که به هلاکت سپاه سفیانی می انجامد، سفیانی فرار می کند، و مردی از دوستان مهدی به نام «صبح» او را گرفته نزد مهدی می آورد، و در حالی که آن حضرت مشغول نماز عشا است به او بشارت می دهد، مهدی علیه السلام نماز را کوتاه کرده و بیرون می آید، [و می بیند که] عمامه سفیانی در گردنش است و او را می کشند. مهدی او را مقابل خود نگاه می دارد. سفیانی گوید: پسر عمو، بر من منت گذار و زندگی را به من بازگردان تا از یاران شمشیرزن تو گردم و با دشمنانت جهاد می کنم. مهدی که باحیاطتر از دوشیزگان بین یارانش نشسته می گوید: رهایش کنید.

اصحاب مهدی می گویند: ای فرزند دختر رسول خدا، او را زنده می گذاری؟ او فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله را کشته، و ما طاقت آن را نداریم.

مهدی گوید: او برای شما، هر کاری می خواهید با او بکنید، اما از قبل او را آزاد کرده و فراری می دهد. سرانجام صبح با عده ای در سدره به او می رسد، خوابانیده و ذبحش می نماید و سرش را برای مهدی می آورد، شیعیان او به سر نگاه می کنند و تکبیر و تهلیل سر می دهند، و خداوند را به خاطر آن می ستایند، آنگاه مهدی دستور می دهد سر را دفن نمایند. (1)4.

ص: 255

1- . عقد الدرر: 90-99، ب 4، ف 2، و: 137-139، ب 6. برهان المتقی: 76 و 77، ب 1، ح 14 و 15. فرائد فوائد الفکر: 10، ب 4.

(593) فتن ابن حمّاد: ولید بن مسلم عن محدّث:

«وقتی سفیانی نقض بیعت می کند، مهدی با او و افراد بنی کلب وارد جنگ می شود. در این نبرد سفیانی را اسیر کرده می آورند و به دستور مهدی گردنش را در دروازه رحبه می زنند. زن های آنها نیز به عنوان کنیز و اموالشان در دروازه دمشق به فروش می رسند» (1).

روایات شیعه:

(594) بحار الانوار: سیّد علی بن عبدالحمید، کابلی: حضرت امام محمّد باقر علیه السلام فرمودند:

«... لشکر سفیانی علیه او (مهدی) خروج می کنند» (2).

(595) بحار الانوار: سیّد علی بن عبدالحمید، جابر بن یزید: حضرت امام محمّد باقر علیه السلام فرمود:

«هرگاه به سفیانی خبر دهند قائم از ناحیه کوفه به طرف او در حرکت است، به سرعت سپاه خود را حرکت می دهد تا او را ملاقات نماید. [چون به هم رسیدند] بیرون آمده می گوید: پسرعموی مرا جلو بفرستید! سفیانی بیرون می آید و قائم علیه السلام با او صحبت می کند. سفیانی می آید و دست بیعت می دهد. وقتی نزد یارانش باز می گردد به او می گویند: چه کردی؟ می گوید:

تسلیم شده و بیعت نمودم.

به او می گویند: اف به این رأی و نظرت! تو خلیفه ای هستی که دیگران از تو اطاعت می کنند، حال خودت مطیع شخص دیگری شدی!؟

سفیانی مقابل قائم می ایستد و با او می جنگد، شب را استراحت می کنند و دوباره صبحگاه جنگ را با قائم از سر می گیرند، و تا پایان روز می جنگند. خداوند به شانه های مهدی و یارانش نیروی تازه می بخشد و آنها [سپاه سفیانی] را تار و مار می کنند، به طوری که هر کدامشان پشت 4.

ص: 256

1- . الفتن: 96. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:72. برهان المتّقی: 123، ب 4، ف 2، ح 31.

2- . بحار الانوار 52:308، ب 26، ح 83. اثبات الهداه 3:583، ب 32، ف 59، ح 774.

درخت یا سنگی پنهان می شود، درخت یا سنگ می گوید: ای مؤمن، این مردی کافر است، او را بکش، و [مؤمن] او را می کشد.

امام فرمود: درندگان و پرندگان از گوشت آنها سیر می شوند...» (1).

(596) معانی الاخبار: محمد بن حسن بن احمد بن ولید، محمد بن یحیی عطار و احمد بن ادریس، محمد بن احمد بن یحیی بن عمران الأشعری، السیاری، الحکم بن سالم: حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

«ابوسفیان با رسول خدا صلی الله علیه و آله جنگید، معاویه با علی بن ابی طالب علیه السلام، و یزید بن معاویه با حسین بن علی علیه السلام جنگیدند. سفیانی هم با قائم علیه السلام در نبرد خواهد شد.» (2).

(597) منتخب الانوار المصنیه: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«مهدی، سفیانی و لشکرش را شکست داده و همه آنها را می کشد، و سفیانی را در جهتِ روبه طرف شام از دریاچه طبریه [70] زیر درختی که شاخه هایش آویزان است ذبح می کند» (3). (4).

فصل دوم: نبرد با دجال

روایات اهل سنت:

(598) فتن ابن حماد: ابو ایوب، أرطاه، کعب:

«آنها در حال تقسیم غنائم قسطنطینیة [88] هستند که از ماجرای دجال مطلع می گردند. بی درنگ آنچه در دست دارند رها ساخته و به سمت

ص: 257

1- . بحار الانوار 52:388، ب 27، ح 206. اثبات الهداه 3: ب 32، ف 59، ح 795. بشاره الاسلام: 238.

2- . معانی الأخبار: 346، ح 1. بحار الانوار 52:190، ب 25، ح 18.

3- «... و یدبح السفیانی تحت شجره أغصانها مدلاه فی بحیره طبریّه ممّا یلی الشام».

4- . منتخب الأنوار المصنیه: 192، ف 12. بحار الانوار 52:386، ب 27، ح 199. اثبات الهداه 3:584، ب 32، ف 59، ح 782.

بیت المقدس می روند و همگی در آنجا به هم ملحق می شوند. آنگاه نماز به امامت ولیّ امر مسلمین برپا می شود...» (1).

روایات شیعه:

(599) کمال الدین: محمد بن ابراهیم بن اسحاق، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، حسین بن معاذ، قیس بن حفص، یونس بن ارقم، ابو سیار شیبانی، ضحاک بن مزاحم، نزال بن سبره: علی بن ابی طالب علیه السلام در خطبه ای فرمود:

«... خداوند او (دجال) را در شام بر سر گردنه ای به نام «افیق» خواهد کشت. قتل او هنگامی که سه ساعت از روز جمعه گذشته توسط کسی خواهد بود که عیسی علیه السلام پشت سرش نماز می خواند» (2).

فصل سوم: لشکرکشی مهدی به قدس

روایات اهل سنت:

(600) عقد الدرر: امام علی علیه السلام فرمود:

«مهدی علیه السلام وارد بیت المقدس می شود» (3).

(601) فتن ابن حمّاد: ولید و رشدین، ابن لهیعه، ابوزرعه: حضرت محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) فرمود:

«چون آن پناهنده به مکه از خسف [40] آگاه گردد، با دوازده هزار نفر که ابدال هم بین آنها هستند خروج می کند، تا اینکه به ایلیا [15] می رسند» (4).

(602) فتن ابن حمّاد: عبدالله بن مروان، هیشم بن عبدالرحمن: علی علیه السلام فرمود:

ص: 258

1- . الفتن: 161.

2- . کمال الدین 2: 525-528، ب 47، ح 1. بحار الانوار 14: 348 و 349، ب 24، ح 10.

3- . عقد الدرر: 275، ب 12، ف 2.

4- . الفتن: 95. عقد الدرر: 84، ب 4، ف 2. عرف السیوطی 2: 72. برهان المتقی: 123، ب 4، ف 2، ح 31.

«مهدی روانه می گردد، در بیت المقدس توقف و اتراق می نماید، و خزینه ها (اموال) به سمت او منتقل می گردد».(1)

روایات شیعه:

(603) اثبات الهداه: سید هبه الله بن ابی محمد حسن موسوی، ابو الحسن علی بن عبدالله به نقل از پدرش، یعقوب الجریمی، ابو حبیب هروی، عبدالله بن عبدالرزاق به نقل از پدرش و او نیز از پدرش، ابو سعید خدری، جابر بن عبدالله انصاری: امیر مؤمنان علیه السلام خطبه ای طولانی ایراد فرمود که در آن نشانه های آخرالزمان و اخبار فراوانی از آینده مثل حکومت بنی امیه و بنی عباس و احوال دجال و سفیانی را ذکر نمود:

«... عیسی بن مریم علیهما السلام از آسمان فرود می آید و با مهدی که از ذریه من است خواهد بود... و همه با هم حرکت کرده و به بیت المقدس می روند».(2)

فصل چهارم: فتح مکه و مدینه

روایات اهل سنت:

(604) فتن ابن حمّاد: سعید ابو عثمان، جابر: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«... خداوند سرزمین حجاز را برای مهدی فتح می نماید، و اوزندانی های بنی هاشم را آزاد می سازد».(3)

(605) فتن ابن حمّاد: الحکم بن نافع، جراح، أرطاه:

«مهدی قیام می نماید، وقتی به مدینه برسد هر که را از بنی هاشم در آنجا

ص: 259

1- . الفتن: 96. عقد الدرر: 129، ب 5. عرف السیوطی ضمن الحاوی 70:2 و 73. کنز العمال 589:14، ح 39669.

2- . اثبات الهداه 587:3، ب 32، ف 61، ح 804. مستدرک الوسائل 377:11، ب 49، ح 21. المهدي الموعود المنتظر 110:1 و 111.

3- . الفتن: 95. عقد الدرر: 145، ب 7. عرف السیوطی ضمن الحاوی 71:2. برهان المتقی: 141، ب 6، ح 3.

روایات شیعه:

(606) بحار الانوار: سیّد علی بن عبدالحمید، کابلی: امام محمّد باقر علیه السلام فرمودند:

«قائم در مکه بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت می گیرد، و در آنجا کارگزاری معین نموده، به سمت مدینه حرکت می کند. در راه به او خبر می دهند که کارگزارش به قتل رسیده. بازمی گردد و قاتلان او را می کشد و بیش از این کاری نمی کند. آنگاه راه می افتد و بین دو مسجد (مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله) مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت می کند... سپاه سفیانی به قصد جنگ با او حرکت می کند، و خداوند آنها را در زمین فرو می برد».

و در روایت دیگری فرمود:

مهدی به طرف مدینه خارج می شود و تا هر مدت که بخواهد آنجا می ماند» (2).

فصل پنجم: فتح شام

روایات اهل سنت:

(607) فتن ابن حمّاد: رشدین، ابن لهیعه، عیّاش بن عبّاس الزرقی، ابن زبیر، علی علیه السلام:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند کسی را بر اهل شام مسلط می کند تا جمعیت آنها را به طوری متفرّق سازد که اگر روباه ها با شامیان بجنگند بر آنها پیروز شوند، در آن موقع مردی از اهل بیتم با سه بیرق قیام می کند، کسانی که زیاد شمرند گویند تعداد آنها پانزده هزار و کسانی که کم شمرند گویند دوازده هزار

ص: 260

1- . الفتن: 84.

2- . بحار الانوار 308:52، ب 26، ح 83. اثبات الهداه 3:583، ب 32، ف 59، ح 774.

نفرند، علامت آنها «أَمْتُ أَمْتٍ» [13] است. هر کدام از صاحبان بیرق‌ها در پی حکومت است یا دیگران می‌خواهند او را به حکومت برسانند، پس خدا همه آنها را می‌کُشد، آنگاه الفت و نعمت و آزادی بیان(1) را به مسلمانان برمی‌گرداند». (2)

(608) العطر الوردی: حُدیفه:

«مهدی به قصد شام حرکت می‌کند، در حالی که جبرئیل امیرِ مقدّمه و میکائیل امیرِ مؤخره سپاه او است، اهل آسمان و زمین و پرندگان وحشی و ماهیان دریا به او شادمان می‌گردند». (3)

(609) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«... (مهدی) با سپاهیان خود روانه می‌گردد و در شام اتراق می‌نماید. در آن زمان اصحاب اندلس مسجد آنجا را به آتش کشیده و تخریب نموده اند.

او مدّتی در دمشق اقامت می‌کند، و فرمان به بازسازی مسجد آنجا می‌دهد.

در آن روزگار دمشق خیمه گاه مسلمانان، بهترین شهر روی زمین و محلّ آثار پیامبران، و بقایای صالحان بوده، از فتنه‌ها در امان، و بر دشمنانش پیروز است. بنابراین هر کس بتواند در آن شهر جایی برای خود تهیه کند، گرچه آغل گوسفندان باشد بهتر از ده باغ(4) در مدینه است. نیکان عراق به دمشق نقل مکان می‌نمایند، آنگاه مهدی سپاهی به سمت طایفه کلب گسیل می‌دارد...». (5) 5.

ص: 261

-
- 1- «و یردّ الله علی المسلمین إفتهم وقاصّتهم و بزارتهم». در روایت دیگری آمده: به آن حضرت گفتیم: «قاصّه» و «بزاره» چیست؟ فرمود: حکومت را می‌گیرند، به طوری که هر کس بدون ترس و واهمه هر چه خواست می‌گوید.
 - 2- الفتن: 96. المعجم الأوسط 1: 203، ح 293. عقد الدرر: 44، ب 4، ف 1. مقدّمه ابن خلدون: 252، ف 53.
 - 3- العطر الوردی: 64.
 - 4- الحیطان (ج الحائط): چهار دیواری، باغ نخلی که محصور باشد. (مجمع البحرین - حوط)
 - 5- عقد الدرر: 90-99، ب 4، ف 2، و: 137 و 138، ب 6، و: 139، ب 6. برهان المتقی: 76 و 77، ب 1، ح 14 و 15.

(610) فتن ابن حمّاد: حکم بن نافع، جراح، ارطاه (بدون اسناد به پیامبر):

«اولین لشکر کشی مهدی... پس از آن به جانب شام رفته و آنجا را فتح می نماید...» (1).

روایات شیعه:

(611) دلایل الامامه: ابو عبدالله حسین بن عبدالله، ابو علی حسن بن محمد نهاوندی، علی بن محمد بن نهید الحصینی، ابو علی الشهریاری، ابراهیم بن عبدالرحمن، جعفر بن قرم، هارون بن حمّاد، مقاتل، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی... آنها را می برد و به قتل می رسند، و فرزندانشان کنار در مسجد دمشق [به عنوان برده] فروخته می شوند...» (2).

(612) الزام الناصب: محمد بن احمد الأنباری، محمد بن احمد الجرجانی قاضی الری، طوق بن مالک به نقل از پدرش و او نیز از پدرش، عبدالله بن مسعود: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«... با سپاهیان خود روانه می گردد و در شام اتراق می نماید. در آن زمان اصحاب اندلس مسجد آنجا را به آتش کشیده و تخریب نموده اند. او (مهدی) مدّتی در دمشق اقامت می کند، و فرمان به بازسازی مسجد آنجا می دهد. در آن روزگار دمشق خیمه گاه مسلمانان، بهترین شهر روی زمین و محلّ آثار پیامبران، و بقایای صالحان بوده، از فتنه ها در امان، و بر دشمنانش پیروز است. پس هر کس بتواند در آن شهر جایی برای خود تهیه کند گرچه اعلّ گوسفندان باشد بهتر از ده باغ (3) در مدینه است. نیکان عراق به دمشق نقل مکان می نمایند، آنگاه مهدی سپاهی به سمت طایفه «کلب» گسیل می دارد...» (4)3.

ص: 262

1- . الفتن: 224.

2- . دلایل الامامه: 249.

3- الحیطان (ج الحائط): چهار دیواری، باغ نخلی که محصور باشد. (مجمع البحرین - حوط)

4- . الزام الناصب 2: 178-213. کشف النوری: 178-183، ف 2. منتخب الاثر: 154، ف 2، ب 1، ح 43.

این باب شامل سه فصل است:

فصل اول: نبرد با رومیان

روایات اهل سنت:

(613) صحیح مسلم: زهیر بن حرب، معالی بن منصور، سلیمان بن بلال، سهیل به نقل از پدرش، ابوهریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نشود تا آنگاه که [نظامیان] روم در اعماق یا دابق پیاده شوند. سپاهی متشکل از بهترین اهل زمین آن زمان از مدینه برای مقابله با آنها تجهیز می گردند. هنگامی که دو سپاه مقابل هم قرار گیرند، رومیان می گویند: از راه ما کنار روید و بگذارید با کسانی که از ما اسیر گرفتند بجنگیم. مسلمانان پاسخ می دهند: نه، به خدا قسم نمی گذاریم دست شما به برادرانمان برسد. پس با ایشان نبرد می کنند؛ یک سوم آنها شکست می خورند و می گریزند و خداوند هیچ گاه توبه ایشان را نمی پذیرد، یک سوم کشته می شوند که برترین شهدا نزد خداوند هستند، و یک سوم پیروز می شوند و دیگر هیچ گاه مورد فتنه قرار نمی گیرند، و قسطنطنیه [88] را فتح می نمایند. در حالی که شمشیرهایشان را به درخت زیتون آویزان کرده و غنائم آنجا را تقسیم می نمایند شیطان میان آنها بانگ می زند: مسیح به جای شما به خانه هایتان رفته! آنها خارج می شوند در حالی که این کارشان باطل

ص: 263

است، و هنگامی که به شام می آیند شیطان بیرون می رود. و در حال تنظیم صفوف برای جنگ هستند که نماز برپا می شود. عیسی بن مریم نازل می شود و به امامت او نماز می خوانند. پس چون دشمن خدا به عیسی علیه السلام نظر کند (از ترس یا خجالت) آب می شود، آنچنان که نمک در آب ذوب گردد، و اگر او را به حال خود رها سازد آنقدر ذوب می شود که هلاک گردد، اما خداوند او را به دست عیسی علیه السلام می کشد، و عیسی خون وی را بر سلاح خود به آنها نشان می دهد»⁽¹⁾.

(614) عقد الدرر: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن بیان ماجرای مهدی علیه السلام و فتوحات او فرمود:

«... با مسلمانان همراهش حرکت می کنند، به هر قلعه ای در بلاد روم رسند «لا اله الا الله» می گویند و دیوارهای آن فرومی ریزد. آنگاه در قسطنطنیه [88] اتراق می کنند و تکبیر می گویند، خلیج آن خشک و دیوار دور شهر خراب می شود. بعد به سمت رومیه [54] حرکت می کنند. چون به نزدیکی آنجا رسد و بر آن مشرف گردد، مسلمانان سه مرتبه تکبیر سر می دهند، آنجا تبدیل به مُشتی ماسه می گردد که روی زمین مرتفعی ریخته باشد»⁽²⁾.

روایات شیعه:

(615) مختصر البصائر: کتابی از خطبه های مولا امیرالمؤمنین علیه السلام دیدم که خطّ سیّد رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن طاووس بر آن بود... از ابو روح فرج بن فروه، مسعده بن صدقه: حضرت جعفر بن محمّد صادق علیه السلام خطبه ای از مولا یمان امیر مؤمنان علیه السلام به نام خطبه مخزون [41] ذکر فرمود که در قسمتی از آن آمده بود:

«... و [لشکر] روم به روستایی که کنار دریا و نزد غار اصحاب کهف⁶.

ص: 264

1- صحیح مسلم 4:2221، ح 2897، ح 34. صحیح ابن حبان 8:286، ح 6774. عقد الدرر: 180، ب 9، ح 1. القول المختصر: 14، ح 61.

2- عقد الدرر: 139، ب 6.

است روی آورد، خداوند آن جوانمردان را از غار به سوی ایشان برانگیزد [20]. از میان ایشان مردی است به نام تملیخا و دیگری به نام کمسلمینا، و این دو نفر در خدمت قائم علیه السلام حاضر و تسلیم فرمان وی شوند.

مهدی یکی از اصحاب کهف را به روم می فرستد که او بی دلیل و هدف باز می گردد. لذا دیگری را می فرستد و او پیروز باز می گردد. آن روز تأویل این آیه است: **وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا (1)**. (2)

(616) غیبه النعمانی: ابو سلیمان احمد بن هوده، ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن حماد انصاری، محمد بن جعفر بن محمد علیهما السلام: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«چون سپاهیان مهدی به خلیج رسند چیزی روی پاهایشان می نویسند و روی آب راه می روند. وقتی رومیان آنها را در آن حال ببینند گویند: اینها اصحاب اویند که روی آب راه می روند، خودش چگونه است؟! درهای شهر را برایشان می گشایند و آنها داخل شده، تا هر وقت بخواهند در آنجا حکومت می کنند». (3)4.

ص: 265

1- «در آن روز هر که در آسمان و زمین است یا به اختیار خود یا به اجبار، تسلیم اوست». (آل عمران: 83)

2- مختصر بصائر الدرجات: 195-201. الايقاظ من الهجعه: 289، ب 9، ح 111. بحار الانوار 53:77-86، ب 29، ح 86.

3- الغیبه: 319 و 320، ب 21، ح 8. دلائل الامامه: 249. اثبات الهداه 3:573، ب 32، ف 48، ح 712. بحار الانوار 52:365، ب 27، ح 144.

روایات اهل سنت:

(617) مصتّف ابن ابی شیبّه: هاشم بن قاسم، عبدالرحمن بن ثابت بن ثوبان به نقل از پدرش، مکحول، جبیر بن نفیر، مالک بن یخامر، معاذ بن جبل: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«آبادی بیت المقدس خرابی یثرب است، و خرابی یثرب خروج فتنه، و خروج فتنه فتح قسطنطنیه [88]، و فتح قسطنطنیه خروج دجال است.»

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با دست بر ران یا شانه شخصی که با او سخن می گفت زد و فرمود:

این واقعیت دارد و حقّ است، همان طور که تو اکنون اینجایی، یا همان طور که تو اکنون اینجا نشسته ای».

و خطاب آن حضرت به معاذ بود. (1)

(618) فتن ابن حمّاد: نعیم، بقیّه و ابو مُغیره، بشیر بن عبداللّه بن یسار: عبداللّه بن بسر مازنی - صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله - گوش مرا گرفت و گفت:

«ای برادر زاده، ممکن است تو در فتح قسطنطنیه [88] حاضر باشی؛ اگر چنین شد، مبادا غنیمت و بهره خود را از آنجا برنداری! فاصله بین فتح قسطنطنیه و خروج دجال هفت سال است» (2).

(619) فتن ابن حمّاد: ابو ایوب، ارطاه به نقل از شخصی: کعب ضمن حدیثی درباره مهدی علیه السلام و فتح بلاد روم گفت:

«در حالی که آنها غنائم قسطنطنیه را تقسیم می کنند، از ماجرای دجال

ص: 266

1- . المصتّف 15:135، ح 19323. مسند احمد 5:232. سنن ابی داود 4:110، ح 4294. مشکل الآثار 1:217. ملاحم ابن المنادی: 33. تاریخ بغداد 10:223. الفردوس 3:50، ح 4127.
2- . الفتن: 130 و 147. المستدرک علی الصحیحین 4:462. عقد الدرر: 221، ب 9، ح 3. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:67.

آگاه می شوند، بی درنگ هر چه در دست دارند می اندازند و می آیند تا [به سپاه] بپیوندند...» (1).

(620) صحیح مسلم: زهیر بن حرب، معلی بن منصور، سلیمان بن بلال، سهیل به نقل از پدرش، ابو هُریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت نشود تا آنگاه که [نظامیان] روم در اعماق [10] یا دابق [44] پیاده شوند. سپاهی متشکل از بهترین اهل زمین آن زمان از مدینه برای مقابله با آنها تجهیز می گردند. هنگامی که دو سپاه مقابل هم صف می کشند، رومیان می گویند: از راه ما کنار روید و بگذارید با کسانی که از ما اسیر گرفتند بجنگیم. مسلمانان پاسخ می دهند: نه، به خدا قسم نمی گذاریم دست شما به برادرانمان برسد. پس با ایشان نبرد می کنند؛ یک سوم آنها شکست می خورند و می گریزند و خداوند هیچ گاه توبه ایشان را نمی پذیرد، یک سوم کشته می گردند که برترین شهدا نزد خداوند، و یک سوم پیروز می شوند و دیگر هیچ گاه مورد فتنه قرار نمی گیرند، و قسطنطنیه را فتح می نمایند...» (2).

روایات شیعه:

(621) غیبه النعمانی: ابو سلیمان احمد بن هوده، ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن حماد انصاری، محمد بن جعفر بن محمد علیهما السلام: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«مهدی سپاهی به قسطنطنیه [88] گسیل می دارد، چون به خلیج رسند چیزی روی پاهایشان می نویسند و روی آب راه می روند. وقتی رومیان آنها را در آن حال ببینند گویند: اینها اصحاب اویند که روی آب راه می روند، خودش چگونه است؟! درهای شهر را برایشان می گشایند و آنها را 2.

ص: 267

1- الفتن: 161 و 149.

2- صحیح مسلم 4: 2221، ح 2897، ح 34. صحیح ابن حبان 8: 286، ح 6774. المستدرک علی الصحیحین 4: 482. السنن الواردة فی الفتن: 114. مصابیح البغوی 3: 480، ح 4179. تذکره القرطبی 2: 706.

داخل شده، تا هر وقت بخواهند در آنجا حکومت می کنند».(1)

(622) ارشاد المفید: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«چون قائم علیه السلام قیام کند... قسطنطنیه را فتح نماید».(2)

(623) غیبه الطوسی: فضل بن شاذان، عبدالرحمن بن ابی هاشم، علی بن ابی حمزه، ابو بصیر:

«... قسطنطنیه، رومیه [54] و بلاد چین را خواهد کرد».(3)

فصل سوم: فتح کوه زمین

روایات اهل سنت:

(624) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«(مهدی) قسطنطنیه، چین و کوه های دیلم را فتح خواهد کرد».(4)

(625) فتن ابن حماد: عبدالله بن مروان، هیشم بن عبدالرحمن: یک نفر که خود از علی علیه السلام شنیده بود گفت: آن حضرت فرمود:

«عرب، عجم، جنگجویان و دیگر اقشار بدون درگیری مطیع مهدی می شوند، و حتی در قسطنطنیه و دیگر شهرها مسجد بنا می شود، مردی از اهل بیت او در اهل مشرق قیام می نماید، هشت ماه شمشیر کشیده مخالفان را می کشد و گوش و بینی آنها را می بُرد. آنگاه به سمت بیت المقدس

ص: 268

1- . الغیبه: 319 و 320، ب 21، ح 8. دلائل الامامه: 249. اثبات الهداه 3: 573، ب 32، ف 48، ح 712. بحار الانوار 52: 365، ب 27، ح 144.

2- . الارشاد: 365. بحار الانوار 52: 339 و 91: 55.

3- . غیبه الطوسی: 283 و 284. روضه الواعظین 2: 264. اعلام الوری: 432، ب 4، ف 3. كشف الغمّه 3: 256. منتخب الأنوار المضمیّه: 194 و 195، ف 12.

4- . عقد الدرر: 224، ب 9، ف 3، و: 238 و 239، ب 11.

می رود و پیش از رسیدن به آنجا می میرد»⁽¹⁾.

روایات شیعه:

(626) روضه الواعظین: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«مهدی قسطنطنیه، چین و کوه های دیلم را فتح می کند»⁽²⁾.

(627) کمال الدین: علی بن احمد بن محمد بن عمران، محمد بن عبدالله کوفی، موسی بن عمران نخعی به نقل از عمویش حسین بن یزید نوفلی، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش، ابو بصیر: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

(... خداوند به دست او مشرق ها و مغرب ها (همه زمین) را فتح می کند...

زمین به نور پروردگارش روشن می گردد، و در هر مکانی از زمین که غیر خداوند عزوجل را می پرستیدند، خداوند عبادت می شود، و دین فقط دین خدا باشد اگر چه مشرکان را خوش نیاید»⁽³⁾.

(628) دلایل الامامه: ابو الحسین محمد بن هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابو علی نهاوندی، ابو عبدالله زعفرانی، ابو طالب، حسن بن محبوب، محمد بن سنان، ابان بن تغلب:

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«وقتی قائم مایم کند، به هر کدام از کشورهای روی زمین، یک نفر می فرستد و می گوید: برنامه کار تو در کف دستت است، [اگر در امر حکومت به مشکلی برخوردی که ندانستی چه کار کنی] به آن چیزی عمل کن که در کف دستت می بینی»⁽⁴⁾.

(629) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، جابر بن یزید: حضرت امام محمد 4.

ص: 269

-
- 1- . الفتن: 88 و 96. عقد الدرر: 129، ب 5. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 70 و 73. برهان المتقی: 103، ب 4، ف 1، ح 4، و: 124، ب 4، ف 2، ح 33. کنز العمال 14: 589، ح 39669.
 - 2- . روضه الواعظین 2: 264. اعلام الوری: 432، ب 4، ف 3. كشف الغمّه 3: 256.
 - 3- . کمال الدین 2: 345 و 346، ب 33، ح 31. الايقاظ من الهجعه: 326، ب 10، ح 39.
 - 4- . دلایل الامامه: 249. اثبات الهداه 3: 573، ب 32، ف 48، ح 712. بحار الانوار 52: 365، ب 27، ح 144.

«قائم در آنجا سه سپاه تشکیل می دهد: یکی را به قسطنطنیه [88] می فرستد که خداوند آنجا را برایش فتح می فرماید، یکی را به چین، و دیگری را به کوه های دیلم، که همه به فتح و پیروزی می رسند».(1)

(630) مختصر اثبات الرجعه: صفوان بن یحیی، محمد بن حرمان: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«قائم ما با رعب یاری، و با پیروزی پشتیبانی شود، زمین برای او پیچیده [و فاصله های طولانی برایش کوتاه] گردد، همه گنج ها برای او نمایان شده و خداوند دین خود را توسط او بر همه ادیان غالب می فرماید هر چند مشرکان را ناخوش آید. سلطنت او مشرق و مغرب را فرا گیرد و تمامی ویرانی های زمین آباد شود».(2)

ص: 270

-
- 1- . بحار الانوار 388:52، ب 27، ح 206. اثبات الهداه 3:585، ب 32، ف 59، ح 795. بشاره الاسلام: 238.
 - 2- . مختصر اثبات الرجعه: 216 و 217، ح 18 و: 117. اثبات الهداه 3:570، ب 32، ف 44، ح 686. اربعون الخاتون آبادی: 182 و 183، ح 30. مستدرک الوسائل 12:335، ب 39، ح 6، و: 14:354، ب 20، ح 7. کشف النوری: 222.

این باب شامل چهار فصل است:

فصل اول: آمادگی و توان سپاه مهدی علیه السلام

روایات اهل سنت:

(631) فتن ابن حمّاد: ابن لهیعه، عبدالوہاب بن حسین، محمد بن ثابت به نقل از پدرش، حارث ہمدانی، عبداللہ بن مسعود: پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود:

«... خداوند بر کافران غضب می فرماید... و به جبرئیل می گوید: به کمک بندگانم برو! جبرئیل با یکصد ہزار فرشتہ فرود می آید. پس به میکائیل می فرماید: به کمک بندگانم برو! میکائیل با دویست ہزار فرشتہ پایین می آید. آنگاہ به اسرافیل می فرماید: به کمک بندگانم برو! اسرافیل ہم با سیصد ہزار ملک پایین می آید...» (1)

(632) عقد الدرر: عبداللہ بن اسماعیل بصری به نقل از پدرش، الحسن:

«مهدی با چہار ہزار نفر کہ لباسشان سفید و پرچم ہایشان سیاہ است قیام کند، و خودش جلو دار آنها خواهد بود» (2)

ص: 271

1- . الفتن: 260.

2- . عقد الدرر: 130، ب 5. الفتن: 84. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 68. الفتاوی الحدیثیہ: 30. برہان المتقی: 151، ب 7، ح 18.

(633) فتن ابن حمّاد: رشدین، ابن لهیعه، عبدالرحمن بن سالم به نقل از پدرش، ابورومان و ابو ثابت: علی علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی از اهل بیتم با بیست لشکر قیام می کند».

و مقصودشان قیام در مکه بود. (1)

(634) معجم طبرانی: رشدین، ابن لهیعه، عیّاش بن عبّاس الزرقی، ابن زبیر: علی علیه السلام:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث مهدی و سپاه او فرمود:

«... در آن موقع مردی از اهل بیتم با سه بیرق قیام می کند، کسانی که زیاد شمرند؛ گویند تعداد آنها پانزده هزار و کسانی که کم شمرند؛ گویند دوازده هزار نفرند...». (2)

(635) العطر الوردی: حُدیفه:

«بین رکن و مقام با مهدی بیعت کنند، و او به قصد شام خارج می شود در حالی که جبرئیل پیشاپیش و میکائیل از پشت سر همراهی اش می کنند». (3)

روایات شیعه:

(636) کمال الدین: حسین بن احمد بن ادريس به نقل از پدرش، احمد بن محمد بن عیسی، حسین بن سعید، ابن ابی عمیر، ابو ایوب، ابو بصیر: مردی کوفی از امام صادق علیه السلام پرسید: چند نفر با قائم خروج می کنند؟ می گویند سیصد و سیزده نفر به تعداد اصحاب بدر همراه او قیام می کنند! آن حضرت فرمود:

«قائم خروج نکند، مگر با افراد نیرومند؛ و افراد نیرومند از ده هزار نفر کمتر نیستند». (4)

ص: 272

1- . الفتن: 84. عقد الدرر: 133، ب 5.

2- . المعجم الأوسط 1: 203، ح 293. الفتن: 96. المستدرک علی الصحیحین 4: 553.

3- . العطر الوردی: 64. الفتن: 95.

4- . کمال الدین 2: 654، ب 57، ح 20. العدد القویّه: 65، ح 92. اثبات الهداه 3: 491، ب 32، ف 5، ح 234. حلیه الابرار 2: 585، ب 22. بحار الانوار 52: 323، ب 27، ح 33.

(637) هدایه الخصیبه: صباح امری، حارث بن خضر، اصبع بن نُبّاته: همراه امیرالمؤمنین علیه السلام می رفتیم، آن حضرت در بازار می گشت و مردم را امر به رعایت حقوق در پیمانانه و وزن می فرمود، همین طور که می گشت و روز به نیمه رسیده بود، به مردی برخورد که نشسته و با دیدن آن حضرت برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان، با من به منزل بیاید تا با هم ناهار بخوریم، و برای من به درگاه خداوند دعا کنید، گمان نمی کنم شما امروز صبحانه خورده باشید... تا اینجا که گوید: بیرون رفت و قدم می زد تا اینکه به قصر دارالاماره کوفه رسید، پا به زمین کوبید، زمین لرزید، آنگاه فرمود:

«به خدا سوگند، ای کاش می دانستید اینجا چه مکانی است! به خدا قسم وقتی قائم ما قیام نماید، دوازده هزار زره و دوازده هزار شمشیر سفید دولب از اینجا بیرون آید، که آنها را دوازده هزار نفر از مردم عجم بپوشند، پس [قائم] دستور می دهد هر کس را که بر خلاف عقیده آنهاست به قتل برسانند. من به این واقعه آگاهم و چنان به آن یقین دارم که به امروز یقین دارم» (1).

(638) بحار الانوار: سیّد علی بن عبدالحمید، ابو بصیر: امام محمد باقر علیه السلام ضمن حدیثی طولانی فرمودند:

«... و آن سیصد نفر و عدّه کمی از اهل مکه با وی بیعت می کنند، آنگاه از مکه خارج می شود تا آنکه گویی در حلقه قرار می گیرد.

گفتم: حلقه چیست؟ فرمود:

ده هزار مرد، جبرئیل سمت راست او و میکائیل سمت چپ اوست، آنگاه پرچم آشکار را به اهتزاز در آورده و باز می نماید، این پرچم همان پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله «سحاب» است، و زرهش زره رسول خدا صلی الله علیه و آله «سابغه» است، و شمشیر رسول خدا «ذوالفقار» را می بندد» (2)3.

ص: 273

1- . الهدایه الکبری: 31.

2- . بحار الانوار 307:52، ب 26، ح 81. اثبات الهداه 3:582 و 583، ب 23، ف 59، ح 773.

(639) ارشاد: مفضّل بن عمر جعفی: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«... در مکه با او بیعت می کنند و او همان جا می ماند تا تعداد ده هزار نفر یارانش کامل شود و از آنجا به مدینه رهسپار گردد» (1).

(640) تفسیر عیاشی: ضریس بن عبدالملک: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«پنج هزار فرشته ای که روز جنگ بدر به یاری حضرت محمد صلی الله علیه و آله آمدند هنوز به آسمان بالا نرفته اند، و بالا نروند تا آنگاه که صاحب امر را یاری رسانند» (2).

فصل دوم: افسران و افراد سپاه مهدی

روایات اهل سنت:

(641) سنن دانی: ابن عفّان، احمد، سعید، نصر، علی بن معبد، خالد بن سلام شامی، عبدالکریم، محمد بن الحنفیه:

«... بیرق دیگری بیرون آید، که [افراد دنبال آن] لباسشان سفید و جلودارشان مردی از بنی تمیم است، و او مقدمات حکومت مهدی را فراهم می نماید...» (3).

(642) سنن ابی داود: هارون، عمرو بن ابی قیس، مطرف بن طریف، ابو الحسن، هلال

ص: 274

-
- 1- . الارشاد: 363 و 364. روضه الواعظین 2: 265. اعلام الوری: 431، ب 4، ف 3. كشف الغمّه 3: 254. الصراط المستقیم 2: 253، ب 11، ف 9. اثبات الهداه 3: 527، ب 32، ف 22، ح 431. بحار الانوار 52: 337، ب 27، ح 78.
 - 2- . تفسیر العیاشی 1: 197، ح 138. اثبات الهداه 3: 549، ب 32، ف 28، ح 553. البرهان 1: 313، ح 5. بحار الانوار 19: 284، ب 10، ح 26. تفسیر نور الثقلین 1: 388، ح 346.
 - 3- . السنن الواردة فی الفتن: 99. عقد الدرر: 126، ب 5. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 68. الفتاوی الحدیثیه: 31. القول المختصر: 69، ب 1، ح 18، و: 20، ب 3، ح 4. برهان المتقی: 151، ب 7، ح 17.

بن عمرو: از علی علیه السلام شنیدم که می گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی به نام حارث بن حَرَاث از آن سوی نهر قیام می کند، فرمانده مقدمه لشکرش شخصی به نام منصور است، همان طور که قریش زمینه را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله فراهم کردند، او زمینه را برای آل محمد علیهم السلام آماده می سازد».(1)

(643) فتن ابن حمّاد: ولید بن مسلم، ابو عبدالله، عبدالکریم ابو امیّه، محمّد بن الحنفیه:

«... از خراسان بیرق سیاه دیگری بیرون می آید که کلاه [صاحبان] آن سیاه و لباسشان سفید است. فرمانده خطّ مقدم آنها مردی از [بنی] تمیم به نام شعیب بن صالح یا صالح بن شعیب است. آنها اصحاب سفیانی را شکست می دهند...».(2)

(644) فتن ابن حمّاد: عبدالله بن اسماعیل بصری به نقل از پدرش، الحسن:

«مردی کوسه و گندم گون و میانه قامت به نام شعیب بن صالح که مولای [105] بنی تمیم است... از شهر ری قیام می کند».(3)

(645) فتن ابن حمّاد: ولید و رشدین، ابن لهیعه، کعب بن علقمه، سفیان الکعبی:

«نوجوانی با محاسن کم و زردرنگ زیر لوای مهدی علیه السلام قیام می کند».(4)

(646) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام:

«سپاهیان از مقابل او می آیند، وزیرانش همدانی، سپاهیان خولانی، یاورانش حمیری، و سرگردانش مُضَری هستند و خداوند جمعیت او را با5.

ص: 275

1- سنن ابی داود 4:108، ح 4290. ملاحم ابن المنادی: 42. مصابیح البغوی 3:494، ب 3، ح 4216. جامع الاصول 12:66، ب 5، ف 1، ح 8851. عقد الدرر: 130، ب 5.

2- الفتن: 84. السنن الواردة فی الفتن: 99. عقد الدرر: 126، ب 5. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:67 و 68. الفتاوی الحدیثیه: 31.
3- الفتن: 84. عقد الدرر: 130، ب 5. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:68. الفتاوی الحدیثیه: 30. برهان المتّقی: 151، ب 7، ح 18.

4- الفتن: 85. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:68. القول المختصر: 22، ب 3، ح 15. برهان المتّقی: 151، ب 7، ح 21. فرائد فوائد الفكر: 18، ب 5.

تمیم زیاد، و با قیس پشتش را محکم می نماید، عقیل در مقدمه، و حارث دنباله لشکر (پیاده نظام) اویند، اما ثقیف و عذاف با او مخالفت می کنند.

سپاهیان روانه می گردند تا به نرمی و آرامش به «وادی القری» می رسند، که در آنجا پسر عمویش [سید] حسنی با دوازده هزار جنگجو به او می پیوندند». (1)

روایات شیعه:

(647) الزام الناصب: محمد بن احمد الأنباری، محمد بن احمد الجرجانی قاضی الری، طوق بن مالک به نقل از پدرش و او نیز از پدرش، عبدالله بن مسعود: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«... با لشکریان حرکت می کند تا به عراق می رسد، و مردم اطراف او هستند، فرمانده خط مقدم سپاهش شخصی به نام عقیل، و سردار نیروهای پشتیبانی شخصی به نام حارث است، بعد مردی از اولاد حسن علیه السلام با دوازده هزار نفر به آن حضرت ملحق می شود و می گوید: پسرعمو، من به این امر سزاوارترم، زیرا من از نوادگان حسن علیه السلام هستم و او از حسین علیه السلام بزرگتر بود.

مهدی می گوید: من مهدی هستم. او جواب می دهد: نشانه یا معجزه ای داری؟ آن حضرت با نگاه به پرنده اشاره می کند، همان جا داخل دستش می افتد و به قدرت خدای تعالی زبانش باز می شود و به امامت آن حضرت شهادت می دهد، آنگاه عصایی را در زمین مرتفع و بی آبی می کارد که بی درنگ سبز می شود و برگ می دهد، و نیز تکه سنگی از روی زمین برداشته با دست مالش می دهد و مثل شمع خمیر می کند. حسنی می گوید:

امر از آن شماس است. و با لشکریانش تسلیم آن حضرت می شوند...». (2)

(648) غیبه الطوسی: حذلم بن بشیر: به علی بن الحسین (زین العابدین) علیه السلام گفتم: 2.

ص: 276

-
- 1- . عقد الدرر: 90-99، ب 47، ف 2، و: 137-139، ب 6. برهان المتقی: 76 و 77، ب 1، ح 14 و 15. فرائد فوائد الفکر: 10، ب 4. العطر الوردی: 51.
 - 2- . الزام الناصب 2: 220.

خروج مهدی علیه السلام و دلایل و نشانه های آن را برایم توصیف کنید. فرمود:

«قبل از قیام او، مردی به نام «عوف سلمی» در سرزمین جزیره قیام می کند، محلّ استقرار او «تکریت» است و در مسجد دمشق کشته می شود.

آنگاه شعیب بن صالح از سمرقند خروج می کند...» (1).

(649) الايقاظ من الهجعه: امام علی علیه السلام فرمود:

«جابر... هرگاه... لشکرهای خراسان حرکت کنند و شعیب بن صالح تمیمی از میان طالقان بخروشد و در خوزستان با سعید سوسی بیعت کنند...»

آماده ظهور کسی باشید که بر کوه طور از داخل درخت با موسی علیه السلام سخن گفت، او ظاهر می شود و پرده از او کنار می رود» (2).

(650) مختصر اثبات الرجعه: محمّد بن ابی عمیر، سیف بن عمیره، بکر بن محمّد ازدی: امام صادق علیه السلام فرمود:

«خروج سه نفر، یعنی خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال، یک ماه و یک روز خواهد بود، که پرچم هیچ کدام از آنها به اندازه پرچم یمانی به هدایت نزدیک نیست، زیرا او هدایتگر به سوی حق است» (3).

(651) غیبه النعمانی: ابو سلیمان احمد بن هودّه باهلی، ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن حمّاد انصاری، أبان بن عثمان: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در بقیع بود که علی علیه السلام آمد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله جویا شد. به او گفتند آن حضرت در بقیع است. علی علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و سلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنشین! و او را در سمت راست خود نشانده. پس از او جعفر بن ابی طالب آمد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله جویا شد. به او گفتند آن حضرت در بقیع است. جعفر نزد آن 8.

ص: 277

1- . غیبه الطوسی: 270. الخرائج 3: 1155، ب 20، ح 61. منتخب الأنوار المصنیه: 61، ف 3، ح 52. بحار الانوار 52: 213، ب 25، ح 65. بشاره الاسلام: 83، ب 5.

2- . الايقاظ من الهجعه: 375، ب 10، ح 140.

3- . مختصر اثبات الرجعه: 17. الارشاد: 360. غیبه الطوسی: 271. اعلام الوری: 429، ب 4، ف 1. الخرائج 3: 1163، ب 20، ح 63. كشف الغمّه 3: 250. الصراط المستقیم 2: 250، ب 11، ف 8.

حضرت آمد و سلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در سمت چپ خود نشانید. آنگاه عباس آمد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله جو یا شد. به او گفتند پیامبر در بقیع است. عباس نزد آن حضرت آمد و سلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را مقابل خود نشانید. رو به علی علیه السلام کرد و گفت: ... بعد رو به جعفر کرد و فرمود: می خواهی تو را مژده و خبری دهم؟ عرض کرد: بله، ای رسول خدا. فرمود:

«اندکی پیش جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد: کسی که آن [پرچم] را به قائم می سپارد از نسل تو است...» (1).

فصل سوم: بیرق ها و علم ها در سپاه مهدی علیه السلام

روایات اهل سنت:

(652) فتن ابن حمّاد: ابن لهیعه، اسرائیل بن عباد: حضرت محمّد بن علی علیه السلام در حدیث از مهدی علیه السلام و اوصاف سپاهش فرمود:

«در آن موقع مردی از اهل بیتم با سه بیرق قیام می کند» (2).

(653) فتن ابن حمّاد: محمّد بن فضیل و عبدالله بن ادریس و جریر، یزید بن ابی زیاد، ابراهیم، علقمه، عبدالله: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که چند تن از جوانان بنی هاشم آمدند.

رنگ آن حضرت تغییر کرد. گفتیم: ای رسول خدا، در چهره شما چیزی می بینیم که طاقت دیدن آن را نداریم! فرمود:

«... اصحاب پرچم های سیاه... آن را به مردی از اهل بیتم بسپارند» (3).

ص: 278

1- الغیبه: 247، ب 14، ح 1 و 2. بحار الانوار 76:51، ب 1، ح 34. منتخب الاثر: 200، ف 2، ب 8، ح 5.

2- الفتن: 96 و 97.

3- الفتن: 84. میزان الاعتدال 4:423، شماره 9695. المنار المنیف: 149، ف 50، ح 341. فتن ابن کثیر 1:41. مقدّمه ابن خلدون: 251، ف 53. الفصول المهمّه: 294، ف 12. الدرّ المنثور 6:58. الخصائص الکبری 2:119. برهان المتقی: 90، ف 2، ح 6. کنز العمال 14:267، ح 38677. ینابیع المودّه: 135، ب 45 و: 193، ب 56. الاذاعه: 131. العطر الوردی: 53. عقد الدرر: 130، ب 5.

(654) فتن ابن حمّاد: محمّد بن عبدالله ابو عبدالله التيهرتي، عبدالرحمن بن زياد بن أنعم، مسلم بن يسار، سعيد بن مسيب: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

«ببرق های کوچک سیاهی از طرف مشرق بیرون می آیند و با مردی از فرزندان ابوسفیان و یارانش می جنگند و مطیع مهدی علیه السلام می شوند».(1)

روایات شیعه:

(655) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، ابو بصیر: امام محمّد باقر علیه السلام ضمن حدیثی طولانی فرمودند:

«... از مکه خارج می شود تا آنکه گویی در حلقه قرار می گیرد.

گفتم: حلقه چیست؟ فرمود:

ده هزار مرد، جبرئیل سمت راست او و میکائیل سمت چپ اوست، آنگاه پرچم آشکار را به اهتزاز در آورده و باز می نماید، این پرچم همان پرچم رسول خدا صلى الله عليه و آله «سحاب» است».(2)

(656) دلائل الامامه: ابو اسحاق ابراهیم بن احمد طبری، ابو عبدالله محمّد بن زید بن علی الخفري، محمّد بن حسین بن حفص، اسماعیل بن اسحاق بن راشد، یحیی بن سالم، مطر بن خلیفه و صباح بن یحیی المزنی و مندل بن علی، یزید بن ابی زیاد، ابراهیم نخعی، علقمه، عبدالله بن مسعود: روزی در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که عده ای از جوانان بنی هاشم آمدند. با دیدن آنها دیدگان آن حضرت پر از اشک شد و رنگ مبارکش تغییر کرد. اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا، چیز ناراحت کننده ای دیدید؟ فرمود:

«... اصحاب پرچم های سیاه... آن را به مردی از اهل بیتم سپارند».(3)

(657) غیبه النعمانی: علی بن احمد، عبیدالله بن موسی، محمّد بن موسی، احمد بن 7.

ص: 279

-
- 1- . الفتن: 91. ملاحم ابن المنادی: 44. سنن الدانی: 73. عقد الدرر: 51، ب 4، ف 1.
 - 2- . بحار الانوار 307:52، ب 26، ح 81. اثبات الهداه 3:582 و 583، ب 23، ف 59، ح 773.
 - 3- . دلائل الامامه: 233 و 235. العدد القویّه: 90، ح 156 و: 91، ح 157. بحار الانوار 82:51، ب 1، ح 37. منتخب الاثر: 170، ف 2، ب 1، ح 86 و 87.

ابی احمد معروف به ابو جعفر وراق، اسماعیل بن عیاش، مهاجر بن حکیم، مغیره بن سعید: امام محمد باقر علیه السلام: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«... پرچمهای زرد از مغرب می آید تا آنکه به شام می رسد... آنگاه که چنین شود منتظر خروج مهدی علیه السلام باشید».(1)

(658) ارشاد: فضل بن شاذان، معمر بن خلّاد: حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

«گویا پرچمهای سبز رنگ را می بینم که از مصر می آیند تا به شامات روند و به فرزند صاحب وصیت ها سپرده شوند».(2)

(659) مختصر اثبات الرجعه: محمد بن ابی عمیر، سیف بن عمیره، بکر بن محمد ازدی: امام صادق علیه السلام فرمودند:

«(در عصر ظهور) هیچ کدام از پرچم ها به اندازه پرچم یمانی به هدایت نزدیک نیست، زیرا او هدایتگر به سوی حق است».(3)4.

ص: 280

1- . الغیبه: 305 و 306، ب 18، ح 16. البدء و التاریخ 2: 177. غیبه الطوسی: 277. الخرائج 3: 1151، ب 20، ح 58 و: 76، ح 127. منتخب الأنوار المضيئه: 29، ف 3. اثبات الهداه 3: 730، ب 34، ف 6، ح 69. بحار الانوار 52: 216، ب 25، ح 73 و: 253، ب 25، ح 144.

2- . الارشاد: 360. كشف الغمّه 3: 251. الصراط المستقیم 2: 250، ب 11، ف 8.

3- . مختصر اثبات الرجعه: 17. الارشاد: 360. اعلام الوری: 429، ب 4، ف 1. الخرائج 3: 1163، ب 20، ح 63. كشف الغمّه 3: 250. الصراط المستقیم 2: 250، ب 11، ف 8. اثبات الهداه 3: 728، ب 34، ف 6، ح 57 و: 733، ب 34، ف 8، ح 84.

روایات اهل سنت:

(660) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف هنگهای سپاه مهدی علیه السلام فرمود:

«گویی شیرانی هستند که از بیشه بیرون آمده باشند، دلهاشان چون پاره های آهن، اگر بخواهند کوه ها را از جا برکنند می توانند، یک شکل و یک لباس، و گویی همه از یک پدر هستند»⁽¹⁾.

(661) فتن سلیلی: حسن بن علی مالکی، ابو النصر علی بن حمید رافعی، محمد بن هشیم بصری، سلیمان بن عثمان نخعی، سعید بن طارق، سلمه بن انس، اصبع بن نباته: امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای از مهدی و قیام همراهانش سخن به میان آورد و نام های آنها را ذکر فرمود. ابو خالد حلبی به آن حضرت گفت: ای امیر مؤمنان! خصوصیات او را برای ما بگوئید. علی علیه السلام فرمود:

«گویی به آنها می نگرم که یک شکل و هم قد و در زیبایی مثل هم و یک لباس هستند، مثل اینکه به دنبال گمشده ای می گردند اما در کارشان متحیر مانده اند، تا اینکه [مهدی] از زیر پرده کعبه بیرون می آید... به او می گویند:

تو مهدی هستی؟»⁽²⁾.

(662) حلیه الأولیاء: محمد بن احمد الجرجانی، عمران بن موسی السختیانی، عثمان بن ابی شیبه، مالک بن اسماعیل، مسعود بن سعد جعفی، جابر: ابوجعفر (امام باقر) علیه السلام فرمود:

«... چون قائم ما قیام کند و مهدی ما ظاهر گردد هر کدام از آنها از شیر باجرات تر و از نیزه برنده تر خواهند شد»⁽³⁾.

ص: 281

1- عقد الدرر: 90، ب 4، ف 2، و: 137 و 138، ب 6، و: 139، ب 6. برهان المتقی: 76 و 77، ب 1، ح 14 و 15. فرائد فوائد الفکر: 10، ب 4. العطر الوردی: 51.

2- الفتن: 145، ب 79. منتخب الاثر: 183، ف 2، ب 3، ح 5.

3- حلیه الاولیاء 3: 184. ینایع المودّه: 448، ب 78 و: 489، ب 94.

(663) فتن ابن حمّاد: سعید بن عثمان، جابر: امام باقر علیه السلام فرمود:

«(اصحاب مهدی) عابدان شب و شیران روزند» (1).

(664) صحیح مسلم: زهیر بن حرب، معلی بن منصور، سلیمان بن بلال، سهیل به نقل از پدرش، ابو هریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... سپاهی متشکل از بهترین اهل زمین آن روزگار، از مدینه برای مقابله با آنها بیرون می آیند...» (2).

روایات شیعه:

(665) اختصاص مفید: ابو الحسن محمد بن معقل، محمد بن عاصم، علی بن حسین، محمد بن مرزوق، عامر سراج، سفیان ثوری، قیس بن مسلم، طارق بن شهاب، حذیفه: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«هنگام قیام قائم، نجباء از مصر، ابدال از شام، و طایفه هایی از عراق [برای بیعت با او] خارج می شوند که عابدان شب و شیران روزند و دلهاشان چون پاره های آهن است» (3).

(666) غیبه الطوسی: فضل بن شاذان، احمد بن عمر بن مسلم، حسن بن عقبه النهمی، ابو اسحاق بّناء، جابر جعفی: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«بین آنها (سپاه مهدی) نجباء از مصر، ابدال از شام و اخیار از اهل عراق هستند» (4).

(667) غیبه النعمانی: احمد بن هوده ابو سلیمان، ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن 4.

ص: 282

1- . الفتن: 95. عقد الدرر: 145، ب 7. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 71. برهان المتّقی: 141، ب 6، ح 3.

2- . صحیح مسلم 4: 2221، ح 2897، ح 34.

3- . الاختصاص: 208. مجمع البیان 4: 398. اثبات الهداه 3: 557، ب 32، ف 33، ح 607 و: 621، ب 32، ف 22، ح 198. بحار الانوار 52: 186، ب 25، و: 304، ب 26، ح 73. تفسیر نور الثقلین 4: 343، ح 97. کشف النوری: 185.

4- . غیبه الطوسی: 284. تاج الموالید: 151. اثبات الهداه 3: 517 و 518، ب 327 ف 11، ح 378. بحار الانوار 52: 334، ب 27، ح 64. منتخب الاثر: 468، ف 6، ب 11، ح 2. امالی المفید: 30 و 31، ح 4.

حمّاد انصاری، ابو جارود: امام باقر علیه السلام فرمودند:

«یاران قائم سیصد و سیزده نفر و از غیر عرب هستند...» (1).

(668) کمال الدین: علی بن احمد بن موسی، محمّد بن ابی عبداللّه کوفی، محمّد بن اسماعیل برمکی، اسماعیل بن مالک، محمّد بن سنان، ابو جارود زیاد بن المنذر، حضرت ابو جعفر محمّد باقر علیه السلام از پدران گرامی اش علیهم السلام روایت کرد: امیر مؤمنان علیه السلام بر منبر بود و از یاران مهدی علیه السلام می گفت:

«... دل هر مؤمنی (که تحت نظر مهدی علیه السلام باشد) از پاره های آهن استوارتر گردد، و خداوند توانایی چهل مرد به وی دهد...» (2).

(669) اختصاص مفید: امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی، یاران مهدی علیه السلام را چنین وصف فرمود:

«... به هر مردی [که در رکاب قائم علیه السلام باشد] نیروی چهل مرد داده شود» (3).

(670) اختصاص مفید: جابر: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود:

«... وقتی امر ما محقق گردد و مهدی ما قیام کند، هر کدام از آنها از شیر با جرأت تر و از نیزه برنده تر شود، دشمن ما را زیر پای خود لگد می کند و با دستانش او را می کشد» (4).

ص: 283

-
- 1- . الغیبه: 315، ب 20، ح 8. اثبات الهداه 3: 547، ب 32، ف 27، ح 540. بحار الانوار 52: 369 و 370، ب 27، ح 157.
 - 2- . کمال الدین 2: 653، ب 57، ح 17. اعلام الوری: 434، ب 4، ف 4. الخرائج 3: 1149 و 1150، ح 58. اثبات الهداه 3: 490 و 491، ب 32، ف 5، ح 230. حلیه الابرار 2: 582، ب 20. بحار الانوار 51: 35، ب 4، ح 4. منتخب الاثر: 186، ف 2، ب 4، ح 2.
 - 3- . الاختصاص: 8. اثبات الهداه 3: 556، ب 32، ف 33، ح 603.
 - 4- . الاختصاص: 26. اثبات الهداه 3: 557، ب 32، ف 33، ح 606 و: 3: 614، ب 32، ف 5، ح 151. بحار الانوار 52: 372، ب 27، ح 164 و: 52: 318، ب 27، ح 17 و 189: 2 و 190، ب 26، ح 22. بصائر الدرجات: 24، ب 11، ح 17.

(671) اثبات الهداه: سعيد ابو عثمان، جابر: امام محمد باقر عليه السلام فرمودند:

«ياران مهدى عابدان شب و شيران روزند».(1)

(672) غيبه النعماني: علي بن حسين، محمد بن يحيى عطار، محمد بن حسان رازی، محمد بن علي صيرفي، عبدالرحمن بن ابي هاشم، عمرو بن ابي مقدم، عمران بن ظبيان، ابو يحيى حكيم بن سعد: از علي عليه السلام شنيدم كه فرمود:

«ياران قائم جوان هستند و پير ميانشان نيست، مگر به مقدار سُر مه در چشم يا نمك در توشه، و كمترين توشه نمك است».(2)3.

ص: 284

1- . اثبات الهداه 3:614، ب 32، ف 15، ح 151.

2- . الغيبه: 315، ب 20، ح 10. غيبه الطوسي: 284. ملا-حم ابن طاووس: 144، ب 77. اثبات الهداه 3:517، ب 32، ف 12، ح

377. بحار الانوار 52:333، ب 27، ح 63. منتخب الاثر: 484، ف 8، ب 1، ح 3.

باب بیست و پنجم: استقرار یک شبه حکومت مهدی علیه السلام

روایات اهل سنت:

(673) مصنف ابن ابی شیبہ: فضل بن دکین و ابو داود، یاسین عجللی، ابراهیم بن محمد بن الحنفیہ به نقل از پدرش روایت کرد: علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

«مهدی از ما اهل بیت است، خداوند کار او را یک شبه درست می کند».(1)

روایات شیعه:

(674) کمال الدین: ابو عباس محمد بن ابراهیم بن اسحاق مکتب، حسین بن ابراهیم بن عبداللہ بن منصور، محمد بن ہارون ہاشمی، احمد بن عیسی، ابو الحسین احمد بن سلیمان رهاوی، معاویہ بن ہشام، ابراهیم بن محمد بن الحنفیہ به نقل از پدرش محمد و او از پدرش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از ما اهل بیت است، خداوند کار او را یک شبه درست می کند».(2)

ص: 285

-
- 1- . المصنف 15:197، ح 19490 و 19491. الفتن: 100 و 103. مسند احمد 1:84. تاریخ البخاری 1:317، ح 994. سنن ابن ماجه 2:1367، ب 34، ح 4085. مسند ابی یعلی 1:359، ح 465. حلیہ الاولیاء 3:177. بیان الشافعی: 478، ب 2.
 - 2- . کمال الدین 1:152، ب 6، ح 15. دلائل الامامہ: 247. العمده 439، ح 924. ملاحم ابن طاووس: 71، ب 155، و: 163، ب 19. الطرائف: 178، ح 284. کشف الغمہ 3:267. اثبات الهداه 3:459، ب 32، ف 5، ح 100، و: 598، ب 32، ف 2، ح 56، و: 621، ب 32، ف 22، ح 194.

این باب شامل سیزده فصل است:

فصل اول: مدّت حکومت

روایات اهل سنت:

(675) مصنف عبدالرزاق: معمر، ابو هارون، معاویه بن قره، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... مهدی هفت، هشت یا نه سال بین آنها خواهد بود».(1)

(676) مسند احمد: ابو النضر، ابو معاویه شیبان، مطر بن طهمان، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت بپا نشود تا آنگاه که مردی از اهل بیت به حکومت رسد... مدّت حکومت او هفت سال خواهد بود».(2)

(677) مسند احمد: عبدالصمد، حماد بن سلمه، مطرف معلی، ابو الصدیق، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمین پر از ظلم و تجاوز شود، آنگاه مردی از عترت من قیام، و هفت یا نه [112] سال حکومت می کند».(3)

ص: 287

1- . المصنّف 371:11، 20770. فتن ابن حمّاد: 99. المستدرک علی الصحیحین 4:465. تذکره القرطبی 2:700. عقد الدرر: 77، ب 1، و: 43، ب 4، ف 1، و: 141، ب 7. و: 237، 11. تذکره الحفّاظ 3:838.

2- . مسند احمد 3:17. مسند ابی یعلیٰ 2:367، ح 1128. صحیح ابن حبّان 8:291، ح 6787. ذکر أخبار اصبهان 1:84.

3- . مسند احمد 3:28 و 70. المستدرک علی الصحیحین 4:558. السنن الواردة فی الفتن: 93.

(678) فردوس الأخبار: حذیفه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی علیه السلام مردی از فرزندان من است... بیست سال حکومت می کند».(1)

(679) فتن ابن حمّاد: عبدالله بن مروان، هیشم بن عبدالرحمن به نقل از شخصی:

علی علیه السلام فرمود:

«مهدی سی یا چهل سال متولّی حکومت مردم می شود».(2)

روایات شیعه:

(680) دلائل الامامه: ابو الحسین محمد بن هارون بن موسی، ابو علی حسین بن محمد نهاوندی، جریر، معد وراق، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی از اهل بیتم بر اتمم قیام خواهد کرد که پیشانی اش فراخ و نورانی و بینش باریک و قلمی با برآمدگی اندکی در وسط آن است. او همان طور که ستم در زمین فراگیر شود، عدالت را [به جای آن] برقرار سازد، و مدّت حکومتش هفت سال خواهد بود».(3)

(681) دلائل الامامه: ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد بن احمد طبری، ابو الحسن محمد بن مظفر حافظ، عبدالرحمن بن اسماعیل، علی بن ابراهیم صوری، داود، سفیان، منصور، ربیع بن خراش، حذیفه بن یمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از فرزندان من است... بیست سال حکومت می کند».(4)

(682) احتجاج طبرسی: زید بن وهب جهنی: هنگامی که حضرت امام حسن بن علی علیه السلام در مدائن زخمی شدند، به خدمتشان رفتم، آن حضرت درد می کشید. گفتم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم متحیرند، نظرتان چیست؟ فرمود:

«... تا آنگاه که خداوند در آخر الزمان مردی را برانگیزد [20]... که چهل 3.

ص: 288

1- فردوس الاخبار 4:496، ح 6940. بیان الشافعی: 501، ب 8 و: 513، ب 17. ذخائر العقبی: 136. عقد الدرر: 18، ب 1، و:

34، ب 3، و: 239، ب 11. الصواعق المحرقة: 164، ب 11، ف 1.

2- الفتن: 104. بیان الشافعی: 495، ب 6. عقد الدرر: 240، ب 11. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:79.

3- دلائل الامامه: 251 و 258.

4- دلائل الامامه: 233.

سال در همه عالم حکومت کند. خوشا به حال کسی که دوران او را درک کند و سخنش را بشنود».(1)

(683) بحار الانوار: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«قائم سیصد و نه سال حکومت می کند، یعنی به مقداری که اصحاب کهف در غار ماندند...».(2)

(684) اعلام الوری: ابو عبدالله محمد بن رهبان، ابو بشر احمد بن ابراهیم بن احمد عمی، محمد بن زکریا بن دینار الغلابی، سلیمان بن اسحاق بن سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس به نقل از پدرش: روزی نزد هارون الرشید بودم که از مهدی یاد کرد و در مورد عدالت او بسیار سخن گفت. بعد گفت: به گمانم شما می پندارید مهدی پدر من است! پدرم از پدرش و او از جدش و او از ابن عباس و او از پدرش عباس بن عبدالمطلب برایم روایت کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی که از فرزندان من است قیام می کند... و تا هر وقت خدا بخواهد در زمین می ماند...».(3)

فصل دوم: حکومت جهانی

روایات اهل سنت:

(685) عقد الدرر: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«قسطنطینیه [88]، چین و کوه های دیلم را فتح می کند».(4)

(686) فتن ابن حماد: عبدالله بن مروان، هیشم بن عبدالرحمن: شخصی که خود از

ص: 289

1- . الاحتجاج 2:290. اثبات الهداه 3:524، ب 32، ف 20، ح 414. بحار الانوار 20:44، ب 18، ح 4.

2- . بحار الانوار 52:390، ب 27، ح 212. اثبات الهداه 3:584، ب 32، ف 59، ح 787.

3- . اعلام الوری: 366، ف 1. مناقب ابن شهر آشوب 1:292. كشف الغمّه 3:295. العدد القویّه: 89، ح 154. اثبات الهداه 3:591، ب 32، ف 1، ح 5. غایه المرام: 194، ب 24، ح 38 و: 195، ب 24، ح 44 و: 694، ب 141، ح 21 و: 407، ب 141، ح 164. حلیه الابرار 2:720، ب 54، ح 127.

4- . عقد الدرر: 224، ب 9، ف 3 و: 238، ب 11.

علی علیه السلام شنیده بود برایم روایت کرد که ایشان فرمود:

«عرب، عجم، جنگاوران، رومیان و دیگر اقشار بدون درگیری مطیع او (مهدی) می گردند، و حتی در قسطنطنیه و دیگر شهرها مسجد بنا می شود».⁽¹⁾

(687) فتن ابن حمّاد: الحکم بن نافع به نقل از شخصی، کعب:

«پادشاهی که در بیت المقدس است لشکری به سوی هند می فرستد و هند را فتح می کند، گنج های آنجا را تصرف نموده زینت بیت المقدس قرار می دهد. آن سپاه پادشاهان هند را در غل و زنجیر نزد او می آورند، و مشرق و مغرب (همه دنیا) برای او فتح می گردد، و تا موقعی که دجال خروج کند آن سپاه در هند می ماند».⁽²⁾

روایات شیعه:

(688) احتجاج طبرسی: زید بن وهب جهنی: هنگامی که حضرت امام حسن بن علی علیه السلام در مدائن زخمی شدند، به خدمتشان رفتم، آن حضرت درد می کشید. گفتم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم متحیرند، نظرتان چیست؟ فرمود:

«... تا آنگاه که خداوند در آخر الزمان مردی را برانگیزد... و بر همه اهل زمین پیروزش نماید، به اختیار یا به اجبار ایمان آورند، زمین را پر از عدالت و مساوات و نور و برهان سازد، عرض و طول بلاد به او ایمان می آورند، و کافری نمی ماند مگر اینکه به او مؤمن شود و فاسدی نمی ماند، مگر آنکه درستکار گردد».⁽³⁾

(689) حلیه الأبرار: الفاضل عمر بن ابراهیم الأوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند... اسلام را به وسیله مهدی در مشرق، مغرب، جنوب و در قبله منتشر می سازد».⁽⁴⁾

ص: 290

- 1- . الفتن: 96. عقد الدرر: 129، ب 5. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 70 و 73.
- 2- . الفتن: 113. عقد الدرر: 219، ب 5. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 70 و 73.
- 3- . الاحتجاج 2: 290. اثبات الهداه 3: 524، ب 32، ف 20، ح 414. بحار الانوار 20: 44، ب 18، ح 4.
- 4- . حلیه الأبرار 2: 620، ب 34 و 692، ب 54. غایه المرام: 697، ب 141، ح 38.

(690) کمال الدین: علی بن احمد بن محمد بن عمران، محمد بن عبدالله کوفی، موسی بن عمران نخعی به نقل از عمویش حسین بن یزید نوفلی، حسن بن علی بن ابی حمزه به نقل از پدرش، ابو بصیر: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«... خداوند به دست او مشرق ها و مغرب ها (همه زمین) را فتح خواهد کرد... زمین به نور پروردگارش روشن گردد، و در هر مکانی از زمین که غیر خداوند عزوجل را می پرستیدند، خداوند عبادت شود، و دین فقط دین خدا باشد اگر چه مشرکان را خوش نیاید» (1).

(691) دلائل الامامه: ابو الحسین محمد بن هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابو علی نهاوندی، ابو عبدالله زعفرانی، ابو طالب، حسن بن محبوب، محمد بن سنان، ابان بن تغلب:

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«آنگاه که قائم مایم کند، به هر کدام از کشورهای روی زمین، یک نفر می فرستد... و می گوید: برنامه کار تو در کف دستت است، [اگر در امر حکومت به مشکلی برخوردی که ندانستی چه کنی] به آن چیزی عمل کن که در کف دستت می بینی» (2).

(692) بحار الانوار: سید علی بن عبدالحمید، جابر بن یزید: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«قائم در آنجا سه رایت (سپاه) تشکیل می دهد: یکی را به قسطنطنیه [88] می فرستد که خداوند آنجا را برایش فتح می فرماید، یکی به چین، و دیگری به کوه های دیلم که همه به فتح و پیروزی می رسند» (3).

(693) مختصر اثبات الرجعه: صفوان بن یحیی، محمد بن حران: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«قائم ما با رعب یاری، و با پیروزی پشتیبانی شود، زمین برای او پیچیده 8.

ص: 291

-
- 1- . کمال الدین 2: 345 و 346، ب 33، ح 31. الايقاظ من الهجعه: 326، ب 10، ح 39.
 - 2- . دلائل الامامه: 249. اثبات الهداه 3: ب 32، ف 48، ح 712. بحار الانوار 52: 365، ب 27، ح 144.
 - 3- . بحار الانوار 52: 388، ب 27، ح 206. اثبات الهداه 3: ب 32، ف 59، ح 795. بشاره الاسلام: 238.

[وفاصله های طولانی برایش کوتاه] گردد، همه گنج ها برای او نمایان شده و خداوند دین خود را توسط او بر همه ادیان غالب می فرماید، هرچند مشرکان را ناخوش آید. سلطنت او مشرق و مغرب را فرا گیرد و تمامی ویرانی های زمین آباد شود». (1)

فصل سوم: رضایت همگان از حکومت

(694) مسند احمد: عبدالرزاق، جعفر، مُعلی بن زیاد، علاء بن بشیر، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«شما را به مهدی بشارت دهم!... که اهل آسمان و زمین از او راضی می شوند». (2)

(695) فردوس الاخبار: حذیفه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی مردی از فرزندان من است... اهل آسمان و زمین و [حتی] پرندگان در آسمان به خلافت او راضی و خشنود گردند». (3)

روایات شیعه:

(696) دلائل الامامه: ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد بن احمد طبری، ابو الحسن محمد بن مظفر حافظ، عبدالرحمن بن اسماعیل، علی بن ابراهیم صوری، داود، سفیان، منصور، زبعی بن خراش، حذیفه بن یمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از فرزندان من است... اهل آسمان و زمین و [حتی] پرندگان در

ص: 292

1- . مختصر اثبات الرجعه: 216 و 217، ح 18. اربعون الخاتون آبادی: 182 و 183، ح 30. مستدرک الوسائل 12: 335، ب 39، ح 6، و: 14: 354، ب 20، ح 7.

2- . مسند احمد 3: 37 و 52. ملاحم ابن المنادی: 42. مصنف عبدالرزاق 11: 371، ح 20770. فتن ابن حماد: 99. المستدرک علی الصحیحین 4: 465. بیان الشافعی: 505، ب 10. عقد الدرر: 62، ب 4، ف 1، و: 156، ب 7، و: 164، ب 8، و: 237، ب 11. فراند السمطین 2: 310، ح 561.

3- . فردوس الاخبار 4: 496، ح 6940. بیان الشافعی: 501، ب 8، و: 513، ب 17. ذخائر العقبی: 136. عقد الدرر: 18، ب 1، و: 34، ب 3، و: 239، ب 11. میزان الاعتدال 3: 449.

آسمان به خلافت او راضی و خشنود شوند» (1).

(697) اختصاص مفید: ابو الحسن محمد بن معقل، محمد بن عاصم، علی بن حسین، محمد بن مرزوق، عامر سراج، سفیان ثوری، قیس بن مسلم، طارق بن شهاب، حذیفه: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«در آن موقع (تشکیل حکومت مهدی) پرندگان در لانه هایشان و ماهی ها در دریا شادمان گردند...» (2).

فصل چهارم: اصحاب کهف جزء سران حکومت

روایات اهل سنت:

(698) الدرّ المنثور: ابن عباس: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اصحاب کهف یاوران مهدیند» (3).

(699) عقد الدرر: امام ابو اسحاق ثعلبی در آخر روایت اصحاب کهف می گوید:

«در خوابگاهشان به خواب رفتند تا آخر الزمان که مهدی قیام کند. گفته می شود:

مهدی به آنها سلام خواهد کرد و خداوند عزوجل زنده شان می نماید» (4).

روایات شیعه:

(700) مختصر البصائر: کتابی از خطبه های مولا امیرالمؤمنین علیه السلام دیدم که خطّ سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس بر آن بود... از ابو روح فرج بن فروه،

ص: 293

1- . دلائل الامامه: 233 و 252. غیبه الطوسی: 111. اثبات الهداه 3: 502، ب 32، ف 12، ح 292، و: 594، ب 32، ف 2، ح 25، و: 600، ب 32، ف 2، ح 73.

2- . الاختصاص: 208. مجمع البیان 4: 398. اثبات الهداه 3: 557، ب 32، ف 33، ح 607 و: 621، ب 32، ف 22، ح 198. بحار الانوار 52: 186، ب 25، و: 304، ب 26، ح 73. تفسیر نور الثقلین 4: 343، ح 97.

3- . الدرّ المنثور 4: 215. برهان المتقی: 150، ب 7، ح 15. العطر الوردی: 70.

4- . عقد الدرر: 141، ب 7. برهان المتقی: 87، ب 1، ح 44.

مسعده بن صدقه: جعفر بن محمد صادق علیه السلام خطبه ای از مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام به نام خطبه مخزون [41] ذکر فرمود که در قسمتی از آن آمده بود:

«... و [سپاه] روم به روستایی که کنار دریا و نزد غار اصحاب کهف است روی آورد، خداوند آن جوانمردان را از غار به سوی ایشان برمی انگیزد [20]. یکی از ایشان مردی است به نام تملیخا و دیگری به نام کمسلمینا، و این دو نفر در خدمت قائم علیه السلام حاضر و تسلیم فرمان وی شوند.

مهدی یکی از اصحاب کهف را به روم می فرستد که او بدون دلیل باز می گردد، لذا دیگری را می فرستد و او پیروز بازمی گردد. آن روز تأویل این آیه است: **وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا (1)**، (2).

(701) ارشاد القلوب: یونس بن احمد بن ربیان، ابو مطلب بن محمد بن فضل، محمد بن سنان زهری، عبدالله بن عبدالرحمن اصم، مدلیج بن هارون بن سعید: از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که ضمن کلامی طولانی به عمر می فرمود... عمر گریست و گفت: از آنچه می گویی به خدا پناه می برم؛ آیا نشانه ای دارد؟ فرمود:

«... و اصحاب کهف برایش زنده می شوند» (3).

(702) دلایل الامامه: ابو الحسین محمد بن هارون به نقل از پدرش، هارون بن موسی بن احمد، ابو جعفر محمد بن ابراهیم بن عبدالله القمی القطان معروف به ابن خزاز، محمد بن زیاد، ابو عبدالله خراسانی، ابو حسان سعید بن جناح، مسعده بن صدقه: امام صادق علیه السلام اصحاب قائم علیه السلام را برای ابوبصیر چنین نام برد:

«... اصحاب کهف هفت نفر: مکسلمینا و یارانش...» (4).

(703) حلیه الأبرار: ابراهیم الأوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: 4.

ص: 294

1- «در آن روز هر که در آسمان و زمین است یا به اختیار خود یا به اجبار، تسلیم اوست» (آل عمران: 83)

2- مختصر بصائر الدرجات: 195-201. الايقاظ من الهجعه: 289، ب 9، ح 111. بحار الانوار 53: 77-86، ب 29، ح 86.

3- ارشاد القلوب 2: 286، فصل فی فضائله من طریق أهل البيت عليهم السلام.

4- دلایل الامامه: 314.

«عیسی علیه السلام مسئول امور مالی قائم می شود، و اصحاب کهف معاونان او (عیسی علیه السلام) خواهند بود».⁽¹⁾

(704) هدایه الخصیبی: یونس بن احمد بن زیات، ابو مطلب بن محمد بن مفضل، محمد بن سنان الزاهری، عبدالله بن عبدالرحمن اصم، مدیح بن هارون بن سعد، ابو طفیل عامر بن واثله: از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که ضمن سخنانی طولانی فرمود:

«... مردی از فرزندان من ظاهر می گردد که زمین را پر از مساوات و عدالت کند، همان طور که از ظلم و ستم پر شده باشد، خداوند بقایای قوم موسی علیه السلام را برای [یاری] او می فرستد و اصحاب کهف را برایش زنده می فرماید».⁽²⁾

فصل پنجم: تسخیر طبیعت در سایه حکومت مهدی علیه السلام

روایات اهل سنت:

(705) مصنف عبدالرزاق: معمر، ابن طاووس به نقل از پدرش:

«(در پناه حکومت مهدی) امنیت در زمین برقرار می گردد، به حدی که شیر همراه گاو ماده است و گاو آن را جفت خود انگارد، گرگ با گوسفند است و گوسفند آن را سگ گله خود پندارد، گزندگی هرگزنده ای از بین می رود، به حدی که انسان دست خود را روی سر اژدها (مار بزرگ) می گذارد و آسیبی نمی بیند، و کنیزکی شیر را فراری دهد همان طور که توله سگ کوچکی فرار کند... زمین به حالت خود در اول خلقت آدم علیه السلام باز می گردد، یک خوشه انگور را چندین نفر می خورند، و چندین نفر یک انار را می خورند».⁽³⁾

ص: 295

1- . حلیه الابرار 2:620، ب 34، و: 692، ب 54. غایه المرام: 697، ب 141، ح 38.

2- . الهدایه الکبری: 31 و 32. ارشاد القلوب 2:286. حلیه الابرار 2:601. مدینه المعاجز: 133، ح 397.

3- . المصنّف 11:399، ح 20840، و: 401، ح 20844.

(706) خرائج: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«ذو القرنین بنده صالح خداوند بود، با خدا به یکرنگی و صفا معامله کرد، خداوند هم با او مثل خودش رفتار نمود(1) و ابرها را برایش مسخر فرمود و زمین برایش پیچیده شد(2) و روشنایی گسترده گردید و در شب مانند روز می دید.

همچنین خداوند برای تمام امامان بر حق، ابرها را مسخر کرده و ابرها آنان را برای مصالح مسلمانان و اصلاح میان آنان از مشرق به مغرب می برد.(3)

مهدی علیه السلام هم همین گونه است، و به این جهت او را «صاحب مرأی و مسمع»(4) نامند. او نوری دارد که دور را مانند نزدیک می بیند و از دور مانند نزدیک می شنود و در زمین گاهی با ابر به سیاحت می پردازد و گاهی با باد.

زمین برای او پیچیده شود، و او بلا را در شرق و غرب زمین از مردم و شهرها دفع می کند».(5)

(707) غیبه النعمانی: ابو سلیمان احمد بن هوده، ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن حماد انصاری، محمد بن جعفر بن محمد علیهما السلام: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«مهدی سپاهی به قسطنطنیه [88] گسیل می دارد، چون به خلیج رسند چیزی روی پاهایشان می نویسند و روی آب راه می روند. وقتی رومیان آنها را در آن حال بینند گویند: اینها اصحاب اویند که روی آب راه می روند، خودش چگونه است؟! درهای شهر را برایشان می گشایند و آنها داخل شده، تا هر وقت بخواهند در آنجا حکومت می کنند».(6)4.

ص: 296

1- «ناصح الله سبحانه فناصره».

2- یعنی مسافت های طولانی برایش بسیار کوتاه شد.

3- ظاهراً متن روایت تا همین جاست و بقیه از توضیحات صاحب خرائج می باشد.

4- یعنی کسی که هرچه دیدنی است می بیند و هرچه شنیدنی است می شنود.

5- الخرائج و الجرائح: 2: 930-931، ب 17

6- الغیبه: 319 و 320، ب 21، ح 8. دلائل الامامه: 249. اثبات الهداه 3: 573، ب 32، ف 48، ح 712. بحار الانوار 52: 365، ب

27، ح 144.

(708) الزام الناصب: محمد بن احمد الجرجانی قاضی الری، طوق بن مالک به نقل از پدرش و او نیز از پدرش، عبدالله بن مسعود: علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن ایراد خطبه البیان [43] فرمود:

«... با لشکریان حرکت می کند تا به عراق می رسد، و مردم اطراف او هستند، سردار پیشروان سپاهش شخصی به نام عقیل، و سردار نیروهای پشتیبانی شخصی به نام حارث است، بعد مردی از اولاد حسن علیه السلام با دوازده هزار نفر به آن حضرت ملحق می شود و می گوید: پسرعمو، من به این امر سزاوارترم، زیرا من از نوادگان حسن علیه السلام هستم و او از حسین علیه السلام بزرگتر بود.

مهدی به حسنی می گوید: من مهدی هستم. او در جواب گوید: نشانه یا معجزه یا علامتی داری؟ آن حضرت با نگاه به پرنده اشاره می کند، همان جا داخل دستش می افتد و به قدرت خدای تعالی زبانش باز می شود و به امامت آن حضرت شهادت می دهد، آنگاه عصایی را در زمین مرتفع و بی آبی می کارد که همان لحظه سبز می شود و برگ می دهد، و نیز تکه سنگی از روی زمین برداشته با دست مالش می دهد و مثل شمع خمیر می کند.

حسنی می گوید: امر از آن شماست. و خودش و لشکریانش تسلیم آن حضرت می شوند...» (1).

فصل ششم: عیسی علیه السلام وزیر اعظم دولت

روایات اهل سنت:

(709) فتن ابن حمّاد: بقیّه بن ولید، صفوان بن عمرو، شریح بن عبید: کعب در حدیثی که به خداوند نسبت داد گفت:

«... مسیح علیه السلام می گوید: نه، خودتان پیشنهاد اصحابتان شوید، من به عنوان وزیر [شما] مبعوث گردیده ام، و امیر نیستم. مسلمین با امام خود نماز

ص: 297

می گزارند و فرزند مریم علیهما السلام هم به آن حضرت اقتدا می کند» (1).

روایات شیعه:

(710) حلیه الأبرار: الفاضل عمر بن ابراهیم الأوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی علیه السلام... مسئول اموال قائم علیه السلام می شود، اصحاب کهف معاونان او خواهند بود، او وزیر دست راست و حاجب و نائب قائم است، و به کرامت حجّه بن الحسن امنیت را در مغرب و مشرق می گستراند...» (2).

فصل هفتم: عدالت در قضاوت و حقوق

روایات اهل سنت:

(711) فتن ابن حمّاد: معتمر بن سلیمان، جعفر بن سیّار شامی (بدون اسناد به پیامبر صلی الله علیه و آله):

«مهدی حقوق را به صاحبانش برمی گرداند، حتی اگر حق کسی در دهان دیگری و بین دندان هایش باشد آن را از او گرفته و به صاحبش می دهد» (3).

(712) صحیح مسلم: واصل بن عبدالاعلی و ابو کریب و محمّد بن یزید رفاعی، محمّد بن فضیل به نقل از پدرش، ابو حازم، ابو هُریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمین گنج های خود را مثل ستون های طلا و نقره بیرون می ریزد» (4).

شخص قاتل می گوید: برای این طلا و نقره بود که من مرتکب قتل شدم.

ص: 298

-
- 1- . الفتن: 160. تاریخ البخاری 7: 234، ح 1002. صحیح مسلم 4: 2253، ب 20، ح 2137. سنن ابن ماجه 2: 1357، ب 33، ح 475. سنن الترمذی 4: 512، ب 59، ح 2240. المعجم الكبير 1: 186، ح 590.
 - 2- . حلیه الأبرار 2: 620، ب 34 و: 692، ب 54. غایه المرام: 697، ب 141، ح 38.
 - 3- . الفتن: 98. عقّد الدرر: 36، ب 3. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 83.
 - 4- در روایت «تقی الأرض أفلاذ كبدها أمثال الأسطوان من الذهب والفضّه...» است.

کسانی که قطع رحم کرده اند می گویند: برای اینها بود که ما قطع رحم کردیم. دزدها می گویند: برای این طلا و نقره بود که دست ما قطع شد. بعد آنها به دنبال طلا و نقره می روند، ولی نمی توانند چیزی از آن بردارند».(1)

روایات شیعه:

(713) محاسن برقی: محمد بن عبدالحمید به نقل از جماعتی، بشر بن غالب اسدی:

حضرت امام حسین علیه السلام به من فرمود:

«ای پسر غالب... آنگاه که قائم عادل قیام کند، عدالتش نیکوکار و گناهکار را فرامی گیرد».(2)

(714) غیبه النعمانی: احمد بن هوده باهلی، ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، عبدالله بن حماد انصاری، عبدالله بن بکیر، حمران بن أعین: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«گویی این دین شما را می بینم که پیوسته در حالی که در خون خویش دست و پا می زند در حرکت است [و با وضعی اسف بار از دسترس شما خارج می شود] و هیچ کس آن را به شما باز نمی گرداند، مگر مردی از ما اهل بیت. او هر سال دو نوبت به شما بخشش خواهد کرد و در هر ماه دو نوبت روزی به شما خواهد داد. در دوران او از حکمت بهره مند می شوید، تا آنجا که یک زن در خانه خود مطابق کتاب خدای تعالی و سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [اجتهاد] و قضاوت می کند».(3)6.

ص: 299

1- صحیح مسلم 2:701، ب 17، ح 1013.

2- المحاسن: 61، ب 80، ح 104. بحار الانوار 27:90، ب 4، ح 43.

3- الغیبه: 238 و 239، ب 13، ح 30. حلیه الابرار 2:642، ب 44. بحار الانوار 52:352، ب 27، ح 106.

فصل هشتم: عیسی علیه السلام، قاضی حکومت

روایات اهل سنت:

(715) مصنف عبدالرزاق: معمر، زهری، سعید بن مسیب، ابو هریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قسم به آنکه جانم در دست اوست، نزدیک است که فرزند مریم علیها السلام بین شما فرود آید. او که حاکم و امامی عادل است صلیب را شکسته، خنزیر (خوک) را می‌کشد و جزیه [33] می‌گیرد، و آنقدر [به مردم] اموال می‌دهد که دیگر کسی قبول نمی‌کند» (1).

روایات شیعه:

(716) حلیه الأبرار: الفاضل عمر بن ابراهیم الأوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«عیسی علیه السلام) بین اهل تورات به تورات، بین اهل انجیل به انجیل، بین اهل زبور به زبور و بین اهل فرقان به فرقانشان قضاوت می‌کند» (2).

فصل نهم: صلح و آرامش جهانی

روایات اهل سنت:

(717) مصنف عبدالرزاق: معمر، ایوب، ابن سیرین، ابو الجلد:

«مردم بر بهترین فرد بین خودشان متحد و هم نظر می‌شوند، و در حالی که آن مرد در خانه خود است، امارت با خرسندی نزد او می‌رود» (3).

ص: 300

1- . المصنف 399:11، ح 20840، و: 400، ح 20843. فتن ابن حماد: 162 و 163. مصنف ابن ابی شیبه 144:15، ح 19341.

2- . حلیه الأبرار 2:620، ب 34 و: 692، ب 54. غایه المرام: 697، ب 141، ح 38.

3- . المصنف 372:11، ب 20771. فتن ابن حماد: 10. مصنف ابن ابی شیبه 246:15، ح 19600.

(718) فتن ابن حمّاد: ولید، ابورافع اسماعیل بن رافع به نقل از شخصی، ابوسعید خدری: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«... [در حکومتش آنقدر آرامش برقرار است که] نه شخص خوابی را بیدار می کند و نه خونی می ریزد».(1)

(719) ینابیع المودّه: حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«... (مهدی) کشورهای مسلمین را با امنیت اداره می کند، زمانه برای او بی آرایش و باصفا می گردد، کلام او شنیده می شود و پیر و

جوان از او فرمان می برند».(2)

(720) فردوس الاخبار: ابوهریره:

«خوشا زندگانی در حکومت مهدی، به آسمان برای باریدن و به زمین برای رویانیدن اذن داده می شود، پس اگر دانه ای در کوه [سنگی]

صفا کاشته شود، جوانه خواهد زد، دیگر دشمنی و حسد در کار نیست، تا حدّی که انسان از کنار شیر رد می شود یا ماری را لگد می کند،

اما آزاری از آنها نمی بیند».(3)

(721) فتن ابن حمّاد: یحیی، سیف بن واصل، ابویونس، ابورؤبه:

«مهدی چنان است که گویی عیش و نعمت به تهیدستان می چشاند».(4)

(722) فتن ابن حمّاد: عبدالله بن مروان، هیثم بن عبدالرحمن: شخصی که خود از علی علیه السلام شنیده بود برایم حدیث کرد که آن

حضرت فرمود:

«عرب، عجم، جنگاوران، رومیان و دیگر اقشار بدون درگیری مطیع او (مهدی) می گردند، و حتی در قسطنطنیه [88] و دیگر شهرها

مسجد بنا می شود».(6)9.

ص: 301

1- . الفتن: 99. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:77. برهان المتّقی: 78، ب 1، ح 18.

2- . ینابیع المودّه: 467.

3- . فردوس الاخبار 2:450، ح 3943. الجامع الصغیر 2:135، ح 5292. کنز العمّال 14:333، ح 38844. فیض القدیر 4:275، ح

5292.

4- . «المهدی کأثما یعلق المساکین الزبد».

5- . الفتن: 98.

6- . الفتن: 96. عقد الدرر: 129، ب 5. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2:70 و 73. برهان المتّقی: 103، ب 4، ف 1، ح 4، و: 124،

ب 4، ف 2، ح 33. کنز العمّال 14:589، ح 39669.

(723) حلیه الأبرار: الفاضل عمر بن ابراهیم الأوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عیسی... به کرامت حجّه بن الحسن امنیت را در مغرب و مشرق می گستراند، به حدّی که شیر و گوسفند، پلنگ و گاو، و گرگ و گوسفند با هم چرا می روند، و کودکان با مارها بازی می کنند...» (1).

(724) دلائل الامامه: ابو الحسین محمّد بن هارون بن موسی به نقل از پدرش، ابو علی حسن بن محمّد نهانندی، محمّد بن علی بن عبدالکریم، ابو طالب عبدالله بن صلت، محمّد بن علی بن عبدالله خیطاط، مفضل بن عمر: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«آنگاه که قائم قیام کند، مؤمن پرنده را از آسمان به پایین می خواند، ذیح و کبابش می کند و گوشتش را می خورد اما استخوان هایش را نمی شکند.

پس به آن می گوید: به اذن خداوند زنده شو! پرنده زنده شده و پرواز می کند، و همچنین آهوان در صحراها. قائم روشنایی و نور بلاد، و (مردم) به نور خورشید و ماه نیاز ندارند. روی زمین هیچ موجود آزار رساننده و بد و هیچ سمّ و فساد نمی ماند؛ چون دعوت آسمانی است نه زمینی، و شیطان نمی تواند در آن (دعوت های آسمانی) وسوسه وارد کند یا اقدامی انجام دهد. نه حسد می ماند و نه چیزی از فساد، و نه خاری بر درخت ها و روی زمین. زمین برپا می ماند و هر چه از آن بردارند همان وقت می روید و مثل اولش می شود. هر کس طبق میل و خواسته فرزندش با هر رنگی که او دوست دارد و بخواهد برایش لباس می گیرد. و شخص کافر اگر در لانه کفتار هم برود یا پشت تپّه ای یا سنگی یا درختی پنهان شود، آن چیزی که وی خود را پشتش پنهان کرده به سخن می آید و می گوید: ای مؤمن، کافری پشت من است، او را بگیر. او را می گیرند و هلاک می کنند. و ابلیس هیکلی (بدنی) نخواهد داشت که در آن بماند (ظاهر گردد). مؤمنان با فرشتگان مصافحه می کنند، به آنها وحی می شود و به اذن خداوند مرده ها را زنده 8.

ص: 302

کرده و گرد هم می آورند» (1).

فصل دهم: حکومتی سرشار از خیر و برکت

روایات اهل سنت:

(725) مصنف عبدالرزاق: معمر، ابو هارون، معاویه بن قره، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«آسمان هرچه آب دارد به فراوانی می بارد، و زمین هرچه آب دارد بیرون می آورد، تا آنجا که مردگان رشک زندگان را می برند» (2).

(726) ینابیع المودّه: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«در آن هنگام امامت او کامل و خلافتش استوار شده، و خداوند مردگان را برمی انگیزد [20]، پس صبح می کنند در حالی که فقط خانه هایشان دیده می شود (3). زمین آباد و پاک گردیده به مهدی اش افتخار می کند، و به برکت او نه‌های خود را جاری می سازد. فتنه و جنگ ها نابود و خیر و برکت فراوان می گردد» (4).

روایات شیعه:

(727) غیبه الطوسی: محمد بن اسحاق مقری، علی بن عباس مقانعی، بکار بن احمد، حسن بن حسین، سفیان جریری، عبدالمؤمن، حارث بن حصیره، عماره بن جوین عبدی، ابو سعید خدری: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

«مهدی از عترت و اهل بیت من است، در آخرالزمان قیام می کند، آسمان

ص: 303

- 1- . دلایل الامامه: 246. اثبات الهداه 3: 573، ب 32، ف 48، ح 706. حلیه الابرار 2: 635، ب 40، و: 681 و 682، ب 49.
- 2- . المصنّف 11: 371، ح 20770. الفتن: 99.
- 3- . فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ. (احقاف: 25)
- 4- . ینابیع المودّه: 467.

برای او آب های خود را می بارد و زمین بذرهای خود را برای او می رویاند» (1).

(728) اختصاص مفید: ابو الحسن محمد بن معقل، محمد بن عاصم، علی بن حسین، محمد بن مرزوق، عامر سراج، سفیان ثوری، قیس بن مسلم، طارق بن شهاب، حذیفه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آن زمان... چشمه ها می جوشند و زمین مواد غذایی را دو برابر می رویاند» (2).

(729) احتجاج طبرسی: زید بن وهب جهنی: هنگامی که حضرت امام حسن بن علی علیه السلام در مدائن زخمی شدند، به خدمتشان رفتم. آن حضرت درد می کشید. گفتم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم متحیرند، نظرتان چیست؟ فرمود:

«... تا آنگاه که خداوند در آخر الزمان مردی را برانگیزد... زمین رویاندنی هایش را رویاند، آسمان برکت خود را فروریزد و گنج ها برای او (مهدی) ظاهر شود...» (3).

(730) هدایه الخصیعی: یونس بن احمد بن زیات، ابو مطلب بن محمد بن فضل، محمد بن سنان، عبدالله بن عبدالرحمن اصم، مدلیج بن هارون بن سعید: از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که ضمن سخنانی طولانی به عمر فرمود:

«... مردی از فرزندان من ظاهر می شود و زمین را که پر از ظلم و ستم شده، از عدالت و مساوات پر می سازد... آسمان آب های خود را می بارد و زمین گیاهان خود را می رویاند...» (4)7.

ص: 304

1- . غیبه الطوسی: 111. اثبات الهداه 3:502، ب 32، ف 12، ح 294. بحار الانوار 51:74، ب 1، ح 25. منتخب الاثر: 169، ف 2، ب 1، ح 81.

2- . الاختصاص: 208. مجمع البیان 4:398. اثبات الهداه 3:557، ب 32، ف 33، ح 607، و: 621، ب 32، ف 227 ح 198. بحار الانوار 52:186، ب 25، و: 304، ب 26، ح 73.

3- . الاحتجاج 2:290. اثبات الهداه 3:524، ب 32، ف 20، ح 414. بحار الانوار 44:20، ب 18، ح 4.

4- . الهدایه الكبرى: 31 و 32. ارشاد القلوب 2:286. حلیه الابرار 2:601. مدینه المعاجز: 133، ح 397.

روایات اهل سنت:

(731) مسند احمد: عبدالرزاق، جعفر، مُعلی بن زیاد، علاء بن بشیر، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... (مهدی) اموال را درست تقسیم می کند.»

شخصی گفت: تقسیم درست چگونه است؟ فرمود:

یعنی تقسیم به طور مساوی بین مردم...» (1).

(732) عقد الدرر: جابر بن عبدالله: مردی خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام آمد و گفت: این پانصد درهم را از من بگیرید، زکات اموالم است. امام علیه السلام به او فرمود:

«... وقتی مهدی ما اهل بیت قیام کرد، به طور مساوی تقسیم، و با رعیت به عدالت رفتار نماید، هر کس از او اطاعت کند از خداوند اطاعت کرده و هر کس نافرمانی اش کند، خداوند را نافرمانی کرده» (2).

روایات شیعه:

(733) دلائل الامامه: ابو علی نهانندی، ابو علی هشام بن علی سیرافی، عبدالله بن رجاء، همام، مُعلی بن زیاد، مُعلی بن یونس، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله از مهدی یاد کرد و فرمود:

«مهدی... اموال را بطور صحیح تقسیم می کند.»

راوی گوید: گفتم: روش صحیحش چیست؟ حضرت فرمود:

یعنی به طور مساوی» (3).

ص: 305

1- . مسند احمد 37:3 و 52. ملاحم ابن المنادی: 42. بیان الشافعی: 505، ب 10. عقد الدرر: 62، ب 4، ف 1.

2- . عقد الدرر: 39، ب 3.

3- . دلائل الامامه: 252. غیبه الطوسی: 111. اثبات الهداه 3:502، ب 32، ف 12، ح 292، و: 594، ب 32، ف 2، ح 25، و: 600، ب 32، ف 2، ح 73.

(734) غیبه النعمانی: علی بن حسین، محمد بن یحیی، محمد بن حسان رازی، محمد بن علی صیرفی، حسن بن محبوب، عمرو بن شمر، جابر: مردی خدمت امام محمد باقر علیه السلام آمد و گفت: خدا نگهدارتان باشد، این پانصد درهم را از من بگیرید؛ زکات مالم است.

امام علیه السلام به او فرمود:

«هنگامی که قائم اهل بیت قیام کرد، به طور مساوی تقسیم نموده و در میان رعیت با دادگری رفتار می کند... و اموال از داخل و خارج زمین نزد او گرد آمده و انباشته می شود، پس به مردم می گوید: بیایید بگیرید! این چیزی است که به خاطر آن قطع رحم کردید و خون های ناحق ریختید و برای آن، کارهایی که خداوند حرام فرموده بود مرتکب شدید، پس به آنان چیزی می بخشد که هیچ کس پیش از او نبخشیده است و زمین را همان گونه که از ظلم و ستم و بدی پر شده، از عدالت و برابری و نور پر می سازد» (1).

فصل دوازدهم: سخاوت و بخشش فراوان به مردم

روایات اهل سنت:

(735) مسند ابی یعلی: سلیمان بن عبدالجبار ابو ایوب، سهل بن عامر، فضیل بن مرزوق، عطیه، ابو سعید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخر الزمان امامی خواهد آمد که بخشنده ترین مردم است. هر کس نزدش رود دامانش را پر نماید، و از فراوانی خیر و برکت در مردم، ناراحتی همه این است که زکات مالشان را چه کسی می گیرد (چون فقیری نمی ماند که زکات را به او بدهند)» (2).

ص: 306

1- . الغیبه: 237، ب 13، ح 26. علل الشرائع: 161، ب 129، ح 3. عقد الدرر: 39، ب 3. اثبات الهداه 3: 497، ب 327 ف 10، ح 268، و: 540، ب 32، ف 27، ح 507. حلیه الابرار 2: 556، ب 14. بحار الانوار 51: 29، ب 2، ح 2، و 52: 350 و 351، ب 27، ح 103.

2- . مسند ابی یعلی 2: 357، ح 1105. عرف السیوطی ضمن الحاوی 2: 63.

(736) فتن ابن حمّاد: ابو معاویه، اعمش، عطیّه، ابو سعید خدری: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخرالزمان و موقعی که آشوب ها پدید آید، مردی از اهل بیتم قیام کند که بخشش و عطایش فراوان و بی شمار باشد». (1)

(737) فرائد الفوائد: ابو سلّمه بن عبدالرحمن بن عوف از پدرش روایت کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«(مهدی) اموال را به فراوانی عطا می کند». (2)

روایات شیعه:

(738) بحار الانوار: سیّد علی بن عبدالحمید، جابر: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود:

«وقتی قائم ظاهر و وارد کوفه گردد خداوند هفتاد هزار صدیق از پشت کوفه (3) برمی انگیزد [20] تا اصحاب و یاوران او باشند. او سواد را به اهلش بازمی گرداند، و هر سال دو مرتبه به مردم عطا می کند، و هر ماه دو مرتبه به آنها ارزاق می دهد، و بین مردم مساوات برقرار می نماید، به حدّی که کسی یافت نمی شود نیازمند به زکات باشد، و دارندگان زکات زکاتشان را برای نیازمندی که شیعه مهدی هستند می آورند، ولی آنها نمی پذیرند.

اصحاب زکات، اموال را در کیسه کرده و به خانه های نیازمندان می برند، ولی آنها می گویند: ما نیازی به پول های شما نداریم.

و حدیث را ادامه داد تا آنجا که فرمود:

اموال از داخل و خارج زمین نزد او گرد آمده و انباشته می شود، پس به مردم گفته می شود: بیاید بگیرید! این چیزی است که به خاطر آن قطع رحم کردید و خون های ناحق ریختید و برای آن مرتکب کارهای حرام شدید!ت.

ص: 307

1- . الفتن: 100. مصنّف ابن ابی شیبّه 15:196، ح 19485. السنن الواردة فی الفتن: 82. دلائل النبوه 6:514. عقد الدرر: 61 و 62،

ب 4، ف 1.

2- . فرائد فوائد الفكر: 244، ب 2.

3- احتمالاً مقصود، اموات مدفون در قبرستان دارالسلام نجف است.

مهدی آنقدر به آنان می بخشد که هیچ کس پیش از او نبخشیده است»⁽¹⁾.

فصل سیزدهم: بعد از مهدی علیه السلام

روایات اهل سنت:

(739) مسند احمد: عبدالرزاق، جعفر، مُعلی بن زیاد، علاء بن بشیر، ابو الصدیق، ابو سعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... زندگی بعد از او هیچ خیر و فایده ای ندارد»⁽²⁾.

روایات شیعه:

(740) دلائل الامامه: ابو علی نهانندی، ابو علی هشام بن علی سیرافی، عبدالله بن رجاء، همّام، مُعلی بن زیاد، مُعلی بن نعل از شخصی، ابو الصدیق ناجی، ابو سعید خدری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله از مهدی یاد کرد و فرمود:

«... بعد از او دیگر زندگی ارزشی ندارد - یا فرمود: - پس از سال های حکومت او در زندگی خیری نیست»⁽³⁾.

ص: 308

-
- 1- . بحار الانوار 390:52، ب 27، ح 212.
 - 2- . مسند احمد 37:3 و 52. ملاحم ابن المنادی: 42. بیان الشافعی: 505، ب 10. عقد الدرر: 62، ب 4، ف 1. فرائد السمطين 310:2، ح 561. میزان الاعتدال 97:3. الفصول المهمه: 297، ف 12.
 - 3- . دلائل الامامه: 252 و 249. غيبه الطوسي: 111. اثبات الهداه 3:502، ب 32، ف 12، ح 292، و: 594، ب 32، ف 2، ح 25، و: 600، ب 32، ف 2، ح 73.

(1) آمد (363): شهری قدیمی با ساختمان های سنگی در بلندی های ساحل دجله.

(معب)

(2) اَبَقَع (318): مردی زیرک و سیاس است که گرفتار بلا نمی شود. (قاموس)

(3) ابو الجحاف (26، 169، 254): داود بن ابی عوف کوفی برجمی. در کتب رجال هم «ابوالجحاف» آمده هم «ابوالجحاف».

(4) اِحْتَبَاء (188): در گذشته رسم بوده وقتی جایی برای تکیه نمی یافتند هنگام نشستن و استراحت، زانوها را در سینه جمع کرده با عمامه یا تکه پارچه ای دور کمر و زانوها را می بستند. به این حالت نشستن «احتباء» گفته می شود.

(5) احساء (363): سرزمینی شامل ساحل شرقی در کشور عربستان از مرزهای کویت تا قطر. (منج)

(6) اذْرُح (363): شهری است در اطراف شام و از نواحی بلقا. (معب)

(7) اَرَم (491): نام یکی از شهرهای قوم عاد بوده، شهری آباد و بی نظیر و دارای قصرهای بلند و ستونهای کشیده. در قرآن کریم با عنوان «ارم ذات العماد» از آن یاد شده است. (تفسیر المیزان، سوره فجر: 7)

(8) ارمیا علیه السلام (491): یکی از پیامبران بنی اسرائیل بود. (منج)

(9) اسباط (16): «الأسباط» غالباً بر دوازده فرزند حضرت یعقوب نبی علیه السلام اطلاق می شود. این کلمه چهار مرتبه در قرآن تکرار شده است؛ برای اطلاع بیشتر، ر. ک:

کتب تفسیر، ذیل (بقره: 136 و 140 / آل عمران: 84 / نساء: 163).

ص: 309

(10) اعماق (613 و 620): شهری است بین حلب و انطاکیه. (قاموس)

(11) افرنجه (363): ملّتی بزرگ و نصرانی و دارای کشوری پهناور هستند، و در مجاورت رمیه و روم سکنی دارند. (معرب)

(12) امام (باب اول): بدلیل وضوح قرینه یعنی «حقانیت و عدالت» امام، آن را مطلق ذکر فرمودند، و الا بدیهی است هر انسانی همان طور که به نوعی آلهه و معبودی دارد، امامی هم دارد، پس مقصود در اینجا امام و پیشوای به حق است که صلاحیت هدایت دیگران به راه راست را داشته باشد. (رک: بقره، 124 / و نیز: المیزان، ج 1، ذیل همین آیه)

(13) امّت امّت (333 و 607): یعنی «بمیران بمیران» یا «بکش بکش»، فال نیکی است برای مرگ دشمن و پیروزی. این علامت در یکی از جنگ های پیامبر صلی الله علیه و آله (جنگ بنی الملوّح) رمز مسلمانان بود تا در تاریکی شب بتوانند نیروهای خودی را تشخیص دهند. (وسائل الشیعه 15: 138)

(14) ایلون (244): در نسخه ای «بابلون» است، و شاید تصحیف «بابلون» باشد که نام قدیمی دیار مصر بوده. (حاشیه دلائل الامامه)

(15) ایلیا (372، 591، 601): «ایلیا» نام دیگر بیت المقدس است.

(16) باغه (364): از شهرهای اندلس (اسپانیا). (معرب)

(17) بالس (363): از شهرهای شام، واقع در بین حلب و رقه. (معرب)

(18) بُخْتُ نَصْرَ (240): مرگب است از دو نام بُخت (به معنای پسر) و نَصْر (که نام بتی است)، یعنی پسر بت نَصْر. گفته می شود او را در حالی که طفلی بیش نبوده کنار بت نَصْر یافته بودند. وی در حوالی 612 ق. م با دختر هورخستر پادشاه ماد ازدواج کرد و در سال 605 به جنگ فرعون مصر رفت و او را مغلوب ساخت و بر مصر مسلط شد (لغت نامه دهخدا). او همان پادشاهی است که بیت المقدس را ویران ساخت. (لسان العرب: نصر)

(19) بدلیس (363): شهری از توابع ارمینیه. (معرب)

(20) برانگیختن (18، 62، 153، 188، 249، 299، 326، 367، 615، 682، 726): در زبان عربی از ماده «بَعث» و به معانی ذیل است: فرستادن، روانه کردن، گسیل داشتن،

اعزام کردن، به نمایندگی فرستادن، برانگیختن، فراخواندن، به پا کردن.

(21) برجان (363): شهری در حاشیه خزر. (معرب)

(22) برفه (363 و 364): سرزمینی پهناور بین اسکندریه و افریقیه که از جمله شهرهای آن انطابلس است. (معرب)

(23) بشارت (باب سوم): نوید دادن، مژده دادن، خبر خوش دادن، دلشاد کردن.

(24) بلخ (363، 364، 440): از شهرهای افغانستان.

(25) بوسنج (364): از روستاهای ترمذ، و ترمذ شهری است در کرانه شمالی رود جیحون (امودریا) در شمال ایران. (معرب و منج)

(26) بیداء (423-428): نام زمینی خشک و بی گیاه بین مکه و مدینه است، به مکه نزدیک تر بوده و از سمت شرق مقابل ذی الحلیفه قرار دارد. (معرب)

(27) تابعین (155): «تابعی» در اصطلاح مسلمانانی را گویند که «صحابه» را دیده و از آنها پیروی کرده باشند، و «صحابی» مسلمانانی است که به خدمت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله رسیده و محضر آن حضرت را درک کرده باشد. (فرهنگ عمید)

(28) تدْمُر (363): شهری در وسط صحرای سوریه. (منج)

(29) تغلیس (364): پایتخت جمهوری گرجستان. (منج)

(30) جابروان (364): شهری در آذربایجان و نزدیک تبریز. (معرب)

(31) جامده (363): روستای بزرگی در حومه واسط از جانب بصره. (معرب)

(32) جاهلیت (مردن به مرگ جاهلی) (1-7): عبارت «مات میتة جاهلیة» به این معناست که همانند مردم زمان جاهلیت (پیش از اسلام) مُرده و از حقایق اسلام بویی نبرده و چیزی نفهمیده است.

(33) جزیه (554 و 715): خراج زمین، و مالیات سرانه که در قدیم دولت های اسلامی از مردم غیر مسلمان که اهل کتاب بودند و در ممالک اسلامی زندگی می کردند و اهل ذمه نامیده می شدند می گرفتند. (فرهنگ عمید)

(34) حجّتی ندارد (3 و 4): یعنی برای اعمال خود در درگاه خداوند توجیه و عذری ندارد. اما کسی که از امام عادل اطاعت می کند، خود امام دلیل او در محکمه خداوند است.

(35) حرّان (363 و 364): شهری بزرگ و معروف از جزیره اقور که در راه موصل و شام و روم واقع گردیده. (معرب)

(36) حسن (244): شاید تصحیف «الحسنی» است که نام قصری در دار الخلافه بغداد بوده، و یا «الحسنا» که کوهی نزدیک ینبع است. (حاشیه دلائل الامامه)

(37) حصین بن مخارق (180 و 229): نام این شخص در کتب رجال به سه صورت:

«حسین، حصین، حصین» آمده. شیخ طوسی رحمه الله در رجال خود او را از اصحاب امام کاظم علیه السلام اما واقفی مذهب می داند.

(38) حلوان (244 و 364): «حلوان» به چند مکان اطلاق می شود: حلوان العراق:

آخرین مرزهای عراق. حلوان: یکی از روستاهای مصر که مشرف بر نیل است.

حلوان: شهرکی در قوهستان در آخرین حدود خراسان. (حاشیه دلائل الامامه)

(39) حنانه (363): منطقه ای در غرب موصل عراق. (معرب)

(40) خَسَف (احادیث باب 11 و 16، و حدیث 591 و 601): فرورفتن قسمتی از زمین با هرچه روی آن است. (نک: عنکبوت، 40)

(41) خطبه مخزون (367، 615، 700): این خطبه را امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده اند. در نهج البلاغه ذکر نشده و از منابع مهم آن کتاب «مختصر البصائر» می باشد. خطبه ای است طولانی شامل خیر از احوال آینده از جمله قیام مهدی.

قسمتی از این خطبه چنین است: «العجب کلّ العجب بین جمادی و رجب». (ذریعه، ج 7، ص 205)

(42) خطبه لؤلؤه / لؤلؤیه (247): این خطبه در نهج البلاغه ذکر نشده، اما در منابعی معتبر چون بحار الانوار (جلدهای 31، 41 و 52)، کفایه الاثر و مناقب ابن شهر آشوب (ج 2) موجود می باشد.

(43) خطبه البیان (377 و 708): از خطبه های مشهوری است که به امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده اند، نسخه های متعدّد و متفاوتی از آن موجود می باشد، اما سیّد رضی رحمه الله این خطبه را در نهج البلاغه نیاورده است. ابن شهر آشوب نیز با آنکه برخی خطبه های مشهور آن حضرت را - که در نهج البلاغه نیامده - ذکر نموده، یادی از این خطبه نکرده است، اما شروح متعدّدی بر آن نگاشته اند. خطبه البیان هفتاد کلمه دارد

و با این جملات شروع می شود: «الحمد لله بديع السموات و فاطرها، و ساطع المدحيات...». به قولی «خطبه البيان» و «خطبه الافتخار» یکی است. (ذریعه 7:200 / كشف الظنون 1:715)

(44) دابق (613 و 620): روستایی است در چهار فرسخی حلب. (معب)

(45) دمياط (363 و 364): شهری قدیمی بین تنیس و مصر در زاویه ای بین دریای شور روم و نیل. (معب)

(46) دورق (363): شهری در خوزستان. (معب)

(47) دینور (363): از شهرهای مهم کوهستانی در کردستان ایران.

(48) ذراع (463): هر ذراع بین پنجاه تا هفتاد سانتیمتر است.

(49) ذی طوی (355 و 508): کوهی مجاور شهر مکه است.

(50) رأس العین (363): شهر بزرگ معروفی است که بین حرّان و نصیبین و دینسر واقع شده. (معب)

(51) رحبه (593): آثار شهری در کنار فرات اوسط. بنیانگذار آن مالک بن طوق تغلبی است و در زمان حکومت مأمون عباسی تأسیس شد. به «رحبه مالک» نیز معروف است. (منج)

(52) رقه (363): شهر معروفی است بر ساحل فرات که سه روز تا حرّان فاصله دارد.

(معب)

(53) رمله (363): شهر بزرگی در فلسطین. (معب)

(54) رومیه (487، 614، 623): شهری است در مدائن یا در روم. (قاموس)

(55) ریا (181): ریا یعنی خود را به نیکوکاری جلوه دادن بر خلاف حقیقت، تظاهر به نیکوکاری و پاکدامنی. (دیگران او را در حال انجام کار نیک می بینند)

(56) زبید (363): شهری معروف در یمن که در زمان حکومت مأمون عباسی تأسیس شد. (معب)

(57) زوراء (363): شهری در عراق. نک: حدیث 247.

(58) سرات (363): کوه ها و زمین های وسیعی بین تعامه و یمن. (معب)

(59) سعیر (261): احتمالاً نام محلی است که در معاجم نیامده، شاید هم تصحیف

- «سعد» باشد که محلی در نزدیکی مدینه و کوهی در حجاز و شهری است که در آن زره می سازند، و «سعد» محلی در نزدیکی یمامه است. و «سغد» مکان معروفی است در سمرقند. (القاموس المحيط)
- (60) سلوی (491): نام پرنده ای است. (مفردات راغب) بلدرچین. (فرهنگ لاروس) در سوره بقره: 57، اعراف: 160 و طه: 80 از آن یاد شده است.
- (61) سُمعه (181): سُمعه یعنی اینکه شخص، کار نیکو بکند و خود را سر زبان ها بیندازد تا به نیکوکاری مشهور شود. (دیگران او را در حال انجام کار نیک نمی بینند و فقط وصف کارش را می شنوند)
- (62) سنجار (364): شهری معروف از نواحی جزیره که سه روز راه تا موصل فاصله دارد. (معب)
- (63) سواد (738): قریه ها و روستاهای اطراف کوفه. (کتاب العین، سود)
- (64) سوره (363): موضعی کنار بغداد. (معب)
- (65) سیار (363): شنزاری در نجد که جنگلی در آن رخ داد. (معب)
- (66) سیراف (363 و 364): شهری با شکوه بر ساحل دریای فارس که در گذشته از بندرهای هند بود. (معب)
- (67) صاع (470 و 491): چهار برابر مُد، و معادل 2832 گرم.
- (68) صور (363): از شهرهای مرزی معروف مسلمانان است، که مشرف بر دریای شام.
- دریا از همه طرف آن را احاطه نموده بجز طرفی که دروازه آن است. (معب)
- (69) صیداء (363): از شهرهای ساحلی لبنان.
- (70) طبریه (419، 421، 483، 491، 592، 597): دریاچه ای در فلسطین که رود اردن از آن می گذرد. (منج) و به قولی همان دریاچه خزر است.
- (71) طرطوس (363): شهری در شام (سوریه) مشرف بر دریا در نزدیکی مرقب و عگا. (معب)
- (72) طنجه (363): شهری در مملکت مغرب واقع در تنگه طارق. (منج)
- (73) عامر (363): کوهی در مکه. (معب)
- (74) عانه (363): شهری معروف بین رقه و هیت که تحت سلطه الجزیره است. (معب)

(75) عَدَن (277، 282، 363): شهری معروف واقع در ساحل اقیانوس هند (خلیج عدن) در جنوب یمن. (معب)

(76) عرار (363): موضعی در دیار باهله از سرزمین یمامه. (معب)

(77) عسقلان (363): شهری ساحلی در سوریه و از توابع فلسطین، بین غزه و بیت جبرین. (معب)

(78) عسکر مکرم (363): یکی از محله های حومه اهواز است. (الانساب: 3)

(79) عکبرا (363 و 364): از شهرهای عراق.

(80) عین الشمس (244): شهر فرعون مصر که سه فرسخ با فسطاط فاصله دارد. (حاشیه دلائل الامامه)

(81) غُثاء (258): غُثاء: زباله، کفی که جلو سیل می آید، برگ های خشک و پوسیده در ختان که سیل آنها را به هر طرفی می برد. (اقرب الموارد)

(82) فاریاب (364): شهری مشهور در خراسان از توابع جوزجان و نزدیک بلخ در غرب جیحون. (معب)

(83) فرغانه (364): شهری بزرگ در ماوراء النهر. (معب)

(84) فسطاط (363 و 364): اولین شهری که اعراب در مصر در نزدیکی بابلیون بر ساحل شرقی نیل ساختند. (منج)

(85) قاعوس (244): شاید تصحیف «القاعون» باشد که کوه بلندی در اندلس (اسپانیا) است. (حاشیه دلائل الامامه)

(86) قذف (باب 11، فصل 5): قذف آن موضعی است که فرود آید یا لغزش پیدا کند (اقرب الموارد). در اینجا شاید مقصود ریزش چیزی مثلاً سنگ از آسمان باشد.

(87) قراح (363): در بغداد چندین محله آباد است که آنها را قراح گویند. (معب)

(88) قسطنطنیه / قسطنطنیه (باب 23، فصل 2): همان استانبول (آستانه) است که پیش از آن به بیزانس معروف بود. در قرن هفتم (ق. م) توسط رومیان بنا گردید. به سال 330 قسطنطین آنجا را پایتخت امپراتوری روم شرقی قرار داد و نام خود را بر آنجا گذاشت، و تا وقتی توسط عثمانی ها (1453 م) فتح شد، مرکز امپراتوری بیزانس بود.

(منج)

- (89) قَطْوَان (135): قَطْوَان محلی نزدیک کوفه است که در آنجا عباهای سفید با الیاف و کُرک های کوتاه می سازند. (مجمع البحرین)
- (90) قَطِيف (363): از شهرهای عربستان. (منج)
- (91) قُفُص (261): مردمانی سارق هستند که در اطراف کرمان ساکن اند. (القاموس المحيط)
- (92) قُلُوم (364): لنگرگاهی قدیمی در مصر، در شمال دریای سرخ. (منج)
- (93) قَلْقِيلا (363): محله ای نزدیک بیت المقدس.
- (94) قَوْص (363): از شهرهای بزرگ مصر که از آن تا فسطاط 12 روز راه است. (معب)
- (95) قَوْمَس (364): منطقه ای وسیع در پایین کوه های طبرستان که مرکز آن دامغان است و بین ری و نیشابور قرار دارد. (معب)
- (96) كازرون (363): از شهرستان های استان فارس امروزی.
- (97) كَرخ (363): از مناطق غربی بغداد.
- (98) مُد (470): یک چهارم صاع، و معادل 708 گرم.
- (99) مراد (363): از قبایل جنوب ساکن بین نجران و مأرب. (منج) قلعه ای نزدیک قرطبه اندلس (اسپانیا). (معب)
- (100) مَرَج (363): شهری است در لیبی.
- (101) مَسَخ (198، 219، 309): لاغر و رنجور کردن. تبدیل صورتی به زشت ترین صورت ها. انتقال نفس ناطقه از بدن انسان به بدن حیوان دیگری که در پاره ای از اوصاف با او مناسب باشد. (فرهنگ لاروس)
- (102) مَنّ (491): شهدی گیاهی و شیرین مزه. در سوره های بقره: 57 - اعراف: 160 - طه: 80 از آن یاد شده است. (مفردات راغب)
- (103) موصل (363 و 364): شهرکی در ساحل شرقی دجله. (معب)
- (104) موقان (364): منطقه ای کوهستانی در آذربایجان. (معب)
- (105) مولى (14، 115، 235، 364، 445، 487): «مولى» غالباً در کلام علمای رجال، مسلمان غیر عرب را گویند. اما وقتی گفته می شود «مولى بنی فلان» یعنی شخصی که غلام قبیله ای است یا با آنها پیمانی دارد. (معجم الثقات من جامع الرواه: 16)

(106) مؤاخذه به خاطر اعمال قبل و بعد از مسلمان شدن (7): از رسول خدا صلی الله علیه و آله به تواتر نقل شده که فرمود: «الاسلامُ یَجِبُ ما قَبْلَهُ» (اسلام چیزهای قبل از خود را قطع می کند)، به این معنی که وقتی فرد غیر مسلمانی اسلام را می پذیرد، به محض مسلمان شدن، هرچه از حق الله (واجبات و محرّمات) برگردنش بوده از او ساقط می گردد. اما عمومیت آن روایت مقید به روایت ذکر شده است، یعنی فرد مسلمان در صورتی از اسلامش نفع می برد که به ائمه حق اقتدا نماید، در غیر این صورت، نه تنها به خاطر اعمال قبلش مؤاخذه می گردد، بلکه در مورد اعمال بعد از مسلمانانی هم باید جواب بدهد که با چه ملاکی و به دستور چه کسانی عمل نموده. البته با تأمل در متن حدیث شریف، می توان استفاده کرد: کسی که پس از پذیرفتن اسلام به امام حق اقتدا ننماید، اصلاً مسلمان نشده است.

(107) نَرْد (181): در روایت «الکوبه» است که در لغت علاوه بر «نَرْد» به معنای «شطرنج» و «طبل میان باریک» نیز آمده.

(108) نصیبین (363 و 364): شهری آباد از بلاد جزیره که سر راه قافله های موصل به شام قرار دارد. (معب)

(109) واسط (363): یکی از استان های عراق.

(110) هجر (363): مرکز بلاد بحرین که سه روز تا سرین فاصله دارد. (منج)

(111) هرات (363 و 364): شهری در شمال غربی افغانستان.

(112) هفت یا نه (23 و 677): تردید در هفت سال و نه سال شاید به این دلیل است که در گذشته نقطه گذاری نبوده، بنابراین چون دو عدد «سَبْع | 7» و «تِسْع | 9» هر دو چهار دندانه دارد در برخی مواقع مشتبه شده است.

(113) یافا (364): شهری ساحلی از توابع فلسطین، بین قیساریه و عکا. (معب)

(114) یَسَع (463): یکی از پیامبران الهی به این نام است که در قرآن کریم (انعام: 86 - ص: 48) هم از ایشان یاد شده. اما این شخصی که در روایت آمده معلوم نیست همان جناب یسع پیامبر است یا شخص دیگری به این نام!

(115) یمامه (363): از واحه های عربستان که امروزه به «العارض» معروف است. (منج)

ارم ذات العماد، 217

أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ، 131

أَزِفَتِ الْأَزْفَةُ، 132

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ، 132

أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا...، 86، 156

خَائِفًا يَتَرَقَّبُ، 66

فَأَصْبَحُوا لَا يَرَى إِلَّا مَسَاكِينَهُمْ، 303

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ...، 83

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، 78، 264

وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ...، 15

وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ، 53

وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا، 265، 294

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، 148، 230، 233

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، 17

وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ، 95

وَيَسْفِى صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ، 26

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ، 20

يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ...، 124، 128، 237، 242

مهدی، 11، 12، 13، 27، 28، 29، 31، 32، 33، 35، 36، 38، 39، 40، 41، 42، 43، 44، 45، 46، 48، 51، 52، 53، 54، 55،
56، 57، 58، 59، 61، 62، 63، 64، 65، 68، 69، 70، 71، 72، 73، 74، 85، 89، 92، 95، 100، 105، 108، 110، 111،
112، 116، 119، 129، 130، 136، 137، 142، 143، 147، 149، 151، 152، 167، 172، 174، 177، 186، 204، 211،
213، 215، 217، 219، 224، 226، 228، 229، 234، 235، 236، 240، 245، 248، 249، 251، 256، 257، 259، 271،
275، 279، 280، 284، 285، 288، 292، 293، 296، 298، 301، 303، 305، 308

آدم، 11، 137، 216

آلبرت اینشتین، 12

ابان بن محمد، 163

ابراهیم، 58، 138

ابراهیم بن اسحاق، 163

ابراهیم بن صباح، 160

ابراهیم بن صفیر، 164

ابراهیم بن علی، 161

ابراهیم بن عمر، 161

ابراهیم بن محمد، 166

ابراهیم بن مسعود، 165

ابراهیم بن یوسف، 161

ابَّع، 138

ابلیس، 302

ابن حجر، 13

ابن صائد، 198

ابن عباس، 34، 120

ابن مسعود، 117

ابوالقاسم، 77

ابو ثعلبه خُشَنِي، 104

ابو خالد حلبِي، 65، 157، 173

ابوداود، 13

ابوداود شعشاع، 166

ابوذر، 228

ابوسعيد خدرِي، 41، 44، 56، 70، 234

ابوسفيان، 113، 179، 180، 185، 257، 279

ص: 319

- ابوعبداللہ گنجی، 13
- ابولبابہ بن مدرک، 161
- ابونعیم اصفہانی، 13
- احمد، 13، 157
- احمد بن حمید، 163
- احمد بن ریحان، 165
- احمد بن سکتہ، 160
- احمد بن سلیمان، 164
- احمد بن عمر، 160، 161
- احمد بن مسلم، 164
- احمد بن ملیح، 166
- احمد بن ہارون، 162
- اخص بن محمد، 162
- ادس بن محمد، 166
- ارم بن علی، 162
- ارمیا، 217
- ازدجاء بن وابص، 167
- اسحاق، 157
- اسرائیل قطان، 162
- اسرافیل، 271
- اشعث بن مالک، 164

اشعری، 117

اصبغ بن نباته، 198

اکتب، 109

اکلب، 109

امّسلمه، 191، 228

بادصبا بن سعد، 163

بخاری، 13

بُخت نَصْر، 106

بدر، 41، 44، 56، 86، 132، 153، 154، 155، 156، 159، 167، 173، 213، 224، 225، 226، 234، 247، 251، 272،

274

برتراند راسل، 12

برنارد شاو، 12

بشیر، 104

بکر بن حر، 166

بکر بن خالد، 165

بکر بن عبداللّٰه، 165

بلیل بن مالک، 162

بلیل بن وهاید، 161

بندار بن خلیل، 160

بنی اسرائیل، 24، 25، 63، 217

بنی امیّه، 37، 183، 204، 205، 231، 241، 259

بنی تمیم، 169، 274، 275

بنی عباس، 112، 138، 143، 169، 178، 204، 205، 231، 241، 259

بنی هاشم، 42، 57، 149، 259، 278

بور بن زائده، 164

بهرام بن سرح، 161

بهرام بن علی، 162

ترک بن شبه، 161

ترمذی، 13

تملیخا، 294

ص: 320

تميم، 276

تميم بن الياس، 165

تيمور بن حرث، 166

ثقيف، 276

جاء بن سعيد، 165

جابر، 49، 134، 146، 150، 222، 277

جابر بن سفيان، 166

جابر بن علي احمر، 160

جبرئيل، 29، 55، 58، 171، 184، 186، 187، 192، 206، 213، 250، 255، 261، 271، 272، 273، 278، 279

جبريل حداد، 161

جحدر بن زيت، 163

جرير بن رستم، 160

جعفر، 51، 52، 157، 166

جعفر الشاه، 160

جعفر بن ابي طالب، 53، 171، 277

جعفر بن زكريا، 166

جعفر بن سعيد، 165

جعفر بن طرخان، 161

جعفر بن عبدالرحمن، 163

جلال الدين سيوطي، 13

جموح، 109

جمهور بن حسين، 161

جميل بن عامر، 161

جواد بن بدر، 163

جور، 160

حارث، 171، 276، 297

حارث بن ابي ربيعه، 191

حارث بن حراث، 168، 275

حارث بن ميمون، 165

حاكم نيشابورى، 13

حامد، 163

حبيب بن حنان، 166

حجر بن عبدالله، 164

حُدَيْفَه، 103، 104

حُدَيْفَه بن يمان، 144

حرب، 185

حرب بن صالح، 160

حرب بن عبدالله، 165

حَرِّ بن جميل، 166

حر بن زبرقان، 165

حرسى بن سعيد، 166

حرشام بن كردم، 162

حسكه بن هاشم، 162

حسن، 39، 42، 43، 49، 51، 52، 53، 55، 157، 171، 214، 276، 297

حسن بن حسن، 162

حسن بن على، 288، 290، 304

حسنى، 170، 172، 276، 297

حسين، 42، 43، 44، 45، 51، 52، 53، 55، 59، 108، 113، 172، 214، 276، 297

حسين بن علوان، 166

حسين بن على، 24، 45، 124، 162، 257

ص: 321

- حفص، 157
- حلال بن حميد، 166
- حمّاد بن جابر، 166
- حمّاد بن جمهور، 164
- حمّاد بن محمّد، 165
- حمدان بن كر، 162
- حمزه، 51، 52
- حمزه بن طاهر، 165
- حمزه بن عبّاس، 161
- حمزه بن عبدالمطلب، 52
- حميد بن ابراهيم، 161
- حميد بن قيس، 164
- حميد بن نافع، 162
- حميد قدوسي، 166
- حواشه بن فضل، 165
- حويد بن بشر، 162
- حيدر بن ابراهيم، 165
- خالد، 161، 185
- خالد بن سعيد بن كريم، 160
- خالد بن عبد القدوس، 165
- خالد بن عيسى، 161

خالد بن یزید، 179

خالد قوانس، 162

خدوع، 109

خراسانی، 170، 197، 277

خلیع، 109

خلیل بن سید، 164

خلیل بن نصر، 161

خور بن طرخان، 166

خوشب بن جریر، 160

خیثمه، 58

دانیال بن داود، 166

داود، 157، 212

داود بن جریر، 161

داود بن محق، 163

دجال، 24، 45، 57، 58، 88، 107، 115، 123، 124، 125، 126، 128، 146، 195، 196، 197، 198، 199، 200، 201،
202، 203، 204، 205، 206، 207، 209، 210، 229، 231، 235، 237، 240، 242، 243، 257، 258، 259، 266، 290

درید، 157

دهیم بن جابر بن حمید، 160

ذوالفقار، 228، 273

ذو القرنین، 296

رئاب بن جلد، 164

ربا بن حفص، 165

ربيعه بن علي، 165

رهباني، 109

رياش بن سعيد، 161

زائده بن هبه، 166

زراره بن ابراهيم، 161

زراره بن جعفر، 162

زرود بن سوكن، 161

ص: 322

زكريا بن حبه، 161

زهير بن طلحه، 166

زياد بن رزين، 163

زياد بن صالح، 161

زياد بن عبدالرحمن، 160

زياده الله بن رزق الله، 166

سahمه، 185

سيره، 45

سحاب، 273، 279

سحيق بن سليمان، 160

سَرِيّ بن اغلب، 166

سعد، 160

سعيد بن عثمان، 162

سعيد بن علي، 166

سعيد بن مسيب، 42

سعيد سوسى، 150، 277

سَفّاح، 109

سفياىى، 108، 125، 130، 169، 170، 177، 178، 179، 180، 181، 182، 183، 184، 185، 186، 187، 188، 189، 204،

205، 221، 231، 241، 246، 253، 254، 255، 256، 257، 259، 260، 275، 277

سلم، 160

سلمان، 43، 44، 80، 81، 82، 83، 89، 90، 107، 143، 228

- سلمان بن يعقوب، 163
- سلم بن سليم، 160
- سليمان، 216
- سليمان بن حر، 166
- سليمان بن داود، 165، 216، 217
- سليمان بن ديلمى، 162
- سليمان بن صبيح، 163
- سليمان بن طليق، 161
- سليم بن وحيد، 163
- سمعان، 162
- سمعان بن فاخر، 161
- سميم بن مطر، 163
- سويد بن يحيى، 164
- سهل بن رزق الله، 161
- سهل بن على، 162
- سيّاب بن عباس، 163
- سيار، 109
- شاكِر بن عبده، 165
- شاه بن بزرج، 166
- شاهد بن بندار، 161
- شاهويه بن حمزه، 161

شيب بن عبدالله، 165

شداد، 157

شديد، 157

شرحيل بن جميل، 165

شرحيل سعدى، 164

شعبه بن على، 163

شعيب، 216

شعيب بن صالح، 150، 169، 170، 219، 253،

ص: 323

شعيب بن موسى، 164

شهرد بن حمران، 160

شيصبان، 109

صائد بن صيد، 198

صالح بن الرحال، 160

صالح بن جرير، 162

صالح بن شعيب، 169، 219، 275

صالح بن طيفور، 165

صالح بن نعيم، 162

صالح بن هارون، 164

صباح، 186، 188، 255

صخر بن عبدالصمد، 167

صدوق، 13

صعصعه بن صوحان، 24، 45، 124، 126

صقر بن اسحاق، 162

صهيب بن عباس، 166

صياح، 188

ضرار بن سعيد، 166

طاشف بن على، 160

طاهر بن عمرو، 162

طبرانی، 13

طبرسی، 13

طلحه بن سعید، 165

طلحه بن طلحه، 162

طوسی، 13

ظلام، 109

عاصم بن خلیط، 163

عاملی، 13

عباده بن ممهور، 161

عبّاس، 171، 278

عبّاس بن بقر، 162

عبّاس بن عبدالمطلب، 289

عبّاس بن فضل، 160

عبّاس بن هاشم، 162

عبدالاعلی بن ابراهیم، 162

عبدالرحمن، 24

عبدالرحمن بن اعطف، 166

عبدالرحمن بن عوف، 228

عبدالرزاق، 157

عبدالصمد، 157

عبدالعظیم بن عبداللّه، 162

عبدالكريم بن غند، 165

عبدالله، 157

عبدالله بن بسر، 266

عبدالله بن زريق، 163

عبدالله بن صاعد، 166

عبدالله بن صفوان، 191

عبدالله بن عمر، 19

عبدالله بن عمرو، 125

عبدالله بن عمير، 161

عبدالله بن قرط، 161

عبدالله بن مسعود، 24

عبدالله بن مطيع، 19

ص: 324

عبدالله بن يحيى، 162

عبدالمطلب، 42، 51، 52

عبيد بن محمد، 163

عبيده بن علقمه، 165

عتاب بن مالك، 163

عثار، 109

عثمان، 180، 185

عثمان بن علي، 162

عداف، 276

عريان بن خفان، 163

عريب بن عبدالله، 160

عضرم بن عيسى، 165

عقبه بن وفر، 161

عقيل، 171، 276، 297

علام، 109

علاء بن حميد، 163

علقمه بن ابراهيم، 165

علقمه بن مدرک، 161

علي، 37، 39، 41، 44، 48، 51، 52، 53، 55، 56، 59، 65، 66، 132، 157

علي بن ابي طالب، 25، 37، 45، 46، 48، 52، 55، 62، 70، 106، 126، 257

علي بن احمد، 162

- علی بن جعفر، 162
- علی بن حمویہ، 162
- علی بن خالد، 160
- علی بن زائده، 164
- علی بن سندی، 161
- علی بن عبدالصمد، 160
- علی بن علقمہ، 163
- علی بن کلثوم، 161
- علی بن معاذ، 164
- علی بن موسیٰ، 164
- علی کورانی، 17
- عمّار، 214
- عمارہ بن معمر، 160
- عمر، 168، 294، 304
- عمران بن خالد، 162
- عمر بن خطّاب، 62
- عمر بن عمیر، 161
- عمرو بن عمر، 162
- عمرو بن فروہ، 165
- عنبرہ بن قرطہ، 164
- عنسہ، 180، 185

عوف، 87، 89، 119

عوف سلمى، 170، 277

عياص بن عاصم، 164

عيسى، 41، 44، 46، 56، 57، 58، 59، 66، 67، 68، 126، 195، 201، 202، 203، 204، 229، 230، 242

عيسى بن تمام، 165

عيسى بن مريم، 24، 45، 56، 57، 58، 59، 66، 78، 123، 124، 125، 127، 147، 148، 175، 202، 203، 210، 230، 231،
232

ص: 325

264, 259, 243, 242, 241, 240, 239, 238, 237, 236, 235, 234, 233

عيسى بن موسى، 70، 161

عينوق، 109

غالب، 299

غسان بن محمد، 162

غلفان، 157

غوٲ اعرابي، 165

فاطمه، 41، 42، 43، 44، 46، 52، 56، 59، 234

فرعون، 138

فزاره بن بهرام، 161

فضل بن عمير، 163

فياض بن ضرار، 165

قحطاني، 104

قديم، 157

قرعان بن سويد، 160

قريش، 23، 25، 42

قُفص، 115

قوده الأعلم، 165

قيس، 276

كائن بن حنيد، 161

كامل بن عفير، 164

کامل بن هشام، 162

کبش، 109

کثیر، 161

کدید، 109

کرد بن حنیف، 163

کردوس ازدی، 160

کردوس بن جابر، 163

کردین بن شیبان، 162

کلیب، 185

کلیب شاهد، 160

کلینی، 13

کمسلمینا، 168، 294

لقیط بن فرات، 163

ماسح بن عبدالله، 162

مالک بن حرب، 161

مالک بن خلید، 166

ماهان بن کثیر، 166

مأجوج، 123، 125

مبارک بن معمر، 162

مترف، 109

متقی هندی، 13

متوكل بن عبدالله، 165

مجوس، 37

مصحح بن خريوذ، 161

محمد، 15، 32، 39، 52، 66، 67، 68، 72، 105، 110، 157، 163، 178، 223

محمد بن جيهار، 161

محمد بن حماد، 161

محمد بن خالد، 162

محمد بن روايه، 165

محمد بن عبدالله، 63

ص: 326

- محمّد بن عمر، 160
- محمّد بن مسلم، 67، 133
- محمود بن محمّد، 162
- محمويه بن عبدالرحمن، 160
- مرجئه بن عمرو، 165
- مروان، 125
- مروان بن جميل، 161
- مروان بن علايه، 162
- مرّه، 185
- مريم، 58، 242، 298، 300
- مستصعب، 109
- مسرف، 109
- مسكان بن جبله، 162
- مسلم، 13
- مسلم بن هوامرد، 164
- مسيح، 263
- مصطلم، 109
- مطرف بن عمر، 165
- مظفر، 109
- معاذ بن جبرئيل، 161
- معاذ بن سالم، 161

معاذ بن علي، 166

معاذ بن معاذ، 164

معاذ بن هاني، 160

معاويه، 185، 257

مقداد، 228

مِقْلَاص، 109

مكسليمينا، 166، 294

مليح بن سعد، 164

مليخا، 168

منذر بن زيد، 166

منزل بن عمران، 164

منصور، 168، 275

موسى، 66، 67، 150، 157، 168، 212، 216، 217، 277، 295

موسى بن داود، 161

موسى بن زرقان، 163

موسى بن عمران، 162، 216

موسى بن عون، 166

موسى بن كردويه، 163

موسى بن مهدي، 161

مؤنث، 109

مهتور، 109

مهدي بن هند، 164

مهدي بن هند بن عطارد، 164

ميسره بن غندر، 165

ميكائيل، 55، 171، 186، 187، 206، 255، 261، 271، 272، 273، 279

نجم بن عقبه، 167

نزال بن سبره، 24، 45، 124، 127

نزل بن حزم، 162

نسايي، 13

نصر بن حواس، 164

نضر بن منصور، 163

ص: 327

- نظار، 109
- نفس زكّيه، 178
- نوح، 138، 196
- نوح بن جویر، 164
- نوری، 13
- نوفل بن عمرو، 164
- وسیم، 109
- وكایا بن سعد، 165
- وهب بن خربند، 163
- هارون، 217
- هارون الرشید، 289
- هارون بن صالح، 165
- هارون بن عمران، 162، 163
- هانى، 163
- هبل بن كامل، 163
- هبة الله بن زریق، 163
- هشام بن فاخر، 165
- همام بن فرات، 165
- هند، 185
- یاجوج، 123، 125
- یحیی، 157

يحيى بن بديل، 165

يحيى بن خالد، 161

يحيى بن زكريا، 138، 184

يحيى بن نعيم، 164

يرکرد، 161

يزيد، 185

يزيد بن درست، 161

يزيد بن قادر، 167

يزيد بن معاوية، 19، 257

يسع، 206

يعقوب، 157

يمانى، 170، 172، 277، 280، 290

يوسف، 66، 68

يوسف بن صريا، 160

يوسف بن يعقوب، 67

يونس بن صقر، 164

يونس بن متا، 67

يونس بن يوسف، 164

ص: 328

فهرست مکان ها

آبادان، 158

آمد، 158

آمل، 157

ابدح، 157

ابله، 165

ابهر، 158

احساء، 159

اذنه، 158

اذرح، 159

اردبیل، 158

اردن، 181

ارمنیه، 115، 158

اسکندریه، 159

اسمه، 157

اسوان، 164

اصطخر، 165

اصفهان، 157، 197، 209

اعماق، 263، 267

افرنجه، 159

افریقیه، 115

افيق، 202، 208، 258

اكرعه، 228

انبار، 158

اندلس، 115، 262

انطاكيه، 158، 166، 215، 216، 217

اهواز، 157، 165

ايلون، 108

ايليا، 169، 253، 254، 258

بارود، 160

باستان، 157

باغه، 164

بالس، 158، 159

بالسين، 165

بدليس، 158

برجان، 158

برقه، 159، 164

بركري، 158

بروجد، 157

ص: 329

بريه، 167

بزيع، 160

بصره، 52، 157، 166

بعلبك، 164

بقيع، 171، 277

بلخ، 157، 166، 197

بوسنج، 162

بيت المقدس، 57، 58، 159، 169، 203، 204، 205، 207، 208، 215، 216، 239، 240، 241، 253، 258، 259، 266.

268، 290

بيداء، 191

تأليف، 163

تبوك، 158

تدمر، 158

تقليس، 163

تكريت، 170، 277

تلبيس، 164

تيس، 164

جابران، 163

جامده، 158

جرم، 221، 246

جزيره العرب، 123، 126

جموح، 158

جیحون، 115

جیزه، 165

چین، 12، 66، 268، 269، 289

حبشه، 115

حجاز، 63، 185، 187، 254، 259

حرّان، 158، 164

حلب، 158، 164، 181

حلوان، 108، 166

حمص، 159، 181

حمیم، 159

حنانه، 158

حیره، 134، 146، 165

خراسان، 115، 138، 150، 157، 158، 169، 196، 219، 275، 277

خرقان، 162

خلاط، 163

خمري، 158

خوزستان، 150، 277

خوی، 158

دابق، 263، 267

دارالرزق، 161

دامغان، 157

دانشاه، 160

دجله، 106، 109، 115

دجيل، 109

دریای طبریه، 217

دکار، 159

دمشق، 63، 134، 159، 160، 164، 170، 177، 178، 181، 182، 184، 185، 238،

ص: 330

277, 262, 261, 256, 254, 239

دمياط، 159، 164

دورق، 157

ديلم، 268، 269، 270، 289

دينور، 157

ذو شفا، 138

ذی طوی، 154

رابعه، 164

رأس العين، 158

ربذه، 165

رقه، 158

رکن، 247

رمله، 159

روم، 66، 146، 166، 168، 239، 243، 263، 264، 265، 266، 267، 294

رومیه، 268

رها، 164

ری، 162، 275

ریدار، 165

زیید، 159

زنج، 161

زوراء، 109، 158

ساوه، 157

سدره، 255

سرات، 158

سراف، 160

سرخس، 157، 167

سرخيس، 158

سرنديب، 166

سروانيه، 166

سعير، 115

سلاھط، 166

سلماس، 158

سمرقند، 157، 170، 277

سمياط، 163

سنجار، 163

سند، 115، 163

سندرا، 166

سوراء، 158

سوريه، 159

سيّار، 157

سيحون، 115

سيراف، 157، 166

سپستان، 161، 198

شاخ، 158

شام، 108، 115، 130، 134، 142، 145، 146، 152، 153، 156، 160، 165، 169، 172، 173، 177، 182، 184، 185،
187، 188، 202، 215، 219، 221، 222، 245، 247، 248، 251، 257، 258، 260، 261، 262، 264، 272، 280، 282

شوری، 163

ص: 331

شوش، 159

شوشتر، 157

شیراز، 157، 166

شیروان، 159

صانعان، 160

صریح، 158

صفین، 214، 230، 237

صقلیه، 166

صنعاء، 165

صور، 159

صویقان، 160

صیداء، 158

طازبند، 160

طالقان، 150، 158، 161، 277

طاهى، 165

طبریه، 186، 188، 215، 255، 257

طبریه، 164

طرابلس، 165

طرطوس، 158

طنجه، 159

طوس، 160

طُوى، 224

عامر، 159

عانه، 157

عدن، 123، 126، 159

عرار، 158

عراق، 24، 115، 143، 171، 172، 173، 245، 247، 261، 262، 276، 282، 297

عرفات، 159

عسقلان، 159

عسكر مكرم، 157

عكّا، 159

عُكبرا، 158، 166

علالى، 159

عمّان، 157

عين الشمس، 108

غور، 161

غزّه، 159

غسّان، 244

فارس، 158

فارقين، 158

فارياب، 161

فراة، 109، 115

فرغانه، 167

فسطاط، 159، 164

فلسطين، 164، 181، 203

قادسيه، 158

قاعوس، 108

قبيج، 158

قبرس، 159

قبط، 115

قراح، 157

ص: 332

قرميس، 159

قزوين، 158

قسطنطنيه (قسطنطنيه)، 207، 220، 246، 257، 263، 264، 266، 267، 268، 269، 270، 289، 290، 291، 296، 301

قسوان، 159

قصر، 158

قصور، 158

قطيف، 159

قُلم، 165

قلقيلا، 158

قم، 150، 151، 157، 162

قنديل، 165

قورص، 158

قوص، 159

قومس، 162، 164

قيروان، 159، 164

قيموت، 159

كازرون، 158

كراز، 159

كرثا، 165

كرخ، 157

كرعه، 228

كعبه، 62، 80، 89، 159، 192، 226، 248، 281

كوفه، 55، 70، 98، 134، 146، 158، 165، 273، 307

گرگان، 157، 158، 162

لد، 203

محلّه، 159

مدائن، 166، 288، 290، 304

مدینه، 19، 48، 90، 107، 143، 159، 165، 172، 180، 198، 200، 201، 206، 220، 222، 246، 249، 259، 260، 261،

262، 263، 267، 274، 282

مراد، 158

مراغه، 158

مرج، 157

مرو، 159، 160

مَرُورود، 160

مسجد الحرام، 77، 224، 260

مسجد النبی، 77، 260

مصر، 12، 107، 108، 115، 135، 138، 173، 247، 280، 282

مغلثایا، 158

مقام، 247

مکّه، 155، 159، 172، 180، 191، 201، 206، 214، 218، 219، 220، 221، 222، 223، 224، 226، 244، 246، 248،

249، 251، 253، 258، 260، 272، 273، 274، 279

ملزن، 165

منارجرد، 158

موصل، 158، 163

موقان، 163

مولیان، 165

نجّارین، 160

نجف، 55

نسور، 158

نصیبین، 158، 163

نهاوند، 157

نیشابور، 161

نیل، 107، 115، 158، 165

وادی القری، 165

وادی یابس، 177، 178

واسط، 158

هجر، 159

هرات، 157، 162

همدان، 157، 163

هند، 115، 290

یافا، 164

یثرب، 266

یخشب، 166

يلمورق، 163

يمامه، 157، 159

يمن، 115، 228

ص: 334

1. قرآن کریم.
 2. نهج البلاغه.
- (الف)
3. اثبات الهداه: عاملی، محمد بن الحسن الحر، المطبعه العلمیه، قم.
 4. الاحتجاج: طبرسی، احمد بن علی، نشر مرتضی، مشهد، 1403 ه. ق.
 5. احقاق الحق وازهاق الباطل: حسینی مرعشی تستری، سید نورالله، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم.
 6. الاختصاص: شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره شیخ مفید، قم، 1413 ه. ق.
 7. الاذاعه لما کان و ما یكون بین یدی الساعه: فتوحی بخاری، محمد صدیق حسن، دار الکتب العلمیه، بیروت.
 8. ارشاد القلوب الی الصواب: دیلمی، حسن بن ابی الحسن، مؤسسه شریف رضی، قم، 1412 ه. ق.
 9. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد: شیخ المفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره شیخ مفید، قم، 1413 ه. ق.
 10. الأصول الستة عشر: تحقیق حسن المصطفی، تهران، 1371 ه. ش.
 11. إعلام الوری بأعلام الهدی: طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، دار الکتب الاسلامیه، طهران.
 12. الزام الناصب: یزدی حائری، علی، قم، 1404 ه. ق.
 13. الأمالی الشجریه (الخمیسیه): شجری، یحیی بن الحسین، عالم الکتب بیروت و مکتبه المتنبی قاهره.
 14. الأمالی: صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، دار المکتبه الاسلامیه، 1362 ه. ش.
 15. الأمالی: طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، دار الثقافه، قم، 1414 ه. ق.
 16. الأمالی: شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره شیخ مفید، قم، 1413 ه. ق.
 17. الايقاظ من الهجعه: عاملی، محمد بن الحسن الحر، دار الکتب العلمیه، قم.

18. بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار: مجلسی، محمد باقر، مؤسسه الوفاء، بیروت، 1404 هـ. ق.

19. البدء و التاريخ: بلخی مقدسی، ابوزید احمد بن سهل (مطهر بن طاهر)، کتابخانه اسدی، تهران.

20. البرهان فی تفسیر القرآن: بحرانی توبلی، سید هاشم بن سلیمان بن اسماعیل، چاپخانه علمی، قم.

21. البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان: متقی هندی جونپوری، علاءالدین علی بن حسام الدین، شرکت رضوان، تهران.

22. بشاره الاسلام: کاظمی، سید مصطفی آل سید حیدر، کتابخانه نینوا، تهران.

23. بشاره المصطفی لشيعه المرتضى: طبری، ابوجعفر محمد بن ابی القاسم، منشورات المكتبة الحيدريه، النجف، 1383 هـ. ق.

24. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عليهم السلام: صفار قمی، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، 1404 هـ. ق.

25. البيان فی أخبار صاحب الزمان: قرشی گنجی شافعی، محمد بن یوسف بن محمد، ضمیمه كفایه الطالب از مؤلف، دار احیاء تراث اهل البيت عليهم السلام، تهران.

(ت ث)

26. تاج الموالید: طبرسی، ابو علی فضل بن الحسن بن الفضل، ضمن «المجموعه النفیسه»، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، 1406 هـ. ق.

27. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1417 هـ. ق.

28. التاريخ الكبير: جعفی بخاری، اسماعیل بن ابراهیم، دار الکتب العلمیه، بیروت.

29. تاریخ موالید الأئمة و وفیاتهم: بغدادی، ابو محمد عبدالله بن نصر بن خشاب، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، 1406 هـ. ق.

30. تأویل الآيات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره: حسینی استرآبادی نجفی، سید شرف الدین علی، مدرسه امام مهدی.

31. التبیان فی تفسیر القرآن: طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، مکتب الاعلام الاسلامی.

32. تحف العقول عن آل الرسول: حرّانی، ابو محمد حسن بن علی بن الحسين بن شعبه، انتشارات جامعه

33. تذكرة الحفاظ: ذهبى، ابو عبدالله شمس الدين، دار احياء التراث العربى، بيروت.
34. التذكرة فى أحوال الموتى و أمور الآخرة: قرطبي، محمّد بن احمد بن ابى بكر، دار الكتب العلميه، بيروت.
35. التصريح بما تواتر فى نزول المسيح: كشميرى هندی، محمّد انور شاه، مكتبه المطبوعات الاسلاميه، حلب.
36. تفسير الصافى: كاشانى، محمّد محسن بن شاه مرتضى (فيض)، كتابخانه صدر، تهران، 1373 هـ. ش.
37. تفسير العياشى: سلمى سمرقندى، محمّد بن مسعود بن عياش، المكتبه العلميه الاسلاميه، تهران، 1380 هـ. ق.
38. تفسير القمى: قمى، ابو الحسن على بن ابراهيم، مؤسسه دار الكتاب، قم، 1404 هـ. ق.
39. تفسير فرات الكوفى: كوفى، فرات بن ابراهيم بن فرات، مؤسسه چاپ و نشر، 1410 هـ. ق.
40. تفسير نور الثقلين: حوزى، على بن جمعه، مؤسسه اسماعيليان، قم، 1412 هـ. ق.
41. تلخيص المتشابه فى الرسم: خطيب بغدادى، احمد بن على بن ثابت، مؤسسه طلاس، دمشق.
42. تهذيب الأحكام فى شرح المقنعه: طوسى، ابو جعفر عبدالله بن الحسن، دار الكتب الاسلاميه، تهران، 1365 هـ. ش.
43. تهذيب تاريخ دمشق الكبير: بدران، عبدالقادر، دار المسيره، بيروت.
44. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: صدوق، محمّد بن على بن الحسين بن بابويه، انتشارات شريف رضى، قم، 1364 هـ. ش.

(ج)

45. جامع الأخبار: شعيرى، تاج الدين، انتشارات رضى، قم، 1363 هـ. ش.
46. جامع الأصول من أحاديث الرسول: ابن اثير، مبارك بن محمّد، دار احياء التراث العربى، بيروت.
47. جامع البيان فى تفسير القرآن: طبرى، محمّد بن جرير بن يزيد، دار الفكر، بيروت، 1415 هـ. ق.
48. الجامع الصغير من أحاديث البشير النذير: سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن، دار الفكر، بيروت، 1401 هـ. ق.

(ح خ)

49. الحاوي للفتاوى: سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن، دار الكتب العلميه، بيروت.
50. حليه الأبرار فى أحوال محمّد وآله الأطهار: بحراني، سيد هاشم بن سليمان بن اسماعيل، مؤسسه معارف اسلامى، قم، 1411 هـ. ق.
51. حليه الأولياء و طبقات الأصفياء: ابو نعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله، دار الكتاب العربى، بيروت.
52. الخرائج و الجرائح: راوندى، قطب الدين ابوالحسين سعيد بن هبه الله، مؤسسه امام مهدي، قم، 1409 هـ. ق.
53. الخصائص الكبرى: سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن، دار الكتب العلميه، بيروت.
54. الخصال: صدوق، محمّد بن على بن الحسين بن بابويه قمى، انتشارات جامعه مدرسين، قم، 1403 هـ. ق.

(د ذ ر)

55. الدرّ المنثور فى التفسير بالمأثور: سيوطى، جلال الدين، دار المعرفه، بيروت.
56. دلائل الامامه: طبرى، ابو جعفر محمّد بن جرير بن رستم، مؤسسه بعثت، قم، 1413 هـ. ق.
57. دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشريعه: بيهقى، ابوبكر احمد بن الحسين، دار الكتب العلميه، بيروت.
58. ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى: طبرى، محمّد بن احمد بن عبدالله، مكتبه القدسى، قاهره، 1356 هـ. ق.
59. ذكر أخبار اصبهان: اصفهاني، ابو نعيم احمد بن عبدالله، چاپخانه بريل، 1934 م.
60. الروض الأنف فى تفسير السيره النبويه لابن هشام: خثعمى، ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله، دار الجيل، القاهره.
61. روضه الواعظين: نيشابورى، محمّد بن الفتال، انتشارات رضى، قم.

(س ش)

62. سنن ابن ماجه: قزوينى، محمّد بن يزيد، دار الفكر، بيروت.
63. سنن الترمذى: ابو عيسى محمّد بن عيسى بن مسوره، دار الفكر، بيروت، 1403 هـ. ق.
64. سنن الدارقطنى: دار قطنى، على بن عمر، دار الكتب العلميه، بيروت، 1996 م.
65. سنن النسائى: نسائى، ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب بن على، دار الفكر، بيروت، 1930 م.
66. السنن الوارده فى الفتن: مقرئ داني، ابو عمرو عثمان بن سعيد.

67. سنن أبي داود: سيستاني، سليمان بن اشعث، دار الفكر، بيروت، 1990 م.

ص: 338

68. شرح المقاصد: شافعي تفتازاني، مسعود بن عمر بن عبد الله، مطبعة القدسي، قاهره.

69. شرح دعای رجبیه: نجابت شیرازی، حاج شیخ حسنعلی، انتشارات حوزه علمیه شهید محمدحسین نجابت، شیراز، 1377 ه. ش.

70. شرح نهج البلاغه: مدائنی (ابن ابی الحدید)، عزالدین ابو حامد بن هبه الله الحسين بن ابی الحدید، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، 1404 ه. ق.

(ص ط)

71. صحیح ابن حبان: تمیمی بُستی، ابو حاتم محمد بن حبان، مؤسسه الرساله، بیروت، 1993 م.

72. صحیح البخاری: جعفی بخاری، اسماعیل بن ابراهیم، دار الفکر، بیروت، 1401 ه. ق.

73. صحیح مسلم: قشیری نيسابوری، ابوالحسين مسلم بن حجاج، دار الفکر، بیروت.

74. الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم: عاملی نباطی، زین الدین ابو محمد علی بن یونس، کتابخانه حیدریه، نجف، 1384 ه. ق.

75. الصواعق المحرقة علی أهل الرفض و الضلال و الزندقه: هیشمی، ابن حجر، مؤسسه الرساله، بیروت، الطبعة الأولى، 1997.

76. الطبقات الكبرى: بصری زهری، محمد بن سعد بن منیع، دار صادر، بیروت.

77. الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف: سید ابن طاووس، علی بن موسی، چاپخانه خیام، قم، 1400 ه. ق.

(ع غ)

78. العدد القویّه لدفع المخاوف الیومیه: حلّی، رضی الدین علی بن یوسف بن مطهر، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1408 ه. ق.

79. عرائس المجالس: ثعلبی، ابواسحاق احمد بن محمد، المكتبة الشعبیه للطباعة و النشر، بیروت.

80. العرف الوردی فی أخبار المهدی: سیوطی، جلال الدین، دار الکتب العلمیه، بیروت. ضمیمه کتاب الحاوی للفتاوی.

81. العطر الوردی: بلیسی شافعی، محمد بن محمد بن احمد، المطبعة الأميریه، بولاق.

82. عقد الدرر فی أخبار المنتظر: مقدسی سلمی شافعی، یوسف بن یحیی بن علی، مكتبة عالم الفکر، القاهره.

83. علل الشرائع و الأحكام: صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، المكتبة الحیدریه، النجف.

84. عمدہ عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الأبرار: حلّی، یحییٰ بن الحسن (ابن بطریق)، مؤسسہ نشر اسلامی (وابستہ به جامعہ مدرسین)، قم، 1407 هـ. ق.
85. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال: بحرانی اصفهانی، عبداللہ، مدرسہ امام مہدی علیہ السلام، قم، 1407 هـ. ق.
86. عیون أخبار الرضا علیہ السلام: شیخ صدوق، ابو جعفر محمّد بن علی بن الحسن بن بابویہ، انتشارات جہان ایران، 1378 هـ. ق.
87. غایہ المرام فی حجہ الخصام عن طریق الخاصّ و العامّ: بحرانی، سید ہاشم بن سلیمان بن اسماعیل، مؤسسہ الأعلمی للمطبوعات، بیروت.
88. الغیبه: طوسی، ابو جعفر محمّد بن الحسن، مؤسسہ معارف اسلامی، قم، 1411 هـ. ق.
89. الغیبه: نعمانی، شیخ محمّد بن ابراہیم، انتشارات صدوق، تہران، 1397 هـ. ق.
- (ف ق)
90. الفائق فی غریب الحدیث: زمخشری، جار اللہ محمود بن عمر، دار المعرفہ، بیروت.
91. الفتاویٰ الحدیثیہ: ہیشمی، احمد بن حجر، مطبعہ التقدّم العلمیہ، مصر.
92. فتح الباری: عسقلانی، احمد بن علی بن محمّد بن حجر، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
93. الفتن: مروزی، نعیم بن حمّاد، دار الفکر، بیروت، 1414 هـ. ق.
94. الفتن: سلیمی، ابوصالح بن احمد بن عیسی، نسخہ الکترونیکی.
95. فرائد السمطین فی فضائل المرتضیٰ و البتول و السبطين علیہ السلام: جوینی خراسانی، ابراہیم بن محمّد بن المؤید، مؤسسہ المحمودی للطباعہ و النشر، بیروت.
96. فرائد فوائد الفکر: مرعی بن یوسف بن ابی بکر، مؤسسہ معارف اسلامی، قم.
97. فردوس الأخبار بمأثور الخطاب: دیلمی ہمدانی (کیا)، ابوشجاع شیرویه بن شہردار بن شیرویه، دار الکتب العلمیہ، بیروت.
98. الفصول المهمّہ فی أصول الأئمّہ: حرّ عاملی، محمّد بن حسن بن علی، مؤسسہ معارف اسلامی امام رضا علیہ السلام، قم، 1418 هـ. ق.
99. فیض القدير شرح الجامع الصغیر: مناوی، محمّد (عبدالرؤف)، دار الکتب العلمیہ، بیروت، 1415 هـ. ق.

100. القول المختصر فى علامات المهدي المنتظر: هيثمى، احمد بن حجر، مكتبه أميرالمؤمنين عليه السلام، نجف اشرف.

(ك ل)

101. الكافي: كلينى رازى، ابوجعفر محمد بن يعقوب، دار الكتب الاسلاميه، تهران، 1365 هـ. ق.

102. الكامل فى ضعفاء الرجال: جرجانى، ابو احمد عبدالله بن عدى، دار الفكر.

103. كتاب سليم بن قيس الكوفى: كوفى هلالى عامرى، سليم بن قيس، انتشارات الهادى، قم، 1415 هـ. ق.

104. كشف الأستار عن زوائد البزار على الكتب الستة: هيثمى، نورالدين على بن ابى بكر، مؤسسه الرساله، بيروت.

105. كشف الأستار عن وجه الغائب عن الأبصار: نورى طبرسى، ميرزا حسين بن محمد تقى، انتشارات نينوا، تهران.

106. كشف الغمّه فى معرفه الأئمه: اربلى، ابوالحسن على بن عيسى بن ابى الفتح، كتابخانه بنى هاشم، تبريز، 1381 هـ. ش.

107. كشف اليقين فى فضائل اميرالمؤمنين عليه السلام: علاّ مه حلى، جمال الدين حسن بن يوسف بن مطهر، مؤسسه چاپ و نشر، 1411 هـ. ق.

108. كفايه الاثر فى النص على الأئمه الاثنى عشر: خزّاز قمى، ابوالقاسم على بن محمد بن على، انتشارات بيدار، قم.

109. كمال الدين و تمام النعمه: شيخ صدوق، ابو جعفر محمد بن على بن بابويه قمى، دار الكتب الاسلاميه، قم، 1395 هـ. ق.

110. كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال: هندى، علاءالدين على متقى بن حسام الدين، مؤسسه الرساله، بيروت.

(م)

111. مجمع البيان فى تفسير القرآن: طبرسى، فضل بن الحسن، مؤسسه الأعلمى للمطبوعات، بيروت، 1415 هـ. ق.

112. مجمع الزوائد و منبع الفوائد: هيثمى، نورالدين على بن ابى بكر، منشورات دار الكتاب العلميه، بيروت، 1988 م.

ص: 341

113. المحاسن: برقي، احمد بن محمد بن خالد، دار الكتب الاسلاميه، قم، 1371 هـ. ق.
114. المحتضر: حلي، عزالدين حسن بن سليمان، منشورات المطبعه الحيدريه، نجف، 1370 هـ. ق، 1951 م.
115. مختصر اثبات الرجعه: نيشابوري، فضل بن شاذان، مجله تراثنا، رقم 15.
116. مختصر بصائر الدرجات: حلي، عزالدين حسن بن سليمان، منشورات المطبعه الحيدريه، النجف، 1370 هـ. ق.
117. مختصر تاريخ دمشق لابن عساكر: ابن منظور، محمد بن مكرم، دار الفكر، دمشق.
118. مدينه المعاجز: بحراني، سيد هاشم بن سليمان، مؤسسه معارف اسلامي، 1413 هـ. ق.
119. المستجد من كتاب الارشاد: حلي، حسن بن مطهر، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشي، قم، 1406 هـ. ق.
120. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: نوري طبرسي، ميرزا حسين بن محمد تقى، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، 1408 هـ. ق.
121. المستدرک على الصحيحين فى الحديث: حاكم نيشابوري، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، دار المعرفه، بيروت، 1406 هـ. ق.
122. مسند الحميدى: حميدى، ابوبكر عبدالله بن زبير، دار الكتب العلميه، بيروت، 1988 م.
123. مسند أبى داود الطيالسى: طيالسى، ابو داود، دار الحديث، بيروت.
124. مسند أبى يعلى الموصلى: تميمى موصلى، احمد بن على بن المثنى، دار المأمون للتراث، دمشق.
125. مسند أبى عوانه: اسفرائينى، يعقوب بن اسحاق، دار المعرفه، بيروت.
126. مسند احمد: احمد بن حنبل، دار الفكر، بيروت.
127. مشارق أنوار اليقين فى اسرار امير المؤمنين عليه السلام: برسى، الحافظ رجب، انتشارات فرهنگ اهل بيت عليهم السلام، تهران.
128. مشكل الآثار: طحاوى، ابو جعفر احمد بن محمد بن سلامه، مجلس دائره المعارف النظاميه، دار صادر، بيروت.
129. مصابيح السنه: فراء بغوى، حسين بن مسعود بن محمد، دار المعرفه، بيروت.
130. مصنف ابن أبى شيبه: عبدالله بن محمد بن ابى شيبه، دار الفكر، بيروت، 1409 هـ. ق.
131. المصنّف: صنعاني، عبدالرزاق بن همام، المكتب الاسلامي، بيروت.
132. معانى الأخبار: صدوق، ابوجعفر محمد بن على بن بابويه قمى، انتشارات جامعه مدرسين، قم، 1361 هـ. ق.

133. المعجم الأوسط: طبراني، سليمان بن احمد بن ايوب، مكتبة المعارف، الرياض.
134. معجم البلدان: حموي رومي، شهاب الدين ياقوت بن عبدالله، دار احياء التراث العربي، بيروت، 1399 هـ. ق.
135. معجم الثقات من جامع الرواه: دستغيب حسيني، سيد علي محمد، انتشارات فلاح، شيراز، 1415 هـ. ق.
136. المعجم الصغير: طبراني، سليمان بن احمد بن ايوب، دار الكتب العلميه بيروت.
137. المعجم الكبير: طبراني، سليمان بن احمد بن ايوب، الدار العربيه، بغداد.
138. مقتضب الاثر: جوهرى، احمد بن عبيدالله بن عياش، كتابخانه طباطبائي، قم.
139. مقدمه ابن خلدون: مغربي، عبدالرحمن بن خلدون، دار الفكر، بيروت.
140. الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر: ابن طاووس، رضی الدين على بن موسى، منشورات مؤسسه الاعلمی، بيروت.
141. الملاحم و الفتن: ابن المنادي، ابو الحسن احمد بن جعفر بن عبيدالله البغدادي، نسخه الكترونيكي.
142. المنار المنيف في الصحيح والضعيف: ابن قيم جوزيه، محمد بن ابى بكر حنبلى دمشقى، مكتب المطبوعات الاسلاميه، حلب.
143. مناقب آل ابى طالب: ابن شهر آشوب، ابو جعفر رشيدالدين محمد بن على، انتشارات علامه، قم، 1379 هـ. ق.
144. مناقب على بن ابى طالب عليه السلام: ابن مغازلى، على بن محمد بن محمد واسطى شافعى، انتشارات اسلاميه، تهران.
145. منتخب الاثر في الامام الثاني عشر عليه السلام: صافى گلپايگاني، لطف الله، كتابخانه صدر، تهران.
146. منتخب الأنوار المضيئه في الحكمه الشرعيه...: نيلى نجفى، على بن عبدالكريم، چاپخانه خيام، قم، 1401 هـ. ق.
147. المنجد في اللغة و الاعلام: جمع من المؤلفين، المطبعه الكاثوليكيه، عاريا (لبنان)، 1982.
148. من لا يحضره الفقيه: صدوق، محمد بن على بن بابويه قمى، انتشارات جامعه مدرسين، قم، 1413 هـ. ق.
149. المهدي الموعود المنتظر عند علماء اهل السنه و الاماميه: عسكري، نجم الدين جعفر بن محمد، دار الزهراء، بيروت.
150. المهذب البارع في شرح المختصر النافع: اسدى حلى، جمال الدين ابوالعباس احمد بن فهد، جامعه مدرسين، قم، 1407 هـ. ق.

151. ميزان الاعتدال في نقد الرجال: ذهبي، عبدالله محمد بن احمد بن عثمان، دار المعرفه، بيروت، 1382 هـ. ق.

(ن و هـ ي)

152. نوارد الأصول في معرفه أحاديث الرسول صلى الله عليه وآله: ترمذى، ابو عبدالله محمد الحكيم، دار صادر، بيروت.

153. النهايه في غريب الحديث و الاثر: ابن اثير، مبارك بن محمد جزرى، مؤسسه اسماعيليان، قم، 1364 هـ. ق.

154. نهايه البدايه و النهايه في الفتن و الملاحم: ابن كثير، اسماعيل بن عمر، مكتبه النصر الحديثه، الرياض.

155. وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعه: عاملى، محمد بن الحسن الحرّ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، 1409 هـ. ق.

156. الهدايه الكبرى: خصيبى، ابو عبدالله حسين بن حمدان، مؤسسه البلاغ، بيروت، 1991 م.

157. ينابيع الموده: قندوزى حنفى، سليمان بن ابراهيم، انتشارات اسوه، قم، 1416 هـ. ق.

ص: 344

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

